



مناسک عشره مفرده

مطابق با فتوای

حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمته الله

با حواشی

مراجع معظم تقلید

فهرست مطالب

۷	دیباچه
۹	مقدمه
۱۱	عمره مفرده
۱۹	اعمال عمره مفرده
۲۱	احرام
۲۱	■ محلّ احرام
۴۲	■ استفتائات میقات
۴۸	■ واجبات احرام
۴۸	■ نیت
۵۱	■ تَلْبِیْه
۵۶	■ پوشیدن لباس احرام
۶۷	■ استفتائات احرام
۷۰	■ مستحبات احرام
۷۳	■ مکروهات احرام
۷۵	■ مُحَرَّمات احرام
۱۴۸	■ استفتائات مُحَرَّمات احرام

- ۱۶۲ مستحبات دخول حرم
- ۱۶۳ مستحبات دخول مکه معظمه
- ۱۶۳ آداب دخول مسجدالحرام

۱۶۷ طواف

- ۱۷۱ واجبات طواف
- ۲۳۰ استفتائات طواف
- ۲۷۴ آداب و مستحبات طواف

۲۷۷ نماز طواف

- ۲۸۸ استفتائات نماز طواف
- ۲۹۷ مستحبات نماز طواف

۲۹۹ سعی

- ۳۱۰ استفتائات سعی
- ۳۲۲ مستحبات سعی

۳۲۷ تقصیر یا حلق

- ۳۲۹ استفتائات تقصیر

۳۳۳ طواف نساء و نماز آن

- ۳۳۵ استفتائات طواف نساء

۳۳۹ محصور و مصدود

۳۴۹ طواف وداع

۳۵۱ مسائل متفرقه

- ۳۶۰ استفتائات مسائل متفرقه

دیباچه

در شرع مقدس، عمره مفرده مانند دیگر آموزه‌های دینی مشتمل بر احکام و شرایط خاصی است. این احکام که از آن به مناسک عمره مفرده یاد می‌شود دارای گستردگی و دقت‌های زیادی است و تفاوت نظرات دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید در مسائل آن، اهمیت یادگیری دقیق مناسک را دو چندان می‌سازد.

در این راستا گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت بر آن شد تا احکام مربوط به عمره مفرده را تحت عنوان «مناسک عمره مفرده» تدوین و منتشر نموده و در اختیار روحانیون محترم کاروان‌های عمره و زوار بیت الله الحرام قرار دهد.

کتاب پیش رو در بردارنده فتاوی‌ای امام خمینی رحمته الله علیه در باب مناسک عمره مفرده است و در حاشیه مسائل، فتاوی‌ای مراجع عظام تقلید، آیات عظام، بهجت، تبریزی، جوادی آملی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، سیستانی، شبیری زنجانی، صافی، فاضل لنکرانی، گلپایگانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی ذکر شده و اسامی آیات عظام، در فتاوی‌ای مشترک به ترتیب

الفبا، تنظیم شده است.

امید است این تلاش، مورد پذیرش خداوند متعال و مشمول رضایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه قرار گیرد. از حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین فلاح زاده که در تدوین این اثر قبول زحمت کردند و همچنین از همکاری دفاتر مراجع معظم تقلید و استاد منصور مظاهری که تهیه و تنظیم مناسک محشی ۱۴۰۳ و مقابله این اثر را برعهده داشتند تشکر و قدردانی به عمل می آید. توفیقات همگان را از خداوند متعال خواستاریم.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده حج و زیارت

مقدمه

از نیازهای مهم و جدی روحانیان محترم کاروان‌های عمره و حج، آگاهی از مسائل و فروع مناسک و نیز اختلاف فتاوی مراجع عظام تقلید است و از آنجا که زائران بیت الله الحرام، از مراجع مختلف تقلید می‌کنند، بر روحانی کاروان است که با آرای فقهی مراجع معظم آشنا شده، زائران را به آن راهنمایی کنند تا بتوانند اعمال عمره و حج را به طور صحیح و بدون اضطراب و دغدغه خاطر به جا آورند.

برای پاسخ‌گویی به این نیاز، چندین سال پیش فتاوی سایر مراجع نیز بر مناسک امام خمینی علیه السلام افزوده شد و با حواشی مراجع معظم تقلید گذشته و حال، منتشر گردید. این مناسک نیاز فقهی روحانیان را در حد زیادی پاسخ گفت و مورد استقبال آن عزیزان قرار گرفت.

به دنبال این اقدام، در مورد اصلاح ساختار مناسک عمره مفرد نیز این احساس پدید آمد و ما را بر آن داشت تا با انتخاب مسائل عمره و بازنگری جدید، این مهم را به انجام رسانیم که به لطف خداوند این کار نیز سامان یافت و آماده چاپ گردید.

اکنون یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. متن این نوشته برگرفته از مناسک حج حضرت امام خمینی علیه السلام و مطابق با فتاویٰ معظم له است که به جهت حفظ امانت، تغییری در مسائل و حتی عبارت ها داده نشده، جز حذف مواردی که مربوط به حج بوده یا تغییراتی که احکام عمره، آن را اقتضا می کرد.
 ۲. برای اطمینان بیشتر و امکان مراجعه به مأخذ و منبع اصلی، شماره مسائل مناسک محشی نیز در پایان هر مسأله آورده شده است.
 ۳. نظر مراجع معظم تقلید که در پاورقی آمده، برگرفته از مناسک حج محشی است.
 ۴. مراجعی که حاشیه آنان در پاورقی نیامده، به این دلیل است که نظر ایشان با آنچه در متن آمده موافق است.
 ۵. از آنجا که مجموعه حاضر اولین مناسک محشای عمره است، لذا برای کمال بخشیدن به آن پذیرای نظرات و پیشنهادهای شما عزیزان هستیم.
 ۶. هرچند این مناسک بارها به چاپ رسیده، لیکن با توجه به تغییراتی که در بعضی فتاویٰ مراجع تقلید پیش آمده و نیز نظرات اصلاحی و تکمیلی روحانیان معظم به دستمان رسیده، بار دیگر این مناسک مورد بازخوانی و تصحیح قرار گرفت که به شکل حاضر تقدیم می شود.
- ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم
 تابستان ۱۴۰۲ هـ. ش
 محمد حسین فلاح زاده

عمره مفرده

[۱] م - اشخاصی که منزل آنها از مکه شانزده فرسنگ^(۱) شرعی دور باشد اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست. مثل اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورند.^(۲) (مناسک محشی، م ۱۷۹)

[۲] م - واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود^(۳) و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت

۱. آیه الله سبحانی: محل زندگی آنها از ابتدای مکه جدید حداقل ۱۶ فرسنگ شرعی باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: از مسجدالحرام ۱۶ فرسخ دور باشد.

۲. آیه الله زنجانی: مخصوصاً بر کسی که استطاعت عمره مفرده را از وطن خود داشته باشد.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

۳. آیه الله زنجانی: ورود به مکه یا حرم بدون احرام جایز نیست و کسی که قصد ورود مکه یا حرم را دارد نباید بدون احرام از مواقیت یا نزدیکی آنها عبور کند و برای احرام.... ←

حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است.^(۱)

آیه الله جوادى: ورود به مکه بدون احرام، جایز نیست؛ مگر مواردی که استثنا شده است که چنین‌اند: ۱. کسانی که به مقتضای شغلشان، زیاد وارد مکه شده و از آن خارج می‌شوند. ۲. افرادی که در ماه هلالی، عمره مفرده یا تمتع یا حج انجام داده‌اند و از مکه خارج شده و در همان ماه هلالی به مکه وارد می‌شوند. این دو گروه لازم نیست دوباره محرم شوند.

آیه الله سیستانی: ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می‌تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت احوط آن است که با احرام برای عمره وارد مکه شود اگر چه خروج در ماهی و ورود در اوّل ماه دیگر باشد و همچنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه.

آیه الله خامنه‌ای: همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شده‌اند و می‌خواهند در همان ماه ادای حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند، احرام و عمره مجدد واجب نیست.

آیه الله زنجانی: همچنین کسانی که پس از اعمال عمره مفرده یا حج از مکه خارج شده بدون فاصله سی روز از احرام قبلی باز می‌گردند و نیز در مورد مریضی که احرام و مناسک برای او مشقت دارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه باز گردند.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: کسانی که پس از عمره مفرده از مکه خارج شده و سپس در همان ماه داخل می‌شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست و همچنین کسانی که بعد از حج از مکه خارج شده و در همان ماه قمری که عمره تمتع را انجام داده‌اند به مکه مراجعت می‌کنند

(مناسک محشی، م ۱۷۲)

[۳] م - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه به قصد رجاء به جا آورده شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۷۳)

→ **آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری:** همچنین در مورد کسانی که در همان ماه که عمره را به جا آورده اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل می شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** فاصله بین دو عمره لازم نیست بنا بر اظهر، اگرچه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد، بلکه احد الفصلین احوط است و چنانچه بخواهد یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به جا آورد، فاصله یک ماه لازم نیست و همچنین است اگر هر دو عمره برای دیگری باشد.

آیه الله جوادی: می توان، قبل از عمره تمتع یا بعد از حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد و میان این دو عمره، فاصله معتبر نیست.

آیه الله خامنه ای: تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، و بین دو عمره وجود فاصله معین شرط نیست. ولی بنا بر احتیاط واجب در هر ماه قمری فقط یک عمره برای خود می تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصله مذکور شرط نیست. بنابراین اگر عمره دوم را به نیابت از دیگری انجام دهد، جایز است نایب در برابر آن اجرت بگیرد و از عمره مفرده منوب عنه هر چند واجب باشد، کفایت می کند.

آیات عظام خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: (با اختلاف در تعبیر): فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می توان یک عمره انجام داد؛ مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسئله خواهد آمد.

[۴] س - اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد فرموده اید باید عمره

دوم را به قصد رجاء به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از

→ **آیه الله زنجانى:** رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست، ولو هر دو برای یک نفر باشد، ولی انجام عمره مفرده در ایام تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذی حجه) مشروع نیست و نباید بین عمره و حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد و اگر انجام دهد هرچند صحت آن عمره مفرده خالی از اشکال نیست ولی عمره تمتع را باطل می کند و لذا اگر انجام داده باید از حرم خارج گردد (هرچند نباید از مکه خارج شود لذا می تواند به تعیم برود) و رجائاً به عمره تمتع محرم شده، اعمال آن را رجائاً به جا آورد و کفایت می کند.

آیه الله سبحانى: فاصله میان دو عمره به صورت یک ماه و یا ده روز مستحب است و شخص می تواند بدون رعایت این فاصله برای خود و یا دیگران کراً عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست، بلکه می توان در یک روز چندین عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله نوری: می تواند هر روز یک عمره به جا آورد.

فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرده:

اما در فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرد، نظر آیات **عظام** چنین است:

آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی، زنجانى، سبحانى، فاضل، گلپایگانی، نوری: کسی که می خواهد حج تمتع به جا آورد، می تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.

آیه الله سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده، اگر به نیت یک شخص باشد اشکال است و احتیاط نباید از جهت ماه قمری ترک شود.

آیه الله صافی: اگر هر دو را برای خود و یا برای دیگری مکرراً انجام می دهد، در عمره مفرده قصد رجا نماید.

آیه الله مکارم: در یک ماه قمری اشکال دارد و به قصد رجا انجام شود.

خود شخص و بین دو عمره مفرده ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج - فرق نمی‌کند. (۱) (مناسک محشی، م ۱۸۶)

[۵] س - اینکه حضرت عالی فرموده اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمره دوم رجاءاً قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل؟

ج - میزان یک ماه است، و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند. (۲) (مناسک محشی، م ۱۸۷)

[۶] س - اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجاء انجام دهد چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر، و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - لازم است احتیاط مراعات شود، و چنانچه با تذکر به اجیر کننده اجرت بگیرد اشکال ندارد. (۳) (مناسک محشی، م ۱۸۸)

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: در یک ماه قمری نمی‌تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره، یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است. نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۳ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳ گذشت.

۳. آیه الله تبریزی: نیابت مانعی ندارد و نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد و کفایت از منوب عنه می‌کند.



آیه الله خامنه‌ای: نظر معظم له در ذیل مسئله ۳ گذشت.

[۷] س - انجام عمره مفرده در ماه‌های حج پیش از عمره تمتع جایز است

یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صُرُورِه و غیر صُرُورِه هست یا نه؟

ج - مانع ندارد، و فرق نمی‌کند. ^(۱) (مناسک محشی، م ۱۹۱)

[۸] س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج - باید مبادرت نماید عرفاً علی‌الاحوط و تأخیر نشود. ^(۲) (مناسک محشی، م ۱۹۲)

→ آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست.

آیه الله سبحانی: با قصد جدی انجام دهد چون که فاصله معتبر نیست و در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد و کفایت می‌کند و چنانچه در زمان اجاره مبلغی تعیین شده باشد مستحق اجرت می‌باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اجرت گرفتن مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: کفایت از منوب عنه می‌کند و اجرت گرفتن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: و کفایت کردن آن محل اشکال است.

۱. آیه الله سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد.

۲. آیه الله تبریزی: گرچه اقوی عدم وجوب مبادرت است.

آیه الله زنجانی: اهالی مکه و حوالی آن که وظیفه آنها حج افراد است، هرگاه استطاعت عمره مفرده پیدا کردند باید بدون تأخیر عمره مفرده به جا آورند، قبل از حج باشد یا بعد از آن و گذشتن ایام تشریق و کسانی که از مکه دور هستند و به جهتی مثل حیض یا ضیق وقت، وظیفه آنها تبدیل به حج افراد شده است و همچنین کسانی که پس از احرام عمره تمتع، عمره آنها به حج افراد تبدیل شده است، بعد از انجام حج و گذشتن روز سیزدهم باید عمره مفرده به جا آورند - هرچند عمره تمتع آنها استحبابی باشد - و بهتر است عمره مفرده را در اوائل ←

[۹] س - همچنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع ولو با کمتر از فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می فرمایید، یا باید رجاء انجام شود؟

ج - به قصد رجاء انجام شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۹۴)

[۱۰] س - کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را به جا آورد کافی و مجزی است یا نه؟

ج - احوط^(۲) آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر

→ محرم به جا آورند. و کسانی که بعد از حج افراد مستحبی می خواهند عمره مفرده انجام دهند بعد از گذشتن ایام تشریق می توانند عمره مفرده به جا آورند و تأخیر آن جایز است بلکه اصل به جا آوردن آن واجب نیست و در هر حال انجام عمره مفرده در ایام تشریق (روز یازدهم تا سیزدهم ذی حجه) مشروع نیست.

آیه الله سبحانی: باید فوراً عمره مفرده را بعد از حج انجام دهد ولی اگر تأخیر انداخت در ماه های دیگر می تواند انجام دهد.

آیه الله سیستانی: وجوب آن فوری است، مانند وجوب حج.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳ گذشت.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی: احتیاط مستحب آن است...

آیه الله زنجانی: و در مورد جواز تأخیر به ذیل مسئله ۸ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: تا عمره مفرده را انجام نداده نمی تواند برای حج و عمره دیگری محرم شود.

آیه الله سیستانی: وجوب آن فوری است ولی اگر تأخیر انداخت مجزی است.

← آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده اند.

مُحَرَّم نشود هرچند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند.^(۱)

(مناسک محشی، م ۱۹۷)

→ آیه الله مکارم: باید توجه داشت که عمره مفرده واجب را در هر ماه از سال می توان انجام داد ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است باید تأخیر نیندازد و احوط آن است که ...

۱. آیه الله سبحانی: تا انجام نداده، نمی تواند برای حج یا عمره دیگر محرم شود.

اعمال عمره مفرده

[۱۱] م - اعمال عمره مفرده عبارت است از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، حلق یا تقصیر، طواف نساء و نماز طواف نساء که تفصیل هریک در مسائل آینده خواهد آمد.

احرام

محلّ احرام

[۱۲] م - محلّ احرام برای عمره، ادنیّ الحل است^(۱) و جایز است از یکی

از مواقیت پنجگانه محرم شود که عبارت است از:

اول - مسجد شجره است که آن را ذوالحلیفه می‌نامند^(۲) و آن میقات

کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند. (مناسک محشی، م ۱۷۶،

بند سوم و م ۲۰۰)

[۱۳] م - جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر

بیندازد تا میقات اهل شام^(۳). (مناسک محشی، م ۲۰۱)

۱. برای کسانی که در مکه هستند.

۲. آیه الله خامنه‌ای: مسجد شجره در منطقه ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره واقع شده است.

۳. آیه الله بهجت: جواز احرام با این فرض از مسجد شجره و انجام دادن کار ضروری و سپس کفاره دادن محل تأمل است؛ پس احتیاط ترک نشود.

آیه الله جوادی: تأخیر احرام تا میقات اهل شام (جحفه)، جایز است.

[۱۴] م - احتیاط واجب^(۱) آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود

نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد. (مناسک محشی، م ۲۰۲)

[۱۵] م - شخص جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد محرم

شوند^(۲)، و نباید در مسجد توقف کنند. (مناسک محشی، م ۲۰۳)

۱. آیه الله بهجت: جایز نیست در بیرون مسجد به طوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و اختیاراً باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاطاً از مسجد قدیمی شجره باشد.

آیه الله تبریزی: جایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و احوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.

آیه الله جوادی، آیه الله خویی: احرام از منطقه ذوالحلیفه، مانعی ندارد. آیه الله خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره کفایت نمی‌کند و واجب است داخل مسجد مُحرم شوند.

آیه الله زنجانی: کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید در مسجد شجره - هر چند قسمت‌های جدید آن باشد - نیت احرام را انشاء کند؛ یعنی از قلب خود بگذراند که «خود را - مثلاً - به عمره تمتع، محرم قرار می‌دهم» ولی مکان تبلیه واجب، منطقه ذوالحلیفه است، پس اگر داخل مسجد نیت کرد ولی تبلیه واجب را خارج مسجد هم بگوید کفایت می‌کند.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد کفایت می‌کند، هر چند از داخل مسجد مستحب است.

۲. آیه الله تبریزی: شخص جنب و حائض در خارج مسجد محرم می‌شود و تجدید تبلیه در جُحفه لزومی ندارد و نیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیه الله خویی: این مسئله و دو مسئله بعد، مبنی بر لزوم احتیاط است و در مسئله قبل گفته شد که احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

آیه الله سبحانی: فرد جنب نمی‌تواند داخل مسجد بشود و باید از بیرون مسجد ←

[۱۶] م- اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۰۴)

[۱۷] م- اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۰۵)

→ سمت راست یا چپ آن محرم شود و اگر بخواهد داخل مسجد محرم شود باید حالت عبوری داشته باشد و لبیک را در حال عبور بگوید و اگر درب دوم بسته باشد احتیاط آن است که بیرون مسجد محرم شود.

آیه الله سیستانی: برای حائض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است. آیه الله مکارم: می توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند. ۱. تفصیل نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۴ و ۱۵ گذشت.

آیه الله فاضل: و همچنین است حائض و نفساء که پاک شده اند.

آیه الله نوری: و چنین است حائض که از حیض پاک شده است.

۲. آیه الله بهجت: اگر نتواند وارد مسجد شود در خارج مسجد محاذی آن محرم می شود و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام می کند بنا بر احتیاط.

آیه الله خامنه ای: زنی که دارای عذر است، می تواند در حال عبور از مسجد مُحرم شود، به شرطی که مستلزم توقف در مسجد نباشد. ولی اگر مستلزم توقف در مسجد هر چند بر اثر ازدحام و مانند آن باشد و نتواند احرام را تا برطرف شدن عذر به تأخیر بیندازد، باید از جحفه یا محاذات آن مُحرم شود. و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات مُحرم شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفه ندارد. و همین طور است حکم زنی که در حال نفاس باشد.

دوم - وادی عقیق است که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۰۵)
سوم - قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.^(۲)

چهارم - یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.^(۳)

پنجم - جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند.^(۴)

→ آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: می‌تواند در کنار مسجد محرم شود و تجدید احرام لازم نیست.

آیه الله نوری: اگر به واسطه زیادی جمعیت، از عبور از مسجد هم عاجز باشد، احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.

۱. آیه الله خامنه‌ای: و احرام بستن از همه قسمت‌های آن صحیح است.

آیه الله سبحانی: وادی عقیق وسیع‌ترین میقات در میان مواقیت پنج‌گانه است که در ۱۸۰ کیلومتری مکه قرار دارد و احتیاط واجب آن است که از نقطه مسلخ تا نقطه غمره محرم شوند.

۲. آیه الله خامنه‌ای: و مُحرم شدن از قَرْنِ الْمَنَازِل خواه از داخل مسجد باشد یا خارج آن در سایر مواضع قَرْنِ الْمَنَازِل کافی است.

۳. آیه الله خامنه‌ای: و احرام بستن از همه قسمت‌های آن صحیح است.

آیه الله سبحانی: یلملم ۱۰۰ کیلومتر با مکه فاصله دارد.

۴. آیه الله بهجت: اهل مدینه می‌توانند از جحفه اختیاراً محرم شوند.

آیه الله خامنه‌ای: و احرام بستن از داخل مسجد و یا سایر مواضع جُحفه صحیح است.

آیه الله سبحانی: و نیز میقات کسانی است که به هر علتی در مسجد شجره محرم ←

[۱۸] p- اگر بینه شرعیه قائم شد یعنی دو شاهد عادل^(۱) شهادت دادند^(۲) که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست،^(۳) و اگر علم و بینه^(۴) ممکن نشود می تواند اکتفا کند به ظن حاصل^(۵) از پرسیدن

→ نشده اند و همین طور کسانی که از طریق دریا عازم حج شده و پس از بستن احرام در آنجا عازم بندر جده می شوند.

آیه الله سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده اند هرچند بدون عذر.

۱. آیه الله سبحانی: یک شاهد عادل و اگر شاهد عادل در کار نباشد باید از اهل محل پرسید و در صورت اطمینان به آن اعتماد کرد ولی امروزه مواقیت پنج گانه به وسیله تابلوهایی معین شده و طبعاً مفید اطمینان است.

آیه الله سیستانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد.

آیه الله مکارم: رسیدن به میقات با حداقل شهادت یک نفر عادل نیز ثابت می شود، ولی در زمان ما میقات ها مشخص است و احتیاجی به این امور نیست.

۲. آیه الله خامنه ای: یا شهرتی که موجب اطمینان است قائم شد.

۳. آیه الله بهجت: احوط و اقوی لزوم تحصیل علم است به این اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید نیست اکتفا به ظن حاصل از پرسیدن اهل معرفت به این اماکن.

آیه الله زنجانی: بلکه برای میقات گواهی کسی که خبر او برای شخص حاجی یا نوع مردم اطمینان آور است و همچنین گواهی اهل محل - ولو اطمینان بخش نباشد - کافی است.

۴. آیه الله خامنه ای: یا شهرت موجب اطمینان.

۵. آیه الله تبریزی: بر مکلف واجب است یقین یا اطمینان به رسیدن به میقات پیدا

نموده و احرام ببندد و یا حجت شرعیه داشته باشد و افرادی که آنجا زندگی می کنند، گفته آنها حجت شرعیه محسوب می شود، بلکه شهادت یک نفر ثقة

← کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از عرف محل است.

از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها می‌باشند. (مناسک محشی، م ۲۰۶)
 [۱۹] م- هرگاه از راهی برود که به هیچ‌یک از میقات‌ها عبورش نیفتد باید
 از محاذات میقات احرام ببندد.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۰۷)

→ آیه الله خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست، بلی اگر ثقه
 خبره از محل خبر بدهد کافی است.

آیه الله سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعیه لازم است.

آیه الله فاضل: تحصیل اطمینان لازم است.

۱. آیه الله بهجت: باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود.

آیه الله جوادی: اگر قاصد مکه از راهی برود که به هیچ‌یک از میقات‌ها عبورش
 نیفتد، باید از محاذات میقات، احرام ببندد. اگر مکان محاذات معلوم نباشد،
 باید از اهل اطلاع و مورد وثوق پرسیده شود، و قول مجتهدی که اهل اطلاع به آن
 مکان‌ها نیست، اعتبار ندارد.

آیه الله خویی: کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم
 حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش مایل از
 مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش خواهد
 بود و از همان جا احرام می‌بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام
 بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است.

آیه الله زنجانی: کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید از مسجد شجره محرم
 شود، البته اگر از غیر راه متعارف، عازم مکه باشد باید پس از آنکه به مقدار فاصله
 مسجد شجره از مدینه قدیم (حدود ده کیلومتر) دور شد محرم شود و کسانی که از
 غیر مدینه، عازم مکه هستند چنانچه از یکی از مواقیت یا حوالی نزدیک آن می‌گذرند
 باید از میقات محرم شوند و محاذات میقات کفایت نمی‌کند و نذر، مجوز احرام
 بستن در غیر میقات نیست و اگر از مواقیت و حوالی آنها عبور نمی‌کنند، هر کجای
 خارج حرم محرم شوند صحیح است و در این صورت احرام از محاذات میقات،
 مطابق احتیاط استحبابی است و در این مسئله فرقی بین عمره مفرده و تمتع و حج ←

[۲۰] م - کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب^(۱) آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند. (مناسک محشی، م ۲۰۹)

[۲۱] م - شخصی که می‌خواهد از محاذی میقات محرم شود اگر محاذات را نداند^(۲) باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد^(۳)، و قول مجتهد که اهل

→ افراد نیست. و اگر بدون رفتن به میقات مستقیم به مکه می‌روند می‌توانند از جدّه محرم شوند، بلکه هر کجا، خارج حرم - مثل حدیبیه - محرم شوند صحیح است.

آیه الله سبحانی: هرگاه از راهی برود که هرگز از میقات عبور نمی‌کند مانند کسی که از ایران و غیره وارد جدّه می‌شود، می‌تواند به دو صورت محرم شود: الف) به مدینه منوره برود و از مسجد شجره محرم شود و یا به جحفه برود و از آنجا محرم شود. ب) به حدیبیه برود چه از راه قدیم و چه از راه جدید و در آنجا محرم شود و اصلاً کسی که از یکی از مواقیت عبور نمی‌کند، رفتن او به میقات واجب نیست و می‌تواند به یکی از دو گونه اخیر محرم شود.

۱. آیه الله خویی: اگر فاصله زیاد باشد، ظاهراً نذر لازم است و اگر فاصله کم باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نذر کند یا اینکه به یکی از مواقیت برود.

آیه الله زنجانی: کسی که از مواقیت و نزدیکی آنها نمی‌گذرد هر کجا خارج حرم، محرم شود، صحیح است هرچند قبل از محاذات مواقیت باشد و نیازی به نذر نیست، البته اگر نذر کند که قبل از حرم از مکان معینی، مثلاً جدّه، محرم شود باید به نذر خود عمل کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض مسئله استحباب نذر نشده‌اند.

۲. آیه الله بهجت: اگر علم به محاذات ممکن نباشد، ظاهراً کفایت مظنه است در صورتی که موجب اطمینان یا حاصل از سؤال اهل آن محل باشد علی‌الأحوط.

۳. آیه الله سیستانی: اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه‌ای را تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محل محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است نه دقت عقلی.

اطلاع به آن مکان‌ها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد^(۱) قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود^(۲)، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.^(۳) (مناسک محشی، م ۲۱۱)

[۲۲] م - مراد از محاذات آن است که کسی که می‌رود به طرف مکه به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست^(۴) به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود. (مناسک محشی، م ۲۱۳)

[۲۳] م - محاذات ثابت می‌شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود اگر گمان حاصل شد^(۵) از قول کسانی که مطلع به آن

۱. آیه الله بهجت: اگر در طریق او محاذات علمیه یا ظنیه نباشد احوط رفتن به سوی میقاتی یا محاذات آن است و محتمل است جواز احرام از اول احتمال و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیت به مکه.

۲. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط.

۳. آیه الله جوادی: اگر کسی نتواند محاذات را بفهمد، پیش از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است، با نذر محرم شود.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۹ و ۲۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۷ و ۱۹ مراجعه شود.

۴. آیه الله سبحانی: و این یک امر عرفی است که هرگاه بگویند این نقطه عبور شما محاذی با فلان میقات است، کافی است.

۵. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۲۱ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: یا شهرتی که موجب اطمینان شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۸ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.

مکان‌ها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اگر گمان حاصل شد ظاهراً کافی است.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۱۴)

۲۴] ۵- جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است^(۲)، و باید از همان جا محرم شود. مثلاً

۱. آیه الله تبریزی: محاذات با میقات، به علم و اطمینان ثابت می‌شود و نیز به گفته کسانی که به آن مکان‌ها رفت و آمد می‌کنند، اما گفته کسی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کند، اعتباری ندارد.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۹ و ۲۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: به ذیل مسئله ۱۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: معیار در تشخیص محاذات، در ذیل مسئله ۲۱ گذشت و باید علم یا اطمینان یا حجت شرعی بر آن قائم باشد.

۲. آیه الله جوادی: نذر احرام پیش از میقات، برای نایب نیز جایز است.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: نذری که سبب می‌شود محرم ناچار گردد با وسیله سرپوشیده سفر کند باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرم می‌شود؛ مانند استظلال، انعقاد نذر مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است، بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است. ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند و در هر دو صورت کفارہ استظلال را باید بدهد.

اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۱۷)

[۲۵] م - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً^(۲)، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند^(۳)، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد. (مناسک محشی، م ۲۱۸)

۱. آیه الله بهجت: نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می تواند از راهی به مکه برود که بر میقات نگذرد.

آیه الله جوادی: اگر نذر کند از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد، جایز است و باید از همان جا محرم شود.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۹ و ۲۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: و دیگر تجدید احرام در میقات لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند.

آیه الله فاضل: تجدید احرام لازم نیست.

۲. آیه الله زنجانی: بر کسی که عازم مکه یا حرم است گذشتن از مواقیت پنج گانه و نزدیک آنها بدون احرام، اختیاراً جایز نیست و گذشتن از محاذات دور مانعی ندارد؛ ولی برای ورود مکه یا حرم باید قبل از حرم، احرام ببندد.

۳. آیه الله بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً.

آیه الله جوادی: بلکه تأخیر از محاذات میقات نیز، بدون احرام جایز نیست، اگرچه میقات دیگری پس از آن باشد.

[۲۶] م - اگر از میقات بدون احرام^(۱) عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود^(۲)، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب^(۳) برگردد به میقاتی که

→ آیه الله خامنه‌ای: هرگاه فردی از راهی برود که به هیچ یک از میقات‌ها عبورش نیفتد و به مکانی برسد که محاذی یکی از میقات‌ها است، باید از محاذات میقات محرم شود.

آیه الله خویی: به ذیل مسئله ۲۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: چنان که عبور از محاذات میقات هم بدون احرام حرام می باشد ولی اگر این حرام را مرتکب شد و از میقات دوم احرام بست، حج او صحیح است. آیه الله سیستانی: و احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد، مگر با احرام، اگرچه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه واجب است.

آیه الله فاضل: این احتیاط مستحب است.

۱. آیه الله بهجت: در حال اختیار.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: و بدون عذر.

۲. آیه الله زنجانی: چنانچه بدون عذر از میقات گذشته باید به یکی از موافقت پنج‌گانه رفته و از آنجا محرم شود و الا احرام و عمره او باطل است و نباید وارد حرم یا مکه شود و چنانچه با عذر عبور کرده به مسئله ۲۷ و ذیل آن مراجعه شود.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: در صورت امکان باید برگردد.

آیه الله جوادی: اگر کسی بدون احرام از میقات عبور کند، واجب است در صورت امکان به همان میقاتی که از آن گذشته برگردد و محرم شود؛ حتی اگر میقات دیگری هم بعد از آن باشد.

← آیه الله خامنه‌ای: واجب است.

از آن گذشته و محرم شود. (مناسک محشی، م ۲۱۹)

[۲۷] م - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر^(۱)

بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد^(۲)، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست^(۳) به نحوی که گفته شد، پس

→ آیه الله سیستانی: و هرگاه بدون احرام، از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنا بر اظهر، برایش کافی است که از جحفه احرام ببندد، اگرچه گناهکار است.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

۱. آیه الله بهجت: عذری که مسوِّغ ترک باشد ولو ظاهراً؛ از قبیل مرض و جهل به موضوع، بدون تقصیر، و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد (و این در مسئله بعدی نافع است).

۲. آیه الله زنجان: و از همان میقات احرام ببندد و اگر نمی‌تواند به همان میقات برگردد چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از آن میقات محرم می‌شود - و در هر دو صورت اگر از یکی دیگر از مواقیت پنج‌گانه احرام ببندد صحیح است - و الاً از هر جا که هست محرم می‌گردد مگر داخل حرم شده باشد که در صورت امکان باید برای احرام از حرم خارج شود.

آیه الله سیستانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می‌تواند از جحفه محرم شود، گرچه گناه کرده است. آیه الله مکارم: می‌تواند از همان جا محرم شود.

۳. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کند، از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست، به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچ‌یک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود. ←

اگر داخل حرم نشده از همان جا احرام ببندد، و احتیاط مستحب^(۱) آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد از حرم خارج شود^(۲) و محرم گردد، و اگر نمی‌تواند بنحوی که گفته شد همان جا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود. (مناسک محشی، م ۲۱۵)

[۲۸] م - کسانی که با هواپیما به جده می‌روند نمی‌توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند^(۳) بلکه باید به یکی از مواقیت مثل

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب، به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.
آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب آن است که چند قدم به سمت میقات برود و از آنجا احرام ببندد.

۲. آیه الله بهجت: و احتیاط به دور شدن از حرم، به مقدار عدم فوت حج ترک نشود.
آیه الله سبحانی: واجب است از حرم خارج شود و از مرز حرم محرم شود و اگر به خاطر تنگی وقت یا عدم امکان نتواند از حرم خارج شود، لازم است به مقداری که می‌تواند، عقب برود، هر چند به مرز حرم نرسد و از آنجا احرام ببندد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود و الا از ادنی الحل محرم شود و در صورت عدم تمکن از رفتن به ادنی الحل در مکه محرم شود.

آیه الله مکارم: هر چند به تنعیم رود.

۳. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۹ مراجعه شود.

جحفه^(۱) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است^(۲) برای کسانی که در مکه هستند.^(۳) (مناسک محشی، م ۲۲۲)

۱. آیه الله بهجت: احوط در مورد کسی که از جده به مکه می رود این است که از محاذی میقاتی که اقرب به وی است احرام ببندد. کسانی که با هواپیما به جده می روند، در صورتی که رفتن به جحفه یا میقات دیگر همراه با مشقت و دشواری باشد می توانند با نذر در جده محرم شوند و کفایت می کند.
آیه الله سیستانی: می تواند از جده با نذر محرم شود؛ زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

۲. آیه الله سبحانی: و همچنین میقات عمره تمتع است برای کسی که به هیچ یک از مواقیت عبور نمی کند.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است، می تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود.
آیه الله زنجانی: کسانی که در مکه هستند برای احرام لازم نیست به مواقیت بروند، بلکه از هر نقطه خارج حرم محرم شوند صحیح است.

آیه الله سبحانی: کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند اگر در مسیرشان میقات و یا محاذات آن نیست، می توانند از مرز حرم که در اصطلاح فقها ادنی الحل نام دارد احرام ببندند. مرزهای حرم به وسیله تابلوهایی مشخص شده و نزدیک ترین و آسان ترین نقطه برای زائران تنعیم و حدیبیه است.

آیه الله سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می خواهد وارد حرم شود همان میقات های معروف است، ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می تواند از ادنی الحل محرم شود.

[۲۹] م - کسانی که میقات^(۱) برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله‌دار که می‌گوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۲۳)

[۳۰] م - در صورتی که ثابت نیست که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.^(۳) (مناسک محشی، م ۲۲۴)

[۳۱] م - میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمره تمتع

→ آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است.

آیه الله مکارم: برای عمره مفرده می‌توانند از حدیبیه یا محاذی آن در جاده جدید محرم شوند.

۱. آیه الله خامنه‌ای: یا محاذات آن.

۲. آیه الله تبریزی: آیه الله خویی: و یا اینکه آنها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله مکارم: ظن حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است.

آیه الله زنجانی: مگر آنکه گفته او برای شخص حاجی یا نوع حجاج، اطمینان آور باشد؛ و در هر حال، گفته اهل محل، معتبر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ظن از این طریق هم ممکن نشود در اولین نقطه‌ای که احتمال محاذات با یکی از مواقیت را می‌دهد رجائاً محرم شود و تبلیه بگوید و بعد در هر جا که احتمال محاذات می‌دهد تجدید نیت کند و تبلیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات به میقات احرام بسته است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۸ گذشت.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رابع با نذر صحیح است به اعتبار اینکه رابع قبل از جحفه است.

آیه الله زنجانی: مگر برای کسی که از مواقیت پنج‌گانه و نزدیکی آنها عبور نمی‌کند.

و عمره مفرده^(۱) همان مواقیت معروفه است، و نمی‌توانند از جده یا ادنی الحل مُحرم شوند، و اگر از روی جهل^(۲) به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود چنانچه در صورت علم و عمد هم حُکم همین است هرچند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیده‌اند عمل آنان صحیح است.^(۳) (مناسک محشی، م ۲۲۸)

۱. آیه الله خویی: اگر حدود سه سال در جده می‌ماند که صدق مقرّ و منزل بر آن بکند، می‌تواند از جده محرم شود.

آیه الله زنجانی: اگر بدون رفتن به مواقیت به مکه می‌روند می‌توانند در جده یا هر نقطه از خارج حرم - مانند حدیبیه - محرم شوند و فرقی بین عمره مفرده و تمتع نیست.

آیه الله سبحانی: کسانی که در جده شاغل هستند چه در عمره تمتع و چه در عمره مفرده می‌توانند از ادنی الحل (مرزهای حرم) احرام ببندند و چه بهتر که از حدیبیه که محل بیعت رضوان است محرم شوند.

آیه الله سیستانی: می‌توانند از جده با نذر محرم شوند و کسی که منزلش از میقات به مکه نزدیک تر باشد می‌تواند از منزل احرام ببندد.

آیه الله فاضل: در عمره مفرده چون میقات ادنی الحل است می‌تواند از جده با نذر محرم شود.

آیه الله مکارم: برای عمره مفرده، می‌توانند مانند سایرین از حدیبیه که در ۵۰ کیلومتری مکه است محرم شوند.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۸ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: از روی جهل یا عدم تقصیر.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: عمل آنان خالی از اشکال نیست و احتیاطاً در صورت امکان عمره را اعاده نمایند و این احتیاط نباید ترک شود.

← آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمره محل اشکال است.

[۳۲] م - کسانی که با هواپیما به حج می‌روند و می‌خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده»^(۱) و

→ آیه الله فاضل: در صورت جهل و نسیان، اگر بعد از اعمال حج متوجه شوند حج صحیح است و اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده متوجه شوند عمره باطل است و در عمره تمتع اگر وقت دارد و ممکن باشد، جبران کند و اگر وقت ندارد حج تمتع بدل به حج افراد می‌شود و در این صورت نیز کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

۱. آیه الله بهجت: احوط در مورد کسی که از جده به حج می‌رود این است که از محاذی میقاتی که اقرب به وی است احرام ببندد. کسانی که با هواپیما به جده می‌روند، در صورتی که رفتن به جحفه یا میقات دیگر همراه با مشقت و دشواری باشد می‌توانند با نذر در جده محرم شوند و کفایت می‌کند.

آیه الله تبریزی: محاذات جده با یکی از مواقیت ثابت نیست بلکه اطمینان به عدم محاذات آن است، پس احرام از جده مجزی نیست و بر حاجی لازم است از محل خود یا در راه قبل از رسیدن به جده، به مقداری که قابل ملاحظه باشد - هرچند در هواپیما باشد - نذر احرام نموده و از محل نذر احرام ببندد و یا به یکی از مواقیت رفته، احرام ببندد و یا به رابغ برود و آنجا با نذر احرام، محرم شود.

آیه الله خامنه‌ای: نمی‌توانند در جده برای عمره تمتع اختیاراً محرم شوند، زیرا جده نه میقات است، نه محاذی میقات؛ بلکه برای احرام باید به یکی از میقات‌ها، مثل جحفه بروند. و در صورتی که نتوانند به یکی از میقات‌ها بروند، احتیاط واجب این است که با نذر از جده احرام ببندند.

آیه الله خویی: احرام از جده، حتی با فرض محاذی بودن آن با میقات، مجزی نیست و بر حاجی لازم است که در صورت امکان به یکی از مواقیت برود یا از وطن خود یا در راه، قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد هرچند در هواپیما باشد، نذر احرام نموده و از محل نذر احرام ببندد و یا اینکه پس از ورود به جده، به محلی که رابغ نام دارد برود و از آنجا با نذر احرام، قبل از میقات احرام ببندد.

آیه الله زنجانی: اگر بدون رفتن به میقات مستقیم به مکه می‌روند می‌توانند از جده محرم شوند؛ بلکه هر کجا خارج حرم - مانند حدیبیه - محرم شوند صحیح است. ←

از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند^(۱) اگر جده یا «حده» معلوم شد محاذی با یکی از میقات ها است، از آنجا محرم شوند و الا بروند به میقات دیگر؛ مثل جحفه و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانستند به

→ **آیه الله سبحانی:** هرگاه از راهی برود که هرگز از میقات عبور نمی کند مانند کسی که از ایران و غیره وارد جده می شود، می تواند به دو صورت محرم شود: الف) به مدینه منوره برود و از مسجد شجره محرم شود و یا به جحفه برود و از آنجا محرم شود. ب) به حدیبیه برود چه از راه قدیم و چه از راه جدید و در آنجا محرم شود و اصلاً کسی که از یکی از مواقیت عبور نمی کند، رفتن او به میقات واجب نیست و می تواند به یکی از دو گونه اخیر محرم شود.

آیه الله سیستانی: با ملاحظه نقشه های جغرافیایی، نقطه محاذی جحفه، در جنوب شرقی جده واقع است ولذا با نذر می شود در فرودگاه جده احرام بست؛ زیرا قبل از میقات واقع است و اما نذر احرام در هواپیما یا قبل از آن، با علم به اینکه به ناچار زیر سایه خواهد رفت مورد اشکال است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جایز نیست از جده با نذر محرم شوند بلکه باید به جحفه رفته، از آنجا محرم شوند.

آیه الله فاضل: محاذات جده با هیچ یک از میقات ها ثابت نیست. بنابراین باید یا به میقات یا محاذات میقات برود ولی برای عمره مفرده می تواند از ادنی الحل محرم شود. **آیه الله مکارم:** محاذات جده با هیچ یک از میقات ها ثابت نیست. بنابراین باید یا به میقات یا به محاذات میقات برود و یا اگر نمی تواند احتیاطاً نذر کند و در ابتدای حرم تجدید احرام کند.

آیه الله نوری: اگر از جده مستقیماً عازم مکه شوند میقات آنان «جحفه» است.

۱. بر اساس کارشناسی سازمان جغرافیایی و مرکز موضوع شناسی احکام فقهی نامه $\frac{۱۴۰۷}{۱۳۹۳/۰۴/۳۱}$ فرودگاه جده و حتی شهر جده از محاذی میقات جحفه گذشته و محاذی میقات از آن سمت در دریای سرخ واقع می شود.

جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر^(۱) از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» تجدید احرام کنند اگرچه لازم نیست. (مناسک محشی، م ۲۱۲)

[۳۳] م- خدمه کاروان‌ها که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند،^(۲)

۱. آیه الله تبریزی: در صورتی که رفتن به یکی از مواقیت ممکن نباشد و قبل از میقات هم به نذر محرم نشده، لازم است از جده با نذر احرام بسته و بعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

۲. آیه الله بهجت: خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست برای کسی که اگر خارج شود فوت می‌شود حج از او در آن سال، و اظهر عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است، اگرچه احوط و افضل است، و اگر بعد از عمره خارج از مکه و حرم و میقات شد و برگشت در غیر ماه احرام اولی، پس محتاج به احرام عمره است که آن را عمره تمتع قرار می‌دهد و برای عمره سابق انجام طواف نساء موافق احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: متعرض این احتیاط نشده‌اند.

آیه الله خامنه‌ای: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله زنجانی: بهتر است با احرام عمره مفرده وارد مکه شوند و پس از انجام عمره مفرده می‌توانند از مکه بیرون بروند و تا سی روز از احرام عمره مفرده نگذشته می‌توانند بدون احرام وارد مکه شوند؛ و فرقی بین جده و مدینه نیست و در زمانی که دیگر لازم نیست از مکه خارج شوند از خارج حرم - مانند تنعیم - احرام عمره تمتع می‌بندند.

آیه الله سیستانی: اگر بین این عمره و حج، عمره دیگری فاصله نشود می‌توانند عمره تمتع انجام دهند و پس از آن اگر خوف فوت اعمال حج نداشته باشند می‌توانند برای کاری هرچند غیر ضروری خارج شوند. پس اگر در همان ماه قمری برگردند احرام مجدد لازم نیست و اگر ماه بعد باشد و نخواهند دوباره خارج شوند و در ماه بعد وارد شوند باید با احرام عمره تمتع وارد شوند و اگر باز هم بخواهند در ماه بعد وارد شوند باید اکنون با احرام عمره مفرده وارد شوند.

بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده مُحرم شوند. و ادنی الحل، میقات این اشخاص نیست^(۱)، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست^(۲)،

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر حج تمتع بر آنها واجب باشد باید به قصد عمره تمتع محرم شوند و انجام عمره مفرده قبل از حج برای کسی که حج بر او واجب است یا نایب در حج بلدی است اشکال دارد.

آیه الله فاضل: اگر بخواهند در ماهی که عمره انجام داده خارج شوند و در همان ماه برگردند، می توانند عمره تمتع انجام دهند، در این صورت فرقی نمی کند که بخواهند به مدینه بروند یا جده. و در این فرض باید بدون احرام مجدد به مکه وارد شوند. اما اگر بخواهند در ماه بعد برگردند نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه عمره مفرده انجام دهند و برای آخرین بار که به مکه رجوع می کنند عمره تمتع انجام دهند.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: خدمه کاروان ها می توانند عمره تمتع را به جا آورند و از احرام خارج شوند و بعد برای انجام کارهای ضروری به جده یا مدینه و مانند آن بروند به شرطی که مطمئن باشند که به موقع به حج برسند.

۱. آیه الله سبحانی: در صورت عدم مرور از میقات یا محاذی آن، می توانند از ادنی الحل محرم شوند.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: همان طور که گذشت، برای عمره مفرده اگر از ادنی الحل محرم شود عمره اش صحیح است.

۲. آیات عظام خویی، سبحانی، صافی: حکم جده و مدینه یکی است و تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن انجام داده تمام نشود، می تواند بی احرام وارد مکه شود. (آیه الله سیستانی: اگر عمره مفرده را به نیابت از دیگران به جا آورده اند، بنا بر احتیاط برای دخول در مکه یا حرم، دو مرتبه محرم شوند).

ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره مُحرم شوند برای عمره مفرده دیگر و چون بین این عمره مفرده و عمره مفرده اول یک ماه فاصله نشده عمره دوم راجئاً به جا آورند^(۱) و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه بروند و از آنجا برای عمره تمتع مُحرم شوند. (مناسک محشی، م ۲۲۹)

-
- آیه الله تبریزی، آیه الله نوری: در ماهی که محرم شده‌اند تجدید احرام لازم نیست ولو به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند.
- آیه الله خامنه‌ای: چنانچه بخواهد در همان ماه که عمره را انجام داده به مکه مراجعه نماید، نیاز به احرام مجدد ندارد.
- آیه الله گلپایگانی: اگر سی روز از احرام قبل نگذشته، احرام لازم نیست و اگر فاصله کمتر از سی روز بوده و در غیر آن ماهی است که احرام بسته، احتیاط واجب آن است که محرم شود.
- آیه الله مکارم: اگر در همان ماه قمری که محرم شده وارد شود تجدید احرام لازم نیست.
۱. نظر آیات عظام، ذیل مسئله ۳ و سؤال ۴ گذشت.

استفتائات میقات

[۳۴] س - زنانی که به علت عادت ماهانه نمی توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند باید در خارج آن مُحرم شوند^(۱) و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به اینکه مُحاذی جحفه نقطه مشخصی نیست وظیفه چیست؟

ج - می توانند به جُحفه بروند و در آنجا تجدید احرام کنند و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حدّ، با بقاء نیت، تلبیه را تکرار کنند کفایت می کند. (مناسک محشی، م ۲۳۰)

[۳۵] س - در مناسک مرقوم است که زن های حائض باید^(۲) عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی توانند، در خارج مُحرم شوند و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و مُحاذی جحفه معلوم نیست آیا حضرت عالی اجازه می فرمایید که این گونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج - چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن های حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند. و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.^(۳) (مناسک محشی، م ۲۳۲)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۴ و ۱۷ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۴ و ۱۷ گذشت.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد، اجازه لازم نیست.

[۳۶] س - زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند محرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید دید به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد، آیا کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - اگر احراراز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.^(۱)

(مناسک محشی، م ۲۳۳)

[۳۷] س - زن در حال حیض به خیال اینکه می‌تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می‌خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی‌شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج - صحیح است.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۳۴)

→ آیه الله خامنه‌ای: در صحت نذر زوجه برای احرام پیش از میقات در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته و یا دسترسی به وی باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود.

آیه الله زنجانی: احرام در خارج مسجد کافی است و نذر مجوز احرام در غیر میقات نیست.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۴ و ۱۷ گذشت.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

۲. آیه الله تبریزی: صحت احرامش محل اشکال است.

آیه الله سبحانی: احتیاط این است که بیرون مسجد محرم شود.

[۳۸] س - یک نفر از حجاج به کلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج - باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود هرچند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات برود باید در خارج حرم محرم شود^(۱)، و اگر نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۳۵)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۷ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: می‌تواند احتیاط کند به جمع بین این و استنباه اگرچه جواز اکتفا به همان مقداری که می‌تواند با ضمّ ترجمه عبارت صحیحه خالی از وجه نیست مثل اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانایی به هیچ مقدار و نیز اکتفا به استنباه با عدم قدرت بر ترجمه هم، کما اینکه لال اکتفا به تحریک لسان و اشاره به انگشت با عقد قلب می‌نماید و اگر ممکن نباشد استنباه می‌کند.
آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.
آیه الله خامنه‌ای: به هر نحو که می‌تواند بگوید و احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش نایب هم بگیرد.

آیه الله خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند، گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنباه نیز هست و نیز اخرس (گنگ و لال) کافی است با اشاره تلبیه بگوید، گرچه احوط استنباه نیز هست.
آیه الله زنجانی: باید برای گفتن تلبیه، نایب بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب، خود نیز به کامل‌ترین شکلی که می‌تواند - ولو با تلقین - تلبیه بگوید.
آیه الله سیستانی: اگر تلقین میسر نبود کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفاً تلبیه صدق کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی آن را و هم ترجمه آن را بگوید و هم نایب بگیرد.

[۳۹] س - نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجاج یا مُعْتَمِرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می توانند محرم شوند، و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحَلّ صحیح است^(۱) هرچند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحَل در دوم، احرام اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۲۳۶)

[۴۰] س - کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می تواند در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج - احتیاط آن است که به قصد رجاء برای عمره مفرده دیگر محرم شود و

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ترجمه اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجائاً که از طرف او به طور صحیح تلبیه را بگوید.

آیه الله فاضل: و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

آیه الله نوری: به هر نحو که می تواند بگوید و ترجمه اش را هم بگوید.

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۹ و ۳۲ مراجعه شود.

۲. آیه الله جوادی: افرادی که عمره مفرده انجام داده اند، اگر از حرم خارج شوند و از میقات (مواقیت خمسّه) بگذرند، برای بازگشت به حرم در همان ماه هلالی لازم نیست دوباره محرم شوند.

آیه الله سیستانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره به جا آورده است لازم نیست محرم شود، بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بود، احتیاط واجب احرام بستن برای دخول به مکه یا حرم است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۳ و ۳۳ گذشت.

بدون احرام تجاوز نکند.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۴۲)

[۴۱] س - کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم

است محرماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه

شود اشکالی ندارد. (مناسک محشی، م ۲۴۳)

[۴۲] س - زن حائضی که نمی توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک

مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید

کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج - در صورت امکان باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محرم شود علی

الاحوط، و اگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آنجا احرام ببندد.^(۲) (مناسک

محشی، م ۲۴۴)

[۴۳] س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۲۴۷)

[۴۴] س - هرگاه حائض یا جنب عصیاناً وارد مسجد شجره شود و مانند

دیگران توقف نماید و محرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

۱. آیه الله خامنه ای: اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است

وارد مکه شود عبور از میقات بلامانع است اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماه

دیگر باشد پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام

داده بنا بر احتیاط واجب اگر در ماه شعبان مجدداً وارد مکه شود باید احرام

ببندد. و رعایت این احتیاط در ماه های دیگر هم خوب است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷ گذشت.

آیه الله بهجت: در صورتی که نتواند به میقات برگردد، همان احرام کفایت می کند.

ج - احرام صحیح است.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۴۸)

۱. آیه الله تبریزی: صحت احرام او محل اشکال است و باید تلبیه را به قصد احرام تجدید کند.

آیه الله سبحانی: اگر درب دیگر برای خروج بسته بود و نتوانست در حال عبور محرم شود احتیاطاً بیرون مسجد محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چنانچه قصد قربت از او متمشی شود احرام صحیح است.

آیه الله مکارم: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست.

واجبات احرام

[۴۵] م - واجبات در وقت احرام سه چیز است:

۱. نیت؛

۲. پوشیدن لباس احرام؛

۳. تلبیه.

نیت

[۴۶] م - نیت^(۱)، یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در نیت چند چیز معتبر است:

الف) قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

[آیه الله بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم.]

ب) همزمان بودن با شروع در احرام.

ج) تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، و تعیین اینکه برای خود است یا برای دیگری و تعیین اینکه حش حجة الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجی مستحبی است. خلاصه هر یک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حجة الاسلام عنوان قصدی نیست و اگر مکلف مستطیع برای خود حج به جا آورد حجة الاسلام است مگر با علم و عمد قصد حج استحبابی نماید.

آیه الله خامنه‌ای: اول - نیت، که شرایط و کیفیت آن به شرح ذیل است:

الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره، بنابراین کسی که می خواهد برای عمره تمتع

محرم شود، باید از زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد. ←

→ (ب) قصد قربة الى الله و نیت خالص برای اطاعت خداوند داشته باشد، زیرا عمره و حج و همه اعمال و مناسک آنها عبادت هستند و باید به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی به جا آورده شوند.

(ج) کسی که می خواهد محرم شود باید هنگام احرام قصد و نیت خود را تعیین کند یعنی معین کند که آیا قصد انجام حج دارد یا عمره، و همچنین مشخص کند که آیا حج تمتع است یا افراد یا قرآن، حج را برای خود به جا می آورد یا به نیابت از دیگری، حجة الاسلام است یا حج نذری و یا حج مستحب.

- نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابراین نیت قبلی کفایت نمی کند مگر آنکه تا زمان احرام استمرار داشته باشد.

آیه الله زنجانی: در نیت احرام، سه امر معتبر است: الف) قصد احرام؛ ب) تعیین نوع عمره و حجه که برای آن احرام می بندد ولو به نحو اجمال، و اگر نیایی باشد قصد نیابت و تعیین منوب عنه نیز لازم است؛ ج) قصد قربت خالصانه. در نیت احرام رعایت چند امر دیگر نیز لازم است: ۱. وجود ارتکازی نیت کافی نیست؛ بلکه لازم است چنین معنایی را از قلب خود بگذراند که «خود را محرم می کنم - مثلاً - به عمره تمتع»؛ ۲. در نیت احرام عمره تمتع، لازم است قصد انجام مناسک عمره و حج را داشته باشد و عمره تمتع را به عنوان بخشی از مجموعه عمره و حج به جا آورد. و در صحت احرام مردها و پسرهای ممیز شرط است که ختنه کرده باشد.

آیه الله سبحانی: عمره و حج دو عمل عبادی هستند که نزد خداوند دارای منزلت و احترام خاصی می باشند و احرام دروازه ورود به این مناسک است؛ بنابراین نیت احرام این است که قصد کند ورود در این عبادتی که نزد خدا از احترام خاصی برخوردار است و نیت قلبی کفایت می کند و ترک یک رشته امور به نام محرمات احرام برای حفظ حریم این عبادات؛ به هنگام نیت قصد ترک آنها لازم نیست و اگر بخواهد به زبان بیاورد، بگوید: محرم می شوم به احرام عمره تمتع یا حج تمتع از حجة الاسلام قربة الى الله و اگر در همه موارد به عنوان وظیفه فعلی محرم شود کافی است.

←

عمره مفرده، نیت کند عمره مفرده را و لازم نیست^(۱) قصد کند ترک محرّماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود، بلکه کسی که به قصد عمره مفرده لبیک های واجب را گفت، محرم می شود؛ چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرّمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب می کند بعضی محرّمات را مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح^(۲) است؛ ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرّمات را. (مناسک محشی، م ۲۵۱)

[۴۷] م - آنچه ذکر شد که لازم نیست^(۳) قصد کند ترک محرّمات را در غیر آن محرّماتی است که عمره یا حج را باطل می کند. مثل اکثر

→ آیه الله سیستانی: در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتع است یا قرآن یا افراد و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر ننماید و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد و لزومی ندارد قصد کند حجی را که انجام می دهد - مثلاً - حج نذری است، همچنان که برای اینکه حجی که انجام می دهد حجة الاسلام باشد، کفایت می کند که حجة الاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست.

۱. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: لازم است قصد کند ترک کارهایی را که بر محرم حرام است.

آیه الله مکارم: نیت احرام این است که قصد می کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.

۲. آیه الله مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

۳. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: قصد ترک جمیع محرّمات لازم است.

محرمات، و اما آنچه عمره را باطل می‌کند مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۵۲)

[۴۸] - عمره و حج و اجزاء آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۵۳)

تَلْبِيَه

[۴۹] - تلبیه، یعنی لبیک گفتن، و صورت آن بنابر اصح آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و

۱. آیه الله خامنه‌ای: زیرا قصد انجام این امور با قصد انجام مناسک حج قابل جمع نیست، بلکه با قصد احرام منافات دارد.

آیه الله زنجانی: بنابراین هنگام احرام عمره مفرده اگر مکلف، قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا در این کار تردید داشته باشد احرامش باطل است.

آیه الله سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، ظاهر این است که احرامش باطل است و بنا بر احتیاط حکم استمنا هم همین است.

۲. آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

آیه الله نوری: و باید نیت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتع حج تمتع را انجام بدهد.

احتیاط مستحب^(۱) آن است که پس از آنکه چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شد گفت، بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ^(۲)».

و اگر بخواهد احتیاط^(۳) بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ^(۴) إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

۱. آیه الله بهجت: احتیاط واجب این است.

آیه الله زنجانی: و به این مقدار اکتفا نکند؛ بلکه باید پس از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» و گفتن «لَبَّيْكَ» پنجم واجب نیست هرچند ضرر هم نمی زند، و شخص با گفتن مقدار واجب از تلبیه، محرم می شود و بر او واجب می شود عمره تمتع را تکمیل کرده، پس از آن حج تمتع را به جا آورد؛ هرچند عمره و حج او استحبابی باشد.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: صورت تلبیه واجب، که به وسیله آن احرام واقع می شود این است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و احتیاط در این است این جمله اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».

آیه الله سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست. آیه الله مکارم: احتیاط واجب است که بگوید: ... اما لبیک پنجم را نگوید.

۲. آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب این است که این جمله را به دو صورت یعنی هم با اضافه کردن «لبیک» به آخر آن و هم بدون کلمه «لبیک» در آخر بگوید.

۳. آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اول بگوید.

۴. آیه الله خامنه ای: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ ...

آیه الله سبحانی: در این فقره اقوی این است که جمله «لا شریک لک لبیک» گفته شود.

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِياً إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِئُ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يُفْتَقَرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ» . (مناسک محشی، م ۲۵۹)

[۵۰] م - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لَبَّيْكَ را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیر الاحرام در نماز واجب است.^(۱)
(مناسک محشی، م ۲۶۰)

[۵۱] م - اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند،^(۲) یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید. (مناسک محشی، م ۲۶۱)

۱. آیه الله خامنه ای: در مناسک معظم له این دو مسئله نیز مطرح شده است:
- هرگاه کسی عمداً تلبیه را نگوید، حکم کسی را دارد که عمداً احرام بستن از میقات را ترک کرده باشد.
- هرگاه کسی تلبیه را به طور صحیح نگوید و عذری نیز نداشته باشد، حکم کسی را دارد که عمداً تلبیه را ترک کرده باشد.
۲. آیه الله زنجانی: چنانچه وقت احرام بستن وسعت دارد - در صورت امکان - باید احرام را تا تنگی وقت به تأخیر بیندازد تا آن را یاد بگیرد یا لاقلاً با تلقین تلبیه را به طور صحیح ادا کند و اگر یاد نگرفت برای گفتن تلبیه نایب بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب خود نیز به بهترین شکلی که می تواند تلبیه بگوید.
آیه الله سبحانی: اگر هیچ کدام از آنها ممکن نیست هر مقدار که می تواند بگوید.

[۵۲] م - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید^(۱)، و ترجمه اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد. (مناسک محشی، م ۲۶۲)

[۵۳] م - اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لبیک بگوید و اما اگر نتواند برگردد همان جا بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خوبی: به ذیل مسئله ۳۸ مراجعه شود.

آیه الله جوادی: کسی که لکنت زبان دارد، یا به هر دلیل دیگر اگر نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید، اکتفا نمودن به مقدار توان برای او جایز است؛ هرچند اضافه کردن ترجمه در صورت قدرت بر ادای درست آن، اولی است.

آیه الله خامنه ای: باید به هر نحو که می تواند بگوید و بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: کافی است به نحوی که می تواند بگوید، اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب، هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می تواند بخواند و ترجمه اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجائاً، که از طرف او به طور صحیح بخواند.

آیه الله فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب نیز بگیرد.

آیه الله نوری: به هر نحو که می تواند بگوید و ترجمه اش را هم بگوید.

حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید^(۱)، و اگر ممکن نیست همان جا^(۲) محرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد بعید نیست صحت عمل^(۳). (مناسک محشی، م ۲۶۳)

۵۴] م - اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه به واسطه عذری و چه بدون عذر چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند. (مناسک محشی، م ۲۶۴)

۵۵] م - جایز نیست^(۴) لبیک واجب را از میقات تأخیر ببندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله ۲۸ ذکر شد، عمل

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۷ گذشت.

۲. آیه الله سبحانی: از همان جا که مسئله را یاد گرفته.

۳. آیه الله بهجت: محل تأمل است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست.

آیه الله سیستانی: اگر در عمره باشد صحت عمل مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج او صحیح است. ولی اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده یادش آمد عمره باطل است، و در عمره تمتع اگر فرصت دارد و امکان جبران دارد باید به میقات ولو به ادنی الحل برگردد و جبران کند و اگر امکان جبران نبود حج افراد انجام دهد، و در این صورت کفایت از حجة الاسلام می کند.

آیه الله مکارم: اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

۴. آیه الله خویی: کسی که می خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر ببندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

کند. ^(۱) (مناسک محشی، م ۲۶۶)

[۵۶] م - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هرچه می تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است ^(۲) بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لَبَّيْكَ» را فقط. (مناسک محشی، م ۲۶۷)

پوشیدن لباس احرام

[۵۷] م - پوشیدن دو جامه احرام برای مردان ^(۳) که یکی «لنگ» است و

۱. آیه الله زنجانی: در تأخیر با عذر به مسئله ۲۷ و ذیل آن و در تأخیر بدون عذر اگر از موافقت و نزدیکی آنها نمی گذرد، هر کجا خارج حرم، محرم شود، صحیح است هرچند قبل از محاذات موافقت باشد و نیازی به نذر نیست، البته اگر نذر کند که قبل از حرم از مکان معینی، مثلاً جده، محرم شود باید به نذر خود عمل کند...

۲. آیه الله مکارم: به قصد رجا.

۳. آیه الله سبحانی: و احتیاط لازم آن است که زنان نیز علاوه بر جامه هایی که بر تن دارند این دو جامه را بپوشند و طواف و سعی را با آن دو انجام دهند.

آیه الله صافی: احتیاط مستحب آن است که زن ها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که زن ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شدن بپوشند.

آیه الله گلپایگانی: پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و احتیاط واجب آن است که زن ها دو جامه را بپوشند، اگرچه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند.

دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب^(۱) آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط^(۲) آن است که لبیک را دوباره بگوید.

(مناسک محشی، م ۲۶۹)

[۵۸] م - لازم نیست^(۳) که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند، و کفایت می‌کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را

۱. **آیه الله بهجت:** واجب است پوشیدن دو جامه در حال احرام، و محل پوشیدن، از باب مقدمه قبل از نیت و تلبیه است و احتیاط در صورت تاخیر پوشیدن در اعاده نیت و تلبیه است.

آیه الله زنجانی: پوشیدن لباس احرام، شرط صحت احرام نیست، هر چند بنا بر مشهور، پوشیدن آن هنگام لبیک گفتن لازم است. و در هر حال اگر لباسی را که پوشیده شرایط لباس احرام را نداشته باشد به احرام و سایر اعمال حج، ضرری نمی‌رساند.

آیه الله سبحانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند و اگر پس از گفتن لبیک این دو لباس را بر تن کنند احتیاط آن است که دو مرتبه لبیک بگوید.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

۲. **آیه الله سیستانی:** احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب است.

۳. **آیه الله بهجت:** إزار از ناف تا زانو را باید بپوشاند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.

آیه الله سبحانی: یکی به صورت لنگ باشد و از ناف تا زانو را بپوشاند و دیگری به صورت ردا که از شانه تا کمر را پوشش دهد.

آیات عظام سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب، لازم است.

بپوشانند. (مناسک محشی، م ۲۷۰)

[۵۹] م - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی^(۱) بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و احتیاط مستحب^(۲) آن است که رداء شانه ها را بپوشانند. (مناسک محشی، م ۲۷۱)

[۶۰] م - احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند^(۳) به یک

۱. آیه الله بهجت: واجب است پوشیدن دو جامه احرام که یکی از آنها ستر کند ما بین ناف و زانو را که آن را اِزار گویند و دیگری که ردا باشد آنقدر باشد که بپوشاند دو شانه را؛ به نحوی که ردا و تردّی به آن صادق باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر به کیفیت متعارف باشد کفایت می‌کند.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید ردا به قدری باشد که شانه ها را بپوشاند.

آیه الله سبحانی: در مسئله قبل گذشت.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که ردا به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند.

آیه الله فاضل: بلکه واجب است علاوه بر آن، قسمتی را بپوشاند؛ به گونه‌ای که صدق ردا بکند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. آیه الله بهجت: احرام صحیح است.

جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد،

بلکه باید دو جامه جدا باشند. (مناسک محشی، م ۲۷۲)

[۶۱] م - در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و

قصد امر الهی و اطاعت او کند^(۱) و احتیاط مستحب آن است که در

کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند. (مناسک محشی، م ۲۷۳)

[۶۲] م - شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس

کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأکول^(۲) و جامه‌ای که نجس باشد

به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد. (مناسک محشی، م ۲۷۴)

→ آیه الله سبحانی: دو جامه احرام باید از هم جدا و به صورت دوتکه جداگانه باشند پس اگر با یک پارچه بلند از شانه تا زانو را بپوشاند صحیح نیست.

آیه الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.

۱. آیه الله بهجت: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است. (متذکر نیت کندن لباس مخیط نشده‌اند).

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدی است.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله سبحانی: یکی از واجبات احرام است و طبعاً باید قصد قربت کند ولی در کندن و در آوردن لباس دوخته نیت لازم نیست.

آیه الله سیستانی: بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.

۲. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط در مجموع موانع نماز خواندن در لباس.

آیه الله سبحانی: کلیه چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط شده، در لباس احرام نیز شرط است.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب در غیر درندگان

[۶۳] م - لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۷۵)

[۶۴] م - احتیاط واجب^(۲) آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد. (مناسک محشی، م ۲۷۶)

[۶۵] م - دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است^(۳)، ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است.

آیه الله خامنه‌ای: بدن نما بودن ردا مانع ندارد، مشروط بر اینکه ردا بر آن صدق کند.

آیه الله سبحانی: جامه‌های احرام باید به قدری ضخیم باشند که بدن از پشت آنها نمایان نباشد.

آیه الله سیستانی: احتیاط این است که هیچ قسمتی از ازار بدن نما نباشد، ولی این شرط در ردا معتبر نیست.

آیه الله گلپایگانی: جامه احرام نباید به قدری نازک باشد که حاکی از بصره باشد.

۲. آیه الله بهجت: اما زنان بنا بر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند، گرچه احتیاط در ترک آن است. و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی: باید از حریر خالص نباشد.

۳. آیات عظام سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: حکم آن در سوم از واجبات احرام (پوشیدن لباس) گذشت.

شود چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر محض نباشد^(۱) چنانچه

گذشت. (مناسک محشی، م ۲۷۷)

۶۶م - احتیاط واجب^(۲) آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن

در احوال احرام این دو جامه نجس^(۳) شود تطهیر یا تبدیل نماید، و

احوط^(۴) مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

(مناسک محشی، م ۲۷۸)

۱. آیه الله بهجت: در مسئله قبلی جواز آن گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: زنان می توانند در لباس های عادی خود، در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد، احرام ببندند.

۲. آیه الله زنجانی: هرگاه بدن یا لباس محرم - مرد باشد یا زن -، نجس شود باید بدون تأخیر آن را تطهیر کند یا لباس را عوض نماید و اگر نامحرم نباشد آن را درآورد.

آیه الله جوادی: تطهیر احرامی یا بدن در غیر حال طواف واجب نیست؛ چنان که تنجیس آن ها در غیر حالت طواف نیز حرام نیست.

آیه الله سبحانی: باید لباس را تطهیر و یا عوض کند ولی اگر به خاطر نبودن امکانات در مسلخ و یا بُعد مسافتی که مجبور است طی کند تا جامه را عوض یا تطهیر کند مقداری طول کشید به صحت احرام لطمه نمی زند و اگر تطهیر نکرد تا زمان حلق و تقصیر، به صحت ذبح و احرام ضرر نمی زند و کفاره ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: واجب است.

۳. آیه الله فاضل: یا لباسی که زن محرم پوشیده.

۴. آیه الله سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

آیه الله فاضل: احتیاط استحبابی است.

[۶۷] م - اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد. (مناسک

محشی، م ۲۷۹)

[۶۸] م - احتیاط آن است که جامه احرام از پوست^(۱) نباشد، لکن ظاهراً

اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۲۸۰)

[۶۹] م - لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد^(۲)، بلکه اگر

مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود^(۳) مانع ندارد. (مناسک

محشی، م ۲۸۱)

۱. آیه الله بهجت: اقوی جواز احرام است در لباس هایی که می تواند در نماز بیوشد، هرچند پوست یا غیر بافتنی باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط، بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: چنانچه جامه احرام از پوست یا نایلون و مانند آن باشد، اگر عرفاً به آن جامه گفته می شود و پوشیدن آن متعارف است مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به احتیاط واجب جامه احرام بافته باشد و از پوست و یا مثل نمد مالیده نباشد.

آیه الله مکارم: احتیاط در آن ترک نشود.

۳. آیه الله خامنه ای: و پوشیدن آن متعارف باشد.

[۷۰] م - افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۸۲)

[۷۱] م - اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و بدوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد^(۲)، و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر بپوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بپوشد.^(۳) (مناسک محشی، م ۲۸۳)

۱. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله سبحانی: مستحب است.

۲. آیه الله خامنه ای: اگر بر اثر سرما و مانند آن ناگزیر از پوشیدن جامه دوخته باشد می تواند از لباس های معمولی مانند پیراهن استفاده کند اما نباید آن را بپوشد بلکه آن را به صورت برعکس بالا به پایین یا پشت و روبه روی خود بیندازد.

آیه الله سبحانی: هرگاه برای ضرورتی ناچار به پوشیدن لباس دوخته شد باید کفاره بدهد و بنا بر احتیاط در صورت ضرورت قبا و پالتو و کت را پشت و رو کرده بر دوش بیندازد و دست در آستین نکند.

آیه الله سیستانی: واجب این است که پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد و یا اینکه آن را پایین و بالا کند و بپوشد.

آیه الله فاضل: احتیاط استحبابی است؛ و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند. آیه الله گلپایگانی: ولی باید برای آن کفاره بدهد و متعرض بقیه مسئله نشده اند.

۳. آیات عظام تبریزی، سبحانی، سیستانی: و بنا بر احتیاط کفاره هم بدهد.

← آیه الله خامنه ای: و بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

[۷۲] م - لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بگند بلکه جایز است برای حاجت^(۱) هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود. (مناسک محشی، م ۲۸۴)

[۷۳] م - شخص محرم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۸۵)

[۷۴] م - اگر لباس احرام را عمدتاً نپوشد^(۳) یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی رساند^(۴) و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد

→ آیه الله زنجانی: ولی باید كفاره بدهد.

آیه الله صافی: ولی باید برای آن كفاره بدهد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: و غیر حاجت.

آیه الله سبحانی: و امثال اینها جائز است و در غیر این صورت لازم است همواره دو لباس احرام را بر تن داشته باشد.

۲. آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: لیکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

۳. آیه الله زنجانی: یا لباسی را که بر محرم حرام است درحالی که می خواهد محرم شود بپوشد...

۴. آیه الله خامنه ای: اگر در حین احرام، از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد، صحت احرامش خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن نیت و تلبیه را تکرار کند.

آیه الله سبحانی: پوشیدن دو جامه احرام وجوب نفسی دارد و اگر عمدتاً نپوشد و لبیک گوید معصیت کرده و باید هرچه زودتر لباس دوخته را از تن بیرون آورد. ←

معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است. (مناسک محشی، م ۲۸۶)
 [۷۵] م - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد^(۱) ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده بگردن گره نزنند^(۲)، و اگر از روی جهل

→ **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** بنا بر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید.

آیه الله مکارم: در صورت عمد خالی از اشکال نیست.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی:** احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزنند، ولو بعض آن را به بعض دیگر و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند. و احوط این است که ردانیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

آیه الله زنجانی: بر مرد محرم، گره زدن لباس احرام و بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و سنگ گذاشتن و مانند آن در صورت لزوم، جایز است و در غیر این صورت باید از این امور اجتناب کند و در هر حال، این کار به احرام و عمره و حج، ضرر نمی زند.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که لباس احرام را با سنجاق قفلی به هم وصل نکند ولی در حال ضرورت که مثلاً گاهی در مشعر الحرام پیش می آید مانعی ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن در آید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آنکه آن را سنگین کرده، و رد را حفظ نماید مانعی ندارد.

۲. **آیه الله خامنه ای:** گره زدن لنگ به گردن جایز نیست ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعض آن به بعض دیگر مانعی ندارد مادامی که از صدق عنوان ازار خارج نشود. و همچنین در رد گره زدن آن با سنجاق یا گیره یا با گذاشتن سنگ ریزه در دو طرف آن، بستن آن با نخ به نحو متعارف تا زمانی که عنوان رد بر آن صدق کند، جایز است.

یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۸۷)

[۷۶] ۵- شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء هم مستحب است. (مناسک محشی، م ۲۸۸)

۱. آیه الله گلپایگانی: اگر بدون گره باشد مانعی ندارد، به شرط آنکه دو طرف ردا را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.

آیه الله نوری: چنان‌که جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر آن وصل کند.

استفتانات احرام

[۷۷] س - کسی در وقت احرام این طور قصد می‌کند: محرم می‌شوم، یا احرام می‌بندم، برای عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسأله که فرموده‌اید نیت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج - به احرام ضرر نمی‌زند هر چند قصد احرام لازم نیست^(۱)، و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم می‌شود هر چند قصد احرام نکند. (مناسک محشی، م ۲۹۱)

[۷۸] س - مردها معمولاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع ورزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلووار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۲۹۳)

۱. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: لازم است و تفصیل این مسئله در ذیل بحث نیت در واجبات احرام گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: همین که به قصد عمره و یا حج تمتع تلبیه واجب را گفت، محرم می‌شود و قصد احرام، همین است.

آیه الله نوری: قصد احرام به این است که قصد احرام حج یا عمره کند و لازم است که احرام را به این قصد انجام دهد.

۲. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست.

[۷۹] س - آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت

یا خیر؟

ج - اَخْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد،

و نایب گرفتن کافی نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۲۹۴)

[۸۰] س - ترجمه تلبیه «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» چیست؟

ج - ترجمه جمله مذکور چنین است:^(۲) اجابت می کنم دعوت تو را خدایا

اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو

۱. آیه الله بهجت: شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه

اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش

انجام دهد نایب بگیرد که به جای او تلبیه بگوید.

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد.

آیه الله سبحانی: لال و کر مادرزاد زبان خود را مانند کسانی که «لبیک» می گویند

حرکت دهد و با انگشت اشاره کند و اگر برای عارضه ای زبان او بند آمده باشد با

اخطار در قلب به شیوه ای که گفته شد عمل کند.

آیه الله سیستانی: اگر در اثر عارضه ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می داند،

به مقداری که می تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و

همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد

است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می کنند حرکت دهد و با

انگشت اشاره کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نایب هم بگیرد رجائاً که از طرف او به طور

صحیح بگوید.

۲. آیه الله نوری: با کمال میل و شوق اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا! با کمال میل

و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی

نیست مر تو را، با کمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم تو را.

را، اجابت می‌کنم دعوت تو را. و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید. (مناسک محشی، م ۲۹۸)

[۸۱] س - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خودش فراموش

کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجدداً محرم شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۰۰)

[۸۲] س - آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج - مقدار واجب آن دو جامه است، و زیاده مانع ندارد.

[۸۳] س - زنی که احتمال می‌دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل

مسجدالحرام شود، آیا می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

(مناسک محشی، م ۱۹۳)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۷ گذشت.

مستحبات احرام

[۸۴] م - مستحبات احرام چند چیز است^(۱):

۱. آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲. کسی که قصد انجام عمره مفرده را دارد پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.^(۲)

۳. آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید^(۳) و این غسل از

۱. آیه الله سیستانی: پاره‌ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است، پس باید رعایت آنها به قصد رجا باشد نه ورود.

آیه الله مکارم: این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را به قصد رجا به جا می‌آورد.
۲. آیه الله مکارم: و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده‌اند و این قول گرچه ضعیف است احوط است.

۳. آیه الله خامنه‌ای: مستحب است که پیش از مُحرم شدن در میقات و یا پیش از رسیدن به میقات مثلاً در مدینه غسل کند و احوط آن است که این غسل را ترک نکند.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مستحب مؤکد، کسی که می‌خواهد محرم شود، برای احرام غسل نماید و انجام آن قبل از میقات نیز صحیح است. چهار چیز غسل احرام را باطل می‌کند: الف) پوشیدن پیراهن و به سر بستن دستمال و روسری و مقنعه برای مردان و زدن نقاب برای بانوان؛ ب) خوردن غذای معطر؛ ج) اگر در میقات یا حوالی آن غسل کرده چنانچه قبل از تلبیه گفتن بخوابد غسل او باطل می‌شود؛ د) فاصله انداختن به مقدار یک روز... و سایر مبطلات وضو و غسل، غسل احرام را باطل نمی‌کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد، رجائاً بدل از غسل تیمم نماید.

زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴. آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.^(۱)

۵. آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر^(۲)، و در صورت عدم

۱. آیه الله سبحانی: سفید و از پنبه باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بهتر آن است که در پارچه سفید محرم شود و نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام بلکه نیت کندن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه ادا، بعد از فریضه قضا محرم شود.

آیه الله خامنه‌ای: مستحب است که بعد از نماز ظهر، یا بعد از هر نماز واجب دیگر و یا بعد از دو رکعت نماز مستحبی محرم شود و در برخی احادیث آمده است که پیش از احرام شش رکعت نماز مستحب است و فضیلت بیشتری دارد.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مستحب موکد بعد از خواندن نماز - واجب یا مستحب - نیت کرده تبلیه بگوید: ولی خواندن نماز از زن در حال حیض و نفاس، مشروع نیست.

تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

۶. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُولِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوْدِي فِيهِ فَرَضِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُه فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي (وَمُلْجئِي) وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۷. آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف) وقت برخاستن از خواب؛

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

ج) وقت رسیدن به سواره؛

د) هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن؛

ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛

و) آخر شب؛

ز) اوقات سحر.

زن حائض و نفساء^(۱) نیز این تلبیه‌ها را بگویند. (مناسک محشی، م ۳۰۲)

۱. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: ... و جنب.

مکروهات احرام

[۸۵] م - مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه^(۱)، و افضل، احرام در جامه سفید است؛
۲. خوابیدن محرم بر رخت^(۲) و بالش زرد رنگ؛
۳. احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید؛
۴. احرام بستن در جامه راه راه^(۳)؛
۵. استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند^(۴)؛

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثنا شده است.
۲. آیه الله بهجت: بر بالش سیاه رنگ.
۳. آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه دار و مانند آن.
۴. آیه الله بهجت: اظهار جواز استعمال حنا است قبل از احرام، هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام.
- آیه الله سبحانی: بستن حنا و رنگ کردن موها قبل از احرام به رنگی که برای زنان آرایش به حساب بیاید و رنگ آن تا وقت احرام باقی بماند ولی رنگی که مطابق رنگ طبیعی موی زن می باشد مکروه نیست و احتیاط آن است که در حال احرام از آن رنگ نیز استفاده نکند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.
- آیه الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ های امروز نیست.

۶. حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید^(۱)؛
۷. لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا زند.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۰۳)

-
۱. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.
- آیه الله خامنه‌ای: رفتن به حمام و شستن بدن با کیسه و مانند آن نیز در حال احرام مکروه است.
- آیه الله سبحانی: رفتن به حمام‌های عمومی که شرایط خاصی داشته باشد.
- آیه الله فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود و همچنین کشتی گرفتن.
- آیه الله مکارم: کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه و مثل آن نمالد.
۲. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

مُحَرَّماتِ احرام

اول - شکار صحرایی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.^(۱)

[۸۶] م - شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دورا در دریا کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۰۷)

[۸۷] م - ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۳۰۸)

[۸۸] م - پرندگان،^(۳) جزء شکار صحرایی می باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.^(۴) (مناسک محشی، م ۳۰۹)

۱. آیه الله سیستانی: حیوانی که در اصل وحشی باشد، هرچند بالعرض اهلی شده باشد و فرقی نمی کند که حلال گوشت باشد یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هرگونه ایدای آن حرام است.

۲. آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیه الله سبحانی: مقصود از آن حیوانی است که زیر آب زندگی می کند؛ بنابراین پرندگان دریایی که گاهی در آب و گاهی در خشکی زندگی می کنند از گروه حیوانات دریایی به شمار نمی آیند.

آیه الله فاضل: زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

آیه الله مکارم: و زندگی در دریا کند بنا بر احتیاط واجب.

۳. آیه الله سبحانی: پرندگان وحشی.

۴. آیه الله سبحانی: محرم نباید به قصد کشتن پا روی ملخ بگذارد و در راه رفتن مواظب باشد حتی الامکان پا روی آنها نگذارد مگر اینکه (به واسطه ی زیاد بودن ←

[۸۹] م - احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را

نداشته باشد.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۱۰)

در شکار، احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها خودداری شد.^(۲)

→ ملخ در سطح شهر) این کار موجب اختلال در حرکت شود و حرجی گردد، در این صورت کفاره ندارد ولی اگر بی مبالائی و سهل انگاری نمود برای کشتن به تعداد انگشتان دست مقداری آرد گندم و اگر زیاد بود یک گوسفند کفاره بدهد.

۱. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: در این صورت نباید بکشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کشتن زنبوری که احتمال دارد به انسان آسیب برساند اشکال ندارد و در غیر این صورت حرام است و در هر حال (چه قصد اذیت داشته یا نداشته) کفاره دارد و کفاره آن دادن مقداری آرد گندم به فقیر است؛ ولی کشتن حیواناتی مانند مار و مورچه و موش و رتیل و عنکبوت و انواع سوسک ها و جیرجیرک ها و امثال اینها از محرّمات احرام حساب نمی شود. لیکن اگر محرم از ناحیه آنها اذیتی نمی شود نباید آنها را بکشد و یا به آنها اذیت برساند و چنانچه این کار را انجام داد استغفار کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض حکم مسئله نشده اند.

آیه الله فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

۲. آیه الله سیستانی: همان گونه که شکار حیوانات صحرایی حرام است، کشتن همه حیوانات حرام است به جز: الف) حیوانات اهلی هرچند وحشی شده باشند. ب) مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی. ج) آنچه که مُحَرَّم از آن بر خود می ترسد یا قصد جان او را داشته باشد از درندگان و مارها و غیر آنها پس کشتن اینها بر محرم جایز است. د) پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند. ه) مار بد و عقرب و موش و همچنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است.

دوم - جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن^(۱)، و نگاه به شهوت^(۲)، بلکه، هر نحو لذت و تمتّعی بردن^(۳).

۹۰] م - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر است^(۴)، و

۱. آیه الله سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.
۲. آیه الله سیستانی: در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود، لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.
۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: محرم می تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه، از عیال خود لذت برد بنا بر اظهر (مانند التذاذ از صدا و با سخن گفتن با او) گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقاً.
- آیه الله زنجانی: جماع کردن با زن و بوسیدن او از روی شهوت و ملامسه او در صورتی که با قصد لذت یا خروج منی همراه باشد و همچنین نگاه کردن به او چنانچه با قصد لذت و خروج منی همراه باشد، بر محرم حرام است و احتیاط مستحب در ترک مطلق تمتعات است.
- آیه الله سیستانی: محرم می تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای زنان، همین حکم نسبت به مردان صادق است اگرچه از محارم زن باشند.
- آیه الله فاضل: مرد نسبت به زوجه خودش.
- آیه الله مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.
۴. آیه الله بهجت: اگر او را از روی شهوت ببوسد یک شتر کفاره بدهد اگر منی خارج شود، و اگر خارج نشود نیز بنا بر احوط یک شتر کفاره دارد.
- آیه الله تبریزی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بدهد. ←

اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند است.^(۱) و احتیاط

→ آیه الله خویی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بدهد و اگر منی از او خارج نشود، بنا بر احتیاط یک شتر باید بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر محرم، همسرش را با قصد لذت ببوسد کفاره آن یک شتر است مگر این عمل بعد از اتمام سعی عمره یا حج تمتع باشد که گوسفند کافی است و اگر بدون قصد لذت ببوسد کفاره ندارد مگر منی خارج شود که باید یک گوسفند قربانی کند و اگر غیر همسر را ببوسد - محرم باشد یا نامحرم - کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: خواه منی از او خارج بشود یا نشود.

آیه الله سیستانی: اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد، ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد و اگر مردی که محرم نیست همسر محرم خود را ببوسد، به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است و اگر منی خارج نشود کفاره آن یک گوسفند است. و بوسیدن بدون شهوت کفاره ندارد، چون حرام نیست. و زن هم در این مسئله حکم مرد را دارد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۱. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد، شتر است و اگر بدون شهوت باشد گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله نوری: در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد.

آیه الله گلپایگانی: در این صورت خالی از قوت نیست که یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را ترک کند و اگر ببوسد یک گوسفند کفاره بدهد.

مستحب آن است که یک شتر كفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۳۱۹)

[۹۱] م - اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود^(۱) و انزالش شود احوط آن است که اگر می تواند یک شتر كفاره بدهد، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر آن راه هم نمی تواند یک گوسفند كفاره بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۲۰)

[۹۲] م - اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود بنابر

۱. آیه الله بهجت: به نحو حرام، و اما اگر انزال نشود پس جز اینکه گناه کرده چیزی بر او نیست بنا بر اظهر.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود كفاره اش یک شتر است در صورت دارا بودن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر فقیر باشد.

آیه الله زنجانی: اگر به غیر همسر خود نگاه کند - با شهوت یا بی شهوت - و انزالش شود، اگر به دست و پای او و مانند آن نگاه کرده، باید یک شتر یا گاو و اگر نمی تواند یک گوسفند قربانی کند، و اگر به ساق و عورت و مانند آن نگاه کرده، چنانچه ثروتمند است باید یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله سبحانی: اگر محرم با شهوت به غیر زن خود نگاه کند و انزال شود، واجب است که اگر متمول است یک شتر و اگر نمی تواند یک گاو و اگر به آن هم توانایی ندارد یک گوسفند كفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: اگر محرم به غیر همسر خود نگاه حرام کند اگر منی خارج نشود كفاره ندارد و اگر خارج شود كفاره واجب است و احتیاط واجب آن است که اگر وضع مالی او خوب است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو كفاره بدهد و نسبت به فقیر یک گوسفند کافی است.

آیه الله فاضل: اقوی آن است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند كفاره بدهد.

مشهور كفاره آن يك شتر است^(۱)، ولي اگر از روى شهوت نباشد

كفاره ندارد.^(۲) (مناسک محشى، م ۳۲۱)

۹۳] م - اگر كسى با زن دست بازى كند به شهوت و انزالش نشود يك

گوسفند كفاره آن است^(۳) و اگر انزالش شود احتياط آن است كه يك

۱. آيات عظام تبريزى، خويى، زنجانى، سبحانى، صافى، گليپاگانى: بايد يك شتر كفاره بدهد.

آية الله سيستانى: بنا بر احتياط واجب يك شتر بدهد. و اما اگر منى بيرون نيايد و يا بدون شهوت به او نگاه كرد و منى بيرون آمد، كفاره واجب نيست.

آية الله فاضل: بنا بر اقوى يك شتر كفاره بدهد.

۲. آية الله بهجت: ولي اگر از روى شهوت نگاه كند و منى از او بيرون نيايد يا بدون شهوت نگاه كند و منى بيرون بيايد كفاره ندارد.

آية الله تبريزى: و يا از روى شهوت باشد و انزال نشود...

آية الله سبحانى: ولي اگر به صورت عادى نگاه كند كفاره ندارد هرچند حالتى پيش آيد كه منى از او خارج شود.

۳. آية الله بهجت: اگر با شهوت همسر خود را لمس نمايد يك گوسفند بايد بدهد و

اگر با او ملاعبه كند و انزال شود لازم است يك شتر كفاره بدهد و احوط قضاي حج است در موردى كه اين ملاعبه با انزال و امثال آن به نحو حرام بر غير محرم صورت بگيرد؛ مثل اينكه با اجنبيه باشد و در ملاعبه بدون انزال يك گوسفند است.

آية الله تبريزى، آية الله خويى: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس كند بايد يك گوسفند كفاره دهد و اگر با همسر خود ملاعبه كند و انزال شود لازم است يك شتر كفاره دهد.

آية الله سبحانى: كفاره آن يك گوسفند است خواه منى از او خارج شود يا نشود و اگر بدون شهوت دست بزند كفاره ندارد هرچند حالتى پيش آيد كه منى از او خارج شود.

شتر کفاره بدهد^(۱) اگرچه کفایت گوسفند، خالی از قوت نیست.

(مناسک محشی، م ۳۲۲)

[۹۴] م - هریک از این امور که موجب کفاره است اگر با جهل به مسأله

یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر

نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست. (مناسک محشی، م ۳۲۳)

[۹۵] م - اگر مردی با زن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند بر زن

چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد^(۲)،

و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید

کفاره خودش را بدهد، و کفاره‌ای که باید بدهند گذشت. (مناسک

محشی، م ۳۲۴)

→ آیه الله سیستانی: اگر زن خود را با شهوت لمس نماید یا بلند کند یا در آغوش بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد. چه انزال شود و چه نشود و اگر بدون شهوت باشد کفاره ندارد و اگر با زن خود ملاعبه نماید و انزال شود باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند و یا با او بازی کند، اگر انزال نشود یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر انزال شود بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

۱. آیه الله خامنه‌ای: کفاره ملاعبه منتهی به اِمناء در حال احرام، یک شتر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت انزال واجب است یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

۲. آیه الله سیستانی: اگر مرد زنش را مجبور به جماع کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و محلّل باشد. (مناسک محشی، م ۳۲۵)

[۹۶] م - جایز نیست^(۱) شخص محرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد. (مناسک محشی، م ۳۲۵)

[۹۷] م - اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط^(۲) در ترک است. (مناسک محشی، م ۳۲۷)

[۹۸] م - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۳۲۸)

[۹۹] م - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می شود.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۲۹)

[۱۰۰] م - ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه ای نیست در احکامی که ذکر شد. (مناسک محشی، م ۳۳۱)

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: شاهد شدن بر عقد، بنا بر قول مشهور، بر محرم حرام است و این قول موافق احتیاط است.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: احتیاط واجب.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنا بر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.

آیه الله جوادی: عقد کردن زن برای خود یا دیگری چه مُحرم باشد یا مُحلّل؛ بلکه آنچه مربوط به همسر است - مثل خطبه، عقد و شاهد شدن برای آن - حرام است و فرقی هم بین عقد موقت و دائمی نیست.

آیه الله سبحانی: خواستگاری در حال احرام مکروه است.

۳. آیه الله سبحانی: چه آن زن محرم باشد یا نباشد و خواه عالم به مسئله باشد یا نباشد.

چهارم - استمناء.

۱۰۱] م - استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر بهر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است^(۱)، و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد^(۲) به نحوی که در جماع گفته شد. (مناسک محشی، م ۳۳۴)

۱. آیه الله خامنه‌ای: و اگر نتواند شتر بدهد، قربانی کردن یک گوسفند کافی است. البته وجوب کفاره در صورت علم به حکم و عمد می باشد و علاوه بر آن اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می دهد و پیش از مزدلفه است، لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره به جا آورد و اگر استمناء به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم این گونه عمل کند.

آیه الله زنجانی: اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از او خارج شود کفاره آن یک شتر و انجام حج در سال آینده است - هرچند قصد او خروج منی نباشد - و اگر با همسر خود به قصد خروج منی، ملاعبه نماید و منی از او خارج شود باید یک شتر قربانی کند. و استمناء در غیر این دو صورت کفاره ندارد.

۲. آیه الله بهجت: و بدان که انزال منی با استمناء، بعضی او را مفسد حج دانسته اند، مثل جماع کردن و این قول احوط است در استمناء به مثل عبت با آلت خود و مانند آن از محرم بر غیر محرم. پس ترک نشود احتیاط به قضای حج.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسئله آن گذشت. و اگر بدون بازی با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می شود و بنا بر اظهر حج و عمره اش فاسد نخواهد شد. هرچند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

آیه الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی؛ چه با دست و غیر آن، مطلقاً حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و همچنین در عمره مفرد به احتیاط واجب. و استمناء به وسیله بوسیدن زن و یا دست زدن و یا ملاعبه و ←

پنجم - استعمال عطریات، از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.^(۱)

→ نگاه، حکمش در مسائل قبل گذشت. و استمنا به وسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا به وسیله تصوّرات او در خیال و مانند آن، بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقوفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

آیه الله فاضل: ظاهراً استمنا موجب بطلان نمی شود و حکم آن مثل جماع است که گذشت. و ظاهراً زن نیز همین حکم را دارد.

۱. آیه الله بهجت: حرمت در غیر طیب مسلم الحرمه؛ مانند مشک و زعفران و عنبر و کافور و ورس، معلوم نیست، بلکه جواز آن شماً و استعمالاً خالی از وجه نیست، اگرچه احتیاط در اجتناب عامه بوی خوش است.

آیه الله تبریزی: این حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط، استعمال صابون و شامپوی معطر [در حال احرام] جایز نیست.

آیه الله خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از اینهاست.

آیه الله زنجانی: بوییدن مطلق اشیاء خوشبو، خواه از عطریات باشد یا گل ها و سبزیجات خوشبو، بلکه بوییدن میوه جات خوشبو بر محرم حرام است؛ لکن حرمت انواع دیگر استعمال عطریات مانند مالیدن آنها به بدن و لباسی که پوشیده مخصوص زعفران و مشک و عود و عنبر و ورس و عطرهایی است که در این سطح یا قوی تر از آنهاست و لذا هرگونه استفاده از عطرهایی که امروزه متداول است بر محرم حرام است.

آیه الله سبحانی: استعمال عطریات چه به عنوان بوییدن و یا مالیدن به لباس و بدن و یا خوردن باشد و استعمال صابون ها و شامپوهای معطر نیز برای محرم جایز نیست. ←

[۱۰۲] م - مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن

لباسی که بوی عطر می دهد اگرچه قبلاً به آن عطر مالیده شده

باشد. (۱) (مناسک محشی، م ۳۳۵)

[۱۰۳] م - خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل

زعفران جایز نیست. (۲) (مناسک محشی، م ۳۳۶)

[۱۰۴] م - اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد

اضطرار پیدا کند باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد. (۳)

(مناسک محشی، م ۳۳۷)

→ آیه الله سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده ای که برای خوشبو کردن

بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می شود چه استعمال به

بویدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن

است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب کند.

آیه الله نوری: اگر صابون و شامپو دارای بوی خوش باشد، باید مُحرم از آن

اجتناب کند.

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله مکارم: یا پراکندن در فضا به وسیله اسپری و مانند آن.

۲. آیه الله خامنه ای: خوردن غذایی که در آن زعفران وجود دارد، برای محرم جایز نیست.

آیه الله زنجانی: خوردن چیزهای خوشبویی که در سطح زعفران یا قوی تر از آن

است جایز نیست؛ بنابراین خوردن گل ها و سبزیجات و میوه جات خوشبو بر

محرم جایز است، ولی باید مواظبت کند - ولو با گرفتن بینی - که بوی خوش آنها

به مشامش نرسد.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط لازم.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج باشد.

[۱۰۵] م - از گل‌ها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد باید اجتناب کند^(۱)، مگر بعضی انواع که صحرایی است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می‌گویند از خوشبوترین گل‌ها است. (مناسک محشی، م ۳۳۸)

[۱۰۶] م - احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوی حرام نبودن آنها است.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۳۹)

۱. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: به ذیل قبل از مسئله ۱۰۲ [پنجم: استعمال عطریات] مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: چنان‌که گذشت حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و ورس و مشک، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، باید محرم از بوییدن هر چیز معطر اجتناب کند، هرچند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گل‌ها و سبزیجات و میوه‌های خوشبو. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۰۳ و ذیل قبل از مسئله ۱۰۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: باید از گل‌هایی که برای عطرقیری کاشته می‌شوند مانند گل محمدی، یاسمن، نیلوفر پرهیز کرد ولی در غیر این نوع گل‌ها اجتناب لازم نیست و از بوییدن نعنا و کلیه سبزی‌های خوشبو خودداری شود، ولی استفاده از آنها برای خوراک اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییدن مورد استفاده واقع می‌شود، چه از آن عطر گرفته شود و چه نشود و نسبت به سبزی‌های خوشبو مانند نعنا بنا بر احتیاط واجب از بوییدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب از تمام گل‌ها اجتناب کند.

۲. آیه الله سبحانی: از بوییدن و خوردن چیزهای خوشبویی مثل زنجبیل و دارچین خودداری شود.

آیه الله سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می‌شود.

نظر سایر آیات عظام در مسئله قبل (۱۰۵) گذشت.

[۱۰۷] م - از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط^(۱) آن است که بوییدن را ترک کند. (مناسک محشی، م ۳۴۰)

[۱۰۸] م - اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد^(۲)، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد. (مناسک محشی، م ۳۴۱)

[۱۰۹] م - خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۴۲)

۱. آیه الله تبریزی: اولی این است که از بوییدن آنها هنگام خوردن خودداری شود. آیه الله خامنه‌ای، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب از بوییدن آنها خودداری کند. آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط از بوییدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیه الله زنجانی: باید مواظبت کند که بوی خوش آنها به مشامش نرسد.

آیه الله سبحانی: بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله گلپایگانی: نهایت احتیاط در آن

۲. آیه الله بهجت: بنا بر احوط بلکه اقوی.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: کسانی که حس بویایی ندارند و یا به علت زکام و یا سرماخوردگی بویی را احساس نمی‌کنند، نمی‌توانند به بدن و لباس خود عطر بزنند و یا غذای معطر میل کنند و چنین کسانی بنا بر احتیاط، بینی خود را از بوی بد نگیرند.

آیه الله فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

۳. آیه الله زنجانی: همچنین رفتن محرم در اماکن خوشبو مانند مغازه‌های عطر فروشی جایز نیست.

آیه الله سبحانی: حتی برای آزمایش.

۱۱۰] م - کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است بنابر احتیاط

واجب.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۴۳)

۱۱۱] م - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که

کعبه را به آن خوش بو می کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست

که خلوق چیست^(۲) احتیاط^(۳) آن است که اجتناب کند از بوی

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره اش بنا بر مشهور یک گوسفند است، ولی

ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است.

آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب آن است که برای استفاده عمدی از عطریات و

بوی خوش، چه آنهایی که در خوراک از آن استفاده می شود مانند زعفران و چه

غیر آنها، یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: کفاره خوردن زعفران و مانند آن، یک گوسفند است و سایر انواع

استفاده از عطریات، کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کفاره بوی خوش در صورت استفاده خوردنی یک گوسفند است

و در استعمالات دیگر مانند مالیدن به لباس و بدن و بوییدن بنا بر احتیاط باید

گوسفند کفاره داده شود.

آیه الله سیستانی: هرگاه محرم عمداً مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد و یا

چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنا بر احتیاط واجب

باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد، در استفاده از بوی خوش،

کفاره واجب نیست، هر چند احوط کفاره دادن است.

۲. آیه الله فاضل: ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می شود.

۳. آیه الله بهجت: این احتیاط در صورتی است که معلوم باشد دخول آنچه جایز

نیست بوییدن آن (ولو به حسب احتیاط ممنوع باشد) در آن، و معلوم نباشد

نامیده شدن آن به خلوق کعبه که خوشبوکننده کعبه است با خصوصیتی در

ساخت آن والا اقوی عدم حرمت است.

← آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.

خوشی که در کعبه است. (مناسک محشی، م ۳۴۴)

۱۱۲] م- اگر بوی خوش را مکرراً استعمال کرد در وقت واحد بعید نیست یک گوسفند کفایت کند^(۱)، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر

→ **آیه الله سبحانی:** این احتیاط لازم نیست و رسیدن بوی خوش پرده کعبه اشکال ندارد و اجتناب از آن لازم نیست و همچنین اگر بدن و یا لباس محرمی در طواف و یا صف جماعت و یا غیر آن بر اثر تماس با دیگران بوی خوش گرفت، اشکال ندارد ولی اختیاراً نباید آن را بیوید و اگر در حال احرام کسی به او عطر و یا گلاب پاشید، چون خارج از اختیار است، مانع ندارد ولی نباید اختیار آن را بیوید.

آیه الله سیستانی: خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می شده است، ولی بعید نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد و بتوان آن را استشمام کرد. ۱. **آیه الله بهجت:** با تخلل تکفیر کفاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیه الله تبریزی: چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجوبی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدد کفاره است.

آیه الله خامنه ای: تکرار استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یک بار استعمال کردن بدانند، کفاره را متعدد نمی کند و در غیر آن علی الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد. **آیه الله خویی:** متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله سبحانی: کفاره استعمال بوی خوش در صورتی که خوردنی باشد یک گوسفند است و در استعمالات دیگر مانند مالیدن به لباس و بدن و بوییدن آنها احتیاطاً یک گوسفند است؛ اگر در یک وقت چند بار بوی خوش استفاده کرد یک کفاره واجب است و اگر در اوقات مختلف این کار را انجام داد کفاره مکرر می شود و اگر غذای خوشبویی را خورد و فوراً کفاره را داد و سپس دوباره از آن استفاده کرد کفاره تکرار می شود و این حکم در بوییدن تنها بنا بر احتیاط است.

آیه الله گلپایگانی: در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود.

در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود^(۱)، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۳۴۵)

ششم - پوشیدن چیز دوخته^(۲) مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

۱. آیه الله زنجانی: اگر در یک احرام باشد یک کفاره کافی است، مگر در خوردن غذای معطر که چنانچه بعد از کفاره دادن، دوباره غذای معطر بخورد باید دوباره کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: کفاره با تعدد لبس یا خوردن طیب مکرر می شود چه در بین آن کفاره داده باشد یا نداده باشد.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

۲. آیه الله خویی: پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیرشلواری و جامه دکمه دار بابتستن دکمه آن و درع (زره) و هر جامه ای که آستین دار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است.

آیه الله زنجانی: دوخته بودن لباس، از محرمات احرام نیست؛ ولی پوشیدن لباس های معمولی؛ مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیرپوش و هر لباسی مانند آنها که عرض بدن را می پوشاند، بر مرد محرم جایز نیست، و در این امر فرقی بین لباس دوخته و بافته و غیر آن نیست، و پوشیدن حوله و لنگ و پتو و مانند آن مانعی ندارد - هرچند دوخته باشد - ؛ همچنان که می تواند پتوی دوخته روی خود بیندازد یا داخل کیسه خواب بخوابد هرچند خلاف احتیاط مستحب است.

آیه الله سبحانی: پوشیدن لباس های دوختنی مانند پیراهن و شلوار و قبا و امثال آن برای مردان و دستکش برای زنان در حال احرام جایز نیست و بنا بر احتیاط از چیزهای بافتنی یا آنچه که به شکل پیراهن یا شلوار درآید پرهیز کند.

آیه الله سیستانی: برای محرم جایز نیست که جامه دکمه دار یا آنچه فایده دکمه را داشته باشد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست ←

[۱۱۳] م - چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست پوشیدن آنها.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۴۶)

[۱۱۴] م - احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل

→ جامه‌ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دست‌ها را از آستین بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیر شلوار و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است، و بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباس‌های متعارف مانند پیراهن و قبا و لباده و کت و پیراهن عربی بپرهیزد، هر چند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه آنها بیرون نیاورد.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است؛ مانند نمدی که چوپانان آن را می‌پوشند.

آیه الله خامنه‌ای: و همچنین لباس‌های دکمه‌دار، که با بستن دکمه‌های آن به صورت پیراهن و مانند آن درمی‌آید گرچه مخیط نباشد، پوشیدن آن برای مردان حرام است.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط از چیزهای بافتنی یا آنچه که به شکل پیراهن یا شلوار درآید نیز بپرهیز کنند ولی همراه داشتن همیان و کیف پول و ساک دوخته و قمقمه آب و کیسه‌هایی که برای حفاظت از دمپایی و وسایل زائر است و امثال اینها مانند گهواره‌های کوچکی که برای بچه‌ها روی دست می‌گیرند، اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: فرقی نیست در آنچه در ذیل مسئله قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتنی یا نمد مالی یا غیر آن.

آیه الله مکارم: همچنین لباس‌هایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند.

کمربند دوخته و شب کلاه.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۴۷)

۱. آیه الله تبریزی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست و کمربند مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: کمربند و همیان که در آن پول می‌گذارند و به کمر می‌بندند و بند ساعت و امثال اینها که لباس محسوب نمی‌شود اگرچه دوخته باشد اشکال ندارد. همچنین نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته یا لباس‌های ممنوع یا به عنوان روانداز از آنها استفاده کردن مانعی ندارد. همین‌طور انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش هرچند حاشیه آن دوخته باشد اشکال ندارد. و نیز دوختن حاشیه پارچه احرام بلامانع است.

آیه الله خویی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه‌دار که طرفین آن را با نخ دوخته‌اند مانع ندارد.

آیه الله زنجانی: به سر گذاشتن کلاه و هرچه سر را می‌پوشاند و بستن کمربند و همیان و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم، و محرمی که برای حفظ پول یا نگاه داشتن لنگ احرامش باید از همیان یا کمربند استفاده کند می‌تواند کمربند یا همیان ببندد، هرچند دوخته باشد و کفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست اما کمربند در صورتی که پهن نباشد و پوشش حساب نشود اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: معلوم شد که معیار لباس، دوخته نیست، بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباس‌های متعارف هم حرام است و اما کمربند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد، گرچه کمربند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.

آیه الله صفای، آیه الله گلپایگانی: استفاده از این اشیاء برای محرم جایز است، هرچند دوخته باشد: الف) همیان و کمربند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند. ب) فتق بند. ج) کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

آیه الله فاضل: ظاهراً حرمت و ثبوت کفاره مخصوص به پوشیدن لباس دوخته؛ مانند پیراهن، قبا، شلوار و سایر لباس‌های متعارف است. اما پوشیدن و استفاده ←

[۱۱۵] م- همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد^(۱)

هرچند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی‌گرم باشد.

(مناسک محشی، م ۳۴۸)

[۱۱۶] م- فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لکن

احتیاط آن است که كفاره بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۴۹)

[۱۱۷] م- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی

كفاره باید بدهد.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۵۰)

→ از دمپایی و كفش دوخته که تمام روی پا را نپوشاند و کمر بند و همیان و فتق بند و بند ساعت و سایر اشیای کوچک دوخته دیگر که به آن لباس گفته نمی‌شود و همچنین حمل قمقمه دوخته اشکال ندارد و كفاره هم ندارد. و از این، حکم مسئله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله مکارم: بستن کمر بند هرچند دوخته باشد، مانعی ندارد.

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

۲. آیه الله تبریزی: كفاره هم ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۱۱۴ مراجعه شود.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: ضرورت لازم نیست و كفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: در صورت دوخته بودن كفاره دارد.

آیه الله صافی، آیه الله فاضل: اولی این است که كفاره بدهد.

۳. آیه الله بهجت: الا در صورتی که إزار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیة تأمل است.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید یک

گوسفند بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر لنگ ندارد جایز است شلوار بپوشد و كفاره هم ندارد؛ و در غیر

این مورد، پوشیدن لباس‌هایی که در ذیل مسئله ۱۲۱ گفته خواهد شد، كفاره

دارد، هرچند مضطر باشد.

[۱۱۸] م - جایز است گره زدن لباس احرام را ولی احتیاط در گره نزدن

است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.^(۱)

(مناسک محشی، م ۳۵۱)

[۱۱۹] م - جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به

بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۵۲)

[۱۲۰] م - از برای زن ها جایز است لباس دوخته هر قدر می خواهند بپوشند

و كفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و

آن چیزی بوده که زن های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست

می کردند برای حفظ از سرما.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۵۳)

[۱۲۱] م - كفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.^(۴) (مناسک محشی، م ۳۵۴)

۱. آیه الله جوادی: گره زدن لباس احرام به غیر گردن جایز است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۵ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۵ گذشت.

۳. آیات عظام تبریزی، زنجان، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است.

آیه الله خامنه ای: پوشیدن دستکش برای زنان جایز نیست.

آیه الله سبحانی: هر نوع دستکش خواه برای حفظ از سرما یا آفتاب یا حجاب و

یا زینت و یا مقاصد دیگری مثل رعایت بهداشت در کار در حال احرام باشد برای

زنان جایز نیست ولی اگر پوشید كفاره ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله فاضل: بلکه بنا بر احتیاط واجب پوشیدن هرگونه دستکش

بر زن ها جایز نیست.

۴. آیه الله زنجان: اگر مرد محرم پیراهن یا شلوار یا قبا و زیرپوش و مانند آن که عرض

بدن را می پوشاند بپوشد یا جوراب به پا کند یا عمامه و کلاه و دستار بر سر بگذارد

باید یک گوسفند قربانی کند؛ هر چند دوخته نباشد. و زن محرم اگر دستکش ←

[۱۲۲] م - اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هریک باید کفاره^(۱) بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هریک کفاره بدهد.^(۲)
(مناسک محشی، م ۳۵۵)

[۱۲۳] م - اگر از روی اضطرار لباس‌های متعدد پوشید کفاره ساقط نمی‌شود.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۵۶)

→ دست کند یا نقاب و پوشیه و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند قربانی کند و پوشاندن سر و صورت با چیزهای غیر پوششی مانند بار و حنا کفاره ندارد.

۱. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدهد کافی است.

۲. آیه الله بهجت: ظاهر تعدد کفاره است به تعدد صنف‌ها مطلقاً، چه علی الترتیب بپوشد و چه در یک دفعه بپوشد.

آیه الله زنجانی: اگر محرم چند عدد از لباس‌هایی که در ذیل مسئله قبل گفته شد را پوشید چنانچه همه از یک نوع باشند - مانند دو پیراهن یا دو پوشیه - تنها یک کفاره واجب می‌شود و اگر از چند نوع باشد - مانند یک پیراهن و یک شلوار - باید چند کفاره بدهد؛ به خصوص اگر اختلاف نوع آنها از قبیل پیراهن و کلاه یا پوشیه و دستکش باشد.

آیه الله سیستانی: در این صورت اگر نوع این لباس‌ها مختلف باشد، به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد، بنا بر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفاره بدهد.

۳. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم کفاره دارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم باید کفاره بدهد.

[۱۲۴] م - اگر یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۵۷)

[۱۲۵] م - احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر یک کفاره بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۵۸)

→ آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط.

آیه الله سبحانی: و بنا بر احتیاط در صورت ضرورت قبا و پالتو و کت را مقلوب کند (پشت و رو) و بر دوش خود انداخته و دست در آستین آن نکند.

آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

۱. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده اند.

۲. آیه الله بهجت: اگر یک دفعه پوشیدن صدق کند.

آیه الله تبریزی: در صورتی که چند لباس بپوشد ولو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که...

آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله سبحانی: اگر مرد محرم چند لباس دوخته را در یک مجلس و یک زمان با هم بپوشد یک کفاره دارد ولی اگر چند لباس دوخته را در دو مجلس یا بیشتر بپوشد کفاره آن متعدد خواهد بود.

آیه الله فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد، فقط یک کفاره واجب می شود.

آیه الله گلپایگانی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره، یک کفاره و در احرام حج نیز یک کفاره کافی است.

آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

هفتم - سرمه کشیدن.

۱۲۶] م - جایز نیست سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هرچند قصد زینت نکند^(۱)، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد^(۲)، بلکه اگر بوی

۱. آیه الله بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: سرمه سیاه به قصد زینت کردن حرام است قطعاً. و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند. آیه الله خویی: و بنا بر احتیاط مستحب، کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.

آیه الله زنجانی: کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر و هر سرمه ای که زینت محسوب شود بر محرم حرام است، هرچند قصد زینت نداشته باشد؛ لکن در صورت لزوم مانند مواردی که معالجه، متوقف بر سرمه کشیدن باشد جایز است. آیه الله سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه ای که زینت حساب شود، اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و اما سرمه ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود، اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

۲. آیه الله بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است، اگر به قصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد.

آیه الله خامنه ای: سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود، بر محرم جایز نیست، همچنین خط کشیدن به دور چشم ها که زنان انجام می دهند، جایز نمی باشد و در این مورد تفاوتی میان رنگ سیاه و دیگر رنگ ها وجود ندارد. ←

- خوش^(۱) داشته باشد بنابر اقوی حرام است. (مناسک محشی، م ۳۵۹)
- ۱۲۷] م - حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است. (مناسک محشی، م ۳۶۰)
- ۱۲۸] م - در سرمه کشیدن کفاره نیست^(۲)، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد^(۳) احتیاط در کفاره دادن است. (مناسک محشی، م ۳۶۱)
- ۱۲۹] م - در صورتی که احتیاج داشته باشد^(۴) به سرمه کشیدن مانعی ندارد. (مناسک محشی، م ۳۶۲)

→ آیه الله سبحانه: احتیاط واجب آن است که از مطلق سرمه که در آن جنبه زیبایی هست، اجتناب کند و اگر سرمه ماده خوشبویی داشته باشد، هرچند برای زیبایی نباشد حرام است.

۱. نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرمات احرام (استعمال عطریات) گذشت.
۲. آیه الله تبریزی: اگر سرمه سیاه را به قصد زینت بکشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد و در سرمه سیاه که به قصد زینت نباشد یا سرمه ای که به قصد زینت می کشد ولی سیاه نیست احتیاط استحبابی در کفاره دادن است.
- آیه الله خوئی: بنا بر احتیاط باید گوسفند کفاره دهد.
- آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.
۳. آیه الله سبحانه: کفاره دارد.

آیه الله فاضل: اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد، اقوی کفاره دادن است، ولی چنانچه بوی خوش از آن استشمام نشود، احتیاط مستحب در کفاره دادن است.

آیه الله مکارم: یک گوسفند اگر عمداً باشد.

نظر سایر آیات عظام در قسم پنجم از محرمات احرام (استعمال عطریات) مسئله ۱۰۲ به بعد گذشت.

۴. آیه الله سبحانه: و چیزی جایگزین آن نباشد.

هشتم - نگاه کردن در آینه.^(۱)

[۱۳۰] م - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست. (مناسک محشی، م ۳۶۳)

[۱۳۱] م - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۶۴)

۱. آیه الله بهجت: در صورتی که برای عذری، از قبیل مرض نباشد، که صدق تزئین نمی‌کند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: نگاه کردن در آینه جهت زینت بر مُحرم حرام است.

آیه الله جوادی: نگاه کردن در آینه با قصد زینت، بر مُحرم حرام است و بدون قصد زینت جایز است.

آیه الله خامنه‌ای: نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت؛ مانند راننده و امثال آن، اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: نگاه کردن در آینه و همچنین در دیگر اجسامی که عکس مُحرم در آنها پیداست اگر برای آرایش یا در معرض آرایش باشد حرام است؛ اما نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با آرایش ندارد مانند نگاه کردن راننده برای دیدن اطراف، اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: مقصود این است که انسان در آینه نگاه کند تا چهره خود را ببیند و یا خود را بیاراید ولی مثلاً اگر برای رفع خون از بینی و صورت می‌نگرد و همچنین اگر راننده برای آگاهی از پشت سر به آینه می‌نگرد اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: در صورتی که برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

۲. آیه الله خامنه‌ای: نگاه کردن در آب صاف یا در اجسام صیقلی که تصاویر در آن دیده می‌شود نیز همانند نگرستن در آینه است، اگر برای زینت باشد، جایز نیست.

آیه الله زنجانی: مگر به منظور آرایش یا در معرض آرایش باشد.

آیه الله سبحانی: اگر به قصد آرایش باشد حرام است. ←

[۱۳۲] م - عینک زدن اگر زینت نباشد^(۱) اشکال ندارد، ولی اگر زینت

محسوب شود^(۲) جایز نیست.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۶۵)

[۱۳۳] م - در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد

از نگاه کردن لبیک بگوید.^(۴) (مناسک محشی، م ۳۶۶)

[۱۳۴] م - اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم

او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است^(۵) که آن

→ آیه الله سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

آیه الله مکارم: هرگاه برای تزیین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

۱. آیه الله بهجت: اگر به قصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

۲. آیه الله فاضل: و به قصد زینت استفاده کند.

۳. آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می شود.

آیه الله سیستانی: در صورتی که عینک زدن عرفاً زینت باشد، احوط پرهیز از آن است.

۴. آیه الله تبریزی: کفاره اش بنا بر احتیاط استحبابی یک گوسفند است.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب است.

آیه الله خویی: کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

آیه الله سبحانی: اگر کسی عمداً برای زینت به آینه نگاه کند، باید لبیک بگوید؛ ولی جاهل و ناسی و مانند این دو لازم نیست تلبیه را تکرار کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کفاره اش استغفار است.

۵. آیه الله خامنه‌ای: اما بهتر آن است.

آیه الله سبحانی: و برای جلوگیری از احتمال حرام پارچه ای روی آن بیاندازد.

را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد. (مناسک محشی، م ۳۶۷)

[۱۳۵] م - احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند اگرچه برای زینت نباشد. (۱) (مناسک محشی، م ۳۶۸)

نهم - پوشیدن چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می‌گیرد. (۲)

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.
- آیه الله زنجانی، آیه الله جوادی: به ذیل قبل از مسئله ۱۳۰ مراجعه شود.
- آیه الله سبحانی: مقصود از حرمت این است که در آینه نگاه نکند تا چهره خود را ببیند و یا خود را بیاراید.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست، چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.
۲. آیه الله بهجت: و مانند چکمه و جوراب است بلکه مطلقاً با صدق لبس و پوشیدن علی‌الأحوط.
- آیه الله تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.
- آیه الله جوادی: ولی پوشیدن کفش بنددار که تمام روی پا را نگیرد، در حال احرام مانعی ندارد.
- آیه الله خامنه‌ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند. لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد.
- آیه الله زنجانی: و کفش و هرگونه پاپوشی که تمام روی پا را می‌پوشاند و نیز هر پاپوشی که تمام پشت پا را می‌پوشاند بر مرد محرم حرام است. ولی پوشیده شدن پا با حوله احرام یا پتویی که روی خود می‌اندازد اشکال ندارد.
- آیه الله سبحانی: و به بدن می‌چسبد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

[۱۳۶] م - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.^(۱)

(مناسک محشی، م ۳۶۹)

[۱۳۷] م - اگر مرد محتاج شود^(۲) به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد

احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.^(۳) (مناسک محشی، م ۳۷۰)

[۱۳۸] م - در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد كفاره نیست.^(۴) (مناسک

محشی، م ۳۷۱)

دهم - فسوق است.

[۱۳۹] م - فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد^(۵) بلکه فحش دادن

۱. آیه الله خامنه ای: اما احتیاط مستحب آن است که زنان نیز آن را مراعات کنند.

۲. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: بلکه مضطر شود.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: احتیاط مستحب این است.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

آیه الله سبحانی: و حالت یکپارچگی آن را از بین ببرد.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط ثبوت كفاره گوسفند است.

آیه الله خامنه ای: احتیاط مستحب در مورد خصوص جوراب آن است که یک

گوسفند به عنوان كفاره قربانی کند.

آیه الله زنجانی: كفاره پوشیدن جوراب، یک گوسفند است و پوشیدن چکمه و

كفش، كفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: مستحب است یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن كفاره ای واجب نیست، ولی بنا

بر احتیاط، اگر عمداً جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند كفاره بدهد.

آیه الله نوری: كفاره پوشیدن آنچه که روی پا را می گیرد یک گوسفند است.

۵. آیه الله بهجت: اظهر مقید بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به

آنکه بر غیر مُحرم حرام باشند.

و فخر^(۱) به دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است. (مناسک محشی، م ۳۷۲)

یازدهم - جدال است و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

[۱۴۰] م - گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد، بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۷۳)

→ آیه الله سبحانه: مقصود از آن سه چیز است: دروغ گفتن، دشنام دادن، فخرفروشی بر یکدیگر، لذا اینکه دیده شده گاهی به زبان جدّ یا شوخی، انسانی، مردم شهری یا قبیله‌ای و یا ایل و عشیره‌ای و یا لهجه‌ای را با تمسخر یاد می‌کنند و یا بر آنها مفاخره می‌کنند این عمل فی نفسه حرام و در حال احرام حرمتش مؤکد است.

۱. آیه الله تبریزی: فخر کردن بر دیگران، اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد، این عمل فی نفسه حرام است.

آیه الله خویی: مراد از فسوق در آیه مبارکه «فَلَا رَقَمَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» دروغ و دشنام است و فخر کردن حرام هم ملحق به فسوق است، فخر، در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد، حرام نیست.

آیه الله سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

آیه الله فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب فخرفروشی نیز از فسوق است.

۲. آیه الله تبریزی: و احتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و همچنین با الفاظی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش آیه الله خویی: این است که: کلمه «لا» و «بلی» دخالت در مطلب دارد. ←

[۱۴۱] م - قَسَم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است^(۱)، و اما قَسَم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست. (مناسک محشی، م ۳۷۴)

[۱۴۲] م - احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قَسَم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۷۵)

→ آیه الله فاضل: در مرادف اشکال است و ظاهراً در جدال محَرَّم خصوص لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

آیه الله گلیپایگانی: بنا بر احتیاط لازم، گفتن کلمه «آری والله» و «بله والله» و «نه والله» ملحق به آن است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت بپرهیزند، هرچند جمله های قسم در آن نباشد.

۱. آیه الله بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق است و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرد آن است.

آیه الله خامنه ای، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیه الله فاضل: ظاهراً لفظ «الله» بدون «لا» و «بلی» جدال محَرَّم نیست و مرادف «الله» نیز به هر زبانی که باشد جدال محَرَّم نمی باشد.

۲. آیه الله بهجت: به مسئله قبلی مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

آیه الله سبحانی: سایر اسماء الله به لفظ جلاله ملحق می باشد.

آیه الله فاضل: در صورتی که مشتمل بر کلمه «لا» و یا «بلی» باشد در این صورت نیز احتیاط مستحب الحاق است.

[۱۴۳] م - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است

قَسَم بخورد به جلاله و غیر آن.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۷۶)

[۱۴۴] م - اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او

نیست مگر استغفار^(۲)، و در سه مرتبه^(۳) کفاره باید بدهد، و کفاره آن

یک گوسفند است.^(۴) (مناسک محشی، م ۳۷۷)

۱. آیه الله بهجت: و در صورت جواز کفاره ای نیست علی الاظهر.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: و همچنین برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

آیه الله زنجانی: بلکه قسم خوردن برای اظهار دوستی مؤمن یا تکریم او جایز است.

آیه الله سبحانی: و همچنین اظهار و اثبات مودت و دوستی، یکی دو بار قسم خوردن اشکال ندارد ولی اگر مکرر و پی در پی شد جدال محسوب می شود و احتیاط مستحب آن است که در حال احرام اصلاً قسم نخورد.

آیه الله سیستانی: استثنا می شود از حرمت جدال موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد، مثلاً حق او را پایمال کند.

۲. آیه الله سیستانی: به گفته بعضی از فقها جدال با قسم راست محقق نمی شود مگر اینکه سه بار پی در پی باشد و این گفته خالی از وجه نیست، گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

۳. آیه الله خامنه ای: و در بیش از دو بار.

۴. آیه الله بهجت: اگر سه مرتبه پی در پی باشد، و در حکم غیر صورت تتابع با عدم تخلل تکفیر تأمل است در صادق و کاذب.

آیه الله سبحانی: در کفاره در مرتبه سوم کفاره آن یک گوسفند و اگر بار دیگر سه مرتبه یا بیشتر قسم راست بخورد کفاره آن نیز یک گوسفند است ولی اگر در مقام جدال سوگند دروغ یاد کند در مرتبه نخست یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر است و اگر کفاره آن را بپردازد برای مرتبه چهارم یک گوسفند است و برای مرتبه پنجم یک گاو است و برای مرتبه ششم دوباره شتر است و تمامی ←

[۱۴۵] م- اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر بلکه خالی از قوت نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۷۸)

→ موارد یاد شده در صورت علم به حکم شرعی و عمد است ولی اگر از روی فراموشی و یا جهل به مسئله قسم یاد کرد و جدال نمود چه دروغ و چه راست کفاره ندارد. آیه الله سیستانی: اگر سه بار پی در پی باشد.

۱. آیه الله بهجت: در یک مرتبه یک گوسفند و در دو مرتبه، بنا بر احتیاط یک گاو کفاره بدهد، بلکه خالی از وجه نیست و در سه مرتبه تخیر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر (آیه الله تبریزی: در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر بنا بر احتیاط) و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر سوگند دروغ یاد کند، در مرتبه اول و دوم باید یک گوسفند کفاره دهد، و احوط آن است که در مرتبه دوم، دو گوسفند بدهد، اما اگر بیش از دوبار چنین کند، در مرتبه‌های بعد باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر از روی عمد و علم به دروغ بودن مطلبی برای آن قسم بخورد، کفاره آن یک شتر است و اگر در دروغ بودن آن تردید داشته و بعد از قسم معلوم شد که دروغ بوده کفاره آن در بار اول گوسفند و بار دوم گاو و بار سوم و بیشتر شتر یا گاو است و اگر از دروغ بودن خبر غفلت داشته، کفاره جدال صادق، واجب می‌شود. آیه الله سبحانی: حکم آن در مسئله قبل گذشت.

آیه الله فاضل: واجب است که در مرتبه اول گوسفند کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد و احتیاط کامل به آن تحقق پیدا می‌کند که در مرتبه دوم بین گوسفند و گاو و در مرتبه سوم بین گاو و شتر جمع نماید.

آیه الله مکارم: این قول موافق احتیاط است.

[۱۴۶] م - اگر در جدال به دروغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد

بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک

گوسفند باشد نه گاو. ^(۱) (مناسک محشی، م ۳۷۹)

[۱۴۷] م - اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد ^(۲)

برای کفاره، و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک

گوسفند کفاره است. ^(۳) و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و

۱. آیه الله سبحانه: کفاره آن یک گاو است.

آیه الله سیستانی: و اگر کفاره را داد و دوباره قَسَم دروغ خورد، باید به ترتیبی که گذشت کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع و فروع بعدی نشده اند.

آیه الله فاضل: بلکه بعید نیست کفاره اش یک گاو باشد.

آیه الله مکارم: بعید است.

۲. نظر آیات عظام در مسئله ۱۴۵ گذشت.

۳. آیه الله تبریزی: اگر بعد از اینکه دو مرتبه بر دروغ جدال کرد و دو گوسفند کفاره

داد، برای مرتبه سوم فقط یک گوسفند باید بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند

دو مرتبه دیگر جدال به دروغ کرد باید دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر جدال

به دروغ کرد یک گاو باید ذبح کند.

آیه الله خویی: در جدال دروغ، بار اول یک گوسفند و بار دوم گوسفندی دیگر

و بار سوم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثنا، تأثیری در حکم

ندارد.

آیه الله سبحانی: کفاره آن یک شتر است و اگر پس از ذبح شتر دوباره به دروغ

جدال کرد کفاره آن یک گوسفند است و احکام کفاره در مسئله ۱۴۴ گذشت.

آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره اش یک شتر باشد.

جدال کرد ظاهراً یک گاو كفاره آن است.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۸۰)

[۱۴۸] م - اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هرچند باشد یک گوسفند كفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه كفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۸۱)

[۱۴۹] م - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند كفاره یک شتر است ظاهراً^(۳)، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادتیر كفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.^(۴) (مناسک محشی، م ۳۸۲)

-
۱. آیه الله فاضل: بعید نیست كفاره اش دو شتر باشد.
آیه الله مکارم: مانند مسئله سابق است.
 ۲. آیه الله تبریزی: به مسئله قبلی مراجعه شود.
آیه الله خویی: در جدال راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند دارد و دادن كفاره در اثنا تأثیری در این حکم ندارد.
آیه الله سیستانی: اگر بعد از سه بار یا بیشتر قسم راست خوردن پی در پی كفاره بدهد و یا سه بار پشت سر هم قسم بخورد و پس از فاصله دوباره سه بار یا بیشتر پشت سر هم قسم بخورد، در این دو صورت باید یک كفاره دیگر بدهد.
 ۳. آیه الله فاضل: ثبوت كفاره محل اشکال است.
آیه الله زنجانی: كفاره آن یک شتر یا گاو است و اگر برای برخی از جدال ها كفاره داده، مازاد به نحو مستقل كفاره دارد.
 ۴. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۱۴۴ و ۱۴۵ مراجعه شود.
آیه الله تبریزی: چنانچه به دروغ بیش از سه مرتبه جدال کرد كفاره آن یک گاو است مگر اینکه پس از مراتب سابق كفاره را ذبح کرده باشد که در این صورت باید ←

دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند، مثل شپش و کک^(۱)
و کنه که در بدن حیوان است.^(۲)

→ آنچه را که بعد از دادن کفاره محقق شده ملاحظه نماید چنانچه یک مرتبه جدال به دروغ کرد یک گوسفند و اگر دو مرتبه جدال به دروغ کرد دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر بود باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله خویی: در جدال دروغ، بار اول یک گوسفند و بار دوم گوسفندی دیگر و بار سوم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثنا، تأثیری در حکم ندارد.
آیه الله سبحانی: برای هر جدال زاید بر سه مرتبه یک شتر واجب است و اگر کفاره آن را بپردازد برای مرتبه چهارم یک گوسفند و مرتبه پنجم یک گاو و برای مرتبه ششم مجدداً یک شتر که حکم آن در مسئله ۱۴۴ گذشت.

آیه الله سیستانی: کفاره قسم دروغ در بار سوم و بعد از آن، هرچه باشد یک گاو است ولی اگر کفاره داد و دوباره قسم دروغ خورد یک گوسفند است و بار دوم نیز گوسفند و سوم گاو است.

آیه الله فاضل: بعید نیست که برای هر جدال زاید بر سه مرتبه یک شتر واجب باشد.
۱. کیک یا کک: حشره ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای عقب او بلند است به آسانی می جهد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می شود. «فرهنگ عمید».

۲. **آیه الله بهجت:** بنا بر مشهور و موافق با احتیاط و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست، اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنهاست، در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک است.
آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: کشتن شپش، مطلقاً و کشتن پشه و کک و سایر جاندارانی که در بدن ساکن می شوند، در صورتی که آزار نرسانند جایز نیست.
←

- [۱۵۰] م - جایز نیست انداختن شپش و کک را از بدن.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۸۳)
- [۱۵۱] م - بعید نیست که در کُشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد لیکن احتیاط یک کف از طعام صدقه بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۸۶)

→ آیه الله سیستانی: در مورد پشه و کک اگر ضرر از آنها متوجه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن آنها جایز است.

۱. آیه الله بهجت: حرمت القای غیر شپش دلیلی ندارد و شهرت هم بر آن ثابت نیست، بلی دور انداختن کنه خود یا کنه شتر خود، مورد احتیاط است.

آیه الله زنجانی: انداختن شپش از بدن یا لباس، جایز نیست و انداختن حشرات دیگر اشکالی ندارد.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب انداختن شپش از بدن و لباس جایز نیست. آیه الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در نینداختن است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست که شپش را از روی لباس و بدن بیفکند اما راندن پشه و کک و مانند آنها ظاهراً جایز است هرچند احوط ترک آن است. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در این مسئله و مسئله بعد.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، نوری: بنا بر احتیاط واجب باید یک مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: کفاره انداختن شپش از بدن یا لباس و کفاره کشتن آن هم یک مشت طعام است و سایر موارد کشتن و انداختن و انتقال حشرات، کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر کسی جانوران ساکن در بدن مثل شپش و یا تخم آن را که به «رشک» معروف است بکشد مستحب است یک کف طعام (گندم) کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: در صورت کشتن و یا انداختن شپش، احتیاط مستحب آن است که یک مشت از طعام کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش ترک نشود.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است عمداً باشد یا از روی خطا.

سیزدهم - انگشتر به دست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.^(۱)

[۱۵۲] م - اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل

آنکه برای خاصیتی به دست کند اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۳۸۷)

[۱۵۳] م - احتیاط واجب آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه

اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک است بلکه حرمت آن

در هر دو صورت خالی از وجه نیست.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۸۸)

۱. آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از به دست کردن انگشتر - اگر زینت به شمار آید - اجتناب کند.

آیه الله سبحانی: زینت نمودن دو قسم است: الف) قسمی که مشترک بین زن و مرد است؛ ب) مخصوص بانوان که در آینده می‌آید؛ در قسم اول مرد و زن باید از هر چیزی که زینت شمرده می‌شود اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد مثل انگشتر زینتی و یا حنا بستن اما اگر انگشتری جنبه زینت ندارد مثلاً برای حرز یا ثواب آن استفاده می‌شود اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: انگشتر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب و یا نگهداری آن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

۲. آیه الله بهجت: حنا بستن اگر برای زینت باشد جواز آن مورد تأمل است.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ مو - اگر زینت به شمار آید - بلکه از هر کاری که زینت محسوب می‌شود اجتناب کند.

آیه الله سبحانی: استعمال حنا اگر در عرف زینت حساب شود برای محرم حرام است هر چند قصد زینت نکند لکن به شرط اینکه بعد از حنا بستن، اثر آن در محل باقی بماند. ←

[۱۵۴] م - اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۸۹)

[۱۵۵] م - انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۹۰)

چهاردهم - پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.^(۳)

[۱۵۶] م - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند

→ آیه الله سیستانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محرم ترک هر چیزی است که عرفاً زینت شمرده شود چه قصد زینت کردن داشته باشد چه نداشته باشد و از این قبیل است حنا مالیدن به روش معمول ولی استعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکال ندارد.
آیه الله فاضل: حرمت محل اشکال است.

۱. آیه الله سبحانی: اگر اثرش تا زمان احرام بماند احتیاط مستحب آن است که استفاده نکند و همچنین است رنگ کردن موقبل از احرام ولی پاک کردن آن به هنگام احرام لازم نیست.

آیه الله صافی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می ماند بنا بر احتیاط باید خودداری کند.

آیه الله گلپایگانی: بهتر آن است که ترک شود.

آیه الله مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط استحبابی کفاره اش یک گوسفند است.

۳. آیه الله زنجانی: حرمت این امر، اختصاص به بانوان ندارد.

آیه الله سبحانی: زینت مانند پوشیدن دست بند و گردن بند و گوشواره و انگوی طلا و یا آرایش سر و صورت به شکلی که بین بانوان مرسوم است در حال احرام جایز نیست.

هرچند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت

نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۹۱)

۱۵۷] ۴ - زیورهای را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم

نیست برای احرام بیرون بیاورد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۹۲)

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان مُحَرَّم حرام است.

آیه الله زنجانی: پوشیدن هرگونه زیورآلات بر مرد محرم حرام است ولی به دست کردن انگشتر در صورتی که به قصد زینت نباشد اشکال ندارد و در مورد بانوان حرمت پوشیدن زیور، اختصاص به گوشواره و گردن بند دارد. و این دو نیز در دو مورد مستثنی است: الف) عادت به پوشیدن آنها داشته باشد؛ ب) هنگام احرام در تن او باشد و پوشیدن سایر زیورآلات بر بانوان مکروه است؛ و در هر حال اگر زیوری را پوشید نباید آن را به مردان نشان دهد.

آیه الله سبحانی: مرد و زن محرم از هر چیزی که زینت شمرده می شود باید اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد و در خصوص زن محرم لباسش ساده و بی پیرایه باشد لذا نباید چادر و پیراهن و مقنعه و جوراب خود را با توردوزی و امثال آن به شکلی جلوه دهد که از سادگی و بی پیرایگی خارج شود و شکل زینت به خود بگیرد مگر اینکه در میان بعضی اقوام و کشورها فرم و شکل لباسشان این گونه باشد و زینت قابل توجه حساب نشود و ابروهای که بین خانم ها به صورت خالکوبی رایج شده در حال احرام و غیر احرام نباید نامحرم ببیند گرچه به صحت احرام ضرر نمی رساند و همچنین زن نباید در حال احرام سر و صورت خود را آرایش نماید.

آیه الله سیستانی: اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب می شود احتیاط واجب در ترک است.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

۲. آیه الله فاضل: اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد.

[۱۵۸] م - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان

دهد حتی به شوهر خود.^(۱) (مناسک محشی، م ۳۹۳)

[۱۵۹] م - پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۳۹۴)

پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن.^(۳)

[۱۶۰] م - احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگرچه بوی

خوش در آن نباشد.^(۴) (مناسک محشی، م ۳۹۵)

[۱۶۱] م - جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش

از احرام اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.^(۵) (مناسک محشی، م ۳۹۶)

۱. آیه الله سبحانه: و باید آنها را از دید نامحرم و حتی شوهر خود حفظ کند.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرم اند ظاهر نسازد و نشان ندهد.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره اش بنا بر احتیاط مستحب، یک گوسفند است.

۳. آیه الله زنجانی: روغن مالیدن به بدن خود.

۴. آیه الله جوادی: مالیدن روغنی که بوی خوش دارد به بدن حرام است؛ ولی اگر برای اضطرار و نیاز باشد مانعی ندارد. چرب کردن بدن در حال احرام با روغنی که بوی خوش ندارد جایز است و کفاره ندارد.

آیه الله خامنه ای: روغن مالیدن به بدن و مو برای فرد محرم جایز نیست، خواه با روغن هایی باشد که برای زینت استعمال می شود یا با غیر آن، و خواه معطر باشد یا نباشد.

۵. نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرمات احرام گذشت.

آیه الله بهجت: به نحو قطع و در صورت ارتکاب، تأخیر احرام با امکان، تا زمان زوال رایحه لازم است.

آیه الله سیستانی: ولی اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد.

[۱۶۲] م - اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد. ^(۱) (مناسک

محشی، م ۳۹۷)

[۱۶۳] م - خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

(مناسک محشی، م ۳۹۸)

[۱۶۴] م - اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست. ^(۲)

۱. آیه الله زنجانی: ولی چنانچه با روغن غیر معطر، مشکل برطرف شود نباید روغن معطر بمالد.

آیه الله سبحانی: استفاده از کرم‌های مختلف، نرم‌کننده، ضد آفتاب، و برطرف کننده خشکی لب و ضد عرق سوز و به جهت تاول و نرم کننده دست و صورت در حال احرام به جهت مداوا و ضرورت جایز است به شرط آنکه بوی خوش نداشته باشد ولی بهتر است در حال احرام اگر برای او حرجی نباشد تحمل کند.

آیه الله سیستانی: محرم می‌تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

۲. آیه الله تبریزی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است، چه در روغن بوی خوش باشد یا نباشد و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله بعد مراجعه شود.

آیه الله خویی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

آیه الله زنجانی: کفاره مالیدن روغن در صورتی که از روی علم و عمد باشد یک گوسفند است؛ و اگر از روی نادانی باشد غذا دادن یک فقیر است، و فرقی بین روغن خوشبو و غیر آن و حالت اختیار و اضطرار نیست. و کفاره خوردن روغنی که در آن زعفران و مانند آن باشد یک گوسفند است.

(مناسک محشی، م ۳۹۹)

[۱۶۵] م - اگر در روغن بوی خوش باشد كفاره آن يك گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۰۰)

شانزدهم - ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُجَلّ.
[۱۶۶] م - در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۰۱)

→ آیه الله سبحانه: احتیاط مستحب یک گوسفند است.

آیه الله مکارم: احتیاطاً یک گوسفند است.

آیه الله نوری: كفاره مالیدن روغن به بدن، يك گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.

۱. آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی: كفاره اش يك گوسفند است حتی در صورت ضرورت، علی الأحوط.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط، كفاره مالیدن روغن خوشبو به بدن، يك گوسفند است، و در مورد روغن های غیر خوشبو، سیر کردن يك فقیر است، اگرچه بعید نیست در هر دو مورد واجب نباشد.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر مُحرم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنا بر احتیاط باید يك گوسفند كفاره بدهد، هرچند از روی اضطرار باشد و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد، بنا بر احتیاط كفاره آن اطعام يك فقیر است.

آیه الله فاضل: اگر در روغن بوی خوش باشد كفاره خوردن آن بنا بر اقوی يك گوسفند است و در غیر مصرف خوردن هم احتیاطاً كفاره را بدهد و در حال اضطرار كفاره ثابت نیست.

۲. آیه الله سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

[۱۶۷] م - ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد^(۱)، مثل زیادی

شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند. (مناسک محشی، م ۴۰۲)

[۱۶۸] م - اگر در وقت غسل یا وضو^(۲) مویی بدون قصد کنده شود اشکال

ندارد. (مناسک محشی، م ۴۰۳)

[۱۶۹] م - در ازاله مو فرقی نیست^(۳) بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا

قیچی کردن و غیر آن. (مناسک محشی، م ۴۰۴)

[۱۷۰] م - کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت^(۴) باشد دوازده «مُد»

۱. آیات عظام سبحانی، صافی، گلیپایگانی: گناه ندارد ولی کفاره دارد.

۲. آیه الله خامنه‌ای: یا تیمم.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: یا تیمم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

آیه الله سبحانی: محرم می‌تواند حمام برود ولی اگر بداند با کشیدن کیسه مویی از بدن جدا می‌شود نباید این کار را بکند.

۳. آیه الله زنجانی: در حرام بودن ازاله مو بین انواع مذکور فرقی نیست ولی در کفاره فرق دارد.

۴. آیه الله بهجت: اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره‌اش یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام ده مسکین است که به هر یک یک مد داده شود بلکه بنا بر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگرچه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مد و اشباع است.

آیه الله زنجانی: این کفاره، مخصوص بیماری و سردرد است و تراشیدن تمام سر برای ضرورت‌های دیگر مانند تراشیدن قسمتی از سر، کفاره ندارد. (مدّ حدود نهصد گرم است).

آیه الله گلیپایگانی: کفاره ازاله مو از بدن خود، چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الا در ازاله مو از بدن دیگری که در حال ضرورت کفاره ندارد.

طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند.^(۱) و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.
(مناسک محشی، م ۴۰۵)

[۱۷۱] م - اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند كفاره بدهد^(۲)، بلکه تعین گوسفند در این صورت بعید نیست. (مناسک محشی، م ۴۰۶)

[۱۷۲] م - اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای كفاره^(۳)، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند كفاره بدهد.^(۴) (مناسک محشی، م ۴۰۷)

۱. آیه الله گلیایانی: صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین کفایت می‌کند اگرچه دوازده مدّ به شش مسکین بهتر است.

۲. آیه الله بهجت: رعایت این احتیاط لازم نیست.
آیات عظام تبریزی، خویی، زنجان، سبحانی، سیستانی، مکارم، نوری: كفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله خامنه‌ای: اگر سر را عالماً عامداً بتراشد باید یک گوسفند كفاره بدهد.
۳. آیه الله نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغل‌ها یک گوسفند كفاره بدهد.

۴. آیه الله بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند كفاره‌اش یک گوسفند است بنا بر اقوی و در کندن موی یک طرف، سه مسکین را طعام بدهد.

آیه الله زنجان: اگر موی زیر هر دو بغل را بکند باید یک گوسفند قربانی کند، و در غیر کندن و همچنین در ازاله موی زیر یک بغل، كفاره گوسفند بنا بر احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر به وسیله دیگری، غیر از کندن، موی آن را ازاله نماید و اگر موی ←

[۱۷۳] م - احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر

تراشیدن کفاره تراشیدن را بدهد.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۰۸)

[۱۷۴] م - اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط

آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۰۹)

→ ریش یا غیر آن را بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر مُحَرَّم سر دیگری را تراشید چه مُحَرَّم باشد چه غیر مُحَرَّم کفاره ندارد.

آیه الله صافی: کفاره تراشیدن سر و ازاله موی هر دو بغل، بلکه زیر یک بغل، اگر ناچار شود یک گوسفند یا سه روز روزه، یا صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین است و بعضی دوازده مدّ به شش مسکین فرموده اند و این مطابق با احتیاط است و ترک نشود و اگر ناچار نشود باید کفاره دهد و بنا بر احتیاط کفاره کشتن گوسفند است.

آیه الله فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

آیه الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از زیر بغل، یک گوسفند است.

آیه الله مکارم: این حکم واجب است.

۱. آیه الله بهجت: فرقی بین کندن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست، چه از سر باشد یا صورت یا مواضع دیگر.

آیه الله خویی: بلکه واجب است.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله سبحانی: حکم آن از نظر کفاره با تراشیدن یکی است.

۲. آیه الله بهجت: یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقط شدن، غیر از ازاله غیر عمدیه است که فدیّه ندارد، اگرچه هر دو جایز است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید یک مشت طعام بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط مستحب آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن صدقه بدهد.

- هفدهم - پوشانیدن مرد است سر خود را به هرچه او را بپوشاند.^(۱)
- [۱۷۵] م - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۱۱)
- [۱۷۶] م - جایز است به بعضی بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دست ها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک است.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۱۲)
- [۱۷۷] م - جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند.^(۴) (مناسک محشی، م ۴۱۳)

→ آیه الله زنجانی: باید یک مشت طعام، کفاره بدهد و کشیدن اعضای دیگر حکم کشیدن دست را دارد.

آیه الله سبحانی: اگر در حال التفات به احرام عمداً دست خود را بر سر یا ریش خود بکشد و تار مویی کنده شود باید یک مشت آرد گندم کفاره دهد.

آیه الله سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود و اگر بی جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو مانند آن باشد چیزی بر او نیست. آیه الله فاضل: در غیر وضو و غسل.

آیه الله مکارم: مقصود از یک کف طعام، مقداری غذاست.

۱. آیه الله سبحانی: هر وسیله ای که باشد بنابراین پوشاندن سر به وسیله گل و حنا و دارو و بار برای حمل جایز نیست و احتیاط واجب است که مرد محرم سر خود را به وسیله اعضا بدن مثل دست نپوشاند از اینجا حکم سه مسئله بعد روشن شد (م ۱۷۵ تا ۱۷۷).

۲. آیه الله زنجانی: مرد محرم نباید با گذاشتن بار بر سر، سرش را بپوشاند، هرچند کفاره ندارد.

۳. آیه الله نوری: از لکن احتیاط... در مناسک ایشان نیامده است.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط.

[۱۷۸] م - در حکم سر است بعض سر^(۱)، پس نباید بعض سر را هم پوشانند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۱۴)

[۱۷۹] م - گوش‌ها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.^(۳)

(مناسک محشی، م ۴۱۵)

[۱۸۰] م - پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست. (مناسک محشی، م ۴۱۶)

[۱۸۱] م - گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثناء شده و مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۴۱۷)

[۱۸۲] م - دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندند عیب ندارد.^(۴)

۱. آیه الله خامنه‌ای: پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفاً مصداق پوشاندن سر باشد - مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر - جایز نیست، اما در غیر این صورت - مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر - اشکال ندارد، هر چند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید.
- آیه الله فاضل: بنا بر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنا بر احتیاط.
- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.
۲. آیه الله خامنه‌ای: حرمت زیر آب بردن نسبت به بعض سر معلوم نیست.
- آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: زیر آب بردن بعض سر جایز است.
۳. آیه الله سبحانی: گوش‌ها از سر محسوب نمی‌شوند ولی بنا بر احتیاط واجب گوش‌ها را نیز نپوشانند اما گذاشتن سمعک یا پنبه داخل سوراخ گوش اشکالی ندارد.
- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.
- آیه الله فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.
۴. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: گناه ندارد و لکن کفاره دارد.
- آیه الله زنجانی: و کفاره هم ندارد.
- آیه الله مکارم: آیه الله نوری: ولی بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

(مناسک محشی، م ۴۱۸)

[۱۸۳] م - گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد. (مناسک

محشی، م ۴۱۹)

[۱۸۴] م - اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد

و سر را زیر آن کند برای حفظ از پشه مانع ندارد، و همچنین رفتن در

پشه بند اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۴۲۰)

[۱۸۵] م - زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که

سر را فرو گیرد جایز نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۲۱)

[۱۸۶] م - اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند^(۲) و بعضی

۱. آیه الله زنجانی: بلکه رفتن زیر آبشاری که سر را فرا گیرد نیز مانع ندارد.

۲. آیه الله بهجت: مرد می‌تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار به تدریج انجام گیرد.

آیه الله خامنه‌ای: خشک کردن تدریجی سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

آیه الله زنجانی: خشک کردن سر با حوله و مانند آن اشکال ندارد مگر در صورتی که برای خشک کردن حوله را روی سر یا بعضی آن قرار دهد.

آیه الله سبحانی: مگر اینکه به صورت تدریجی انجام بگیرد.

آیه الله سیستانی: هر چند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنا بر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.

آیه الله گلپایگانی: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی باید طوری خشک کند که سر پوشیده نشود.

آیه الله مکارم: خشک کردن مانع ندارد به شرط اینکه سر را با آن نپوشاند.

سر هم در حکم همه است. (مناسک محشی، م ۴۲۲)

۱۸۷] م - در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند^(۱)، و اگر بدون التفات بپوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همین طور اگر از روی فراموشی بپوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۲۳)

۱۸۸] م - اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء، کفاره آن یک گوسفند است^(۳)،

۱. آیه الله زنجانی: بر مرد محرم، مکروه است که هنگام خوابیدن، روانداز را روی سر خود بکشد و احتیاط استحبابی در ترک آن است، ولی نباید سر را با کلاه و دستمال و مانند آن بپوشاند.

آیه الله سبحانی: ابتدائاً جایز نیست ولی اگر در خواب بی اختیار سر او پوشیده شد مانعی ندارد و دیگران نیز تکلیفی ندارند تا او را باخبر سازند لیکن وقتی بیدار شد و یا ملتفت شد باید فوراً پتو و امثال آن را کنار بزند و احتیاطاً تلبیه بگوید.

۲. آیه الله زنجانی: بلکه گفتن تلبیه واجب است و گفتن یک «لبیک» کافی است.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله نوری: از «مستحب است تلبیه...» در مناسک ایشان نیامده است.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط واجب کفاره اش یک گوسفند است.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره پوشاندن سر، بنا بر احتیاط واجب، یک گوسفند قربانی کردن است. و بعضی سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد و اگر تمام سر را در آب فرو برد، کفاره ای بر عهده اش نخواهد بود.

آیه الله زنجانی: اگر عمداً با کلاه یا عمامه یا دستار و مانند آن تمام یا قسمتی از سر را بپوشاند باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر با گذاشتن غیر لباس مانند بادبزن و حنا سر را بپوشاند کفاره ندارد.

و احتیاط واجب^(۱) كفاره است برای پوشاندن بعض سر. (مناسک

محشی، م ۴۲۴)

[۱۸۹] م - احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر كفاره بدهد^(۲)،

یعنی برای هر دفعه یک گوسفند كفاره است، گرچه تعدد كفاره معلوم

نیست و به نظر بعید نمی آید واجب نبودن. (مناسک محشی، م ۴۲۵)

[۱۹۰] م - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای كفاره ذبح کرد و باز سر را

پوشانید احتیاط به كفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه

۱. آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

۲. آیه الله بهجت: احوط تعدد فدیة است به تعدد پوشانیدن، خصوصاً هرگاه بی عذر

باشد، خصوصاً هرگاه مجلس متعدد باشد و اقوی تعدد فدیة است در صورت
تخلل تکفیر.

آیه الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط تکرر كفاره در صورت تکرر ستر است مطلقاً.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط باید كفاره مجدد بدهد و حتی اگر سر را در دو
مجلس بیوشاند هرچند در وسط كفاره پرداخته باشد احتیاط آن است که دو
كفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: بعید نیست یک كفاره کافی باشد.

آیه الله صافی: احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را بیوشاند، برای هر بار
جداگانه كفاره بدهد خصوصاً اگر بدون عذر باشد و مخصوصاً اگر مجلس آن هم
متعدد شود.

آیه الله گلپایگانی: در صورت تعدد پوشانیدن سر، باید كفاره متعدد بدهد.

آیه الله مکارم: این احتیاط در این مسئله و مسئله بعد، وجوبی است.

آیه الله نوری: با تکرار در پوشاندن سر، كفاره نیز مکرر می شود.

و جوبش معلوم نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۲۶)

[۱۹۱] م - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۲۷)

هیجدهم - پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع.^(۳)
[۱۹۲] م - پوشانیدن رو را به هر چیز اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنابر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند. (مناسک محشی، م ۴۲۸)
[۱۹۳] م - بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.^(۴)

۱. آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم آن در ذیل مسئله قبل گذشت.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی: در این صورت دوباره باید کفاره بدهد. آیه الله نوری: احتیاط، واجب است.

۲. آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر و اضطرار نیز کفاره واجب نیست.

آیه الله سبحانی: اما در صورت ضرورت نیز احتیاط واجب در کفاره است.

۳. آیه الله بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن.

۴. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط.

آیه الله خامنه‌ای: پوشاندن صورت در حال احرام به گونه‌ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند، مانند پوشاندن گونه‌ها و بینی و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن، مانند پوشاندن تمام صورت است و جایز نمی‌باشد. اما استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد. ←

[۱۹۴] م - اگر دست های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد. (مناسک

محشی، م ۴۳۰)

[۱۹۵] م - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.^(۱)

(مناسک محشی، م ۴۳۱)

[۱۹۶] م - واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدماً برای پوشانیدن

سر کمی از اطراف رو را بپوشاند^(۲)، لکن واجب است بعد از نماز فوراً

→ آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب، و لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می گیرد خلاف احتیاط است و همچنین جایز نیست بنا بر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال، هرچند همه صورت را نپوشاند، ولی تمیز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: بعض رو در حکم تمام است. و بنا بر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن؛ یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب. آیه الله مکارم: پوشانیدن بعض صورت، به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیه الله نوری: با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، چون چانه جزو صورت محسوب می شود، باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد، چون زیر چانه جزو صورت نیست.

۱. آیه الله زنجانی: بلکه برای خواب می تواند روانداز را روی صورتش بکشد، هرچند خلاف احتیاط استحبابی است.

۲. آیه الله بهجت: پوشانیدن رو به مقداری که مقدمه پوشانیدن سر می باشد، در حال نماز عیبی ندارد و می تواند سراندازش را آویزان نماید در نماز و بعد از آن. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی: پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می باشد، در حال نماز عیبی ندارد.

آن را باز کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۳۲)

[۱۹۷] م - جایز است برای روگرفتن از نامحرم^(۲) چادر یا جامه را که به سر

افکنده پایین بپندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت

احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست. (مناسک محشی، م ۴۳۳)

[۱۹۸] م - بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین

می اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت

نچسبد، بلکه این کار احوط است.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۳۴)

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیه الله خامنه ای: پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین و یا دو طرف آن، به طوری که زنان هنگام پوشیدن مقنعه به نحو متعارف و یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی کند، اشکال ندارد، چه در نماز باشد و چه در حال دیگر.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیه الله مکارم: واجب نیست.

۲. آیه الله بهجت: بلکه مطلقاً و اختیاراً و تا حد نحر علی الأظهر.

آیه الله خامنه ای: جایز است زن در حال احرام، چادر یا جامه ای را که بر سر انداخته طرف آن را بر روی صورت بپاویزد، به نحوی که بخشی از صورت و پیشانی اش را تا بالای بینی بپوشاند، اما احوط آن است که اگر مرد اجنبی او را نمی بیند، از این کار اجتناب نماید.

آیه الله زنجانی: بلکه مطلقاً جایز است.

آیه الله سیستانی: و در جایی که نامحرم نیست این گونه پوشش نیز جایز نیست.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

آیه الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه ای: احوط آن است که پوشش مذکور با صورت تماس نداشته باشد. ←

[۱۹۹] م - بعضی برای دور نگه نداشتن جامه از صورت کفاره لازم دانسته اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.^(۱)
(مناسک محشی، م ۴۳۵)

[۲۰۰] م - در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست^(۲) گرچه موافق احتیاط است. (مناسک محشی، م ۴۳۶)
نوزدهم - سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود.^(۳)

- آیه الله خویی: احوط آن است که از صورت دور نگه دارد.
- آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.
- آیه الله نوری: زن ها در حال احرام باید سعی کنند که مقنعه در حال درآوردن و پوشیدن صورتشان را نپوشاند.
۱. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره دهد.
۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.
- آیه الله زنجانی: کفاره پوشاندن رو با چیزهای پوششی مانند نقاب و پوشیه، یک گوسفند است و با غیر لباس ظاهراً کفاره ندارد، البته به جهت حاجتی چون بیماری، پوشاندن صورت جایز است و کفاره نیز ندارد.
- آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.
۳. آیه الله زنجانی: حرکت کردن با وسیله نقلیه سقف دار برای مرد محرم جایز نیست، روز باشد یا شب، هوا آفتابی باشد یا ابری، همچنین جایز نیست در هوای آفتابی یا بارانی در پناه سایبان متحرک مانند چتر حرکت کند.
- آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب سایه قراردادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن راه جایز نیست. بنابراین نشستن در ماشین و بیرون نگهداشتن سر از شیشه یا سقف آن، خلاف احتیاط وجوبی است.

[۲۰۱] م - سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زن ها و بچه ها

جایز است، و كفاره هم ندارد. (مناسک محشی، م ۴۳۷)

[۲۰۲] م - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل طی

کردن است و اما در حالی که در محلی منزل کرد زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد. پس مانع ندارد که در منا از چادر خود تا محلی که ذبح می کنند یا محلی که رمی جمرات می کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۳۸)

۱. آیه الله بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردد برای حوائج

غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منا.

آیه الله تبریزی: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط نمی تواند در حال حرکت، برای خود سایه بان درست کند؛ مثل آنکه چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف دار شود.

آیه الله خامنه ای: احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منا، از قرار گرفتن در زیر سایه های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند. ولی قرار گرفتن در سایه دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد.

آیه الله خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط، سوار ماشین سقف دار نشوند.

آیه الله زنجانی: می تواند در پناه سایبان ثابت مانند دیوار و پل و خیمه و تونل های کوتاه حرکت کند ولی با وسیله سقف دار و چتر نمی تواند به قربانگاه یا جمرات برود، همچنان که اگر هوا آفتابی یا بارانی باشد اگر مشقت شدید نداشته باشد نباید از تونل های طولانی استفاده کند و در این حکم فرقی بین مکه و عرفات و مشعر و منا و مسیرهای بین راه نیست.

[۲۰۳] م - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل

بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد. (مناسک محشی، م ۴۳۹)

[۲۰۴] م - احتیاط آن است که در وقت طی منزل به پهلوی محمل یا هر

چیزی که بالای سر او نباشد استظلال نکند^(۱)، اگرچه جایز بودن آن

→ آیه الله سبحانه: بنا بر احتیاط واجب پس از ورود به مکه برای رفتن به مسجدالحرام و همچنین در منا و عرفات برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر از سایبان‌های متحرک مانند چتر و اتومبیل سقف دار استفاده نکند.

آیه الله سیستانی: اما پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قرار دادن، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به اینجا و آنجا برود؛ مانند اینکه در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجدالحرام برود و یا به منزل خود در منا وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چون به وسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقف دار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله نوری: حرمت سایه قرار دادن، اختصاص به سایه‌ای دارد که با شخص حرکت می‌کند مثل چتر و ماشین مسقف و هواپیما و اما سایه ثابت مثل پل و تونل هر قدر طولانی باشد جواز عبور از زیر آنها بدون اشکال است

۱. آیه الله بهجت: احوط ترک سایه انداختن از آفتاب است، اگرچه منحرف از بالای سر باشد با چیزی که در سر ممنوع است.

آیه الله تبریزی: حرمت و ثبوت کفاره در تظلیل جانبی مبنی بر احتیاط است.

آیه الله خویی: و احوط بلکه اظهار این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، پس اگر از طرف چپ و راست چیزی بر او سایه بیفتد؛ به نحوی که تأثیر در کم شدن گرما یا سرما یا باد و نحو آن داشته باشد، جایز نیست و کفاره دارد.

آیه الله زنجانی: محرم نمی‌تواند در سایه سایبان متحرکی که بالای سر او نباشد نیز حرکت کند، ولی قرار گرفتن در سایه صندلی‌ها و دیوارهای ماشین، اشکال ندارد، و فرقی بین ماشین خود و دیگری نیست.

خالی از قوت نیست. (مناسک محشی، م ۴۴۰)

[۲۰۵] م- کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند^(۱)، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند. (مناسک محشی، م ۴۴۱)

→ آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: گذشتن از زیر پل‌های وسط راه مانعی ندارد و همچنین بودن در سایه‌ای که از دیوارهای اتومبیل سر باز و مانند آن به وجود می‌آید. (آیه الله سبحانی به شرطی که مانع از تابش مستقیم خورشید نشود.)

آیه الله سیستانی: سایه‌های متحرک که بالای سر محرم قرار نگرفته برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاطاً اجتناب کند مگر اینکه کوتاه باشد که سر و سینه را فرا نگیرد.

آیه الله نوری: استظلال، اختصاص به بالای سر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی‌شود.

۱. آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: نذری که سبب می‌شود محرم ناچار گردد با وسیله سرپوشیده سفر کند باطل است.

آیه الله سبحانی: احتیاطاً این شخص در میقات یا اگر نشد در ادنی الحل تجدید احرام کند.

آیه الله سیستانی: نذر احرام قبل از میقات، برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود زیر سقف برود محل اشکال است.

آیه الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند باید در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است. بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیع معروفه برود، نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است، ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند. و در هر صورت کفاره زیر سقف رفتن را باید بدهد.

[۲۰۶] م - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود باید محرم شود^(۱)، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد^(۲) و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آنکه خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۴۲)

[۲۰۷] م - نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است^(۴) گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست، بنابراین بعید نیست

۱. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل، مکارم: به ذیل مسئله ۲۰۵ مراجعه شود.
 ۲. آیات عظام سبحانی، فاضل، نوری: می تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد، مانند تونل و پل و زیر درخت، از سایه های ثابت.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ظاهر این است که معصیت نکرده است، ولی برای استظلال اضطراری کفاره باید بدهد.
 آیه الله مکارم: معصیتی نکرده است.

۴. آیه الله بهجت: استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهر مجموع روایات و مقتضای اصل، اختصاص ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.
 آیه الله جوادی: احتیاط، ترک تظلیل در شب های بارانی و سرد است، اگر برای فرار از باران و سرما باشد؛ مگر اینکه موجب حرج باشد. تذکر: اضطرار غیر از حرج است و معیار حرج است نه ضرورت.

آیه الله خامنه ای: احوط آن است که در شب های بارانی یا سرد از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اجتناب کند.

آیه الله خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنهاست. پس اگر هیچ کدام از آنها نباشد، به نحوی که وجود و عدم سائبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست و در فرض شک در اینکه آیا مظلّه وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است. ←

جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.

(مناسک محشی، م ۴۴۴)

[۲۰۸] م - در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست^(۱) بین سواره

و پیاده. (مناسک محشی، م ۴۴۵)

[۲۰۹] م - کسانی که کشتی سوار می‌شوند در حال احرام زیر سقف آن

نباید بروند، لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است ظاهراً نشستن

جایز است.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۴۶)

[۲۱۰] م - استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت

سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید كفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۴۴۷)

→ آیه الله زنجانی: حرکت با وسیله نقلیه سقف‌دار در شب نیز جایز نیست مگر در صورت ضرورت، و در هر حال اگر با علم و عمد مرتکب شود كفاره دارد، هرچند لزوم كفاره در بین الطلوعین و شب غیر بارانی؛ بنا بر احتیاط است.

آیه الله سبحانی: حرکت با وسایط نقلیه سرپوشیده به هنگام شب اشکال ندارد مگر اینکه باد شدید یا باران در کار باشد و همچنین حرکت در روز ابری با ماشین مسقف مانع ندارد و همچنین بین الطلوعین و پس از غروب خورشید تا زوال حمره جزء شب است.

آیه الله سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد كفاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.

آیه الله مکارم: جایز است مگر در شب‌های بارانی که باید كفاره بدهد و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۴ و ۲۰۵ گذشت.

[۲۱۱] ۴ - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابراین اگر ماشین از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار محرمین از زیر پل‌ها عبور کنند و یا در محل پمپ بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و كفاره ندارد. (مناسک محشی، م ۴۸۲)

[۲۱۲] ۴ - شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند كفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن كفاره تکرار نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن. (مناسک محشی، م ۴۸۳)

[۲۱۳] ۴ - در شب استظلال نیست^(۱) بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۸۵)

[۲۱۴] ۴ - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود^(۳) ولی اگر

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۷ گذشت.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

آیه الله سبحانی: بین الطلوعین و همچنین پس از غروب خورشید تا زوال حمزه جزء شب است و حرکت در روز ابری با ماشین مسقف مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب را به کلی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست.

آیه الله مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۵ گذشت.

زیر سقف سفر می‌کند باید کفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۴۸۶)

[۲۱۵] م - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست^(۱) و فرقی بین اجبار و اختیار نیست^(۲) ولی بر عبور از زیر پل‌هایی که در جاده‌ها هست صادق نیست. (مناسک محشی، م ۴۸۸)

[۲۱۶] م - بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشین‌های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۹۰)

[۲۱۷] م - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنا بر احتیاط واجب.^(۴) (مناسک محشی، م ۴۴۸)

[۲۱۸] م - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد. آیه الله زنجانی: عبور محرم از زیر سایبان‌های ثابت کوتاه مانع ندارد؛ و عبور از طول سایبان‌ها و تونل‌های طولانی در هوای آفتابی یا بارانی، جایز نیست، مگر در حال اجبار یا مشقت شدید.

۲. آیه الله سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۲ گذشت.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.

یک مرتبه سایه قرارداداده باشد.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۴۹)

بیستم - بیرون آوردن خون است از بدن خود.^(۲)

[۲۱۹] م - بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان

او را کشیدن حرام نیست.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۵۰)

[۲۲۰] م - جایز نیست^(۴) به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد،

و همین طور به مسواک^(۵) نمودن خون از بن دندان ها بیرون آورد.

(مناسک محشی، م ۴۵۱)

۱. آیه الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یک کفاره بدهد.

۲. آیه الله خامنه ای، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

۳. آیه الله زنجانی: لکن اگر این کار، باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم شود بدون عذر جایز نیست.

آیه الله سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است.

۴. آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب.

۵. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد، گرچه بداند خون خارج می شود و کفاره ندارد.

آیه الله جوادی: مسواک کردن در صورتی که عادت به خون آمدن در حال مسواک نداشته باشد اشکالی ندارد؛ هرچند احياناً خون خارج شود.

آیه الله زنجانی: اگر بتواند با احتیاط مسواک بزند نباید در مسواک زدن بی احتیاطی کند؛ ولی اگر لثه های او طوری است که معمولاً با مسواک زدن از آن خون بیرون می آید مسواک زدن معمولی جایز است؛ هرچند خون بیاید. و در هر حال از خمیردندان معطر که بوی آن به مشامش می رسد نباید استفاده کند.

[۲۲۱] م - جایز است در حال احتیاج^(۱) خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جَرَب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگرچه از آن خون درآید.
(مناسک محشی، م ۴۵۲)

[۲۲۲] م - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می شود تزریق نکند^(۲) مگر در مورد حاجت و ضرورت.
(مناسک محشی، م ۴۸۷)

[۲۲۳] م - خون از بدن درآوردن کفاره ندارد.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۵۳)

بیست و یکم - ناخن گرفتن.

[۲۲۴] م - جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی.

آیه الله سبحانی: در مواردی که ضرورت عرفی صدق می کند، جایز است ولی در غیر ضرورت حتی نباید بدن را جوری بخاراند که خون بیاید یا مویی کنده شود.

۲. آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب تزریق نکند مگر در صورت نیاز.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیه الله فاضل: و در هر صورت کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: مکروه است.

۳. آیه الله تبریزی: کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

آیه الله خامنه ای: اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب کفاره اش یک گوسفند است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احوط و اولی کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله نوری: احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اگر خون از بدن خود درآورد یک گوسفند کفاره بدهد.

شود^(۱)، مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او

باشد. (مناسک محشی، م ۴۵۴)

[۲۲۵] م - جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن

دست را بگیرد. (مناسک محشی، م ۴۵۵)

[۲۲۶] م - فرقی نیست بین آلات ناخن‌گیری قیچی باشد یا چاقو یا

ناخن‌گیر، و احتیاط واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه

حتی به سوهان و دندان.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۵۶)

[۲۲۷] م - اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد

احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است

که ناخن آن را نگیرد^(۳) اگرچه بعید نیست جواز، اگر معلوم شود آن

۱. آیه الله بهجت: لیکن محتمل است فدیة بعضی از ناخن آزار رساننده، قبضه‌ای از

طعام باشد نه مدّ.

آیه الله تبریزی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مش

طعام کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: مگر در صورت حرج و در هر حال گرفتن قسمتی از ناخن کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر برای گرفتن ناخن ضرورتی پیدا کند می‌تواند ناخن بگیرد

ولی باید کفاره بدهد و کفاره آن یک مدّ طعام است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و کفاره آن یک مدّ طعام است.

۲. آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سبحانی، سیستانی: فرقی نیست و ازاله

ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

۳. آیه الله بهجت: در صورت زیادتی، احوط مدّ است برای هر یک ناخن.

آیه الله تبریزی: گرفتن ناخن انگشت زیادی جایز نیست و گرفتن ناخن از دست

زیادی چنانچه معلوم شود آن دست زیادی است، خلاف احتیاط است. ←

- انگشت یا آن دست زیادی است. (مناسک محشی، م ۴۵۷)
- [۲۲۸] م - اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد، و همچنین در ناخن‌های پا. (مناسک محشی، م ۴۵۸)
- [۲۲۹] م - اگر تمام ناخن دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۵۹)
- [۲۳۰] م - اگر ناخن دست‌ها را تماماً بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس^(۲) و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است. (مناسک محشی، م ۴۶۰)
- [۲۳۱] م - اگر تمام ناخن دست‌ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هریک از ناخن‌های پا

- آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.
- آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن زیادی یا ناخن انگشت زیادی جایز نیست.
- آیه الله صافی: در هر دو مورد احتیاط ترک نشود.
- آیه الله فاضل: این احتیاط و احتیاط قبلی ترک نشود، چه زیادی آن معلوم باشد چه نباشد.
- آیه الله مکارم: فرقی میان انگشت زیادی و غیر آن نیست بنا بر احتیاط واجب.
۱. آیه الله بهجت: با عدم تخلل تکفیر برای هر ناخنی، در اثنای هر یک از دست‌ها و پاها و گرنه متجه کفایت مد است برای هر یک از ناخن‌های باقیمانده در دست‌ها یا در پاها.
۲. آیه الله بهجت: مجالس متعدد باشد، بعد از تکفیر لازم و قبل از تکفیر احتیاط است.
- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

یک مد طعام باید بدهد^(۱) و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و

ناخن دست ها را کمتر از ده بگیرد.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۶۱)

۲۳۲۲ م - اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر یک

باید یک مد طعام كفاره بدهد^(۳)، و همچنین است اگر کمتر از ده در

هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید كفاره بدهد.^(۴) (مناسک

محشی، م ۴۶۲)

۲۳۳۳ م - اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد

احتیاط واجب^(۵) آن است که یک گوسفند بدهد، و اگر بعضی

از ناخن های اصلی را و بعضی از ناخن های زیادی را بگیرد برای

ناخن های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی ها احتیاط مستحب آن

۱. آیه الله فاضل: در این فرض كفاره برای پا ثابت نیست.

۲. آیه الله فاضل: در این فرض برای ناخن های دست كفاره ای ثابت نیست.

۳. آیه الله زنجانى: باید احتیاطاً ده مد طعام (حدود ۹۰۰ گرم) و یک گوسفند كفاره بدهد.

۴. آیه الله سبحانى: اگر ده ناخن از دست یا پا و یا هر دو تلفیقاً بگیرد، باید یک گوسفند كفاره بدهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد كفاره بدهد.

آیه الله فاضل: در كفاره دم مماثله لازم نیست. و لذا اگر ده ناخن از دست یا پا و یا هر دو تلفیقاً بگیرد، باید یک گوسفند كفاره بدهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد كفاره بدهد.

۵. آیات عظام تبریزی، زنجانى، سیستانی: اگر ده ناخن از ناخن هایش را بگیرد احتیاط واجب این است که یک گوسفند بدهد و تفاوتی بین اینکه همه آن ناخن ها اصلی یا بعضی زیادی باشد نیست، و اگر کمتر از ده ناخن را بگیرد باید برای هر کدام یک مد بدهد.

است که كفاره بدهد.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۶۴)

۲۳۴] م - اگر تمام ناخن‌های دست را گرفت و كفاره آن را داد و بعد در

همان مجلس ناخن‌های پا را تماماً گرفت باید یک گوسفند دیگر

كفاره بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۶۵)

۲۳۵] م - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای

هریک، یک مد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب^(۳) آن است که

یک گوسفند ذبح کند. (مناسک محشی، م ۴۶۶)

۲۳۶] م - اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب آن است که

كفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.^(۴) (مناسک محشی، م ۴۶۷)

۱. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله نوری: بنا بر احتیاط.

۳. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: باید یک گوسفند كفاره بدهد.

آیه الله سبحانی، آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجب.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در صورتی که بقای ناخن ضرر نداشته باشد؛ مثل

اینکه ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، گرفتن ناخن جایز است و

از هر ناخنی یک مشمت طعام كفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: باید برای هر ناخن یک مشمت طعام بدهد و كفاره ده ناخن نیز ده

مشمت طعام است.

آیه الله سبحانی: كفاره آن برای هر ناخن یک مشمت طعام است.

آیه الله سیستانی: باید كفاره بدهد.

آیه الله فاضل: و می‌تواند برای هر ناخن یک كف از طعام كفاره بدهد.

بیست و دوم - کندن دندان.

۲۳۷] م - کندن دندان حرام است هرچند خون نیاید بنابر احتیاط^(۱)،
و احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۶۸)

۱. آیه الله بهجت: کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جمعی از فقها نظرشان این است که کندن دندان هرچند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره اش را یک گوسفند دانسته اند، ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

آیه الله جوادی: کندن دندان که بر محرم حرام است، شامل دندان دیگری نمی شود؛ هرچند خون خارج شود. کشیدن دندان اگر ضرورت دارد، مانع ندارد.

آیه الله خامنه ای: احتیاط واجب آن است که از کشیدن دندان - اگر موجب بیرون آمدن خون می شود - جز در موارد ضرورت و نیاز خودداری کند.

آیه الله زنجانی: در صورتی که خون بیاید کشیدن دندان بر محرم حرام است و کشیدن دندان شخص دیگر بر محرم جایز است مگر باعث نجس شدن بدن یا لباس او شود و در هر حال کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کندن دندان در حال اختیار برای محرم حرام است هرچند خون نیاید و در صورت ضرورت مانعی ندارد، ولی اگر خون بیاید باید کفاره بدهد و محرم می تواند دندان دیگری را بکشد هرچند او نیز محرم باشد و اگر خون آمد صاحب دندان باید کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هرچند خون نیاید.

آیه الله مکارم: این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

۲. آیه الله خامنه ای: بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد، اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد.

آیه الله سبحانی: این احتیاط مستحب است.

بیست و سوم - کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.^(۱)

[۲۳۸] م - اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده شده باشد بعد از آنکه منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۶۹)

[۲۳۹] م - اگر درختی در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده لکن خودش آن را نکاشته باشد احتیاط^(۳) آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است. (مناسک محشی، م ۴۷۰)

[۲۴۰] م - اگر گیاهی که در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده و

۱. آیه الله بهجت: و بریدن و نحو آنها.

آیه الله خامنه‌ای: قطع کردن و بریدن و شکستن درختان و گیاهان روییده در حرم، برای محرم و غیر محرم حرام است.

آیه الله سبحانی: کندن و بریدن گیاه و درخت حرم، حرام است.

آیه الله سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: و بریدن آن.

۲. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در این صورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد (آیه الله زنجانی: یا آبیاری کرده باشد) می‌تواند قطع کند، هرچند در ملک دیگری باشد.

آیات عظام سبحانی، فاضل، نوری: و یا قطع کند.

۳. آیه الله بهجت: کندن و بریدن این‌گونه درخت‌ها و گیاه‌ها اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، گلپایگانی: مانعی ندارد کندن درخت و گیاه در این صورت.

خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب^(۱) آن است که آن را قطع

نکند. (مناسک محشی، م ۴۷۱)

۲۴۱] م- اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را

قطع کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۷۲)

۲۴۲] م- درخت‌های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌تواند

آنها را قطع کند^(۳)، و در گیاهان «اذخر» که گیاه معروفی است از حکم

مستثنی است و قطع آن مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۴۷۳)

۲۴۳] م- اگر درختی را که جایز نیست کندنش بکند احتیاط آن است

که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک

۱. آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم: این احتیاط واجب نیست، بلکه مستحب است.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری: قطع آنها اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: قطع آنها جایز نیست.

۲. آیه الله سبحانی: اگر منزلی را برای استفاده مثلاً یا در ایام حج در مکه خرید و یا

اجاره کرد به احتیاط واجب درخت و گیاه خودروی آن را نکند و یا شاخه‌های درختان را نشکند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله مکارم: تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنا، در آن بوده حرام

است و غیر آن حرام نیست.

آیه الله نوری: منزلی که در آن سکونت کرده ولو نخریده باشد.

۳. آیه الله فاضل: میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه

تأثیر می‌گذارد می‌تواند قطع کند اما خود آنها را نباید قطع کند.

آیه الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

گوسفند.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۷۴)

[۲۴۴] م- اگر بعض درخت را قطع کند اقوی^(۲) آن است که قیمت آن را

۱. آیه الله بهجت: اگر درختی را بکند کفاره دادن یک گاو در درخت بزرگ و یک گوسفند در کوچک و اگر بعض درخت باشد قیمت آن را، موافق احتیاط است در صورتی که در درخت کوچک و در بعض درخت رعایت عدم نقصان از قیمت بشود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر درختی را که بریدن آن حرام است ببرد بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: باید یک گاو کفاره بدهد، درخت کوچک باشد یا بزرگ.

آیه الله سبحانی: و از ریشه درآورد اگر بزرگ باشد باید یک گاو و اگر کوچک باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط کفاره کندن هر درختی قیمت همان درخت و کفاره قطع آن، قیمت همان مقداری است که قطع کرده است و در کندن و قطع گیاه کفاره نیست.

آیه الله صافی: و ظاهر آن است که اگر گاو یا گوسفند را به قصد ما فی الذمه، از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است.

آیه الله مکارم: در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

آیه الله نوری: اگر درختی را بکند، اگر بزرگ باشد باید یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند و اگر بعض درخت را بکند قیمت آن را کفاره بدهد و در قطع گیاه کفاره نیست به جز استغفار.

۲. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله قبل (۲۴۳) مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: بلکه احوط است.

کفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۴۷۵)

[۲۴۵] م - در قطع گیاهان کفاره نیست به جز استغفار.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۷۶)

[۲۴۶] م - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم مختص به محرم نیست

بلکه برای همه کس ثابت است. (مناسک محشی، م ۴۷۸)

[۲۴۷] م - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود

اشکالی ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۷۹)

بیست و چهارم - سلاح در برداشتن.

[۲۴۸] م - حرام است سلاح در برداشتن بنابر احوط^(۳) مثل شمشیر و نیزه

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: در کردن گیاهان کوچک.

۲. آیه الله بهجت: اطلاق حکم به صورت علم به قطع و عدم ضرورت مورد تأمل است

آیه الله سبحانی: اگر قصد این کار را نداشته باشد مانعی ندارد.

۳. آیه الله بهجت: بر محرم حرام است سلاح برداشتن، مگر به جهت ضرورت، که در

این صورت کفاره هم ندارد و منصوص پوشیدن است یا آنکه صدق کند سلاح بر

اوست، پس همراه داشتن سلاح حرمت ندارد علی الأظهر.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حمل سلاح بر محرم حرام است و الحاق آلات

تحفظ به سلاح احوط است و کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است،

(آیه الله تبریزی: ولی بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند مانعی ندارد هرچند

احوط ترک آن است.)

آیه الله خامنه‌ای: حمل سلاح برای محرم جایز نیست؛ اما اگر برای حفظ جان

خود و دیگران نیاز به حمل سلاح داشته باشد، حمل آن جایز است.

آیه الله زنجانی: مسلح بودن بر محرم جایز نیست مگر برای ضرورت، و مکروه

است سلاح را همراه داشته باشد.

و تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد^(۱) مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد^(۲) و احوط ترک آن است.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۸۰)

→ آیه الله سبحانی: بستن سلاح گرم یا سرد بر خود در غیر حال ضرورت حرام است ولی حمل سلاح در بار و اثاث مانعی ندارد.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.

آیه الله مکارم: بنا بر اقوی.

۱. آیه الله سیستانی: ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع؛ مانند زره و سپر اشکال ندارد.

۲. آیه الله مکارم: خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

۳. آیه الله سبحانی: حمل سلاح اگر طوری باشد که او را مسلح بدانند، جایز نیست و حمل آن به طوری که او را مسلح ندانند مکروه است ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع مانند زره اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط حمل آن هم به طوری که او را مسلح بدانند جایز نیست. ولی بودن سلاح نزد محرم و حمل آن اگر به طوری باشد که او را مسلح ندانند، اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط مستحب.

استفتائات محرمات احرام

[۲۴۹] س - آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج - از محرمات احرام محسوب نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۹۱)

[۲۵۰] س - آیا شوهر پس از مُحل شدن می تواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست، ولی اگر زن نیز لذت می برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی الاحوط.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۹۳)

۱. آیه الله بهجت: اشکال دارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: جایز نیست مگر او را اذیت کند. کشتن یک نوع مارمولک (عظایه) کفاره آن یک مشت طعام است.

آیه الله زنجانی: اشکال دارد مگر از آن بر خود بترسد.

آیه الله سبحانی: کشتن حیواناتی مانند مارمولک، مار، مورچه، موش، رتیل، عنکبوت، انواع سوسک ها و جیرجیرک ها و امثال اینها از محرمات احرام حساب نمی شود لیکن اگر محرم از ناحیه آنها اذیتی نمی شود نباید آنها را بکشد و یا به آنها اذیت برساند و چنانچه این کار را انجام داد استغفار کند.

آیه الله سیستانی: حرام است.

آیه الله صافی: اگر اذیت کند، از محرمات محسوب نیست.

آیه الله مکارم: کشتن هیچ حیوانی جایز نیست بنا بر احتیاط واجب مگر حیوانات مودّی.

۲. آیه الله بهجت: اگر زن احتمال می دهد که متلذذ شود احتیاط در ترک است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: در این صورت تمکین زن حرام است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بل الاقوی.

[۲۵۱] س - فردی که از احرام درآمده، زنش را که محرم است می‌بوسد گرچه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج - اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره واجب نشده است.^(۱)
(مناسک محشی، م ۴۹۴)

[۲۵۲] س - صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می‌شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج - اگر صدق بوی خوش می‌کند، از آن اجتناب کنند^(۲) و در غیر این صورت

۱. آیه الله بهجت: اگر زن می‌داند که متلذذ می‌شود باید مانع شود و مرد بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنا بر احتیاط یک گوسفند بکشد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: تحقق حرمت بر هیچ‌کدام ثابت نیست و کفاره هم بر هیچ‌یک از آنها لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض مسئله نشده‌اند.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط.

آیه الله خامنه‌ای: استفاده مُحرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنا بر احتیاط جایز نیست.

آیه الله زنجانی: محرم نمی‌تواند با صابون معطر، صورت خود را بشوید و شستن اعضای دیگر با صابون معطر در صورتی جایز است که بوی خوش آن به مشام او نرسد.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اجتناب از استعمال آنهاست، در صورتی که بوی خوش داشته باشند.

مانع ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۴۹۵)

[۲۵۳] س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود،

برای محرم چه صورت دارد؟

ج - احتیاط آن است که آن را به دوش^(۲) نیندازد، و دست گرفتن آن مانع ندارد.

(مناسک محشی، م ۴۹۶)

[۲۵۴] س - در مورد نظرکردن در آئینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند،

و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای

محرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج - احوط، اجتناب است در همه موارد ذکر شده در سؤال.^(۳) (مناسک محشی، م ۴۹۷)

[۲۵۵] س - در حال احرام عده ای از همدیگر عکس می گیرند، و در

دوربین عکاسی که آئینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندی دارد

۱. آیه الله مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد.

۲. آیه الله بهجت: اگر مثل همیان باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی، فاضل: مانعی ندارد.

آیه الله خامنه ای: پوشیدن چیز دوخته که به آن لباس گفته نمی شود مانند

کمربند و همیان و بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد.

آیه الله سیحانی: همراه داشتن همیان و کیف و ساک دوخته شده و قمقمه آب

و کیسه هایی که برای حفاظت از کفش و دمپایی و وسایل زائر است و امثال اینها

مانند گهواره های کوچکی که برای بچه ها روی دست می گیرند، اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: حمل کیف ها و ساک های دوخته، هرچند به شانه و گردن بیندازد

مانعی ندارد.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۳۵ گذشت.

نظر می‌کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر معلوم نیست که در آینه نظر می‌شود، اشکال ندارد.^(۱) (مناسک محشی،

م ۴۹۸)

[۲۵۶] س - آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای

روزمه مردم کوچه و بازار؟

ج - قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.^(۲) (مناسک محشی، م ۴۹۹)

[۲۵۷] س - بعضی به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند

که چربی دارد، آیا محرم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا

خیر؟

ج - نمی‌تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت

مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک گوسفند است، اگرچه از

۱. آیه الله بهجت: چون برای تزئین نیست اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بر فرض آینه بودن و نظر کردن به آن، چون غرض غیر زینت است، مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم برداری اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند و اشکال ندارد.

۲. آیه الله زنجانی: و قسم‌هایی که بدون توجه، از محرم صادر می‌شود اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: لکن الفاضلی مانند «خدا شاهد است»، «خدا وکیلی» و امثال اینها که برخی به هنگام سخن گفتن به آن عادت دارند، بعید نیست که جدال باشد لذا احتیاط واجب در ترک این گونه الفاظ است ولی سهوا مانعی ندارد.

روی اضطرار باشد.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۰۰)

[۲۵۸] س - در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت

کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج - فرق نمی‌کند بشرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.^(۲) (مناسک محشی،

م ۵۰۱)

[۲۵۹] س - اگر غیر محرم از محرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر

محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً مُحَلّی سر او را بتراشد حرام

است و باید کفاره بدهد^(۳)، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد،

حتی بر مُحَلّ مزبور. (مناسک محشی، م ۵۰۲)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۶۴ و ۱۶۵ گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: یعنی اگر عمداً دست بکشد و مو کنده شود کفاره دارد، خواه به کنده شدن مو توجه داشته باشد یا نه.

آیه الله سبحانی: اگر در حال التفات به احرام عمداً دست خود را به سر یا ریش خود بکشد و تار مویی کنده شود، یک مشت آرد گندم، کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: و بی هدف.

۳. آیه الله سبحانی: اگر در عمره تمتع محرم به اختیار خود حاضر شود که شخص محل قبل از سعی او را تقصیر کند یا سر او را بتراشد و یا در حج قبل از اعمال روز عید او را حلق یا تقصیر نماید مرتکب حرام شده و باید کفاره دهد لکن کفاره تقصیر قبل از سعی در عمره تمتع یک گاو است.

آیه الله فاضل: نسبت به مُحَلّ مطلقاً کفاره‌ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی اختیار بوده و یا اسناد ازاله به محرم ولو تسبیحاً محرز نباشد کفاره ندارد.

[۲۶۰] س - محرم سرش تراست، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا وظیفه اش تیمم است؟

ج - اگر نمی‌تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۰۳)

[۲۶۱] س - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟
ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۰۴)

۱. آیه الله بهجت: مرد می‌تواند قسمت جلوی سر را تدریجاً خشک کند به طوری که حوله تمام سر را نپوشاند و وضو بگیرد.

آیه الله تبریزی: با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمای مسح، خشک کند.

آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: با حوله خشک کند مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: می‌تواند با گوشه حوله، مقدار لازم از سر را خشک کند.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، با دست یا با حوله - به طوری که سر پوشانده نشود - جای مسح را خشک کند.

۲. آیه الله بهجت: در صورت توجه و نیز عدم جهل به مسئله، در غافل و جاهل کفاره نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفاره ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد. ←

[۲۶۲] س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب ها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج - زیر چانه جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۰۵)

→ آیه الله زنجانی: در صورت اضطرار یا غفلت از حکم شرعی یا جهل به آن کفاره ندارد. آیه الله سیحانی: موی مصنوعی انواعی دارد مثل کلاه گیس یا کاشتن پیاز مو که حالت طبیعی مو را پیدا می کند و گره زدن دسته هایی از موی مصنوعی به ریشه مو، بنابراین مرد محرم نباید سر خود را با کلاه گیس و یا گره زدن که سر و یا قسمتی از آن را در بر می گیرد، بپوشاند اما اگر پیوند و کاشتن مو به گونه ای باشد که جزو بدن خود انسان شود و مانند موی خود انسان رشد و نمو داشته باشد، اشکال ندارد و در استفاده از موارد ممنوعه باید کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفاره ندارد و در غیر این صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

۱. آیه الله بهجت: چانه جزو صورت است که نباید پوشانده شود و بعضی صورت نیز در حکم تمام آن است، ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد.

آیه الله خامنه ای: پوشاندن صورت در حال احرام به گونه ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند، مانند پوشاندن گونه ها و بینی و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن، مانند پوشاندن تمام صورت است و جایز نمی باشد. اما استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

[۲۶۳] س - آیا زن محرم می‌تواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم

سر مرد را دارد که نمی‌تواند روی آن را بپوشاند؟

ج - احتیاط، مراعات شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۰۶)

[۲۶۴] س - زن‌ها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه،

صورتشان پوشیده می‌شود، چه صورت دارد؟

ج - باید سعی کنند پوشیده نشود^(۲)، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود

مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۵۰۷)

[۲۶۵] س - فرموده‌اید که محرم از منزل تا مسجدالحرام می‌تواند زیر

سقف برود، آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند

۱. آیه الله بهجت: اگر تدریجی باشد مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این

صورت مانع ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: جایز نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: پاک کردن صورت با حوله مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: به صورت تدریجی که تمام صورت پوشیده نشود، مانعی ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که صورت پوشیده نمی‌شود خشک

کند.

آیه الله نوری: زن محرم نمی‌تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند؛

چنان‌که مرد محرم نمی‌تواند سر خود را با آن پاک یا خشک کند.

۲. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۱۹۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: این مقدار مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می‌پوشاند به

احتیاط واجب جایز نیست.

می‌توانند در مکه زیر سقف باشند؟

ج - تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می‌توانند استظلال نمایند.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۰۸)

[۲۶۶] س - کسی که از تنعیم محرم می‌شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج - چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۰۹)

۱. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط نمی‌توانند استظلال نمایند.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: در حال حرکت و سیر احتیاطاً نباید استظلال بکنند. آیه الله خامنه‌ای: احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه‌های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر اجتناب کند.

آیه الله خویی: در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط سوار ماشین سقف دار نشود. آیه الله زنجانی: استظلال در مکه نیز - در حال اختیار و عدم حرج - جایز نیست و فرقی نمی‌کند که برای رفتن به مسجدالحرام باشد یا منزل یا عرفات، در منزل مستقر شده باشد یا نه.

آیه الله سیستانی: احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هرچند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

۲. آیه الله بهجت: به احتیاط واجب تظلیل جایز نیست.

آیه الله تبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجدالحرام یا محل اقامت است.

آیه الله خامنه‌ای: احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه‌های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر اجتناب کند.

← آیه الله خویی: بنا بر احتیاط، استظلال نکند تا دخول مکه متیقن سابق.

[۲۶۷] س - میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در اینجا برای عمره مفرده احرام بست می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محل سکونت او مکه است؟

ج - در فرض مذکور مانع ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۱۰)

[۲۶۸] س - افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، كفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج - برای مدتی که خواب بوده اند، یا ماشین ایستاده، كفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، كفاره واجب است.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۱۱)

[۲۶۹] س - در حال احرام وقتی ماشین های بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که

→ آیه الله زنجانی: جایز نیست، مگر آنکه مشقت شدید داشته یا از اختیار محرم خارج باشد.

آیه الله سبحانی: استظلال جایز نیست.

آیه الله سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سؤال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود.

۱. در مسئله قبل (۲۶۶) گذشت.

۲. نسبت به استظلال در شب نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۷ گذشت.

آیه الله مکارم: در این صورت كفاره ای لازم نیست.

ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟

ج - مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۵۱۲)

[۲۷۰] س - آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید

است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود؟

ج - فرق نمی کند. ^(۱) (مناسک محشی، م ۵۱۵)

[۲۷۱] س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر

شانه بیفتد استظلال صدق می کند؟

ج - صدق نمی کند. ^(۲) (مناسک محشی، م ۵۱۶)

[۲۷۲] س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه

۱. آیه الله بهجت: احوط این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود.

آیه الله زنجان: ولی سایه دیوار ماشین ها و سایه صندلی ها و همسفران، مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر شخص پیاده در سایه ماشین و یا حیوانات و یا هر وسیله متحرک دیگر در حال احرام حرکت کند اشکال ندارد. به شرطی که مانع از تابش مستقیم خورشید نشود بنابراین نمی توان زیر سایه چتر ولو اینکه در دست دیگری باشد حرکت کرد.

آیه الله مکارم: سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.

آیه الله نوری: استظلال اختصاص به بالاسر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی شود.

۲. آیه الله بهجت: فرق نمی کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب صدق می کند.

آیه الله خویی، آیه الله زنجان: صدق می کند.

آیه الله فاضل: گذشت که بنا بر احتیاط واجب برای بدن نیز نباید سایبان قرار دهد.

حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟

ج - شامل نمی شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۱۷)

[۲۷۳] س - آیا محرم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا

بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج - مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.^(۲) (مناسک محشی،

م ۵۲۰)

[۲۷۴] س - آیا محرم می تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.^(۳) (مناسک محشی، م ۵۲۳)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۴ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط نمی توانند استظلال نمایند.

آیه الله تبریزی: آیه الله سبحانی: در حال حرکت و سیر احتیاطاً نباید استظلال بکنند.

آیه الله خامنه ای: احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر اجتناب کند.

آیه الله خویی: در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط سوار ماشین سقف دار نشود.

آیه الله زنجانی: استظلال در مکه نیز - در حال اختیار و عدم حرج - جایز نیست و فرقی نمی کند که برای رفتن به مسجدالحرام باشد یا منزل یا عرفات، در منزل مستقر شده باشد یا نه.

آیه الله سیستانی: احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هرچند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

۳. آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم: ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

[۲۷۵] س - کندن دندان که بر محرم حرام است^(۱) مقصود دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم می شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج - شامل دندان غیر نمی شود، هرچند خون از آن بیرون آید.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۲۴)

[۲۷۶] س - آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی الاحوط.^(۳) (مناسک محشی، م ۵۲۵)

[۲۷۷] س - هرگاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

-
۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۳۷ گذشت.
 ۲. آیه الله سبحانی: هرچند شخص دیگر نیز محرم باشد و اگر خون آمد صاحب دندان باید کفاره بدهد.
 ۳. آیه الله بهجت: ولی کفاره ندارد علی الأظهر، حتی در صورت غیر ضرورت، با خون انداختن اگرچه حرام است چنان که گذشت.
 - آیه الله تبریزی: کشیدن دندان، اگر خون در نیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد و در صورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.
 - آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله ۲۳۷ مراجعه شود.
 - آیات عظام زنجانی، سیستانی، فاضل: کفاره لازم نیست.
 - آیه الله سبحانی: اگر خون آمد باید کفاره بدهد.
 - آیه الله مکارم: مطلقاً مانعی ندارد و کفاره هم ندارد.

ج - باید دو كفاره بدهد^(۱) مگر در صورت جهل و نسيان. (مناسك محشى، م ۵۲۶)

[۲۷۸] س - در بين مردم معروف است كه محرم نبايد به كسى دستور بدهد، مثلاً نبايد به كسى بگويد يك ليوان آب يا چاي يا چيز ديگر به من بدهيد و بايد خودش بردارد، آيا اگر در حال احرام چنين درخواستى از دوست خود بكند گناه كرده است يا نه؟ و در صورت گناه آيا كفاره هم دارد يا نه؟

ج - اشكال ندارد. (مناسك محشى، م ۵۲۷)

۱. آية الله بهجت: احتياطاً.

آية الله تبریزی، آية الله زنجانى: يك كفاره كافى است.

آية الله خويى: حرمت لبس اين گونه مخيط به نظر ايشان مبنى بر احتياط است و لذا احتياط در دو كفاره است.

آية الله سيستانى: بنا بر احتياط واجب، در صورتى كه چيزى كه پوشيدن آن حرام است را بپوشد؛ مثل عمامه و كلاه، ولى اگر مثلاً پيراهن خود را بر سر بگذارد، بيش از يك كفاره لازم نيست.

آية الله مكارم: در مثل پارچه دوخته شده يك كفاره دارد، ولى كلاه دوخته و مانند آن، بنا بر احتياط واجب دو كفاره دارد.

مستحبات دخول حرم^(۱)

[۲۷۹] ۳ - برای داخل شدن حرم خدا چند چیز مستحب است: (مناسک

محشی، م ۵۲۸)

۱. همین‌که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم

غسل نماید.^(۲)

۲. از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا پا برهنه شده

و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی

دارد.

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيباً لَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَتَّبِعِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي

۱. آیه الله مکارم: به قصد رجا انجام دهد.

۲. آیه الله سبحانی: آنچه از غسل‌های مستحب بیان شده است، یکی غسل ورود به

حرم است که اگر کسی تا ورود به مکه آن را تاخیر انداخت مانعی ندارد، سپس

غسل ورود به مکه است که این غیر از غسل ورود به حرم است و رجائاً می‌شود هر

دو را به یک نیت انجام داد و اگر کسی این دو غسل را انجام نداد و تاخیر انداخت

تا موقعی که منزل گرفت، چنانچه در منزل و قبل از رفتن به مسجدالحرام غسل

کند، کفایت می‌کند و غسل دیگر غسل ورود به خانه کعبه است.

مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴. وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

[۲۸۰] م - برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل کند.

و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید. (مناسک محشی، م ۵۲۹)

آداب دخول مسجدالحرام

[۲۸۱] م - مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل کند^(۱)

و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه»^(۲) وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد. (مناسک محشی، م ۵۳۰)

۱. آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست، مگر اینکه برای طواف باشد.

۲. آیه الله سبحانی: باب اصلی بنی شیبه محاذی مقام ابراهیم روبه روی رکن که مشهور به رکن عراقی و قبل از ورود به محدوده مطاف بوده است و کسی که از باب السلام وارد می شده می توانسته از آن به مطاف وارد شود و وجه آن در ح ۱ باب ۹ ابواب مقدمات طواف ج ۹ وسایل آمده است. که زمانی که علی ع «بت هُبَل» را از بام کعبه به زمین انداخت نزد باب بنی شیبه دفن شد و کسی که از این در وارد می شود پا روی آن می گذارد.

و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ،
السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ
اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى
أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ
لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا
مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ
يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ
مَآتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تَنِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنْتَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَدَمٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ
تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ

إِيَّايْ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي ﴿جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا مَّبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِكَ وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَظْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْثَمُ طَاعَتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ ﴿مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا مَّبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْحَبِثِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ﴾ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَأَخْذَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُؤْتِي لِمَاتُوتٍ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسْلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبر وارد شده است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِنَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سُبْحَتِي وَاعْفُ رُ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

طواف

کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره مفرده. (مناسک محشی، ابتدای فصل چهارم)

۲۸۲] م - طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است. (مناسک محشی، م ۵۳۱)

۲۸۳] م - طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند اعمال مترتبه باطل است و بر احرام باقی است تا طواف و بقیه اعمال را به جا آورد. چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.^(۱)

۱. آیه الله بهجت: و وجوب ذبح یک شتر مطلقاً، حتی در حال علم و عمد، موافق احتیاط است.

آیه الله جوادی: طواف از ارکان عمره است؛ و کسی که آن را تا زمانی که وقت آن فوت شود، ترک کند، عمره او - چه عالم به حکم و چه جاهل باشد - باطل است.

آیه الله زنجانی: چه عالم به اصل وجوب طواف باشد و چه جاهل به آن، ولی کسی که به خاطر ندانستن برخی از احکام فرعی طواف، طواف صحیح را ترک کرده، در ←

(مناسک محشی، م ۵۳۲)

[۲۸۴] م - اگر از روی سهو ترک کرده طواف را^(۱) لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد^(۲)، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد. (مناسک محشی، م ۵۳۵)

[۲۸۵] م - اگر سعی را به جا آورده پیش از آنکه طواف را به جا آورد احتیاط واجب^(۳) آن است که سعی را هم به جا آورد، و اگر نماز طواف را به جا

→ برخی صورت‌ها عمره‌اش باطل نمی‌شود و تفصیل آن در ضمن مسایل طواف خواهد آمد.

آیه الله سبحانی: معنی رکن در نماز غیر از رکن در حج است، ترک رکن در نماز عمداً و سهواً موجب بطلان نماز است ولی ترک رکن در حج در صورت عمد مایه بطلان است نه در صورت سهو.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط، جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد.

۱. آیه الله سیستانی: یا آن را به طور صحیح انجام نداده.

۲. آیه الله زنجانی: و اگر به محل خود برگشته باید به مکه رفته طواف نماید و اگر نتواند یا این کار ضرر جانی شدید داشته باشد باید برای طواف نایب بگیرد و اگر این کار مشقت داشته باشد مخیر است که خودش به جا آورد یا نایب بگیرد و در هر صورت بعد از طواف باید نماز آن را نیز به جا آورد.

آیه الله فاضل: و سعی را نیز بنا بر احتیاط اعاده کند.

آیه الله مکارم: و در این مدت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

۳. آیه الله خامنه‌ای: اگر طواف را فراموش کند و پیش از فوت وقت به یاد آورد، باید

← طواف و نماز طواف را به جا آورد و سپس سعی انجام دهد.

آورده باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند. (مناسک محشی، م ۵۳۶)
 [۲۸۶] م - اگر شخص محرم بواسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و نتواند تا وقت تمکّن در مگّه بماند، اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند^(۱) اگرچه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد^(۲)، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب

→ آیه الله زنجانی: باید بعد از طواف و نماز، سعی و تقصیر نماید و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند. البته اگر بعد از بازگشتن به وطن متوجه شود، انجام طواف و نماز کافی است.

آیه الله سبحانی: باید علاوه بر طواف و نماز سعی را نیز مجدداً به جا آورد.
 آیه الله سیستانی: باید سعی را اعاده نماید، مگر در صورتی که طواف را فراموش کند تا وقت آن بگذرد؛ مثل اینکه طواف عمره را تا وقوف در عرفات یا طواف حج را تا پایان ذی حجه فراموش کند، که اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی سعی را نیز بعد از طواف اعاده کند.

آیه الله مکارم: این احتیاط در مورد سعی مستحب است.

۱. آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که به طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچ گونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.

آیه الله فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.

آیه الله مکارم: لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.

۲. آیه الله زنجانی: و اگر این کار ممکن نباشد یا با ضرر جانی همراه باشد باید نایب بگیرد و اگر طواف بر او مشقت شدید دارد مخیر است که خود طواف نماید یا نایب بگیرد.

بگیرند.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۳۷)

[۲۸۷] م - شخص مریض را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و

احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند. (مناسک

محشی، م ۵۳۸)

۱. آیه الله خامنه ای: باید نایب بگیرد.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است: ^(۱)

اول - نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد. ^(۲)

۲۸۸ م - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد،

۱. آیه الله خامنه‌ای: شرایط صحت طواف چند چیز است: ۱. نیت؛ ۲. طهارت از حدث اکبر و اصغر؛ ۳. طهارت از نجاست؛ ۴. ختنه بودن برای مردان؛ ۵. پوشاندن عورت؛ ۶. غصبی نبودن جامه طواف؛ ۷. موالات.

آیه الله زنجانی: علاوه بر چیزهایی که در این دو قسمت می‌آید، امور دیگری نیز در طواف واجب، معتبر است: ۱. موالات بین اجزای طواف؛ ۲. ترتیب بین اجزای طواف؛ ۳. اختیاری بودن طواف؛ ۴. معلوم بودن عدد اشواط؛ ۵. اجتناب زنان از زدن نقاب. و چون طواف‌کننده در معرض دید ناظر محترم است باید خود را بپوشاند، خواه طواف واجب باشد یا مستحب، اما این امر، جزء واجبات معتبر در صحت طواف نیست.

۲. نظر آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیت در بحث نیت در احرام گذشت. آیه الله خامنه‌ای: در نیت طواف باید تعیین کند که طواف عمره مفرده است یا طواف عمره تمتع. و همچنین تعیین کند که طواف حجة الاسلام است یا حج نذری یا حج استحبایی. و در صورتی که طواف را به نیابت از دیگری به جا می‌آورد، آن را نیز قصد کند.

آیه الله سیحانی: و باید نوع آن را مشخص کند و اینکه طواف حج است یا طواف عمره یا طواف نساء در حجة الاسلام یا حجی مستحبی و یا اگر نایب است به نیت منوب عنه؛ البته اگر انجام وظیفه فعلی را نیت کند کافی است.

کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده. (مناسک محشی، م ۵۳۹)

[۲۸۹] م - باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می‌کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۴۰)

[۲۹۰] م - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره که عبادی است ریا کند یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد طواف او و همین طور هرچه را اینطور به جا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است. (مناسک محشی، م ۵۴۱)

[۲۹۱] م - ریای بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود. (مناسک محشی، م ۵۴۲)

[۲۹۲] م - کفایت می‌کند در صحیح بودن عمل آنکه برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۴۳)

۱. آیه الله زنجانی: در طواف مانند سایر عبادات، قصد طواف و تعیین نوع آن و قصد قربت همراه با اخلاص لازم است.

آیه الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعت صدق کند یا نکند.

۲. آیه الله زنجانی: برای قصد قربت، کافی است که آن عمل «برای خدا» آورده شود ←

[۲۹۳] م - اگر در عملی که برای خدا می‌آورد رضای دیگری را هم شرکت

دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است. (مناسک محشی، م ۵۴۴)

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد.

[۲۹۴] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه

طواف عمره باشد یا طواف نساء، حتی در عمره مستحب که پس از

احرام بستن واجب است آن را تمام کند. (مناسک محشی، م ۵۴۵)

[۲۹۵] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط

نیست^(۱)، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در

مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً^(۲) طواف مستحب

کرد صحیح است. (مناسک محشی، م ۵۴۶)

[۲۹۶] م - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب

→ و فرق نمی‌کند که انگیزه «انجام عمل برای خدا» محبت خداوند باشد یا ترس از جهنم یا شوق به بهشت و ثواب یا غیر آن.

آیه الله سیستانی: در فرض صدق معیار مذکور در ذیل مسئله ۲۸۹.

۱. آیه الله خامنه‌ای: در طواف مستحب لازم نیست وضو بگیرد ولی بنا بر احتیاط

واجب طواف در حال جنابت یا حیض یا نفاس صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: در طواف مستحب، طهارت از حدث اکبر شرط است ولی

طهارت از حدث اصغر شرط نیست.

آیه الله سیستانی: در طواف مستحب طهارت از حدث اصغر شرط نیست و بنا بر

مشهور طهارت از حدث اکبر شرط نیست.

۲. آیه الله فاضل: یا جهلاً.

است و بلکه هرچه شخص بتواند طواف کند خوب است.^(۱) و در این طواف طهارت شرط نیست.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۴۷)

۲۹۷] م - اگر شخصی که حدث اکبر^(۳) یا اصغر داشته طواف کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد. (مناسک محشی، م ۵۴۸)

۲۹۸] م - اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم^(۴) است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند.^(۵) (مناسک محشی، م ۵۴۹)

۱. آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.
 ۲. آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی، سیستانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.
 ۳. آیه الله جوادی: (با جنابت یا حیض و نفاس).
 ۴. آیه الله مکارم: نصف طواف که همان سه و نیم دور است.
 ۵. آیه الله بهجت: آنکه حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه می‌دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است.
- آیه الله تبریزی: اگر حدث قبل از بلوغ نصف ولو از روی عمد نباشد طواف باطل است و در غیر این صورت، احتیاط واجب این است که آن را اتمام کرده، سپس اعاده نماید، و می‌تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.
- آیه الله خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر یا اکبر عارض شود، واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم - قبل از پایان آن و یا بعد از آن - عارض شود طواف را قطع نموده و پس از تحصیل طهارت اگر موالات عرفیه به هم نخورده ←

→ طواف را تکمیل کند و اگر موالات به هم خورده بنا بر احتیاط طواف قبلی را تکمیل و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد، و می‌تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد و در هر صورت می‌تواند طواف قبلی را رها نموده و از نو طواف کند.

آیه الله خوئی: اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه می‌دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده‌اش نماید. و به جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید به جا آورد.

آیه الله زنجانی: حدث اختیاری طواف را باطل می‌کند و غیر اختیاری سه صورت دارد، اول: قبل از رسیدن به نیمه شوط چهارم، در این صورت باید پس از تحصیل طهارت، طواف را از سرگرفت. دوم: پس از پایان شوط چهارم که باید بعد از طهارت، طواف قبلی را از جایی که محدث شده تکمیل کند. سوم: پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام شوط چهارم، که باید بعد از طهارت، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند و دوباره یک طواف کامل به جا آورد. در این تفصیل فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیه الله سبحانی: اگر بدون اختیار پس از تجاوز از نصف محدث شود باید طواف را قطع کند و پس از تحصیل طهارت از همان جا که طواف را قطع کرده، تمام کند و اگر حدث از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند و سپس طواف را اعاده کند و می‌تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

← آیه الله سیستانی: اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود،

[۲۹۹] م - اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم^(۱)، حدث

→ باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید.

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف واجب، حدث عارض شود می تواند طواف را رها کند و پس از تحصیل طهارت، آن را از سر بگیرد و اگر بخواهد احتیاط کند، مسئله چهار صورت دارد:

اول: حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل می شود که باید بعد از تحصیل طهارت، آن را از سر بگیرد؛ خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوم: پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم: بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاراً خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوم عمل کند.

چهارم: پس از تمام شدن دور چهارم بی اختیار محدث شود، در این صورت پس از تحصیل طهارت، طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند، و صحیح است و در این مسئله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

۱. آیه الله بهجت: اگر پیش از تمام شدن نصف طواف، حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود.

آیات عظام خامنه ای، زنجانی، فاضل: وظیفه همان است که در مسئله سابق بیان شد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: پیش از نصف یعنی سه و نیم شوط باشد پس از تحصیل طهارت طواف را از سر گیرد.

←

عارض شود احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده

کند، و این حکم در حدث اصغر است.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۵۰)

[۳۰۰] م - اگر در اثنای طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض

شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور

چهارم^(۲) بود پس از غسل طواف را اعاده کند. (مناسک محشی، م ۵۵۱)

→ آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت، آن را دوباره انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پس اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار شوط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف با نمازهای آن ترک نشود.

۱. در نظر آیات عظام فرقی بین حدث اصغر و جنابت نیست.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیات عظام خامنه ای، زنجانی، فاضل، مکارم: به ذیل مسئله ۲۹۸ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر در بین طواف حیض عارض شود، اگر پیش از گذشتن از نصف طواف بوده طواف او باطل می شود، باید پس از غسل اعاده کند و اما اگر پس از گذشتن از نصف طواف باشد، باید پس از پاک شدن و غسل، از همان جا که طواف را قطع کرده، تمام کند.

آیه الله سیستانی: اگر زن در حال احرام، حین انجام طواف حائض شود، پس اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است پس اگر وقت وسعت داشته باشد باید صبر کند تا پاک شود و طواف و اعمال بعدی را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد می تواند بر عمره تمتع خود باقی بماند، و اعمال آن را به جز طواف و نماز آن انجام دهد؛ یعنی اینکه سعی و تقصیر نماید، و بعد از آن احرام حج ببندد، و پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از اینکه ←

[۳۰۱] م - اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل^(۱)، واجب است تیمم کند

بدل از وضو یا بدل از غسل. (مناسک محشی، م ۵۵۲)

[۳۰۲] م - اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای

حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم

کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان

تیمم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است^(۲) که تیمم

→ طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید و اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید بعد از پاک شدن از حیض و انجام غسل به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج محرم شود و پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از طواف حج، آنچه از طوافش باقی مانده است و نماز آن را انجام دهد.

۱. آیه الله تبریزی: در صورت معذور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود...

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن، باید وضو هم بگیرد وگرنه باید یک تیمم دیگر به جای وضو به جا آورد و جنب متیمم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

آیه الله فاضل: و وقت طواف تنگ شود....

۲. آیه الله بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است.

آیه الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن

است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم ←

بدل از غسل هم بکند. (مناسک محشی، م ۵۵۳)

[۳۰۳] م - احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل

مرتفع شود صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۵۴)

→ کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب.

آیه الله خویی: لازم است تیمم بدل از غسل بکند.

آیه الله سبحانی: استحباب تکرار تیمم بدل از غسل در جایی است که آب برای غسل ندارد و یا غسل حرجی است ولی برای حدث اصغر آب هست و وضو می‌تواند بگیرد و حدث اکبر دیگری رخ نداده در عین حال تکرار تیمم بدل از غسل در مورد حدث اکبر مستحب است.

۱. آیه الله بهجت: افضل و احوط تأخیر است ولی اظهر جواز مبادرت است.

آیه الله خامنه‌ای: و اگر می‌داند عذر او تا آخر وقت برطرف می‌شود، باید صبر کند. آیه الله خویی: اگر احتمال بقای عذر تا آخر وقت می‌دهد می‌تواند صبر نکند ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید بلی اگر عذرش نبود آب باشد باید فحص کند، به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.

آیه الله زنجانی: ولی محدث به حدث اصغر اگر در وسعت وقت، رجائاً تیمم کرده بعد معلوم شود که تا تنگی وقت عذرش باقی بوده، کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: انجام تیمم بدون یأس از قدرت بر انجام وضو و یا غسل به احتیاط واجب جایز نیست و چنانچه با یأس از برطرف شدن عذر انجام داد و عذر در وقت برطرف شد اعاده لازم نیست.

آیه الله سیستانی: اگر وقت تنگ نباشد، تیمم جایز نیست مگر اینکه از بر طرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر از انجام تیمم نیز عاجز شود.

[۳۰۴] م - اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده. (مناسک محشی، م ۵۵۵)

[۳۰۵] م - اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند. (مناسک محشی، م ۵۵۶)

[۳۰۶] م - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورد یا نه طواف او صحیح است^(۱)، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند. (مناسک محشی، م ۵۵۷)

→ آیه الله گلیپایانی: با علم به بر طرف شدن عذر، انتظار واجب است و در غیر این صورت تأخیر بنا بر احتیاط مستحب است.

آیه الله مکارم: احتیاط مستحب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند ولی اگر یقین دارد برطرف می شود، باید صبر کند.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در اینکه قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد.

آیه الله زنجان: چنانچه احتمال می دهد در حال طواف به رعایت طهارت، توجه داشته طواف او صحیح است.

آیه الله سیحانی: و سابقه او از جهت تقدم طهارت و حدث قبل از شروع به طواف روشن نباشد به شک خود اعتنا نکند ولی باید برای اعمال بعد طهارت لازم را تحصیل نماید.

۳۰۷] م - اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه^(۱) پس اگر

۱. آیه الله بهجت: حکم شک در طهارت در اثنای طواف هم همان حکم شک است در طهارت در اثنای نماز.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد.

آیه الله خامنه ای: اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد و فرقی بین تمام شدن چهار دور و قبل از آن نیست. آیه الله زنجانی: چنانچه حالت سابقه را بداند طبق آن عمل نماید و گرنه باید پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره آن را اعاده کند، خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن.

آیه الله سبحانی: در صورتی که سابقه او حدث باشد یا سابقه او از نظر طهارت یا حدث روشن نباشد طواف او در هر دو صورت یعنی چه شک وی قبل از نیمه طواف بوده و چه بعد از آن، باطل است.

آیه الله سیستانی: و سابقه طهارت نداشته باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سر بگیرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد یا بعد از آن.

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر، مسئله سه صورت دارد، اول: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن. دوم: حالت سابق خود را بداند که مُحَدِّث بوده، در این فرض ظاهراً هر مقدار طوافی که انجام داده، محکوم به بطلان است؛ چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن و باید بعد از وضو از نو طواف کند. سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.

آیه الله مکارم: و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند.

بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمه طواف را به جا آورد^(۱)، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است^(۲) احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۵۵۸)

۳۰۸] م - در تمام صورت هایی که در شک گفته شد که بنابر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود. (مناسک محشی، م ۵۵۹)

۳۰۹] م - اگر در اثنای طواف شک کند که از جنابت یا حیض یا نفاس غسل کرده است یا نه باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود^(۴)، پس اگر

۱. آیه الله مکارم: و سپس احتیاطاً آن را اعاده کند.

۲. آیه الله مکارم: قبل از تمام شدن سه و نیم دور طواف او باطل است.

۳. آیه الله سیستانی: اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند.

۴. آیه الله بهجت: اگر متمکن است تطهیر می نماید و سپس اعاده می کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید غسل کرده و طواف را اعاده نماید.

آیه الله خامنه ای: و پس از غسل برگردد و طواف را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: و پس از غسل، طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند و سپس آن را اعاده کند، خواه قبل از شوط چهارم شک کرده یا بعد از آن.

آیه الله سبحانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از نصف طواف باشد و یا بعد از آن.

آیه الله سیستانی: اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً خارج شود. (و در بقیه مسئله، نظریه ایشان موافق متن است). ←

شوط چهارم را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد^(۱)، و الا بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند. (مناسک محشی، م ۵۶۰)

[۳۱۰] ۴- اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد^(۲) حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی^(۳) آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است می تواند^(۴) وارد مسجد الحرام شود و طواف کند، بنابراین به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء گفته شد باید عمل کند، گرچه

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن.

۱. آیه الله فاضل: و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند.

۲. آیه الله مکارم: فرض فاقد الطهورین در مسجد الحرام وجود ندارد.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: و احتیاط مستحب آن است.

۴. آیه الله بهجت: مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل هایی که بر آنها واجب است نمی تواند وارد مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ شوند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: مستحاضه کثیره بدون غسل هایی که بر او واجب است نمی تواند وارد مسجد الحرام شود.

آیه الله سبحانی: مستحاضه متوسطه و کثیره اگر وظایف خود را برای نماز انجام داده باشند می توانند وارد مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ شوند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است، بنا بر احتیاط نمی تواند وارد مسجد شود.

دخول مسجد الحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

(مناسک محشی، م ۵۶۱)

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست.^(۱)

[۳۱۱] م - احتیاط واجب^(۲) آن است که از نجاستی که در نماز عفو شده

- مثل خون کمتر از درهم^(۳) و جامه ای که با آن نتوان^(۴) نماز خواند

۱. آیه الله خامنه‌ای: بدن و لباس طواف کننده باید از خون - و نیز از سایر نجاسات بنا بر احتیاط واجب - پاک باشد.

۲. آیه الله جوادی: خونی که در نماز معفو است، در طواف نیز مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحت ها و زخم ها که موجب بطلان نماز نمی شود، به صحت طواف نیز خللی وارد نمی کند. و پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، واجب نیست، به خصوص در خون قروح و جروح.

آیه الله سبحانی: باید بدن محرم و جامه های احرام طواف کننده از هر نوع نجاست پاک باشد حتی از برخی از نجاستی که در حال نماز عفو شده مانند خون کمتر از درهم نیز اجتناب کنند لکن چیز نجسی که ساتر عورت نیست مانند جوراب و دستمال کوچک حمل آنها در نماز جایز است و در حال طواف نیز بی اشکال است. آیه الله فاضل: ظاهر آن است که....

۳. آیه الله زنجانی: از خون بدن انسان یا حیوان حلال گوشت، نه دماء ثلاثه یا خون حیوان حرام گوشت.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف در جامه ای که با آن نتوان نماز خواند [یعنی ساتر نباشد؛ مانند مثال های مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

آیه الله مکارم: نجس بودن این لباس های کوچک ضرری ندارد.

مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر^(۱) نجس - اجتناب کند. (مناسک

محشی، م ۵۶۲)

[۳۱۲] م - در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم

نیست تطهیر کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۶۳)

[۳۱۳] م - در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و

لباس را عوض کرد احتیاط واجب^(۳) آن است که تطهیر کند یا جامه

را عوض کند. (مناسک محشی، م ۵۶۴)

[۳۱۴] م - احتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود

بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد بشرطی که وقت تنگ نشود.

(مناسک محشی، م ۵۶۵)

۱. آیه الله سبحانی: انگشتر صدق ثوب نمی‌کند و محمول متنجس اگر ساطر نباشد اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: در انگشتر و مانند آنکه ثوب صدق نمی‌کند برای صحت طواف طهارت آنها شرط نیست همچنین همراه داشتن چیز متنجس در صورت جهل به مسئله مانعی ندارد.

۲. آیه الله زنجانی: اگر زخم یا جراحت یا دملی است که خوب نشده است، لازم نیست برای طواف و نماز آن زخم یا دمل و قسمت‌هایی از بدن و لباس را که معمولاً از آن خون نجس می‌شود تطهیر کند و اگر خوب شده باید بدن و لباس را تطهیر کند، مگر این کار برای او ضرر داشته یا حرجی باشد و از اینجا حکم مسئله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

۳. آیه الله سبحانی: بدن را برای طواف تطهیر کند و جامه آلوده به خون را بشوید و یا عوض کند.

[۳۱۵] م - اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طوافش صحیح است.
(مناسک محشی، م ۵۶۶)

[۳۱۶] م - اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند. (مناسک محشی، م ۵۶۷)

[۳۱۷] م - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند، و طواف او صحیح است.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۶۸)

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کند و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد. اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به جا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنا بر احتیاط یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را [آیه الله خامنه ای اضافه نموده اند: اگر موالات به هم نخورده] از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است.

[۳۱۸] م - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد. (مناسک محشی، م ۵۶۹)

[۳۱۹] م - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده احتیاط^(۱) آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آنکه بعد از چهار

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همان جا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.

۱. آیه الله زنجانی: باید طواف را رها کند و تطهیر کند و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بنا بر احتیاط مستحب، طواف و نماز را اعاده نیز بنماید.

آیه الله سبحانی: حکم این مسئله با حکم مسئله ۳۱۷ یکسان است. البته در صورت فوت موالات احتیاط مستحب حکم به اتمام و اعاده است.

آیه الله فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است، اگرچه احتیاط استحبابی آن است که....

نظر سایر آیات عظام ذیل مسئله ۳۱۷ گذشت.

دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر

است. (مناسک محشی، م ۵۷۰)

[۳۲۰] م - اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده

است^(۱)، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید.^(۲) (مناسک

محشی، م ۵۷۱)

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زن ها نیست، و

احتیاط واجب آن است که درباره بچه های نابالغ مراعات شود.^(۳)

۱. آیه الله بهجت: صحت طواف خالی از وجه نیست و در صورت تذکر در اثنا، تطهیر می کند و سپس اتمام می نماید.

آیه الله خامنه ای: طوافش صحیح است، ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسئله طواف را نیز بار دیگر به جا آورد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، فاضل: طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: طواف او باطل و باید دوباره اعاده کند. وظیفه جاهل به حکم نیز مانند ناسی است.

آیه الله گلپایگانی: اقوی اعاده طواف است.

آیه الله مکارم: اعاده ندارد.

۲. آیه الله خامنه ای: وظیفه همان است که ذیل مسئله ۳۱۷ گذشت.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختنان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است. آیه الله جوادی: ختنه بر مردان واجب است. در طواف های مستحب نیز ختنه شرط است.

آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست. ←

۳۲۱] پ- اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را محرم کنند احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست^(۱)، پس اگر محرم به احرام عمره مفرده شود چون طواف نساء او باطل است^(۲) بنابراین احوط حلال شدن زن بر او مشکل می شود^(۳) مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آنکه

→ آیه الله زنجانی: در صحت احرام پسر بچه ممیز ختنه شرط است، بنابراین چنانچه چنین کودکی بدون ختنه احرام ببندد محرم نمی شود، و در صحت طواف او نیز ختنه شرط می باشد، پس اگر بخواهد طواف مستحب انجام دهد باید ختنه کرده باشد و همچنین اگر قبل از ممیز شدن او را - مثلاً به عمره مفرده - محرم کرده باشند و تا زمان ممیز او را طواف نداده باشند نمی تواند بدون ختنه طواف کند، و اگر از ختنه معذور باشد برای طواف نایب می گیرد و بنا بر احتیاط مستحب خودش نیز طواف می کند.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است. آیه الله گلپایگانی: واجب است.

آیه الله مکارم: ختان در صبی شرط نیست و طواف و نماز طواف های بچه ای که ختنه نشده صحیح است.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در ممیزی که خودش محرم شده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد.

آیه الله فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیز بنا بر احتیاط صحیح نیست هر چند احرام آنها صحیح است.

۲. آیه الله سبحانی: تمام طواف های او اشکال دارد.

۳. آیه الله خامنه ای، آیه الله مکارم: به ذیل شرط چهارم مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر اینکه پس از ختنه طواف را اعاده کند.

نایب برای او بگیرند تا طواف کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۷۲)

[۳۲۲] م - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است. (مناسک

محشی، م ۵۷۳)

پنجم - ستر عورت است،^(۲) پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است^(۳)، و معتبر است در آن اباحه^(۴)، پس با ساتر غصبی طواف صحیح

۱. آیه الله سبحانه: اگر چنین کودکی بعدها ازدواج کرد، نمی تواند با همسر خود نزدیکی کند مگر اینکه ختنه شود و شخصاً طواف کند و یا نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: فتوای ایشان در مورد کفایت نیابت در این فرض، یافت نشد. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است.

۲. آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

۳. آیه الله زنجانی: اگر مرد یا زنی پوشش لازم را در حال طواف رعایت نکرد، طواف او باطل نمی شود هرچند احتیاط مؤکد استحبابی در آن است که برای طواف واجب به آن طواف اکتفا نکند.

آیه الله سبحانه: بلکه لازم است علاوه بر ستر عورت عریان و برهنه نیز نباشد. آیه الله مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

۴. آیه الله بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحت آن تأمل و احتیاط است؛ خصوصاً در ساتر.

آیه الله خامنه ای: لباس طواف کننده باید غصبی نباشد و طواف با لباس غصبی بنا بر احتیاط واجب باطل است.

آیه الله زنجانی: طواف در لباس غصبی - ساتر باشد یا غیر ساتر - حرام و بنا بر احتیاط باطل است و لباسی را که در حال طواف واجب می پوشند علاوه بر طهارت بنا بر احتیاط مستحب سایر شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب.

نیست بلکه با لباس غضبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب^(۱)، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.^(۲)

[۳۲۳] م - احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند^(۳)، یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت

۱. آیه الله سبحانی: باید جامه و کفش و دیگر لباس های طواف کننده مباح باشد بنا بر این طواف در جامه و کفش غضبی باطل است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر جامه احرام، کفش و یا لباس های دیگر شخص طواف کننده غضبی باشد طواف باطل است.

آیه الله نوری: بلکه با لباس غضبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.

۲. آیه الله سبحانی: طواف در لباس غضبی صحیح نیست و شرایط لباس نمازگزار باید در آن مراعات شود.

۳. آیه الله بهجت: مراعات موالات عرفیه، در غیر موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم، لازم است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مراعات موالات لازم است.

آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب، باید میان اجزاء طواف، موالات عرفی وجود داشته باشد، بدین معنا که میان دورهای طواف به اندازه ای فاصله نباشد که آن را از شکل طواف واحد خارج کند، البته اگر بعد از نصف طواف (سه و نیم دور)، آن را برای اقامه نماز و مانند آن قطع کند، اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: به تفصیلی که ذیل مسئله ۳۶۸ به بعد می آید رعایت موالات عرفی در طواف واجب، لازم است.

آیه الله سبحانی: هفت شوط طواف و سعی هر کدام یک عمل واحدی است که باید آن را به صورت واحد به جا آورد از این جهت: اولاً نباید آنقدر طول داد که از صورت یک عمل در آید و ثانیاً هفت دور را باید پشت سر هم انجام داد و موالات را حفظ کرد و از ←

یک طواف خارج شود. (مناسک محشی، م ۵۷۴)

قسم دوم - چیزهایی که گفته اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی کند، و آن هفت چیز است:

اول - آنکه ابتداء کند به حجرالاسود.

۳۲۴] م - در ابتداء کردن به حجرالاسود لازم نیست که تمام اجزاء بدن طواف کننده به تمام اجزاء حجرالاسود عبور کند^(۱)، بلکه واجب آن

→ خواندن نماز مستحبی در اثنای اشواط و دیگر اعمال که از نظر عرف با موالات سازگار نیست خودداری نمود. لکن برای رفع خستگی استراحت کردن و نشستن و مانند اینها به اندازه ای که موالات به هم نخورد چه در طواف و چه در سعی اشکالی ندارد. آیه الله مکارم: در طواف واجب موالات لازم است و در مستحب شرط نیست.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی این است که تمام بدن خود را بر تمام حجرالاسود بگذرانند و برای انجام این احتیاط، کمی قبل از حجر بایستد و نیت کند که طواف را از محاذات واقعی انجام می دهم و زاید بر آن، از باب مقدمه علمیه است.

آیه الله خامنه ای: و مانعی ندارد از باب احتیاط اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود با این نیت که طواف او از مقابل حجرالاسود باشد.

آیه الله سبحانی: در محاذات کافی است که در نظر عرف دقیق بگویند عمل خود را از محاذی حجرالاسود آغاز کرده و با رسیدن به محاذی آن پایان داد. برای این منظور هنگام کثرت جمعیت که مانع از تشخیص محاذات است، لازم است که کمی قبل از رسیدن به حجرالاسود نیت کند که طواف را از محاذات واقعی آغاز می کنم و با رسیدن به آن نقطه نیز پایان می دهم.

←

است که انسان از حجرالاسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند. (مناسک محشی، م ۵۷۵)

[۳۲۵] م - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجرالاسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجرالاسود، چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش. (مناسک محشی، م ۵۷۶)

[۳۲۶] م - از هر جای حجرالاسود که شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود. و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود.^(۱)

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف را در هر دور واجب است از حجرالاسود شروع کند و به آن ختم کند و چون تحقق این معنا بر وجه حقیقت متعسر و بلکه متعذر است، در تحقق آن اکتفا می شود به اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حَجَر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

آیه الله فاضل: آنچه که برای صحت طواف لازم است، آن است که شروع و ختم طواف نزد عرف از حَجَر و محاذی حَجَر باشد و می تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

آیه الله مکارم: دقت در محاذی بودن اجزای بدن با اجزای حجرالاسود لازم نیست همین اندازه که عرفاً محاذات صدق کند کافی است.

۱. آیه الله خامنه ای: و البته می تواند اندکی بیش از این مقدار با نیت احتیاط طی نماید تا یقین حاصل کند که در همان نقطه آغاز طواف را پایان داده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول حَجَر.

آیه الله مکارم: این دقت ها لازم نیست و محاذات عرفیه با حجرالاسود کافی است.

نظر سایر آیات عظام در مسئله ۳۲۴ گذشت.

(مناسک محشی، م ۵۷۷)

۳۲۷] م - در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می کنند، از محاذات «حجرالاسود» بدون دقت های صاحبان وسوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند^(۱) تا هفت دور تمام شود. (مناسک محشی، م ۵۷۸)

۳۲۸] م - گاهی دیده می شود که اشخاص نادان در هر دوری که می زنند می ایستند و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است. (مناسک محشی، م ۵۷۹)

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجرالاسود و این حاصل می شود به اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود^(۲)، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند،

۱. آیه الله جوادی: در حال طواف، نگاه به چپ و راست جایز است و بودن صورت به طرف جلو واجب نیست.

آیه الله خامنه ای: یعنی لازم نیست که در هر دور مقابل حجرالاسود بایستد.
آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: یعنی توقف لازم نیست.

۲. آیه الله بهجت: و این از حیث مطاق کافی است و از حیث طائف در ابتدا کافی است محاذات معظم بدن شخص، و تمام بدن محاذات آن احوط است و همچنین در ختم محاذات معظم بدن یا تمام بدن با بعضی از حجر، با رعایت وصول به موضع ابتدا موافق احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد.



آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله ۳۲۶ مراجعه شود.

و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم - آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.
[۳۲۹] م - لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل عليه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متماثل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.^(۱)

→ آیه الله سبحانی: لازم است که کمی قبل از رسیدن به حجرالاسود نیت کند که طواف را از محاذات واقعی حجر آغاز می‌کنم و با رسیدن به آن نقطه پایان می‌دهم، بنابراین دقت‌های صاحبان وسوسه در پیدا کردن محاذات و توقف و عقب و جلورفتن جهت احراز محاذات لازم نیست و گاهی چه بسا موجب اشکال در طواف هم می‌شود.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: خانه خدا در جمیع احوال طواف، باید در طرف چپ قرار گیرد. پس اگر مقداری این چنین نبود، آن مقدار، از طواف شمرده نمی‌شود. (آیه الله تبریزی در ادامه می‌فرمایند: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ، صدق عرفی است و بهتر این است که دقت شود به خصوص در دو دهانه حجر اسماعیل و در نیش‌های خانه خدا که در اینجاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد).

آیه الله زنجانی: در حال طواف، لازم نیست روی طواف‌کننده به طرف جلو و شانه چپ او به سمت خانه کعبه باشد، بنابراین طواف‌کننده می‌تواند درحالی که رویش به سوی کعبه است طواف کند، بلکه اگر همان مسیر طواف را عقب عقب برود یا گاهی پشت او به کعبه شود طوافش صحیح است ولی باید در هر حال از حجرالاسود به سمت در خانه طواف نماید؛ پس اگر کودک یا ناتوانی را که طواف می‌دهند در همان مسیر طواف دهند کافی است، هرچند شانه راستش به طرف کعبه باشد.

آیه الله سبحانی: چنین حالتی که لازمه طبیعت طواف است اشکالی ندارد فقط باید مواظب باشد پشت به کعبه یا رو به کعبه نشود.

(مناسک محشی، م ۵۸۰)

[۳۳۰] م - اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر به طور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متماثل به پشت شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۵۸۱)

[۳۳۱] م - گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف‌کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است^(۲)، و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد زن‌ها یا مردها بر او

→ آیه الله سیستانی: خانه باید در همه حالات طواف در طرف چپ باشد، پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند، آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبش‌های خانه بدن را منحرف سازد.

۱. نظر آیات عظام، در مسئله قبل (۳۲۹) گذشت.

۲. آیه الله بهجت: باطل نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر با اختیار خود می‌رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد.

آیه الله زنجانی: اگر با اراده خودش قدم برمی‌دارد طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: طواف‌کننده می‌تواند با تکیه دادن به دیگری طواف کند، مشروط به اینکه قصدش سلب اراده از خود نباشد و قصد طواف را برای خود حفظ کند.

آیه الله مکارم: این طواف باطل نیست. و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف ظاهراً اختیار سلب می‌شود و چون از اول مختاراً این راه را انتخاب می‌کند منافات با اختیار ندارد، اما کارهای افراد نادان بسیار بد و زننده است.

حرام خواهند بود. (مناسک محشی، م ۵۸۲)

۳۳۲] م - احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف^(۱) و موجب انگشت‌نمایی نشود مانع ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۸۳)

۳۳۳] م - اگر به واسطه مزاحمت طواف‌کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آنکه روی طواف‌کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.^(۳) (مناسک محشی، م ۵۸۴)

۱. آیه الله فاضل: و خلاف تقیه نباشد و موجب...

۲. آیه الله فاضل: احتیاط در ترک آن است.

آیه الله مکارم: بهتر است به جای این‌گونه کارهای غیر متعارف، مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

۳. آیه الله زنجانی: چنانچه ذیل مسئله ۳۲۹ گفته شد، طواف در تمام این صورت‌ها صحیح است.

آیه الله سبحانی: چون بازگشت به عقب ممکن نیست، بقیه شوط را بدون نیت برود تا نقطه‌ای برسد که طواف او آسیب دیده و یا محاذی آن برسد و از آنجا شوط را تکمیل کند و اگر آن نقطه و یا محاذی را به دقت به یاد ندارد، بدون نیت به حرکت ادامه دهد و یک بار دیگر از حجرالاسود این شوط را تکرار کند به قصد اینکه هر مقدار قبلاً پیموده را تکمیل کند و تا رسیدن به آن نقطه جزء طواف نباشد. ←

[۳۳۴] م - اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند^(۱) و باید آن دور را از سر بگیرد، اگرچه خانه هم طرف چپ او بوده. (مناسک محشی، م ۵۸۵)

[۳۳۵] م - هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد.^(۲)

→ آیه الله سیستانی: و اگر نتواند در اثر ازدحام برگردد و جبران کند می‌تواند تا حجرالاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کاملاً اعاده نماید.

۱. آیه الله بهجت: البته با ملاحظه اینکه بردن غیر از سلب اختیار است.

آیه الله تبریزی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۳۳۱ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر با اراده خودش قدم برمی‌دارد طوافش صحیح است در غیر این صورت مثلاً اگر او را از جا بلند کرده به جلو بردند باید آن مقدار را تدارک کند. آیه الله سبحانی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مشروط بر اینکه نیت کند که خود را در میان جمعیت قرار می‌دهم که طواف کنم و آنچه را بر اثر فشار به جای می‌آورم جزء طواف باشد.

آیه الله سیستانی: اگر به طور کلی اختیار از او سلب شده باشد و در این صورت اگر بتواند آن مقدار را جبران نماید و اگر نتوانست همان‌گونه که در مسئله قبل گفته شد عمل کند و شوط را از سر بگیرد.

آیه الله مکارم: هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند ضرری ندارد.

۲. آیه الله بهجت: اگر بتواند برگردد و از همان جا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند وگرنه بدون نیت دور می‌زند تا به محلی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همان جا به طواف ادامه دهد.

(مناسک محشی، م ۶۳۹)

[۳۳۶] م - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است^(۱) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید^(۲) ولی

→ آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ولی چنان که سابقاً گفته شد، مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر طواف را از سر بگیرد اشکال ندارد، ولی جواز از سر گرفتن شُوط محل اشکال است گرچه ضرری برای صحت طواف ندارد.

آیه الله زنجانی: به طوری که بدون اراده، قدم برداشت باید همان چند قدم را از سر بگیرد و نباید طواف را قطع کرده از سر بگیرد، هر چند اگر طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: نحوه تصحیح طواف در مسائل ۳۳۴، ۳۴۱ و سؤال ۳۹۷ و ۳۹۸ آمده است، لکن در خصوص این مسئله اگر در موقع ازدحام احیاناً انسان را ناخواسته به جلو ببرند این کار ضرری به طواف نمی زند مشروط بر اینکه نیت کند که خود را در میان جمعیت قرار می دهم که طواف کنم و آنچه که بر اثر فشار به جا می آورم جزء طواف باشد و اگر بخواهد احتیاط کند چون بازگشت به عقب مشکل است بقیه شوط را بدون نیت برود تا به محلی برسد که او را بدون اختیار برده اند و از همان جا به طواف خود ادامه دهد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سر بگیرد.

آیه الله مکارم: هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند، ضرری ندارد.

۱. آیات عظام تبریزی، سبحانی، مکارم: مانند مسئله سابق (۳۳۵) است.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۳۳۱ مراجعه شود.

۲. آیه الله فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفا کند، و طواف در این فرض صحیح است.

باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدم‌ها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۴۰)

[۳۳۷] م - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود^(۱) و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی، که باید از آنجا طواف را اعاده کند، برسد و از آنجا تدارک نماید.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۴۱)

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل عليه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

[۳۳۸] م - اگر دور حجر اسماعیل نگردد و از داخل آن طواف کرد طوافش

۱. آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۳۳۱ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: در مورد فشار جمعیت مثل مسئله سابق است و اگر در مقدار خیلی کمی از طواف، پشت به خانه شود مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: در مورد فشار جمعیت مثل مسئله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

۲. آیه الله سیستانی: همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی‌تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیه الله فاضل: همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

باطل است، و باید اعاده کند. (مناسک محشی، م ۵۸۷)

[۳۳۹] م - اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که

گذشت. (مناسک محشی، م ۵۸۸)

[۳۴۰] م - اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد. (مناسک محشی، م ۵۸۹)

[۳۴۱] م - اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد

احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد^(۱)، و اعاده کند طواف

۱. آیه الله بهجت: باید آن دور اعاده شود در صورتی که در ابتدای طواف، نیت طواف بر بیت محض نکرده باشد والاّ اعاده اصل طواف موافق احتیاط است؛ اگرچه عملاً در یک شوط اختصار نماید.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: باید آن دور اعاده شود.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کند و یا از روی دیوار آن بگذرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر در یکی از دورهای طواف از داخل حجر بگذرد، فقط همان دور باطل است.

آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: باید آن دور را اعاده نماید و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.

آیه الله سبحانی: اگر سهواً و یا از روی جهل به حکم شرعی برخی از دورها را از داخل حجر اسماعیل انجام دهد دو صورت دارد: الف) اگر در همان اثنای طواف متوجه شد باید شوط و یا اشواطی را که به طور غیر صحیح انجام داده تصحیح کند و یا اعاده نماید تصحیح نسبت به اولین دوری که وارد حجر شده و اعاده نسبت به دورهای بعدی و شیوه تصحیح در ذیل مسئله ۳۳۳ بیان شد؛ ب) اگر پس از پایان یافتن عمل طواف متوجه شود در صورتی که ورود به حجر در شوط هفتم رخ داده باشد شیوه تدارک به همان نحو است که گفته شد و اگر شوط آخر درست انجام شد و شوط‌های قبلی اشتباه انجام شده در این صورت نماز طواف را بخواند و با صدق به هم خوردن موالات عرفی طواف دیگری به نیت اعم از اتمام (تصحیح) و اعاده انجام دهد و نماز طواف را به جا آورد.

را اگرچه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست. (مناسک محشی، م ۵۹۰)

۳۴۲] م - اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل عليه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند^(۱)، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.^(۲) (مناسک محشی، م ۵۹۱)

۳۴۳] م - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هرچند باید در خارج آن طواف کرد. (مناسک محشی، م ۶۳۷)

-
- آیه الله فاضل: اظهر این است که آن شوط را اعاده نماید.
- آیه الله مکارم: فقط آن دور باطل می‌شود و چون برگشتن غالباً مشکل است می‌تواند همراه جمعیت برود و نزد حجرالاسود نیت کند و ادامه بدهد.
- آیه الله نوری: آن مقدار از شوط را که حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرده است اعاده کند، چنان که اگر کسی از روی دیوار حجر اسماعیل رفته باشد باید شوط را اعاده نماید.
۱. آیه الله زنجانی: طواف کند باید احتیاطاً آن دور را از سر بگیرد و بعد از اتمام طواف و خواندن نماز، طواف و نماز آن را اعاده کند.
۲. آیه الله بهجت: اعاده همان جزء از طواف، که به بالا رفتن بر دیوار حجر باطل شده است، لازم می‌باشد.
- آیه الله سبحانی: در حکم رفتن در حجر است، بالا رفتن بر دیوار حجر، بنا بر احتیاط.
- آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.
- آیه الله مکارم: اگر همان مقدار را اعاده کند کافی است.

پنجم - بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.^(۱)

۱. آیه الله بهجت: لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع.

آیه الله تبریزی: در صورت امکان بنا بر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر مشهور، طواف باید در فاصله میان کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام و در جهت‌های دیگر نیز در همین فاصله انجام شود، اما اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست و می‌تواند در خارج از این فاصله و در سایر بخش‌های مسجدالحرام نیز طواف را به جا آورد، به ویژه هنگامی که ازدحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد، البته بهتر آن است که در صورت عدم ازدحام، در فاصله مذکور طواف کند.

آیه الله خویی: و لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد؛ خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است و از این مسئله حکم چهار مسئله بعد هم معلوم می‌شود.

آیه الله زنجانی: یعنی در همه اطراف کعبه، مقدار محلی که در شرایط عادی می‌توان در آن طواف کرد، همین مقدار است؛ بنابراین در سمت دیوار حجر، محدوده طواف از بیرون دیوار حجر محاسبه می‌گردد نه از خانه کعبه، و کسی که نمی‌تواند و یا برای او مشقت شدید دارد که در محدوده، طواف کند، نایب می‌گیرد و اگر از آن هم معذور است می‌تواند در فاصله دورتر طواف کند و رعایت الاقرب فالاقرب لازم نیست؛ ولی در ایامی از سال - مانند ایام شلوغ حج و ماه رمضان - که محدوده مقام با ازدحام جمعیت روبه‌روست و طواف کردن در این محدوده، در شب و روز برای ←

[۳۴۴] م - مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم عليه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و مابین مقام و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همینقدر بیشتر دور نباشد. ^(۱) (مناسک محشی، م ۵۹۲)

[۳۴۵] م - اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند ^(۲) که مقام ابراهیم

→ معمول مردم، مشقت شدید دارد، طواف در فاصله دورتر صحیح است، هرچند برای شخص او طواف کردن در محدوده، مشقت نداشته باشد و فرقی بین طواف عمره و حج، و یا طواف واجب و مستحب نیست و احکام چند مسئله بعد، مربوط به شرایط عادی است که محدوده طواف، توسعه ندارد.

آیه الله سبحانی: یعنی در شعاع تقریباً ۱۲ متر.

آیه الله سیستانی: ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هرچند که کراهت دارد - طواف جایز باشد؛ خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می شود و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از این جا حکم مسائل بعد نیز روشن می شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با عدم تمکن از طواف در محدوده به خاطر ازدحام، طواف از پشت مقام به شرط اتصال به جمعیت طواف کننده کافی است.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده، با رعایت الأقرب فالأقرب صحیح است.

آیه الله مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است.

آیه الله نوری: اقوی این است که در طواف، همین قدر که «طواف دور خانه خدا» صدق کند کافی است و مراعات اینکه طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم عليه السلام است لازم نیست و مستحب است.

۱. نظر آیات عظام ذیل مسئله قبل مطرح شد.

۲. آیه الله زنجانی: یعنی تمام اشواط طواف را پشت مقام ابراهیم طواف کند.

هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.^(۱)

(مناسک محشی، م ۵۹۳)

[۳۴۶] م- اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با

اعاده همان جزء تمام کند^(۲) و احوط آن است که طواف را هم اعاده

کند اگرچه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده

همان جزء. (مناسک محشی، م ۵۹۴)

۱. آیه الله تبریزی: اگر ازدحام بوده و طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام

میسور نبود، طوافی که انجام داده صحیح است و اعاده ندارد.

آیه الله جوادی: در حال ازدحام و اتصال به طواف کنندگان، طواف در بیرون مقام

و دورتر از این حد (محدوده کعبه و مقام) هم صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر به جهت ازدحام، طواف در فاصله یاد شده موجب حرج و

مشقت باشد، طواف در خارج محدوده با ملاحظه الاقرب فالاقرب صحیح است

و صبر کردن تا اینکه مطاف خلوت شود لازم نیست هرچند موافق احتیاط است.

نظر سایر آیات عظام ذیل دو مسئله قبل (۳۴۳) گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: آن مقدار که از مطاف خارج بوده و بعد از آن تا در شوط بعد به همان

مکانی که از مطاف خارج شده برسد، باطل است، بنابراین اگر این اشکال در شوط

هفتم پیش آمده باید از جایی که از مطاف خارج شده تا حجرالاسود را اعاده کند و اگر

در یکی از اشواط قبل رخ داده باید یک دور کامل دیگر بزند تا طوافش تکمیل شود؛ و

در هر حال، اعاده همان جزء کفایت نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: اگر طواف‌کننده بدون عذر از پشت مقام ابراهیم طواف کرد،

طواف او باطل است و اگر بعضی دورها را از آنجا عبور کرد، اگر محل تصحیح در

اثنا باقی است باید در همان دور تصحیح نماید و اگر محل آن گذشته، باید بعد

از خواندن نماز طواف باطل شده و فوت موالات، طواف خود را از سرگیرد و اگر

اعمال مترتبه را نیز انجام داده، آنها را نیز بیاورد.

[۳۴۷] م - چون در طرف حجر اسماعیل عليه السلام محل طواف تنگ می شود^(۱)

زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود و چنانچه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود. (مناسک محشی، م ۵۹۵)

[۳۴۸] [۳۴۸] م - اگر از جانب حجر اسماعیل عليه السلام بیشتر از شش ذراع و

نیم^(۲) در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند. (مناسک محشی، م ۵۹۶)

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

[۳۴۹] م - در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان»

گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.^(۳) (مناسک محشی، م ۵۹۷)

[۳۵۰] م - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن

بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است^(۴)، و

۱. آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می شود.

۲. آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: ذیل مسئله ۳۴۷ مراجعه شود.

۳. آیه الله زنجانی: به این معنی که اگر از روی شاذروان طواف کند، آن مقدار از طوافش باطل است، و باید مطابق ذیل مسئله ۳۴۶ طوافش را تکمیل کند و همچنین است حکم مسئله بعد.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: باید آن مقدار را اعاده کند و چه بهتر که پس از اتمام طواف و خواندن نماز آن را نیز اعاده نماید.

باید اعاده کند. (مناسک محشی، م ۵۹۸)

[۳۵۱] م - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است

جایز است، و به طواف ضرر نمی‌رساند^(۱) گرچه احتیاط مستحب

در ترک است. (مناسک محشی، م ۵۹۹)

[۳۵۲] م - در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل عليه السلام

جایز است^(۲)، و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب

→ آیه الله صافی: حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.

آیه الله مکارم: امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً طواف روی آن ممکن نیست و در صورت امکان احتیاط در ترک آن است.

۱. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: احوط آن است که در اثنای طواف دست خود را دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه به جهت اسلام ارکان یا غیر آن و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد و اگر بخشی از شوط را با همین حالت انجام دهد به احتیاط واجب آن مقدار را اعاده کند و چون عقب رفتن مشکل است راه خود را به حجرالاسود ادامه دهد و از آنجا شوط را آغاز کند، هر مقدار را که قبلاً صحیح انجام داده بدون نیت طواف برود بقیه را به قصد تکمیل شوط ناتمام به جا آورد.

آیه الله زنجانی: بلکه طواف کردن در حال بوسیدن کعبه نیز جایز است، گرچه...

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبل (۳۵۱) مراجعه شود.

آیه الله جوادی: دست گذاردن روی دیواره حجر در حال طواف، در صورتی که نزد عرف خروج از حد مطاف از سمت کعبه حساب نشود اشکال ندارد.

آیات عظام فاضل، صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیه الله نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

در ترک است. (مناسک محشی، م ۶۰۰)

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

[۳۵۳] م - اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد طوافش باطل^(۱) است اگرچه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۰۱)

۱. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط اصل طواف باطل است.

آیه الله جوادی: اگر از اول قصد هشت دور داشته باشد؛ ولی قصدش آن باشد که هفت دور آن، طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر، طواف او صحیح است.

آیه الله خویی: با فرض تحقق قصد قربت طواف او صحیح است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط در هر حال طوافش باطل است.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: اشکال ندارد اگر به هفت دور تمام کند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: در صورت ندانستن مسئله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله سبحانی: اگر از روی سهو و غفلت و یا عدم آگاهی از حکم شرع با چنین قصدی وارد طواف شود اگر در دور هفتم ختم کند طواف او صحیح است و اگر در کمتر از هفت دور طواف کند و تا موالات به هم نخورده متوجه شود و آن را تکمیل کند طواف او نیز صحیح است و الا احتیاطاً طواف قبل را تکمیل کند و نماز آن را بخواند سپس طواف و نماز را اعاده کند و می تواند یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام به جا آورد و بعید نیست که در صورت فوت موالات اعاده مطلقاً کافی باشد و اگر در بالاتر از هفت شوط به پایان برساند طواف او نیز صحیح است و مضر ←

[۳۵۴] م- اگر در اثنای طواف^(۱) از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد

زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هرچه به این

قصد عمل کرده باطل است و باید اعاده کند^(۲)، و اگر با این قصد

زیادتر آوردن اصل طواف باطل می‌شود.^(۳) (مناسک محشی، م ۶۰۲)

[۳۵۵] م- اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد لکن قصدش آن باشد

که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای

تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۰۳)

→ نیست مشروط بر اینکه از نخست تصمیم به اطاعت امر الهی داشته باشد و تصور می‌کرد که کاهش و افزایش مضر نیست.

۱. آیه الله زنجانی: از روی علم و عمد...

۲. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود، اگر از روی علم و عمد،

قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.

آیه الله خویی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا می‌کند.

آیه الله سبحانی: طواف او باطل است.

آیات عظام سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنا بر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.

۳. آیه الله بهجت: آنچه که مصادف با نیت زیاده بوده است، باطل می‌باشد.

آیه الله زنجانی: و یا در کمتر از هفت شوط، طواف را رها کند به نحوی که موالات

اجزاء سابق از بین برود اصل طواف، باطل می‌شود؛ و اگر عدول از قصد هفت شوط،

از روی سهو یا جهل باشد آنچه با این نیت، انجام داده صحیح است، مگر بیشتر از

هفت شوط طواف کرده باشد.

آیه الله سبحانی: و اگر از روی غفلت و سهو و یا عدم آگاهی از حکم شرعی باشد

حکم آن در مسئله قبل گذشت.

[۳۵۶] م - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۰۴)

[۳۵۷] م - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۰۵)

[۳۵۸] م - اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی عمد واجب است آن را اتمام کند^(۱)، و اگر نکند حکمش

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله صافی: اگر به قصد هفت شوط، مشغول طواف واجب شود و آن را ناقص بگذارد باید قبل از فوت موالات، آن را اتمام کند و اگر نکند طوافش باطل می شود.

آیه الله سبحانی: اگر موالات به هم نخورده آن را تمام کند و اگر موالات به هم خورده است طواف را تمام کند و نماز به جا آورد سپس طواف را از سر بگیرد و نماز آن را نیز بخواند و اگر هیچ کدام را انجام ندهد بسان کسی خواهد بود که عمداً طواف را که رکن است را ترک کرده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر طواف کننده در طواف واجب بی دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده است پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد و اگر بعد از آن باشد، احتیاط ←

حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده - که در مسأله ۲۸۳ گذشت - به احتیاط واجب^(۱)، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۰۶)

[۳۵۹] م - اگر بعد از کم کردن طواف کارهای بسیاری کند.^(۳) که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید. (مناسک محشی، م ۶۰۷)

[۳۶۰] م - اگر سهواً^(۴) از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی

→ واجب این است که آن را تمام کند و دوباره انجام دهد. مگر اینکه فوت موالات شود که می تواند از سر بگیرد.

آیه الله مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، نوری: بلکه بنا بر اظهر.

۲. آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: جهل به مسئله، حکم سهواً دارد، که حکم آن در مسئله ۳۶۰ خواهد آمد.

۳. آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: یا فاصله زیادی بدهد.

۴. آیه الله بهجت: اگر سهواً از طواف کم کرده پس تمام کردن آن در صورت تجاوز از نصف؛ یعنی با تمام شدن چهار شوط علی الأحوط، و از سرگرفتن آن در صورت عدم، خالی از وجه نیست.

آیه الله تبریزی: نظرشان عیناً مانند آیه الله خویی در حکم ذیل است، الا اینکه معظم له در مقدار فراموش شده که اگر بیش از یک و کمتر از چهار باشد به جای عبارت: «بایستی برگشته» می فرمایند: بنا بر احتیاط بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و پس از به جا آوردن، کمبود طواف را اعاده نماید و همچنین اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

آیه الله خویی: هرگاه مقداری از طواف را سهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به جا آورد و طوافش صحیح ←

آن است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده

→ خواهد بود و چنانچه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را به جا آورد و طوافش صحیح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و بهتر این است که پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

آیه الله زنجانی: اگر سهواً یا به خاطر ندانستن مسئله، مقداری از طواف را ترک کند یا آن را به شکل باطل انجام دهد هر وقت متذکر شود طواف را تکمیل می کند، هرچند از نصف طواف نگذشته باشد یا موالات از بین رفته باشد و اعاده اعمال بعدی لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر از روی غفلت و فراموشی کمتر از هفت مرتبه کعبه را دور بزند اگر پیش از آنکه موالات به هم بخورد به خاطر بیاورد باید باقیمانده را به جا آورد و اگر پس از به هم خوردن موالات توجه کند هرگاه آنچه آورده کمتر از سه و نیم شوط باشد طواف را از سر بگیرد و اگر بیش از آن باشد باقیمانده را به جا آورد و بهتر است علاوه بر آن طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی، بعضی از شوط های طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقیمانده آن را به جا آورد و طواف صحیح است و اگر پس از آن باشد، در صورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به جا آورد و طواف باز هم صحیح است... و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب باقیمانده را به جا آورد و طواف را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین ۳/۵ تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

باشد، و الا احتیاط واجب اتمام و اعاده است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۰۸)

[۳۶۱] م - اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید^(۲)، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهو، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن. (مناسک محشی، م ۶۰۹)

[۳۶۲] م - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد^(۳) و اگر

۱. آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: بلکه حتی در صورت فوت موالات نیز وظیفه اش اتمام است و احتیاط لازم نیست.

۲. آیه الله جوادی: کم کردن سهوی از طواف، اگر پس از دور چهارم باشد، آن را مطلقاً تکمیل می کند و پیش از آن؛ چنانچه موالات فوت نشده باشد، طواف را تکمیل می کند و با فوت موالات، آن را اعاده می کند.

آیه الله مکارم: اگر موالات به هم نخورده، می تواند آن را تکمیل کند، وگرنه باید از نو شروع کند.

نظر سایر آیات عظام در مسئله قبل (۳۶۰) گذشت.

۳. آیه الله بهجت: و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می گیرد.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد.

آیه الله سبحانی: اگر بتواند باید برگردد و اگر نصف طواف را انجام نداده، باید طواف را اعاده کند و اگر نیمه اول آن را انجام داده بنا بر احتیاط اتمام و اعاده کند و اگر خود نمی تواند، نایب بگیرد و نایب نیز باید علاوه بر اتمام طواف و انجام نماز، مجدداً طواف و نماز را اعاده کند و علاوه بر نماز طواف نایب، خودش نیز هر کجا هست نماز طواف را بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به جا آورد، اگرچه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۱۰)

[۳۶۳] م - در طواف واجب، قران جایز نیست یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود^(۲)، و در طواف مستحب مکروه است. (مناسک محشی، م ۶۱۱)

[۳۶۴] م - اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است.^(۳) (مناسک محشی، م ۶۱۲)

۱. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد.
- آیه الله مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.
۲. آیه الله زنجانی: خواه طواف دوم، واجب باشد یا مستحب، و این کار، طواف را باطل می‌کند، ولی اعاده احتیاطی طواف، قران نیست و مبطل طواف نیز نمی‌باشد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود.
۳. آیه الله بهجت: اگر طواف دیگر را به آخر نرساند، نه زیادی در طواف است و نه قران.
- آیه الله تبریزی: اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه زیادی است و نه قران، ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می‌شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن، با اینکه می‌داند قران حرام و مبطل طواف است آن را قصد نماید که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی‌شود، هرچند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود.
- آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: اگر طواف دوم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قران نیست، بلی اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می‌داند قران مبطل است دیگر قصد قربت در طواف اول از او متمشی نمی‌شود.

[۳۶۵] م - در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند^(۱)، و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد اقوی صحت طواف اول است، و احوط اعاده است.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۱۳)

→ آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام نکند قرآن نیست ولی اگر قصد قرآن را داشته باشد با علم به اینکه مبطل است قصد قربت محقق نمی شود و طواف باطل است.

آیه الله مکارم: ولی طواف اول باطل نیست، مگر از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اول نیز مشکل است.

۱. آیه الله بهجت: کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین اینکه از ابتدا قصد اضافه کردن را داشته باشد یا در اثنا، نگذاشته اند.

آیه الله زنجانی: اگر از ابتدا یا اثنا قصد زیاد کردن طواف کامل دیگری بنماید هرچه با این قصد طواف کند باطل است. و اگر بعد از تمام شدن...

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا قصد قرآن داشته باشد باطل است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود، چه از اول این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بلکه در فرض اتیان به طواف کامل، اظهار بطلان طواف اول است مطلقاً.

آیه الله زنجانی: مگر آنکه این کار باعث فوت موالات بین طواف واجب و نمازش شود.

آیه الله سبحانی: اگر از اول و یا در اثنا یا در پایان طواف در این تصمیم عامد باشد طواف باطل است ولی نماز آن را احتیاطاً بخواند لکن باید بعد از فوت موالات طواف و نماز آن را اعاده کند و در هر صورت اکتفا به طواف اولی نکند.

← آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است.

[۳۶۶] م- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط^(۱) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۱۴)

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

۱. آیه الله زنجانی: واجب است که...

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط واجب آن را به هفت دور برساند و بعد از اتمام، دو رکعت نماز به عنوان طواف واجب و بعد از سعی دو رکعت هم برای طواف مستحب به جا آورد. نیت هفت دور دوم فقط به قصد قربت و مطلوبیت باشد نه واجب و نه مستحب اگرچه ظاهر این است که هفت دور دوم طواف واجب محسوب می شود و نماز آن بعد از طواف است و هفت دور اول مستحب و نماز آن بعد از سعی.

آیه الله سیستانی: اگر از روی اشتباه چیزی بر شوط های طواف خود بیافزاید، پس اگر بعد از رسیدن به رکن عراقی یادش آمد، مقدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برساند و احتیاط واجب این است که طواف دوم را در این هنگام به قصد قربت بدون اینکه واجب یا مستحب بودن آن را قصد کند به اتمام برساند، و پس از آن چهار رکعت نماز بخواند و احتیاط مستحب این است که بین آنها فاصله ای بیندازد؛ به این معنا که دو رکعت قبل از سعی جهت طواف واجب به جا آورد و دو رکعت پس از سعی جهت طواف مستحبی به جا آورد. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر پیش از رسیدن به رکن عراقی یادش بیاید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط مستحب است.

۲. آیه الله بهجت: احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سعی به جا آورد و دو رکعت نافله را می تواند بعد از سعی به جا آورد.

۳۶۷] - جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس^(۱)، و احوط

→ آیه الله خوئی: حکم نماز طواف در مناسک ایشان مذکور نیست.

آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دو رکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد.

۱. آیه الله بهجت: احوط عدم قطع طواف واجب است؛ یعنی ترک بقیه آن، به نحوی که موالات عرفیه فوت شود بدون عذر و به مجرد خواهش نفس.

آیه الله جوادی: قطع طواف واجب بدون عذر، بنابر احتیاط جایز نیست و تحقق قطع طواف به فوت موالات است.

آیه الله خامنه‌ای: قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هرچند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه‌ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند. آیه الله خوئی: قطع طواف و سعی جایز نیست.

آیه الله زنجانی: قطع عمدی طواف واجب در غیر موارد خاصه، جایز نیست؛ و مراد از قطع در این مسئله و اکثر مسائل بعدی این است که طواف‌کننده با ایجاد فاصله یا انجام کارهای زیاد، موالات عرفیه بین اشواط را از بین ببرد. موارد خاصه عبارتند از: استراحت، وضو و غسل و تیمم، آب کشیدن بدن یا لباس، تنگی وقت نماز واجب یا نماز وتر یا نماز جماعت، رسیدن به نماز اول وقت، برآوردن احتیاج دیگری، بیماری، عیادت بیمار، و هر کاری که مطلوب شارع مقدس است و وقت آن می‌گذرد مانند تطهیر مسجد و تشییع جنازه مؤمن. در تمام مواردی که طواف را رها می‌کند اگر موالات از بین نرفته باید آن را تکمیل کند و اگر از بین رفته به حکم قطع طواف که در مسائل بعدی می‌آید رفتار نماید.

آیه الله سبحانی: قطع طواف واجب بدون عذر جایز نیست.

آیه الله سیستانی: قطع طواف واجب برای کاری ضروری بلکه بنا بر اظهر قطع آن مطلقاً گرچه برای کاری یا ضرورتی نباشد جایز است.

← آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند.

قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک

بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد. (مناسک محشی، م ۶۱۵)

[۳۶۸] م - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط^(۱) آن است که اگر چهار

دور به جا آورده باشد^(۲) طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این

→ آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که قطع نکند، ولی چنانچه به هر جهت قطع کرد و از نو یک طواف کامل انجام داد، مجزی و صحیح است، هرچند موالات به هم نخورده، و فرقی نیست که دور دوم را مثلاً رها کند یا غیر آن را.

۱. آیه الله بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هرچند که چهار شوط به جا آورده باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیه الله زنجانی: باید طواف را از سر بگیرد و احتیاط مستحب در آن است که اگر قطع بعد از نیمه شوط چهارم بوده، قبل از اعاده، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند.

آیه الله گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

نظر سایر آیات عظام در این مسئله و مسئله بعد، در ذیل مسئله ۳۵۸ گذشت.

۲. آیه الله جوادی: کسی که طواف را پیش از انجام دادن منافی؛ مانند به هم خوردن موالات، بدون عذر قطع کند باید آن را تمام کند و اگر پس از فعل منافی قطع کند؛ چنانچه پیش از دور چهارم باشد باید طواف را اعاده کند و اگر پس از اتمام دور چهارم باشد، بنابر احتیاط آن را تمام کند و نماز طواف را به جا آورد، سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر از نصف تجاوز کرده...

در صورتی است که منافعی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد. (مناسک محشی، م ۶۱۶)

[۳۶۹] م - اگر طواف را قطع کند^(۱) و منافعی به جا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۱۷)

[۳۷۰] م - اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد^(۲) مثل مرض یا

۱. آیه الله جوادی: کسی که طواف را قطع کند و دوباره از سر گیرد، اگر طواف دوم را بدون فاصله انجام دهد طواف دوم باطل است و چنانچه آن را با فاصله انجام دهد صحیح و مجزی است.

آیه الله زنجانی: و موالات به هم نخورده باشد، باید قبل از فوت موالات آن را کامل کند.

۲. آیه الله زنجانی: قطع طواف واجب به جهت عذر چند صورت دارد: ۱. قطع طواف به خاطر حدث اصغر یا اکبر (جنابت و حیض) حکم آن ذیل مسئله ۲۹۸ گذشت؛ ۲. قطع طواف برای عروض بیماری در اثنای طواف: اگر قبل از نصف (۳/۵ شوط) قطع کرد، باید خودش و اگر نمی تواند نایبش آن را از سر بگیرد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم قطع کرده باید بدون تأخیر برای تکمیل طواف، نایب بگیرد و کافی است والا باطل می شود و باید آن را از سر بگیرد و اگر بین نیمه و پایان شوط چهارم بود باید بدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و همچنین خودش و اگر نمی تواند نایبش یک طواف کامل به جا آورد؛ ۳. قطع طواف برای استراحت یا تطهیر بدن و لباس یا مسجد یا برای تنگی وقت نماز یا رسیدن به نماز اول وقت یا شرکت در نماز جماعت، در تمام این موارد پس از رفع عذر طواف قبلی را هرچند کمتر از نصف باشد تکمیل می کند؛ ۴. قطع طواف به جهت موانع خارجی مانند تشکیل صفوف جماعت و نظافت مسجد، حکم آن در ذیل مسئله ۳۷۳ خواهد آمد. در تمام صورت های چهارگانه اگر طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است.

حیض یا حدث بی اختیار^(۱) پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد^(۲) و از همان جا تمام کند و اگر قبل از آن بوده^(۳)

۱. نظر آیات عظام در بحث حدث اصغر و جنابت در مسئله ۲۹۸ و ۲۹۹ و راجع به حیض در مسئله ۳۰۰ گذشت.

و اما در مورد مرض:

آیه الله بهجت: هرگاه طواف کننده به علت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود، اگر قادر نشد او را دوش می گیرند و طواف می دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می گیرند در اتمام.

آیه الله جوادی: اگر حدث پیش از اتمام دور چهارم طواف باشد باید پس از تحصیل طهارت، طواف را اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را به جا آورده و طواف را اعاده نماید.

آیه الله سیستانی، نظریه ایشان مطابق با متن است ولی اضافه فرموده اند: این در طواف واجب بود و اما در طواف مستحبی، از هر جا که قطع کند مادامی که موالات عرفی فوت نشده است می تواند برگردد و تمام نماید و همچنین در مورد عذر، علاوه بر مرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده اند.

۲. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر بعد از تمام شدن سه دور و نیم باشد و بعد از تحصیل طهارت.

۳. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۳/۵ و ۴ بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است. ←

طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض

آن است که اتمام کند و اعاده نماید. (مناسک محشی، م ۶۱۸)

۳۷۱] م - اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست به جا آورد و

نمی تواند تارفع عذر صبر کند اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف

دهند، و اگر ممکن نیست نایب^(۱) برای او بگیرند.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۱۹)

۳۷۲] م - اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب

است طواف را رها کند و نماز بخواند^(۳)، پس اگر بعد از چهار

→ آیه الله فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است، احتیاط آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید و یا از نو یک طواف کامل انجام دهد.

۱. آیه الله سبحانی: و نایب یک طواف کامل به نیت اعم از اعاده و اتمام و یا به عنوان تکلیف فعلی منوب عنه انجام دهد و نماز آن را بخواند و احتیاطاً منوب عنه هم در هر کجا هست اگر امکان دارد نماز طواف را خودش نیز بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتواند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اول به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد، نایب در مقدار باقیمانده نیابت می کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و چون بعید نیست گفته شود که: «طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج به دلیل است» نایب همه طواف را انجام دهد.

نظر سایر آیات عظام در مورد نیابت در مسئله قبل (۳۷۰) گذشت.

۲. آیه الله خامنه ای: باید خودش نایب بگیرد.

۳. آیه الله خامنه ای: اگر طواف واجب را برای اقامه نماز واجب قطع کند، در صورتی که پس از انجام نیمی از طواف چنین کند، پس از نماز ادامه آن را انجام داده و هفت دور کامل می کند، و اگر پیش از اتمام نصف طواف چنین کند، در صورتی که فاصله زیادی ایجاد شود، احوط آن است که طواف را از ابتدا انجام دهد، ولی اگر فاصله زیاد حاصل نشده ←

دور^(۱) رها کرد از همان جا طواف را تمام کند، و الا^(۲) اعاده کند.^(۳)

(مناسک محشی، م ۶۲۰)

۳ [۳۷۳] - جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای

رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و

از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند^(۴)، و احتیاط آن

→ باشد، عدم وجوب رعایت احتیاط در این مورد، بعید به نظر نمی‌رسد، اما رعایت احتیاط در هر حال پسندیده است. در این مورد، تفاوتی ندارد که نماز جماعت باشد یا فردای؛ و وقت نماز تنگ باشد یا نباشد و از این مسئله حکم مسئله بعد نیز روشن می‌شود.
آیه الله زنجانی: و پس از آن بدون تأخیر، طواف را اتمام نمایید، هر چند قبل از شوط چهارم باشد.

۱. آیه الله سبحانی: بعد از نیمه طواف.

۲. آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم بخورد.

۳. آیه الله تبریزی: اعاده لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله سیستانی: باید اتمام کند و احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده، احتیاطاً طواف را تمام کند و بعد اعاده کند.

آیه الله مکارم: در هر دو صورت طواف را کامل کند.

۴. آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم نخورد و اگر به هم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن.

آیه الله جوادی: اگر قطع طواف بعد از شوط چهارم باشد، از همان جا تمام می‌کند و اگر قبل از دور چهارم بوده و فصل طویل شده، اعاده و بنابر احتیاط قبل از آن تمام می‌کند و نماز آن را می‌خواند.

است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط

ترک شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۲۱)

۳۷۴] م - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا

طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا

آورده یا نه اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم

خالی از اشکال نیست^(۲) و احتیاط ترک نشود. (مناسک محشی، م ۶۲۲)

۱. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله زنجانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند طواف یا سعی را تکمیل می‌کند،

هرچند قبل از شوط چهارم باشد، و اگر شرکت نکند ولی تشکیل صفوف جماعت،

مانع ادامه طواف او شود اگر بعد از شوط چهارم بوده طواف قبلی را اتمام می‌کند،

مگر بیش از نایب گرفتن افراد بیمار فاصله شود که طواف را اعاده می‌کند، و اگر قبل

از نیمه شوط چهارم بوده است طواف را اعاده می‌کند مگر فقط به مقدار استراحت

افراد ضعیف، فاصله شود که باید آن را تکمیل کند و در بین سه و نیم و چهار شوط،

طواف قبلی را اتمام و سپس اعاده می‌کند. و این تفصیل حکم تمام مواردی است

که به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد، طواف واجب قطع گردد.

آیه الله سبحانی: اگر به خاطر اقامه نماز جماعت نتواند به طواف خود ادامه دهد

و ناچار است آن را قطع کند، پس از پایان یافتن نماز جماعت از همان نقطه و یا

محاذی آن در هر شوطی که باشد، طواف خود را تکمیل کند.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

۲. آیه الله بهجت: هرگاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طوافم هفت شوط

یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز

طواف چنین شکی بکند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در صورت دوم طواف باطل است مگر اینکه بعد از

دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی‌کند. ←

[۳۷۵] م- اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل (علیه السلام) طواف کرده اعتنا نکند^(۱)، و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه. (مناسک محشی، م ۶۲۳)

[۳۷۶] م- اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیاده تر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۲۴)

[۳۷۷] م- اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور شک کند که

→ آیه الله خامنه ای: نباید به شک خود اعتنا کند، بلکه بنا را بر صحت بگذارد. آیه الله زنجانی: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعایت عدد اشواط، التفات داشته است، در هیچ یک از دو صورت اعتنا به شکش نکند و الاً باید طواف را اعاده کند.

آیات عظام سبحانی، مکارم، نوری: به شک پس از فراغ عمل اعتنا نکند. آیه الله سیستانی: اگر در عدد شوط ها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید؛ مثلاً پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط واجب نیست.

آیه الله فاضل: این اشکال در صورت عدم انصراف از طواف است، اما اگر شک بعد از انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم، طواف محکوم به صحت است و لازم نیست اعتنا کند.

۱. آیه الله زنجانی: حکم مسئله قبل (۳۷۴) را دارد.

۲. آیه الله زنجانی: حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسئله ۳۷۴ گذشت.

آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.^(۱)

(مناسک محشی، م ۶۲۵)

[۳۷۸] م - اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هرچه

پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۲۶)

۱. آیه الله بهجت: احوط بطلان طواف است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً به قصد رجا تمام و اعاده طواف نماید.

آیه الله زنجانی: ولی اگر اطمینان دارد تا پیش از پایان طواف، نسبت به تعداد اشواط، حجت شرعی پیدا می‌کند - مثلاً از رفیقی که اشواط او را می‌شمرد می‌پرسد - می‌تواند طواف را در حال شک ادامه دهد و اگر حجت شرعی پیدا کرد طوافش صحیح است، و الاً باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است. آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

۲. آیه الله بهجت: بطلان طواف او ولزوم استیناف خالی از قوت نیست با آنکه فی الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در شک بین ۶ و ۷، باید آن شوط را تکمیل و نماز طواف را به جا آورد و یک بار دیگر طواف و نماز را مجدداً اعاده کند؛ البته در تمام موارد اعاده طواف بهتر است مقداری بین طواف قبل و بعد فاصله بیندازد.

آیه الله سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنا بر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنا بر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسئله طواف را تمام کرد و متوجه مسئله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد؛ مثل اینکه شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

[۳۷۹] م - اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل

گذارد، و طوافش صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۲۷)

[۳۸۰] [۳۸۱] م - شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش

نکند^(۱) و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ

کند. (مناسک محشی، م ۶۲۸)

[۳۸۱] م - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد^(۲) و حکم شك را دارد. (مناسک

محشی، م ۶۲۹)

[۳۸۲] م - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف

به جا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده

کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۶۳۰)

[۳۸۳] م - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید

برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه

سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است؛ لکن احتیاط آن

۱. آیه الله خویی: کثیر الشک در طواف تا به حد وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند.

آیه الله زنجانى: بنا بر اقل، گذاشته طواف را تمام می کند و سپس دوباره اعاده

می کند؛ البته می تواند به شمارش دیگری اکتفا کند هر چند از گفته او اطمینان

پیدا نکند، و همچنین اگر کثرت شک به حد وسواس برسد اعتنا نکند.

آیه الله سبحانى: بنابراین بنا را به طرفی نمی گذارد که موجب بطلان طواف او

باشد اما در رمی باید آنقدر پرتاب کند که یقین نماید.

آیه الله مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

۲. آیه الله بهجت: حکم آن مانند حکم ظن در نماز (یقین) است.

۳. آیه الله سبحانى: باید هر کجای سعی هست آن را رها کند و برگردد و طواف و نماز

آن را به جای آورد و سپس احتیاطاً سعی را اتمام و اعاده کند.

است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید^(۱)، و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند. (مناسک محشی، م ۶۳)

۱. به نظر آیات **عظام**، که در مسئله قطع طواف سهواً در ذیل مسئله ۳۶۰ و ۳۶۱ مفصلاً ذکر شد؛ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

آیه الله تبریزی: این احتیاط در اتمام و اعاده طواف ترک نشود و همچنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست و اتمام کافی است. **آیه الله خویی:** اگر مقدار باقیمانده از طواف، بیش از یک شوط و کمتر از چهار شوط باشد، طواف را تکمیل و بهتر است اعاده هم نماید و اگر بیش از آن بود، به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: و طریقه تکمیل بدین گونه است: هرگاه تعداد شوط‌هایی که انجام داده نصف یا بیشتر از آن باشد در این صورت طواف را تکمیل می‌کند و پس از خواندن نماز برای تکمیل سعی بر می‌گردد و احتیاطاً سعی را تکمیل و سپس از سر بگیرد و اگر تعداد شوط‌های طوافی که انجام داده کمتر از نصف باشد در این صورت طواف را از سر می‌گیرد و نماز می‌خواند و سعی را احتیاطاً اتمام و اعاده می‌کند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت موالات متذکر شود یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی یادش بیاید که طواف را ناقص انجام داده، سعی را رها کند و اگر طواف او بیش از نصف کمبود دارد، می‌بایست طواف را از اول اعاده نماید و سپس سعی را از نو انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده، آن را قطع کند و بعد از اكمال طواف به نحوی که در مسائل طواف ذکر شده، سعی را تکمیل نماید.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۳۸۴] م - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو به جا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد. (مناسک محشی، م ۶۳۲)

[۳۸۵] م - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۳۳)

[۳۸۶] م - در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد. (مناسک محشی، م ۶۳۴)

[۳۸۷] م - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند^(۲)، و می تواند طواف را رها کند و خانه را بپوسد^(۳) و برگردد از همان جا اتمام کند. (مناسک محشی، م ۶۳۵)

۱. آیه الله زنجانی: و لازم نیست در حال طواف، شانه چپ آنها به طرف کعبه باشد.

۲. آیه الله سیحانی: بوسیدن کعبه و یا لمس آن و استلام حجر و یا رکن یمانی به احتیاط واجب در حال حرکت و چرخیدن نباشد و اگر بخشی از شوط را با همین حال انجام دهد به احتیاط واجب اعاده کند و اگر محل جبران گذشته است، طواف را پس از اتمام و خواندن نماز اعاده کند و اگر اعمال مترتبه را انجام داده، دو مرتبه انجام دهد، ولی قطع طواف و انجام این کارها و بعد ادامه از محلی که قطع کرده اشکالی ندارد مشروط بر اینکه بین اشواط موالات و وحدت عرفی آن به هم نخورد.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند.

۳. آیه الله زنجانی: بلکه می تواند در حال بوسیدن خانه کعبه طواف نماید.

[۳۸۸] م - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشینند یا دراز بکشند و بعد، از همان جا اتمام کند ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد، و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۳۶)

-
۱. آیه الله بهجت: اگر در موردی است که عذر صدق نمی‌کند حکم آن در مسئله ۳۶۷ و ۳۶۸ گذشت، و با فرض تحقق عذر از ادامه، قبل از اكمال شوط چهارم، در حدی که موالات عرفیه به هم نخورد مانعی ندارد و اگر به هم بخورد احتیاط مراعات شود به اكمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد.
 - آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.
 - آیه الله خامنه‌ای: کما اینکه می‌تواند آن طواف را به طور کلی رها کرده و طواف را دوباره از سر بگیرد.
 - آیه الله زنجانی: باید طواف را از سر بگیرد البته اگر خستگی شدید بوده و برای رفع خستگی نیاز به این مقدار استراحت داشته اتمام طواف کفایت می‌کند.
 - آیه الله سبحانی: اگر قبل از نیمه طواف بوده اعاده کند و اگر بعد از نیمه طواف بوده، اتمام و نماز و سپس احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده کند.
 - آیه الله فاضل: و می‌تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد.
 - آیه الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

استفتائات طواف

س - [۳۸۹] اگر در اثنای طواف شک در صحت شوط سابق یا جزیی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد، مثلاً نمی‌داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حدّ مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - اگر مسأله را می‌دانسته و می‌خواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۴۹)

س - [۳۹۰] کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوط‌های قبل این نجاست در بدن او بوده است؛ بدون توجه به مسأله، طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و

۱. آیه الله بهجت: شک در صحت محل اعتنا نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید.
آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سیستانی: در هر صورت عمل صحیح است. (بنا را بر صحت بگذارد مطلقاً).

آیه الله خویی: با احتمال التفات، بنا بر صحت می‌گذارد مطلقاً.
آیه الله زنجانی: اگر صحیح بودن قطعه سابق بر قطعه مشکوک، محرز باشد طواف او صحیح است، والا چنانچه احتمال می‌دهد که در قطعه مشکوک، به رعایت شرایط طواف، توجه داشته باید احتیاطاً طواف را تمام کرده و پس از خواندن نماز، آن را اعاده کند، و اگر چنین احتمالی نمی‌دهد باید طواف را اعاده کند.

بعد نماز طواف را بخواند^(۱)، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۵)

[۳۹۱] س - کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند^(۲) و بعد یک

۱. آیه الله بهجت: باید طواف را از موضع علم به نجاست تمام کند و بقیه اعمال را اعاده نماید و احوط استیناف طواف بعد از اتمام آن است.

آیه الله تبریزی: اگر طواف را به نیت وظیفه فعلیه اعاده کرده نیاز به اتمام طواف اول نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از طواف قبل دست برداشته و لذا طواف را از اول اعاده نموده است، همان طواف اعاده شده صحیح است.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: عملش صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر طواف دوم را به قصد ما فی الذمه (اعم از اتمام و اعاده) و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به برائت ذمه بوده باشد صحیح است و در غیر این صورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آن را خوانده، و پس از آن بنا بر احتیاط واجب سعی و تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده صحیح است و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده صحیح است و گرنه بنا بر احتیاط واجب، اعمال عمره را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را هم اعاده نماید.

۲. آیه الله بهجت: صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سرگرفته کفایت می‌کند.

طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد، و با فرض جهل ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است. (مناسک محشی، م ۶۵۲)

[۳۹۲] س - کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز

→ آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف مزبور مجزی است. آیه الله تبریزی: در هر دو صورت اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه؛ اعم از تمام و اتمام به جا آورد کافی است.

آیه الله زنجانی: اگر استیناف طواف از روی عذر چون سهو یا جهل باشد یا بعد از فوت موالات، طواف و اعمال مترتبه صحیح است.

آیه الله سبحانی: در صورتی که پیش از تجاوز از نصف بدون عذر طواف را رها کرده و پس از فوت موالات طواف را سرگرفته باشد طواف او و اعمال بعد از آن صحیح است و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب طواف قبلی را تمام کند و نماز آن را بخواند و سپس طواف را از سر بگیرد و اعمال مترتبه را اعاده نماید.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است، سپس از سرگرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر اقوی طواف و اعمال مترتبه صحیح است. آیه الله فاضل: طواف در تمام صور صحیح است.

آیه الله مکارم: طواف او و اعمال بعد از آن، در هر دو حال صحیح است.

آیه الله نوری: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سرگرفته کفایت می‌کند.

و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج - باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۵۳)

۱. آیه الله بهجت: اگر سهواً و از روی غفلت محدث شده است، باید پس از تجدید طهارت طواف را از همان جایی که قطع شده ادامه دهد و در صورتی که عمدتاً بوده است حکم به ادامه طواف از محل قطع، مورد تأمل است و باید طواف را از سر بگیرد و احتیاطاً نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله تبریزی: در مسائل سابق توضیح داده شد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۳۹۰ مراجعه شود.

آیه الله خویی: حکم آن در مسئله سابق گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: طواف دوم و اعمال بعد از آن صحیح است، هر چند می‌توانست طواف اول را پس از وضو هم تکمیل و به آن قناعت کند.

آیه الله سبحانی: باقیمانده طواف اول را بیاورد و سپس نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر بعد از تقصیر در عمره تمتع و یا مفرده متوجه این موضوع شد آنچه انجام داده کفایت نمی‌کند و باید برگردد طواف خود را تکمیل کند و نماز و سپس بقیه اعمال را بیاورد همین طور است اگر این امر در طواف حج اتفاق بیافتد باید طواف را تکمیل و سپس نماز آن و سعی را به جا آورد و اگر طواف نساء را نیز انجام داده باید آن را همراه با نمازش اعاده کند و اگر زمان تدارک گذشته باشد در ذیل سؤال ۶۴۷ و ۱۳۶۲ مناسک محشی حج صور مختلف آنها بیان شده است. و در تمام صور گذشته اگر فقط طواف نساء را با وضوی باطل انجام داده است فقط باید آن را همراه با نمازش مجدداً بیاورد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از موالات عرفیه اعاده کرده، صحیح است و گرنه مشکل است.

آیه الله فاضل: و سعی و تقصیر را احتیاطاً اعاده کند.

[۳۹۳] س - کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۵۵)

[۳۹۴] س - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

۱. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط صحیح نیست.

آیه الله زنجانی: باید طواف و اعمال بعدی را به جا آورد و اگر وقت گذشته چنانچه در عمره تمتع بوده، عمره اش تبدیل به حج افراد می شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر در حج بوده باید اعمال عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله سبحانی: در صورتی طواف او درست است که به قصد رجا و کشف حال طواف را ادامه داده باشد ولی اگر صرفاً به ظن خود اعتماد کرده طواف صحیح نیست و باید بعد از نماز آن طواف و نماز را اعاده و اگر اعمال مترتبه را آورده مجدداً انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر به قصد رجا و کشف حال طواف را ادامه داده صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر با اطمینان به یک طرف ادامه داده صحیح است. والا باید احتیاطاً طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله مکارم: اگر به قصد رجا و کشف حال، طواف را ادامه داده، صحیح است.

ج - اشکال دارد^(۱) و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز را اعاده نمایند. (مناسک محشی، م ۶۵۷)

[۳۹۵] س - درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

-
۱. آیات عظام بهجت، مکارم، نوری: اشکال ندارد.
 - آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: حکم آن در سؤال ۳۹۱ گذشت.
 - آیه الله جوادی: چنانچه آن را با فاصله انجام دهد صحیح و مجزی است.
 - آیه الله خامنه‌ای: مطلقاً اشکال ندارد.
 - آیه الله خویی: در صورت اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.
 - آیه الله زنجانی: اگر استیناف طواف از روی عذر چون سهو یا جهل باشد یا بعد از فوت موالات، طواف و اعمال مترتبه صحیح است.
 - آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.
 - آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی صحت طواف است، و اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف قطع شده را واجب است به جا آورد و نماز آن را نیز بخواند.
 - آیه الله فاضل: در تمام صور می‌تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد و صحیح است، اما اگر بخواهد احتیاط کند پس اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد، اما اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم بوده و فاصله هم شده طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند و سعی را اگر بعد از دور چهارم قطع شده تمام کند. ولی اگر قبل از دور چهارم قطع شده و فاصله هم زیاد شده بنا بر احتیاط لازم اعاده کند.

ج - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگرچه طواف دادن در خارج مطاف کفایت

می‌کند. (۱) (مناسک محشی، م ۶۵۸)

۳۹۶] س - شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر

اسماعیل علیه السلام می‌شود و بعد که متوجه شد برمی‌گردد و از همان جا

که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می‌نماید، آیا

طوافش صحیح است یا نه؟

۱. نظر آیات عظام در محدوده مطاف در ذیل مسئله ۳۴۳ گذشت.

آیه الله بهجت: اگر می‌تواند به کمک دیگری مباشرتاً در محدوده طواف کند باید

این کار را بکند و در غیر این صورت واجب است نایب بگیرد که در محدوده طواف

کند و طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت نمی‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: برای مطاف حد خاصی نمی‌باشد و در هر جای مسجدالحرام

صحیح است.

آیه الله زنجانی: در شرایط کنونی که نمی‌گذارند ناتوانان را در صحن مسجدالحرام

طواف دهند، نایب بگیرند، و بنا بر احتیاط مستحب، خودشان هم در طبقه دوم

طواف داده شوند.

آیه الله سبحانی: اگر با ویلچر یا امثال آن در زمان ازدحام از پشت مقام طواف

داده شدند استنباه لازم نیست مگر اینکه از طبقه دوم طواف داده شوند که باید

برای طواف و نماز در پایین نایب بگیرد و علاوه بر نایب، خود در طبقه دوم طواف

را انجام دهد و نماز طواف را در پایین، و اگر مشقت دارد، در بالا، به گونه‌ای که

پشت مقام قرار گیرد، بخواند و خود شخص باید در طبقه‌ای که اقرب به کعبه

است، طوافش را به جا آورد، نه در طبقه بعد. بنابراین تا می‌تواند در طبقه دوم

طواف کند، به طبقه سوم نرود.

آیه الله سیستانی: همه مسجدالحرام مطاف است.

آیه الله مکارم: این احتیاط لازم نیست و طوافش صحیح است.

ج - اشکال دارد.^(۱) بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجرالاسود به قصد احتیاط شوط را اعاده می‌کرد، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت. (مناسک محشی، م ۶۵۹)

[۳۹۷] س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج - اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد

۱. آیه الله بهجت: باید آن دور اعاده شود در صورتی که در ابتدای طواف، نیت طواف بر بیت محض نکرده باشد و الاً اعاده اصل طواف موافق احتیاط است؛ اگرچه عملاً در یک شوط اختصار نماید.

آیه الله خامنه‌ای: آن دور باطل است و باید آن را از حجرالاسود اعاده کند.

آیه الله زنجانی: طواف او صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر در همان شوطی که وارد حجر شده متوجه اشتباه شود و برگردد و به نیت تصحیح از همان جایی که وارد حجر شده به صورت صحیح طواف را ادامه دهد و برای احتیاط از یکی دو قدم جلوتر از باب مقدمه علمیه طواف قطع شده را ادامه دهد طواف او صحیح است و اگر در همان شوط متوجه نشد تصحیح مشکل است باید با به هم خوردن موالات، طواف از نو اعاده شود و صور دیگر نیز در مسئله ۳۴۱ آمده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در فرض اخیر هم، چون احتمال باطل شدن اصل طواف می‌رود احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند.

آیه الله فاضل: شوط فاسد را اتیان کند و بنا بر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است^(۱)، ولی در نماز بدون تروی محل

۱. آیه الله تبریزی: (طواف یا سعیش) اشکال دارد.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط صحیح نیست.

آیه الله زنجانی: اگر اطمینان دارد که در ادامه عمل نسبت به تعداد اشواط به اطمینان یا حجت شرعی (مانند شمارش همراهان) می‌رسد می‌تواند در حال شک طواف یا سعی را ادامه دهد و اگر چنین اطمینانی ندارد، نمی‌تواند طواف یا سعی را ادامه دهد و در صورت استقرار شک، طواف و سعی او باطل است.

آیه الله سبحانی: اگر با علم به عدم زیادی در حال طواف در شماره طواف‌ها شک کند ولی به قصد رجا و به امید اینکه در آینده واقع روشن شود به طواف خود ادامه دهد و سپس سرانجام به یک طرف یقین پیدا کند طواف او صحیح است و همچنین اگر کسی در حال سعی در عدد اشواط شک کند و طرف شک نقیصه باشد نه زیادی مثلاً شک کند دور پنجم است یا هفتم سعی او صحیح است و چه سعی و چه طواف در هر دو اگر در آخر به نتیجه نرسید آنها باطل هستند و بهتر است برای طواف و یا سعی دوم صبر کند تا موالات به هم بخورد و با صرف نظر از آنچه از طواف و یا سعی انجام داده طواف و یا سعی خود را مجدداً بیاورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در حال سعی شک کند و در حال شک به قصد رجا ی کشف حال ادامه دهد و بعد یقین به صحت پیدا کند سعی او صحیح است و در طواف، اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شوط استفاده شود حکم به صحت مشکل است و الاً بعید نیست.

آیه الله فاضل: ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حال شک اشکال دارد. لذا در فرض سؤال باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کند و اگر به یک طرف اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند و الاً عمل را از نو انجام دهد و در این مسئله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

آیه الله مکارم: به امید انجام وظیفه شرعی.

اشکال است، و احوط اعاده آن است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۶۰)

[۳۹۸] س - در مطاف چیزهایی از افراد می افتد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج - موجب بطلان طواف نمی شود.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۶۲)

[۳۹۹] س - اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج - به طواف ضرر نمی زند.^(۳) (مناسک محشی، م ۶۶۳)

[۴۰۰] س - گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می دهند و همان طور توسعه می دهند تا انسان از مطاف خارج می شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

۱. آیه الله مکارم: همه شک ها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادله شک گردد.

۲. آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: ولی عمداً پا روی آن نگذارد.
آیه الله سبحانی: ولی عمداً پا روی آن نگذارد و اگر گذاشت موجب بطلان طواف نمی شود.

۳. آیه الله زنجانی، آیه الله گلپایگانی: ولی نباید اذیت دیگران را فراهم آورد.
آیه الله مکارم: ولی عمداً این کار را نکند مگر اینکه مانع عبور باشد.

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۶۶)

[۴۰۱] س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۶۸)

۱. آیه الله بهجت: می تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها، از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در فرض مزبور، طواف صحیح است.

آیه الله خامنه ای، آیه الله نوری: به ذیل مسئله ۳۴۳ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: ولی در ایام شلوغ (مانند ایام شلوغ حج و ماه رمضان) که طواف در محدوده در شب و روز برای معمول حجاج، مشقت شدید دارد، رعایت محدوده مقام، لازم نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: افرادی که به طریق مذکور عمل کرده و صبر ننموده تا در محدوده طواف نمایند باید طواف و نماز را اعاده کرده و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کنند و اگر کیفیت مذکور در طواف نساء واقع شده زن بر آنها حلال نشده است. بلی اگر در چنین حالاتی ضرورت عرفی اقتضا کرده و صبر کردن برای انجام طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج بوده و در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب انجام شده صحیح است و از احرام خارج شده است.

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در بیشتر از مقدار ذکر شده [فاصله بین مقام ابراهیم و کعبه] هرچند کراهت دارد، طواف جایز باشد.

آیه الله مکارم: طواف حد معینی ندارد.

۲. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: ولیکن اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد، حجبش صحیح است.

[۴۰۲] س- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج- با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۶۹)

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** بنا بر احتیاط واجب اگر ساترش متعلق خمس باشد، ولی اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریده، حش اشکال ندارد. **آیه الله خامنه‌ای:** اعمال او اشکالی ندارد.

آیه الله زنجانی: تصرف در مالی که متعلق خمس است بدون اذن مجتهد جامع الشرایط، جایز نیست، و همچنین است اگر این اموال با دیگر اموالش مشتبّه شود و همه اموال، محل ابتلای او باشد؛ و در هر دو صورت اگر بدون عذر با آن اموال، لباس احرام یا قربانی بخرد، در مورد صحت اعمالش اگر با ثمن کلی خریده، اعمالش صحیح است ولی اگر با شخص مال خمس نداده خریده بنا بر احتیاط به طواف و سعی ای که با آن انجام داده یا قربانی که خریده اکتفا نکند.

آیه الله سبحانی: اگر کسی سال خمسی ندارد چنانچه به حج یا عمره مشرف شود باید اموال خود را تخمیس کند و لااقل خمس تمام هزینه های حج و یا عمره را بپردازد و یا از حاکم شرع اجازه بگیرد لیکن اگر خمس مبالغ مذکور را به ذمه بگیرد و سپس مبالغ یاد شده را خرج کند و توان پرداخت خمس را داشته باشد از حجة الاسلام کفایت می کند و طواف و قربانی او هم صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند و در همین فرض چنانچه بداند پول از درآمد همان سال است و در همان سال خرج شود، خمس واجب نیست.

۱. **آیه الله تبریزی:** اگر احتمال می دهد از ربی می خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد. ←

[۴۰۳] س - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین اینکه با تخت در خارج مَطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مَطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ج - باید او را در مَطاف، طواف دهند، هرچند نامحرم او را پشت کند.^(۱) (مناسک

محشی، م ۶۷۲)

→ آیه الله خویی: صور مسئله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود. آیه الله زنجانی: چنانچه سابقه تعلق خمس نداشته و همچنین با اموال متعلق خمس، مشتبّه نشده است، لازم نیست خمس آن را بدهد و... آیه الله سبحانی: اما اگر با مقداری تفحص وضع آن پولی که با آن لباس احرامی را خریده و یا می خواهد بخرد، مشخص می شود، باید تفحص کند. آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی فی الذمه صحیح است. آیه الله فاضل: با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند.

۱. آیه الله تبریزی: با تخت در خارج از حد او را طواف دهند. آیه الله خامنه ای: او را در پشت مقام ابراهیم طواف دهند. آیه الله سبحانی: اگر با ویلچر یا امثال آن در زمان ازدحام از پشت مقام طواف داده شود، استنا به لازم نیست مگر اینکه از طبقه دوم طواف داده شود و برای طواف و نماز در پایین نایب بگیرد و نماز طواف را اگر ممکن است خودش در پایین بخواند. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با توجه به اینکه طواف با اتصال به طواف کنندگان از هر فاصله صحیح است، با تخت طواف دهند. آیه الله مکارم: با توجه به اینکه مطاف حد معین ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند. نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۴۳ گذشت.

[۴۰۴] س - اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش به جا آورد، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و برگردد، و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند^(۱) و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود. (مناسک محشی، م ۱۸۹)

[۴۰۵] س - کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوط‌ها طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست. (مناسک محشی، م ۶۷۳)

[۴۰۶] س - آیا بعض شوط‌های طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج - بلی، قابل است.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۷۵)

۱. آیه الله سبحانی: لیکن احتیاط مستحب است که خودش نیز در محل خودش دو نماز دو رکعتی بخواند یکی برای طواف عمره و دیگری برای طواف نساء.

آیه الله سیستانی: و نیز نماز طواف را خودش در محل خودش به جا آورد.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: برای تمام عمل نایب بگیرد، مگر بعد از شوط چهارم، که در این صورت احتیاط آن است که برای باقیمانده نایب بگیرد و بعد از زوال عذر خودش باقیمانده را به جا آورده و آن را اعاده نماید.

[۴۰۷] س - اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود و به همان جا

ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج - بلی، طواف باطل است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۸۰)

→ آیه الله زنجانى: نیابت در بعض اشواط، ثابت نیست، مگر در مورد کسی که در اثنای طواف یا سعی بعد از تجاوز از نصف، بیمار شده است.

آیه الله سبحانى: کسی که می تواند با مختصر استراحت، طواف را کامل کند، نمی تواند برای بقیه شوط ها نایب بگیرد و اگر در اثنا ناتوان شد و نایب گرفت هرگاه پیش از تجاوز از نیمه طواف، نایب بگیرد، باید نایب طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از تجاوز از آن نایب گرفت باید آن را اتمام کند ولی نماز طواف را علاوه بر نایب، خودش نیز بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا بدانند که نمی تواند طواف را تمام کند باید برای همه آن نایب بگیرد و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می تواند برای باقیمانده نایب بگیرد، ولی در سعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعید نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند.

آیه الله فاضل: اگر از ابتدا از انجام طواف مأیوس باشد و امکان طواف دادن او نباشد، باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیه آن عاجز شده است می تواند برای بقیه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نایب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور به جا آورده نیابت در بقیه صحیح نیست.

آیه الله مکارم: در صورتی که بشود در باقیمانده، آنها را طواف داد باید چنین کنند، و در غیر این صورت برای تمام طواف نایب بگیرند.

۱. آیه الله بهجت: اگر کمبود طواف؛ یعنی از موضع شروعش تا حجرالاسود را جبران

←

کند طوافش صحیح است.

[۴۰۸] س - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری

مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟

ج - اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح

است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۸)

[۴۰۹] س - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون

اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی

را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل

است و باید تمام اعمال را اعاده کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۸۲)

[۴۱۰] س - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام

دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او

چیست؟

→ آیه الله سبحانی: ولی اگر نیت واقعی او این باشد که طواف را از نقطه واقعی شروع کرد و به آنجا که تکلیف اوست ختم می کند و شوط هفتم را محاذی حجرالاسود ختم کرد و مقدار کسری را جبران کرد صحیح است.

۱. به ذیل مسئله ۳۶۶ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در مورد سهو، رجوع شود به ذیل مسئله ۳۶۶، و اگر جاهل باشد، صحت طواف او مورد اشکال است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲. آیه الله خویی: بنا بر احتیاط باید طواف را اتمام و اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک ننماید.

آیه الله سبحانی: باید طواف را اتمام و بنا بر احتیاط اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک ننماید.

آیه الله فاضل: اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته باشد و عمداً و یا با جهل تقصیری، طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

ج - با فرض عذر حتی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.^(۱)

(مناسک محشی، م ۶۸۳)

[۴۱۱] س - کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است و به خاطر

گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف

نیایی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟

ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.^(۲) (مناسک محشی،

م ۶۸۵)

[۴۱۲] س - اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه

اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند^(۳)، و اگر با اعتقاد صحّت

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۴۰۶ گذشت.

۲. به ذیل مسئله ۳۹۵ مراجعه شود.

۳. آیه الله بهجت: آن شوط و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل (ع) شود، آن شوط باطل می‌شود و باید آن را اعاده کند و بهتر اعاده طواف است بعد از اتمام آن، و این در صورت بقای مولات است، و در صورت فوت مولات، طواف محکوم به بطلان است، اگرچه از روی جهل یا نسیان باشد و اگر وقت تدارک گذشته باشد، عمراش باطل است.

آیه الله سبحانی: طواف و اعمال بعدی را تجدید نماید.

آیه الله سیستانی: در فرض جهل و فوت مولات باید طواف و سایر اعمال را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

بوده بقیه اعمال صحیح است. (مناسک محشی، م ۶۸۶)

[۴۱۳] س - اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال

بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست.

و باید آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست^(۱)، ولی اگر قصد

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را به جا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوط های گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد.

آیه الله فاضل: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

۱. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید. آیه الله زنجانی: سپس اعمال بعدی را اعاده کند و اگر وقت جبران گذشته، عمره تمتع او تبدیل به حج افراد می شود و باید پس از انجام آن و گذشتن ایام تشریق، عمره مفرده به جا آورد و چنانچه حج تمتع انجام داده کفایت از حج افراد می کند البته اگر پس از بازگشت به وطن متوجه شده، نماز آن کفایت می کند.

آیه الله سبحانی: جاهل به حکم بنا بر احتیاط واجب بعد از نماز طواف انجام شده طواف را از سر بگیرد و نماز آن را به جا آورد و اگر اعمال مترتبه را انجام داده مجدداً آنها را نیز انجام دهد.

آیه الله سیستانی: در هر صورت، اگر جاهل قاصر باشد طوافش صحیح است و گرنه مشکل است و به احتیاط واجب باید آن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند، مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن، زیاد کرده^(۱)، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط متمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده کند^(۲)، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه به هم خورده است احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه به هم نخورده حکم صورت قبل را دارد. (مناسک محشی، م ۶۹۰)

س - [۴۱۴] شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاء برای جبران نقص احتمالی به جا می آورد، آیا این عمل خلل به طواف او می رساند؟

ج - ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۶۹۲)

۱. آیه الله فاضل: اگر سهواً اضافه کرده و قبل از یک دور متوجه شده، آن را قطع کند و طواف صحیح است و اگر بعد از یک دور متوجه شود باید طواف را به احتیاط واجب تا چهارده دور به قصد قربت تمام کند و دو رکعت نماز برای طواف واجب قبل از سعی بخواند و به احتیاط مستحب دو رکعت برای طواف مستحب نیز بعد از سعی بخواند.

آیه الله مکارم: این صورت هم مانند صورت اول است؛ باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.

۲. آیه الله بهجت: اعاده لازم نیست به نحوی که در مسئله ۳۶۶ گذشت.

۳. آیه الله سبحانی: به صحت طواف ضرر نمی زند و با قصد اتیان به وظیفه فعلی (اتمام یا تمام) نقص احتمالی را جبران می کند و این در صورتی است که شک در تعداد اشواط نداشته باشد البته احتیاط واجب آن است که در موارد حصول نقص و عدم جبران، نقص در همان شوط طواف را پس از تکمیل و خواندن نماز طواف، مجدداً طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: طواف او اشکال دارد مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

[۴۱۵] س - شخصی در اثنای طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟
ج - اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است.^(۱) (مناسک محشی، م ۶۹۶)

[۴۱۶] س - شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورد، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۶۹۷)

[۴۱۷] س - شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالاسود

۱. آیه الله بهجت: حمل بر صحت می شود.

آیه الله خامنه ای، آیه الله سیستانی: در هر دو فرض عمل صحیح است.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: احتمال التفات کافی است.

آیه الله مکارم: اگر شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح، والا باید از سر بگیرد.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: ظاهراً به طواف ضرر ندارد.

آیه الله خامنه ای: طواف او صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر آن شوط را رها کرده و از نو یک شوط دیگر آورده است، صحیح است.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج - صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۰۶)

[۴۱۸] س - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج - مانع ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۰۱)

۱. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: هر مقدار از هر شوط طواف که خراب شد باید در همان شوط تصحیح شود و اگر از محل آن گذشت و اصلاح نکرد و طواف را به پایان برد و با اضافه کردن یک شوط به آخر به نحو مذکور در متن تدارک کرد و نماز خواند اکتفا به این طواف مشکل است به احتیاط واجب طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحیح نیست، مگر آنکه چند قدم جلوتر از محلی که طواف خراب شده، به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف به جا آورد.

آیه الله فاضل: طواف مزبور صحیح است و لکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

۲. آیه الله خویی: ظاهراً طواف در خارج از حد تعیین شده صحیح است، ولی اگر استیناف طواف از روی اعتقاد به جواز بوده، طواف دوم صحیح است. ←

[۴۱۹] س - کسی که اشتبهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرالاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مُضر به طوافش می باشد یا خیر؟

ج - طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست. ^(۱) (مناسک محشی، م ۷۰۲)

[۴۲۰] س - کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد، یعنی جمعیت او را می برند، آیا

→ آیه الله سیستانی: اگر طواف اول را قطع کرده است، به این نحو که از مطلق خارج شده و به کاری مشغول شده باشد که عرفاً صدق کند طواف را قطع کرده است یا طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده باشد صحیح است وگرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۱. آیه الله بهجت: اگر کمبود طواف؛ یعنی از رکن یمانی تا حجرالاسود را جبران کند، طوافش صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرض دوم اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است، در صورتی که کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند، صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرض اول باطل و در فرض دوم صحیح است.

آیه الله فاضل: ظاهراً قصد او شروع از موضع معتبر شرعی بوده و در تطبیق اشتباه کرده است لذا کسری دور آخر را تا حجرالاسود تمام کند و طواف صحیح است ولی احتیاطاً پس از نماز طواف، طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله مکارم: طواف و نماز آن را در هر دو صورت باید اعاده کند.

می‌تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟
ج - باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۰۳)

[۴۲۱] س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: جبران لازم نیست و طوافش صحیح است.
آیه الله زنجانی: البته همین مقدار که به اختیار خود دور می‌زند کافی است.
آیه الله سبحانی: در موقع ازدحام اگر احیاناً انسان را ناخواسته به جلو می‌برند، این کار ضرری به طواف نمی‌زند، مشروط به اینکه نیت کند که خود را در میان جمعیت قرار می‌دهیم که طواف کنم و آنچه بر اثر فشار انجام می‌دهم، جزء طواف باشد.

آیه الله سیستانی: اگر به کلی سلب اختیار از او نشود، طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد.

آیه الله فاضل: اگر به کلی سلب اختیار از او نشود طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد، بلی اگر وقت ندارد و جبران آن مقدار نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همان مقدار اکتفا کند.

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۰۴)

[۴۲۲] س - شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالاسود شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج - صحیح است. مگر این که بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۰۶)

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، فاضل، نوری: کفایت می‌کند و صحیح است.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط.

آیه الله مکارم: بهتر آن است که طواف اول را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: هر مقدار از هر شوط طواف که خراب شد باید در همان شوط تصحیح شود و اگر از محل آن گذشت و اصلاح نکرد و طواف را به پایان برد و با اضافه کردن یک شوط به آخر به نحو مذکور در متن تدارک کرد و نماز خواند اکتفا به این طواف مشکل است به احتیاط واجب طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحیح نیست، مگر آنکه چند قدم جلوتر از محلی که طواف خراب شده، به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف به جا آورد.

آیه الله فاضل: طواف مزبور صحیح است و لکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

[۴۲۳] س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می‌کند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است. و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۰۷)

[۴۲۴] س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می‌کند و مشغول نماز می‌شود و پس از نماز، طواف را از سر می‌گیرد و هفت شوط کامل به جا می‌آورد؛ آیا طواف او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۰۸)

[۴۲۵] س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می‌نماید و از این تماس متلذذ می‌گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می‌کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - مضر به طواف نیست، و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۴۳ طواف گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۹۱ طواف گذشت.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف دوم را بخواند و سپس اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر با اعتقاد به بطلان طواف اول، طواف دوم را انجام داده، صحیح است.

کفاره بدهد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۰۹)

[۴۲۶] س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند^(۲) مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۷۱۲)

[۴۲۷] س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج - اگر موالات به هم نخورده صحیح است.^(۳) (مناسک محشی، م ۷۱۳)

[۴۲۸] س - آیا محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا

۱. آیه الله تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طوافش اشکال دارد.

آیه الله فاضل: اما اگر این عمل با علم و عمد انجام شده و موجب انزال شده، علاوه بر گناه، طواف باطل و باید یک شتر کفاره بدهد و نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد که در مسئله ۲۹۸ گذشت.

آیه الله مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفاره ندارد.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: یا آن شخص ثقة باشد.

آیه الله زنجانی: می تواند به شمارش دیگری اعتماد کند و لازم نیست از حرفش اطمینان پیدا کند.

آیه الله سیستانی: و در خصوص طواف می توان بر او اعتماد کرد، اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

۳. آیه الله زنجانی: طوافش صحیح است.

آیه الله مکارم: رفع خستگی اگر طولانی نباشد موالات را به هم نمی زند.

حج و چه طواف نساء، می تواند همین طواف ها را برای معذور نیابت کند؟

ج - مانع ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۱۵)

[۴۲۹] س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده می شود یا خیر؟

ج - شامل نیست.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۱۷)

[۴۳۰] س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند بازهم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج - آنچه ذکر شده عذر نیست.^(۳) (مناسک محشی، م ۷۱۸)

[۴۳۱] س - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان برهم می خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

۱. آیه الله تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوب عنه انجام دهد.

آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب این است که بعد از انجام اعمال خود برای منوب عنه انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از ادای مناسک خود طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

۲. به مسئله ۳۴۴ رجوع شود.

۳. به مسئله ۳۴۴ رجوع شود.

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد^(۱)، وگرنه باید به وظائف مستحاضه عمل کند. (مناسک محشی، م ۷۲۰)

[۴۳۲] س - آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز

طواف غسل دیگر کند، یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج - برای هریک غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر

نماز خون قطع باشد.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۲۵)

۱. آیه الله زنجانی: لازم نیست سه روز اول حیض، پشت سر هم باشد ولی باید این سه روز در یک دهه واقع شود؛ یعنی اگر دو روز خون ببیند و هفت روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند هر دو خون حیض، است ولی اگر بعد از دو روز خون دیدن، هشت روز پاک شود و دوباره خون ببیند، خون دیده شده حیض نمی باشد؛ مگر پاک بودن وی به جهت مانعی همچون قرص خوردن باشد که لازم نیست سه روز اول در یک دهه واقع شود.

آیات عظام: سبحانی، صافی، گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و ترک حائض و در روزهایی که خون نمی بیند هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و عبادت های خود را به جا آورد.

۲. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیه الله خویی: غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر اینکه محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل.

آیه الله زنجانی: مستحاضه کثیره باید برای هر طواف علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد و بدون تأخیر طواف کند و در مورد نماز طواف، چنانچه آن را بدون فاصله قابل توجهی از طواف به جا آورده باشد لازم نیست برای آن مجدداً اعمال ←

[۴۳۳] س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

→ مستحاضه را به جا آورد و الا باید برای نماز طواف هم وظایف مستحاضه را تکرار کند، مگر در صورتی که اطمینان داشته باشد که پس از طواف تا پایان نماز، از وی خون بیرون نیامده است.

آیه الله سبحانه: مستحاضه ای که برای انجام نماز یومیه مثلاً ظهر غسل کرده و وضو گرفته و به مسجد آمده و مصادف شد با انجام فریضه می تواند بعد از انجام فریضه به همان طهارت برای طواف و سپس نماز آن اکتفا کند، و مستحاضه کثیره اگر وظایف روزانه خود را برای نماز انجام داده برای طواف و نماز آن وظیفه جداگانه ای ندارد ولی احتیاط مستحب است که برای طواف و نماز آن غسلی جداگانه نماید.

آیه الله سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد درحالی که خون بیرون نرزد باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً به جا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می شود، مثل اینکه در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و متوسطه بنا بر احتیاط واجب یک غسل برای طواف و نماز طواف و برای هر کدام یک وضو بگیرد.

آیه الله مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل های نماز خود را به موقع به جا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنا بر احتیاط.

ج - اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلاً بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۲۹)

[۴۳۴] س - زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود،

در اثنای طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی براو نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۳۰)

۱. به مسئله ۲۹۸ و ۲۹۹ مراجعه شود.

آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله ۲۹۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس به تفصیل مسئله بعدی عمل کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر بعد از نیمه طواف باشد پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند و اگر قبل از آن این حالت رخ دهد پس از وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را از سر بگیرد و نماز طواف را بخواند.

۲. آیه الله زنجانی: اگر بلافاصله مشغول طواف شده باشد ضرری به طوافش نمی زند و می تواند با همان حال بدون فاصله عرفی، نماز طواف را هم بخواند، ولی اگر بین غسل و طواف، فاصله عرفی افتاده باشد با خروج خون، غسل و وضویش باطل می شود و پس از تجدید غسل و انجام سایر وظایف، چنانچه خون پس از ۴ شوط آمده طواف را اتمام می کند و اگر قبل از ۳/۵ شوط آمده طواف را از سر می گیرد و اگر خون بین ۳/۵ تا ۴ شوط آمده طواف را اتمام کرده، دوباره از سر می گیرد.

آیه الله سبحانی: اگر وظایف خود را برای نمازهای یومیه انجام داده تکلیفی ندارد. آیه الله مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید دارد.

[۴۳۵] س - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج - اگر خون قطع نمی شود برای هریک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد^(۱)، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۳۲)

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۴۳۲ گذشت.

۲. **آیه الله زنجانى:** در صورتی که خون قطع نمی شود اگر ممکن است در نزدیکی مسجدالحرام غسل کرده بدون فاصله عرفی طواف و نماز را به جا آورد و اگر ممکن نیست باید احتیاط کند به این نحو که در منزل غسل کند و قبل از طواف هم تیمم بنماید.

آیه الله سبحانى: اگر وظایف خود را برای نماز انجام داده برای طواف و نماز آن وظیفه جداگانه ای ندارد ولی احتیاط مستحب است که برای طواف و نماز آن غسل جداگانه ای بنماید و لازم نیست هنگام شروع به طواف و یا در اثنای آن خون قطع باشد ولی کسی که می خواهد به این احتیاط مستحب عمل کند مبادرت عرفی به عمل بعد از غسل لازم است و لازم نیست در اطراف مسجدالحرام غسل کند بلکه غسل از هتل و طی مسافت آن با ماشین لطمه ای به این مبادرت نمی زند.

آیه الله سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله میسر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیه الله مکارم: چنان که قبلاً گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.

[۴۳۶] س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند^(۱) و پس از غسل اعاده نماید. (مناسک محشی، م ۷۳۳)

[۴۳۷] س - هرگاه زن قُرْشیه پس از شصت سال، و غیر قُرْشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طواف ها و نماز چه کند؟

ج - حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۳۵)

۱. آیه الله بهجت: اتمام لازم نیست.

آیه الله تبریزی: بعید نیست تمام کردن طواف سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۳۴۳ رجوع شود.

آیه الله سیستانی: صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد، اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد آن بوده است.

آیه الله مکارم: مانند مسئله سابق است.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله نوری: زن های غیر سیده به اتمام پنجاه سال قمری است و زن های سیده، اگر بین پنجاه سال و شصت سال قمری، خون به صفات حیض باشد و یا در ایام عادت باشد، بنا بر احتیاط باید بین احکام حائض و مستحاضه جمع کنند و بعد از شصت سال قمری، خون محکوم به استحاضه است. ←

[۴۳۸] س - زن هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می زند یا خیر؟

ج - حکم استحاضه را دارد^(۱) و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثنای طواف لکه دیده تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن دور چهارم^(۲) و مابعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.^(۳) (مناسک محشی، م ۷۳۶)

[۴۳۹] س - محرمی است که مبتلا به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟

- آیه الله خامنه ای: تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می توانند در این مسئله به مجتهد جامع الشرایط دیگر مراجعه نمایند.
- آیه الله خویی: اگر به صفات حیض باشد و یا در ایام عادت باشد، بنا بر احتیاط جمع بین احکام حائض و مستحاضه نماید.
- آیه الله سیستانی: یائسگی در مسئله حیض در سیده و غیر سیده، با اتمام شصت سال قمری شروع می شود.
- آیه الله مکارم: فرقی بین سیده و غیر سیده نیست و یائسگی با تمام شدن پنجاه سال شروع می شود. مگر اینکه خون صفات حیض و شرایط آن را داشته باشد.
۱. آیه الله زنجانی: خونی که در ایام عادت می بینند، هرچند سه روز مستمر نباشد و صفات حیض را نیز نداشته باشد حکم حیض را دارد.
۲. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: سه شوط و نصف و ما بعد آن.
۳. به مسئله ۲۹۸ و ۲۹۹ مراجعه شود.

چند وضو باید بگیرد؟

ج - حکم مبطلون را دارد، که از تحریر الوسيله (جلد اول صفحه ۳۰ مسأله ۳) استفاده می‌شود. و علی ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند^(۱)، و

۱. آیه الله بهجت: مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط حکم مبطلون را دارد.

آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی: در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر اینکه حدثی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند
آیه الله زنجانی: وضوی مبطلون با این‌گونه خارج شدن باد، باطل نمی‌شود و می‌تواند طواف و نماز آن را به جا آورد.

آیه الله سبحانی: مبتلا به خروج بول یا غائط و یا ریح چنانچه تا آخر وقت عذر آنها برطرف می‌شود و یا اینکه فرصتی برای آنها پیش می‌آید که می‌توانند وضو بگیرند و طواف و نماز را بدون حدث به جا آورند باید صبر کنند اما اگر ظن قوی دارند که مشکل آنها رفع نمی‌شود دو حالت دارد: الف) اگر در بین طواف و نماز فقط چند مرتبه انگشت شمار حدث سر می‌زند به طوری که اگر بخواهد برای هر بار وضو بگیرد مشکل نیست ظرف آبی همراه داشته باشد و وقتی حدث سر زد اگر می‌تواند در مطاف و یا اینکه از مطاف خارج شود و وضو بگیرد و سریع برگردد و طواف را ادامه دهد. ب) ولی اگر حدث پی‌درپی ایجاد می‌شود به شکلی که وضو گرفتن برای هر دفعه بسیار مشکل است برای طواف یک وضو و برای نماز وضوی دیگر بگیرد و بنا بر احتیاط واجب برای طواف و نماز نایب هم بگیرد.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب مثل مبطلون باید نایب هم بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و مبطلون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند بدین گونه که برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو کرده و سه شوط دیگر آن را انجام دهد.

آیه الله مکارم: اگر نماز را بلافاصله بعد از طواف بخواند، همان وضوی اول کافی است. ←

همچنین است حکم در نماز طواف. (مناسک محشی، م ۷۳۸)

[۴۴۰] س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می‌کند، مقداری که می‌آید گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی‌گردد و نیت را با زبان می‌گوید و طواف را از نو شروع می‌کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟
ج - اشکال دارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۴۱)

[۴۴۱] س - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می‌شود و به جلو می‌رود، می‌خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی‌تواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می‌گیرد، آیا می‌تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟
ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود. (مناسک محشی، م ۷۴۳)

[۴۴۲] س - قرآن که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می‌کند یا خیر؟
ج - اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قرآن داشته باشد احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده طواف باطل نمی‌شود.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۴۴)

[۴۴۳] س - آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۳۹۱ و ۳۹۴ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۶۵ گذشت.

آیه الله فاضل: اگر جاهل قاصر بوده، طوافش صحیح و اعاده مستحب است.

طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ج - استحباب آن ثابت نیست^(۱)، ولی طواف مزبور صحیح است. (مناسک

محشی، م ۷۴۵)

[۴۴۴] س - اینکه فرموده اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و

اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج - بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و

سپس اعاده نماید.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۴۸)

[۴۴۵] س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به

نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که محرم است، نیابت

کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف

کند یا در لباس مخیط هم جایز است؟

ج - هیچ یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.^(۳) (مناسک محشی،

م ۷۴۹)

۱. آیه الله سیستانی: استحباب دارد.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی، سبحانی، فاضل، نوری: کافی

است یک طواف یا سعی به نیت اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

۳. آیه الله بهجت: احتیاط در احرام نایب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از ادای

مناسک خود، طواف و سعی نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

[۴۴۶] س - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۵۰)

[۴۴۷] س - آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با

لباس احرام باشد؟

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: برای طواف و نماز یک وضو کافی است، مادامی که خروج بول به شکل متعارف نباشد.

آیه الله سبحانی: مبتلا به خروج بول یا غائط و یا ریح چنانچه تا آخر وقت عذر آنها برطرف می شود و یا اینکه فرصتی برای آنها پیش می آید که می توانند وضو بگیرند و طواف و نماز را بدون حدث به جا آورند باید صبر کنند اما اگر ظن قوی دارند که مشکل آنها رفع نمی شود دو حالت دارد: الف) اگر در بین طواف و نماز فقط چند مرتبه انگشت شمار حدث سر می زند به طوری که اگر بخواهد برای هر بار وضو بگیرد مشکل نیست ظرف آبی همراه داشته باشد و وقتی حدث سر زد اگر می تواند در مطاف و یا اینکه از مطاف خارج شود و وضو بگیرد و سریع برگردد و طواف را ادامه دهد. ب) ولی اگر حدث پی در پی ایجاد می شود به شکلی که وضو گرفتن برای هر دفعه بسیار مشکل است برای طواف یک وضو و برای نماز وضوی دیگر بگیرد و بنا بر احتیاط واجب برای طواف و نماز نایب هم بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو کرده، سه شوط دیگر آن را انجام دهد.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

آیه الله مکارم: برای طواف و نماز یک وضو کافی است، اگر نماز را بلافاصله بعد از طواف می خواند؛ در غیر این صورت برای هر یک، وضو بگیرد.

ج - لازم نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۵۱)

[۴۴۸] س - هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته

اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمدتاً، آیا طواف

و سعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

ج - طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مجزی است.^(۲) (مناسک

محشی، م ۷۵۲)

۱. آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی: اگر طواف عمره باشد و از مواردی باشد که بنا بر

احتیاط باید سعی و تقصیر نیز اعاده شود، احتیاطاً محرمات احرام رعایت شود.

آیه الله خویی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده تا محل

تدارک آن باقی است، باقی در احرام می باشد و لباس دوخته را باید در بیاورد و بعد از

گذشت زمان، تدارک حشش باطل است و بعید نیست احرامش هم باطل باشد.

آیه الله زنجانی: در صورتی که تقصیر یا حلق او محکوم به صحت باشد اجتناب از

پوشیدن لباس های معمولی و دیگر محرمات احرام، واجب نیست؛ و در هر حال

اگر در لباس های معمولی، طواف یا سعی را به جا آورد صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر کسی عمره تمتع و یا عمره مفرده را انجام دهد و بعد از تقصیر

بفهمد که طواف و سعی او باطل بوده چنین فردی در احرام خود باقی است و باید

از محرمات احرام دوری جوید و طواف و نماز و سعی را با جامه احرام انجام دهد و با

تقصیر مجدد از احرام خارج شود و به خاطر تقصیر بی جا چیزی بر او نیست.

آیه الله سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرمات احرام اجتناب کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در طواف عمره تمتع و عمره مفرده احرام واجب

است و در طواف حج لازم نیست.

۲. آیه الله تبریزی: اگر سائر منحصر به لباس های دوخته ای که پوشیده است باشد،

طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیه الله مکارم: در صورت عمد، خلاف احتیاط است، گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

[۴۴۹] س- آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می‌کند؟

ج- فرق می‌کند^(۱)، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی‌الاحوط.

(مناسک محشی، م ۷۵۴)

۱. آیه الله تبریزی: فرق نمی‌کند بنا بر احتیاط واجب، هرچند در حال احرام جایز نیست صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند.

آیه الله جوادی: حجاب بانوان در طواف، با نماز فرقی نمی‌کند. غیر از اینکه در طواف، باید پا پوشانده شود و صورت پوشانده نشود.

آیه الله خویی: فرق نمی‌کند بنا بر احتیاط واجب و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم، بنا بر احتیاط واجب است و لکن باید به نحوی باشد که ساتر به صورت زن مسّ نشود.

آیه الله زنجانی: داشتن ساتر بنا بر احتیاط مستحب در صحت طواف، معتبر است و از آنجا که معمولاً طواف‌کننده در معرض دید ناظر محترم است پوشاندن عورت بر مردها و تمام اندام - به جز وجه و کفین - بر بانوان، تکلیفاً واجب است.

آیه الله سبحانی: باید در حال طواف روی پا و کف پا را بپوشاند هرچند در حال نماز پوشاندن آنها لازم نیست و همچنین در حال نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در حال احرام به جز برای حفظ از نامحرم جایز نیست صورت خود را بپوشاند البته در این حال هم باید حجاب به صورت نچسبد.

آیه الله سیستانی: فی الجمله فرق می‌کند، گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر محل باشد.

آیه الله مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیه الله نوری: فرق می‌کند؛ چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

[۴۵۰] س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟

ج - اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی‌الاحوط^(۱) و در غیر مورد عمد صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی‌الاحوط. (مناسک محشی، م ۷۵۵)

[۴۵۱] س - شخصی در عمره طواف را تمام کرده است، ولی می‌گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول به جا می‌آورد و نماز و سعی به جا می‌آورد و تقصیر می‌کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج - عمل او صحیح است^(۲)، هرچند داخل در قرآن حرام است. (مناسک محشی، م ۷۵۶)

۱. آیه الله بهجت: در صورتی که علم نداشته باشد اشکال ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: طواف او صحیح است، اگرچه مرتکب فعل حرام شده است. آیه الله جوادی: اگر موهای زن یا بدن او در حال طواف پیدا باشد: ۱. در فرض سهو و جهل قصوری، طواف او صحیح است؛ ۲. در فرض عمد و جهل تقصیری هم صحیح است؛ هر چند معصیت کرده است.

آیه الله خویی: در فرض جهل به حکم، طواف صحیح است.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۴۴۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در مورد احرام بانوان باید بدن نما نباشد و اگر به قدری نازک باشد که در حال عرق کردن با چسبیدن به تن بدن نمایان گردد طواف و نماز با آن اشکال دارد. آیات عظام سیستانی، فاضل، مکارم: طواف صحیح است هرچند گناه کرده است.

۲. آیه الله بهجت: چون جنبه احتیاطی دارد، اشکالی ندارد و طواف احتیاطی، طواف



دیگر نیست تا قرآن حاصل شود.

[۴۵۲] س - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست ادامه دهد و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خواند و بعداً متوجه شد که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت می‌توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج - بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۶۰)

[۴۵۳] س - گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

→ آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: اعاده طواف به عنوان احتیاط قرآن نیست. آیه الله سبحانی: چنانچه نماز طواف دوم را خوانده احتیاطاً دو رکعت نماز طواف اول را بخواند و سپس باید از اول طواف واجب را انجام دهد و نماز آن را بخواند. آیه الله سیستانی: صحت عمل مورد اشکال است، از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

نسبت به نظر سایر آیات عظام، به مسئله ۳۶۳ و ۳۶۵ مراجعه شود.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: خودش احتیاطاً بقیه طواف را به جا آورد و بعد از خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله خامنه‌ای: اگر بنا بر احتیاط واجب موالات به هم نخورده باشد و به هر حال می‌تواند از طواف قبل صرف نظر کرده و مجدداً طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: و اگر در اثنا ناتوان شد و نایب گرفت هرگاه پیش از تجاوز از نیمه طواف نایب بگیرد باید نایب طواف را از سر بگیرد و اگر پس از تجاوز از آن نایب گرفت باید آن را اتمام کند ولی نماز طواف را خود شخص نیز علاوه بر نایب بخواند. آیه الله سیستانی: ولی اگر موالات به هم خورده باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

ج - به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می شود، و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود. (مناسک محشی، م ۷۶۳)

[۴۵۴] س - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثناء نکرده معتبر است.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۶۵)

[۴۵۵] س - در طواف مستحبی زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احياناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج - اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است

۱. آیه الله سبحانی: و اینکه در طواف مستحبی وضو شرط نیست و نماز آن را می توان در همه جای مسجدالحرام خواند.

آیه الله سیستانی: به حسب اختلاف شرایط و احکام، موارد متفاوت می شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود.

آیه الله فاضل: مانند اینکه در طواف مستحبی موالات، طهارت از حدث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن حتی بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان نمی شود و بنا را بر اقل می گذارند و صحیح است و قرآن بین دو طواف مستحب، حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجدالحرام در حال اختیار صحیح است.

آیه الله مکارم: مانند موالات و وضو که در طواف مستحبی معتبر نیست و نماز که در همه جای مسجدالحرام می توان خواند.

مراعات کنند. و در هر صورت طواف صحیح است. (مناسک محشی، م ۷۶۶)

[۴۵۶] س - محرم وارد مکه شد، آیا می‌تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده، و همچنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد به عمره و حجش ضرر می‌زند یا نه؟

ج - احوط ترک طواف مستحبی است^(۱) در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر

نمی‌زند. (مناسک محشی، م ۷۶۸)

[۴۵۷] س - آیا می‌شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟

۱. آیه الله بهجت: اشکالی ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته، پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود، بنا بر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیه الله زنجانی: در عمره و حج تمتع کسی که طواف واجبش - ولو طواف نساء - را انجام نداده نمی‌تواند طواف مستحب انجام دهد و اگر بعد از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحب کرد، بنا بر احتیاط مستحب، احرام را تجدید کند. آیه الله سیحانی: کسی که محرم به احرام حج شده، تا طواف حج و طواف نساء را انجام نداده، نمی‌تواند طواف مستحب انجام دهد و اگر انجام داد، باید به نیت محرم شدن برای حج تمتع «لبیک» را تجدید کند.

آیه الله سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات، به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی جواز و احوط ترک آن است.

ج - نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند

نفر انجام دهد.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۶۹)

[۴۵۸] س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب

به جا آورد یا نه؟

ج - جایز نیست مگر در مورد ضرورت^(۲). (مناسک محشی، م ۷۷۰)

۱. آیه الله سبحانی: یک شوط طواف مستحب نیز چنانچه به قصد تقرب و رضای

الهی باشد مانعی ندارد و می شود حتی آن را به نیابت از دیگری انجام داد ولی نمی توان هر یک شوط از یک طواف کامل را به نیابت کسی انجام داد ولی می توان مجموع آن را به نیابت چندین نفر انجام داد و یا ثوابش را به آنها هدیه کرد.

آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

آیه الله مکارم: و نیز می تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۴۳ گذشت.

آداب و مستحبات طواف^(۱)

[۴۵۹] م - در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشَى بِهِ عَلَى ظُلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ ﷺ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبید.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تَغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرُكَ مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجْرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأُوسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد.

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنِّانَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار^(۱) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

۱. مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي
وَاعْفُزْ لِي مَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَشْتَجِرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود
آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط اُركان خانه کعبه و
حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: ^(۱)

«أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

۱. آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای
بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهد و
آنچه را نمی توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق
نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته
باشد.

نماز طواف

[۴۶۰] م - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز

بخواند مثل نماز صبح^(۱). (مناسک محشی، م ۷۷۳)

[۴۶۱] م - می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند مگر

سوره های سجده^(۲)، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد»

سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند، و در رکعت دوم سوره ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا

الْكَافِرُونَ﴾ را بخواند. (مناسک محشی، م ۷۷۴)

[۴۶۲] م - جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته

مثل نماز ظهر. (مناسک محشی، م ۷۷۵)

۱. آیه الله جوادی: پس از تمام شدن طواف، مبادرت (پرداختن بدون فاصله) به نماز طواف، واجب است.

۲. آیه الله زنجانی: قرائت سوره های سجده در نماز، مانعی ندارد ولی نباید آیه سجده را بخواند.

آیه الله سیستانی: قرائت سوره های سجده در نماز جایز است، ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل می شود مگر اینکه سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده، به سوره ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هرچند عمداً شروع کرده باشد.

[۴۶۳] م - شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است^(۱)، و باید اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظنّ در رکعات^(۲)، و در ظن در افعال احتیاط کند.^(۳) و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

(مناسک محشی، م ۷۷۶)

[۴۶۴] م - احوط آن است^(۴) که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود

۱. آیه الله بهجت: بعد از استقرار آن به تروی علی الأحوط، و اظهر اعتبار ظن در رکعات است مثل ظن در افعال؛ چه ظن به وجود باشد یا عدم به مصحح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتب می‌کند، اگرچه احتیاط در اعاده است فی الجمله، در صورت تعلّق ظن به فعل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً.

۲. آیه الله جوادی: شک در رکعات نماز واجب دو رکعتی اگر مستقر شد، سبب بطلان آن نماز است و ظن در رکعات معتبر است. ظن، در افعال نماز طواف و غیر آن معتبر است. آیه الله مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

آیات عظام سبحانی، گلپایگانی، فاضل: ظن در افعال معتبر است.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده.

آیه الله خامنه‌ای: نباید بین طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود.

آیه الله زنجانی: نماز طواف وقت معینی ندارد ولی چون از توابع و ملحقات طواف است موالات بین طواف واجب و نماز معتبر است، یعنی نباید بدون عذر بین آن و طواف، فاصله بیندازد به قدری که عرفاً از توابع آن به حساب نیاید؛ ولی اگر به جهت عذری مانند تشکیل صفوف جماعت یا تجدید وضو به تأخیر بیفتد اشکال ندارد و اگر بدون عذر، نماز را به تأخیر بیندازد باید بعد از خواندن نماز، طواف و نماز را اعاده کند. ←

به جا آورد. (مناسک محشی، م ۷۷۷)

[۴۶۵] م - واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود.^(۱) و احتیاط واجب آن است که پشت مقام به جا آورد^(۲) [به طوری] که

→ **آیه الله سبحانی:** بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند و فاصله آن دو زیاد نباشد که موالات به هم بخورد و این یک امر عرفی است.
آیه الله سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.
آیه الله فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً و عامداً اخلاص به فوریت کند، بنا بر احتیاط طواف باطل می شود.

۱. **آیه الله گلپایگانی:** بنا بر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احوط بلکه اظهر آن است....

آیه الله خامنه‌ای: واجب است که نماز [طواف] پشت مقام ابراهیم عليه السلام و - در صورت عدم ایجاد زحمت برای دیگران - نزدیک به مقام اقامه شود؛ و در صورتی که این امر میسر نشود، می تواند آن را در مسجدالحرام، پشت مقام و با فاصله از آن، به جا آورد.
آیه الله زنجانی: نماز طواف واجب را باید «پشت مقام» به جا آورد و همچنین باید نزدیک مقام باشد به قدری که مردم بگویند «نزد مقام» نماز می خواند.

آیه الله سبحانی: جایگاه نماز طواف نزد مقام ابراهیم است بنابراین پشت مقام و یا دو جانب او مادامی که جلوتر از مقام نباشد از نظر صحت نماز یکسان است. هرگاه به خاطر ازدحام جمعیت نتواند نزد مقام نماز بخواند، نماز را در نزدیک ترین نقطه به مقام به جا آورد خواه این نقطه پشت مقام محسوب شود یا دو جانب آن، و لازم نیست برای خلوت شدن مقام صبر کند چه بسا صبر کردن موجب از بین رفتن موالات بین طواف و نماز آن بشود و اگر جمعیت طواف کننده چنان که در ایام حج و یا بعضی ایام عمره تا شعاع خیلی زیاد از کعبه ادامه دارد، موجب شود نماز را در فاصله دور بخواند، باید جوری بایستد که مقام بین او و خانه باشد نه یکی از دو طرف آن.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اظهر آن است.....

سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند. (مناسک محشی، م ۷۷۸)

۴۶۶] م - اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند بواسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب به جا آورد^(۱) در جایی که گفته شود نزد مقام نماز

۱. آیه الله تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالأقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می تواند به جا آورد.

آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله خویی: در صورت عدم تمکن از نماز نزدیک مقام، می تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد. آیه الله زنجانی: در مواقع ازدحام طواف کنندگان، لازم نیست نماز طواف واجب را نزد مقام بخواند، هرچند بتواند با محافظت همراهان، نزدیک مقام نماز بخواند؛ بنابراین می تواند تا جایی که مزاحمت طواف کنندگان نباشد عقب برود، اما باید پشت مقام بایستد به طوری که عرفاً رو به مقام و کعبه باشد و نماز در قسمت های راست و چپ مقام، صحیح نیست، هرچند به مقام نزدیک تر باشد.

آیه الله سبحانی: در این مسئله و مسئله بعدی طبق ذیل مسئله ۴۶۵ عمل شود. آیه الله سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن به جا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام به جا آورد و اگر نتواند آن دورا به جا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچ کدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنا بر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقام نزدیک تر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود نتوانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند، احتیاط مستحب اعاده آن است.

می خواند. (مناسک محشی، م ۷۷۹)

[۴۶۷] م - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد باید ملاحظه نزدیک تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام^(۱)، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست^(۲)، و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفاء به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیک تری، و احوط اعاده نماز است^(۳) در صورت

→ آیه الله فاضل: اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن نماز بخواند، احتیاطاً در یکی از دو طرف مقام و هم پشت مقام و دور از آن، نماز بخواند.

آیه الله مکارم: می تواند در جایی از دو طرف مقام یا عقب تر از مقام نماز بخواند.

۱. آیه الله بهجت: و اگر آن هم ممکن نباشد، مراعات می کند الأقرب فالأقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را، با رعایت احتیاط، در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف و أحد جانبین به جمع در نماز بلکه به اعاده، پس از تمکن از نماز در پشت سر، اگرچه در آخر وقت امکان باشد و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حکم آن در مسئله قبل ۴۶۶ گذشت.

آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله ۴۶۵ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

۲. آیه الله سبحانی: کافی است.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی: اعاده لازم نیست.

آیه الله فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیه الله گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجائاً بخواند.

امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی. (مناسک

محشی، م ۷۸۰)

[۴۶۸] م - جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام

که بخواهد به جا آورد اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را

می تواند عمداً ترک کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۸۱)

[۴۶۹] م - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که

یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در مسأله

۴۶۴ به بعد ذکر شده عمل نماید.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۸۲)

۱. آیه الله بهجت: مورد تأمل است.

آیه الله جوادی: خواندن نماز طواف مستحب در حال راه رفتن مانعی ندارد و ترک

نماز طواف مستحب نیز جایز است

آیه الله سبحانی: نباید عمداً ترک کند.

آیه الله سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کنند.

آیه الله مکارم: ترک آن مشکل است.

۲. آیه الله زنجانی: این در صورتی است که در مکه یا حوالی آن یادش بیاید، ولی اگر

بعد از دور شدن از مکه یادش آمد می تواند همان جا نماز بخواند.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف را به جا بیاورد ولی اعاده اعمال مترتبه واجب

نیست و اگر در مکه است باید نماز را در مسجدالحرام نزد مقام ابراهیم به جا آورد

و اگر از مکه خارج شده است و بازگشت به مکه مشکل نباشد باید به مکه برگردد

و در نزد مقام ابراهیم نماز بخواند و در صورت مشکل بودن، هر کجا متذکر شد،

می تواند آن را به جا آورد و در این صورت احتیاطاً برای نماز نایب نیز بگیرد که در

نزد مقام نیز بخواند.

۴۷۰ م - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همان جا^(۱) تمام کند. (مناسک محشی، م ۷۸۳)

۴۷۱ م - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است. (مناسک محشی، م ۷۸۴)

۴۷۲ م - اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد اگرچه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست اگرچه آسان باشد.^(۲)

۱. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف، بقیه سعی را و در کمتر از نصف، همه آن را مجدداً به جا آورد.

۲. آیه الله بهجت: و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آنها را به جا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام، استنابه را لازم دانسته اند بنابراین احوط جمع است میان قضای آنها، در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام به جای آورد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم به جا آورد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و برگشت به مسجدالحرام برای او حرجی نباشد، باید برگردد به مسجدالحرام برای انجام نماز طواف، و اگر پس از خروج از مکه مکرمه به یادش آمد که نماز طواف را نخوانده است، باید آن را در همان محلی که به یاد آورده اقامه کند.

آیه الله زنجانی: مطابق ذیل مسئله ۴۶۹ عمل شود.

آیه الله سبحانی: مطابق ذیل مسئله ۴۶۹ عمل شود و اگر بازگشت مشکل نباشد

(مناسک محشی، م ۷۸۵)

۴۷۳] پ- اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر

بزرگ^(۱) او که آن را قضا کند به نحوی که در کتاب «صلاة» تفصیل

داده شده است. (مناسک محشی، م ۷۸۶)

۴۷۴] پ- جاهل به مسأله در احکامی که برای ناسی ذکر شد شریک

است با او. (مناسک محشی، م ۷۸۷)

۴۷۵] پ- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و

ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور

صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید

نماز را تصحیح کند^(۲)، چون بعضی گفته اند اگر نماز او درست

→ آیه الله سیستانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز به جای آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او به جا آورد.

آیه الله فاضل: اگر در منا باشد مخیر است بین خواندن نماز در منا و استنابه والا در هر جا که هست همان جا نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعید نیست.

آیه الله مکارم: منظور برگشتن به حرم، خارج از مسجدالحرام است.

۱. آیه الله بهجت: بر ولی او لازم است آن را قضا کند.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند.

۲. آیه الله تبریزی: اگر با فرض تمکن به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر

اینکه جاهل قاصر یا معتقد به صحت قرائت باشد و در فرض تعدد حشش باطل می شود. ←

نباشد عمره او باطل است... (مناسک محشی، م ۷۸۸)

[۴۷۶] م- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند^(۱)، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اکتفا کند، لکن اکتفا به

→ آیه الله خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمّد حجب باطل می‌شود.

آیه الله زنجانى: کسی که می‌تواند همه یا برخی از اشتباه‌های نمازش را تصحیح کند باید طواف را به تأخیر بیندازد و پس از تصحیح قرائت، طواف و نماز آن را به جا آورد، ولی اگر بدون اطلاع از این امر طواف و اعمال بعدی را به جا آورد، هر وقت متوجه شود باید قرائتش را یاد بگیرد و نماز طوافش را به تفصیلی که در مسئله ۴۶۹ گذشت بخواند، ولی طواف و اعمال بعدی او صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد و عمداً از یادگیری قرائت صحیح سر باز زد، معصیت کار است و در صورتی که برای او حرجی نباشد باید در احرام بماند و قرائت نماز را اصلاح کند و در صورت حرجی بودن طواف و نماز را به جا آورده و سپس نماز را یاد بگیرد و به طور صحیح اعاده کند و اگر نتوانست یاد بگیرد احتیاطاً نایب بگیرد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: قرائت به همین مقدار که عربی صحیح بر آن صدق کند کافی است و کسی که اصلاً امکان صحیح خواندن برایش وجود ندارد، مثل کسی که لکنت زبان دارد، به همان نحو اگر بخواند صحیح است و تکلیف دیگری ندارد.

آیه الله سبحانی: و اگر موفق نشد، کسی را وادار کند که قرائت صحیح را به او تلقین کند و اگر امکان نداشت به هر نحو که می‌تواند به جا آورد و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.^(۱) (مناسک

محشی، م ۷۸۹)

۴۷۷] م - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آنکه مزاحمت

کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه

شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۹۰)

۴۷۸] م - اگر کسی از روی بی مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و

۱. آیه الله بهجت: و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در

صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیه کافی است.

آیه الله خامنه ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

آیه الله زنجانی: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هرچند در اثر مسامحه

و سهل انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند،

خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری

از قرآن را که می تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید

و اگر وقت برای یادگرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنابه یاد بگیرد کافی

است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر

نتواند، تسبیح بگوید و اما سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن

نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب

است به طور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با

احتیاط است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

۲. آیه الله زنجانی: و همچنین است اگر مزاحمت کند با واجب اهم دیگری، و در هر

حال اگر نافرمانی کرده نماز طواف را بخواند صحیح است.

ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۴۷۶ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۹۱)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۷۶ گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

آیه الله زنجانی: به کامل ترین شکلی که می تواند - ولو با تلقین - بخواند و کفایت می کند و به جماعت خواندن، مطابق احتیاط استحبابی است.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب در صورت مقصر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت به جا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد.

استفتانات نماز طواف

[۴۷۹] س - آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد

که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و

در هر جای مسجد الحرام می توان نماز آن را خواند؟

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.^(۱) (مناسک

محشی، م ۱۹۰)

[۴۸۰] س - کسی نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل به جا آورده و

بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز را اعاده کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۹۳)

[۴۸۱] س - شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده

که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را

انجام داده و مُحَل شده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۷۹۴)

۱. آیه الله نوری: خلف مقام لازم نیست هرچند در صورت امکان اولی است.

۲. آیه الله سبحانی: نزد مقام ابراهیم اعاده کند و اعاده اعمال مترتب بر آن لازم نیست

و اگر از مکه بیرون رفته چنانچه بتواند برگردد و نماز را نزد مقام بخواند وگرنه به احتیاط برای خواندن نماز نزد مقام نایب بگیرد و خود نیز هر کجا هست بخواند.

۳. آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: باید طواف را نیز اعاده کند.

آیه الله زنجانی: باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نماز و اعمال بعدی را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید نماز را اعاده کند و احتیاط در اعاده سعی و تقصیر نیز می باشد.

[۴۸۲] س - کسی که هرچه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را

تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا

تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟

ج - به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان

واجب نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۷۹۶)

[۴۸۳] س - در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد

از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در

آن وقت چاره ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او

صحیح است یا خیر؟

ج - اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۷۹۷)

[۴۸۴] س - برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز

طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می توانند نماز طواف حج را به

نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که

نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا

کنند یا نه؟

ج - اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۷۶ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: در ذیل مسئله ۴۶۷ رعایت احتیاط گذشت.

آیه الله زنجانی: در این مسئله به ذیل مسئله ۴۶۶ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۴۶۷ رجوع شود.

می‌شود. ^(۱) (مناسک محشی، م ۸۰۰)

[۴۸۵] س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند،

ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج - اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد، و در غیر این

صورت تکرار نکنند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد. (مناسک

محشی، م ۸۰۵)

[۴۸۶] س - آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز طواف

۱. آیه الله بهجت: گذشت استحباب جماعت در نماز طواف واجب، و همچنین

می‌تواند اقتدا کند در طواف مستحب با طواف واجب امام.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: برای رعایت احتیاط باید به نماز طواف واجب

اقتدا کند.

آیه الله خامنه‌ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

آیه الله خویی: جماعت در هیچ یک از نمازهای مستحبی بالاصاله مشروع نیست.

و همچنین بنا بر احتیاط وجوبی نماز طواف را به نمازهای یومیه و بالعکس جایز

نیست اقتدا کند و نماز طواف به نماز طواف واجب مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: در نماز طواف نمی‌توان به جماعت اکتفا کرد و حکم کسی که

قرائتش درست نیست در ذیل مسئله ۴۷۵ گذشت و نیابت چنین کسی در حج و

عمره واجب، صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: نماز طواف را می‌شود به جماعت خواند ولی احتیاطاً به آن اکتفا

نشود و در هر صورت نمی‌توان در نماز طواف به نماز یومیه اقتدا کرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جماعت در نماز مستحبی مشروع نیست و اگر

امکان داشت به نماز طواف واجب اقتدا کند و الاً به نماز یومیه به رجا مطلوب

واقع شدن.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج - در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد. ^(۱) (مناسک محشی، م ۸۰۶)

[۴۸۷] س - بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی

دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج - احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است. ^(۲) (مناسک محشی، م ۸۰۷)

[۴۸۸] س - گاهی در پشت مقام ابراهیم علیه السلام جمعیت زیاد است، و

چون زن و مرد کنار هم قرار می گیرند احیاناً مورد فشار ازدحام واقع

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: محمول متنجس در طواف نیز

اشکال ندارد.

آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله ۳۱۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: نماز طواف از حیث احکام نجاست و محمول نجس و متنجس

حکم نمازهای یومیه را دارد.

آیه الله فاضل: هرگاه متنجسی باشد که نمی تواند با آن ستر عورت کند معفو

است. و اگر می تواند با آن ستر عورت کند و یا اعیان نجسه باشد محل اشکال

است و به احتیاط واجب اجتناب کند.

آیه الله مکارم: لباس هایی که به تنهایی ستر عورت نمی کند، در طواف و نماز آن

اشکالی ندارد و نیز محمول نجس و متنجس.

۲. آیه الله بهجت: اشکال ندارد اگر مخل به فوریت عرفیه نباشد.

آیه الله خامنه ای: نباید میان طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود، و معیار تشخیص

ایجاد فاصله یا عدم آن بر مبنای عرف است.

آیه الله زنجانی: اگر متابعت عرفی طواف و نماز را به هم بزند، انجام آن در طواف

واجب بدون عذر جایز نیست و طواف را باطل می کند.

آیه الله سبحانی: نباید نماز مستحبی بخواند و یا کارهای مستحبی دیگر مثل

استلام حجر و... انجام دهد.

می‌شوند، بدون اینکه ریه و فساد در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی‌رساند؟

ج - برای نماز ضرر ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۰۸)

[۴۸۹] س - احیاناً انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف‌کننده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جابه‌جا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج - اگر صحیحاً تمام کند، مانع ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۰۹)

[۴۹۰] س - کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد

۱. آیه الله خویی: اگر حداقل یک وجب بین زن و مرد فاصله باشد، تقدم زن بر مرد یا محاذات اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: و این امر اختصاص به نماز طواف ندارد، بلکه در مسجدالحرام و اطراف آن بانوان می‌توانند نمازهایشان را مساوی یا جلوتر از مردها بخوانند و کراهت هم ندارد.

آیه الله سبحانی: در صورت امکان، زن جلوتر از مرد و یا محاذی او و یا مرد پشت سر زن و محاذی او نباشد و اگر رعایت این شرط حرجی باشد و یا لازمه آن به هم خوردن موالات بین طواف و نماز گردد رعایت این شرط لازم نیست.

آیه الله سیستانی: عدم رعایت فاصله مرد با زن در صورت ازدحام، ضرری به صحت نماز نمی‌زند.

آیه الله فاضل: باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

۲. آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اگر به امید اینکه بتواند نماز را صحیحاً انجام دهد شروع نماید و صحیحاً تمام کند مانعی ندارد.

می فرمایید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند،

آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی به جا بیاورد؟

ج - اشکال ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۱۲)

[۴۹۱] س - شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر

کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - باید نماز و سعی را به جا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم

نیست اگرچه احوط است.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۱۳)

۱. آیه الله بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند، اگرچه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد.

آیه الله سبحانی: باید آن را تصحیح کند و اگر بعد از تلاش موفق نشد می تواند برای خود عمره مفرده و یا حج به جا آورد ولی نمی تواند برای دیگران عمره تمتع استیجاری انجام دهد ولی تبرعاً اشکال ندارد و چنین شخصی علاوه بر اینکه خود نماز طواف را می خواند فردی را برای خواندن نماز نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

۲. آیه الله بهجت: احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیه الله زنجانی: اگر در این کار معذور بوده باید نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر معذور نبوده باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نماز و سعی و تقصیر را دوباره به جا آورد و در هر دو صورت تا تقصیر نکرده باید از محرمات احرام اجتناب کند.

آیه الله سبحانی: و با فرض جهل و نسیان اعاده طواف لازم نیست ولی تقصیر را اعاده کند و برای تقصیر بی جایی که کرده در عمره مفرده کفاره واجب نیست ولی در عمره تمتع علاوه بر اعاده تقصیر بعد از نماز طواف و سعی باید یک گاو قربانی کند. ←

[۴۹۲] س - آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل

دو طرف مقام نیز می شود؟ (مناسک محشی، م ۸۱۴)

ج - باید خلف مقام باشد.^(۱)

[۴۹۳] س - اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به

صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج - فقط نماز را باید اعاده کند. (مناسک محشی، م ۸۱۵)

[۴۹۴] س - آیا نماز طواف واجب را می توان با نماز جماعت یومیه به جا

آورد؟

ج - صحت آن محل اشکال است.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۱۸)

→ آیه الله سیستانی: اگر فاصله زیاد شده است، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و در عمره مفرده باید پس از سعی، تقصیر را نیز اعاده کند و همچنین در عمره تمتع در صورت جهل بلکه در صورت نسیان نیز بنا بر احتیاط و در فرض نسیان سعی در عمره تمتع به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفاره ندارد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۶۵ گذشت.

آیه الله زنجانی: و همچنین نزدیک مقام باشد به طوری که بگویند «نزد مقام» نماز می خواند.

۲. آیه الله خامنه ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

آیه الله زنجانی: در نماز طواف - مطلقاً - نمی توان به جماعت اکتفا کرد.

آیه الله سبحانی: نمی توان در نماز طواف به نماز یومیه اقتدا کرد.

آیه الله مکارم: مشروعیت جماعت در نماز طواف مطلقاً محل اشکال است.

[۴۹۵] س - پشت مقام تا چه اندازه‌ای صادق است، و آیا حد معینی

نمی‌توان برای آن فرض کرد؟

ج - عرفی است. (مناسک محشی، م ۸۱۹)

[۴۹۶] س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز

اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مُخَلّ است؟

ج - مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده

طواف لازم نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۲۰)

۱. آیه الله تبریزی: با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله جوادی: فاصله انداختن بین طواف و نماز طواف اگر [به اندازه‌ای باشد که] عرفاً، نماز به طواف نسبت پیدا نکند باید طواف را اعاده کند؛ ولی اگر تأخیر در حدّ فوت موالات عرفی بین نماز و طواف نباشد، اعاده لازم نیست.

آیه الله خویی: باید اعاده نماید.

آیه الله زنجانى: به ذیل مسئله ۴۶۴ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: نباید بین طواف و نماز آن، نماز مستحبی بخواند و یا کارهای مستحب دیگر مثل استلام حجر و... انجام دهد البته تأخیر غیر عمدی مشکلی ندارد و اگر کسی عمداً بین طواف و نماز فاصله زیاد انداخت باید علاوه بر نماز، طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر عمداً نماز نخواند و اعمال مترتبه را انجام دهد از احرام خارج شده و باید به ترتیبی که گفته شد نماز را بخواند و سپس طواف و نماز آن و اعمال مترتبه را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است.

آیه الله سیستانی: فاصله انداختن به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا تحصیل جای مناسبی برای نماز، مُخل به مبادرت نیست ولی به کارهایی جدای از نماز طواف، مثل خواندن نماز قضا و مانند آن مشغول نشود و اگر عمداً اخلاف به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

[۴۹۷] س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، آیا در این صورت می‌شود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان به جا آورد، و آیا صدق پشت مقام می‌نماید؟

ج - صدق خُلف، به نظر عرف است.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۲)

→ آیه الله فاضل: ظاهراً مقدار فاصله محل به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می‌کند. و به طور کلی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر محل نیست. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیه الله مکارم: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۶۵ و ۴۶۶ گذشت.

مستحبات نماز طواف^(۱)

۴۹۸] م- در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید: (۲) (مناسک محشی، م ۸۲۴)

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ ﷺ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق (علیه السلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِبَتِي بِبَيْدِكَ فَاعْفُ عَنِّي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفُ عَنِّي فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۱. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: دعای اول و دوم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود دارد.

سعی

[۴۹۹] م - واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا

و مروه که دو کوه معروفند. (مناسک محشی، م ۸۲۵)

[۵۰۰] م - مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد

به صفا. (مناسک محشی، م ۸۲۶)

[۵۰۱] م - واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر

مرتبه شوط گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن یک شوط

است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است. (مناسک محشی،

م ۸۲۷)

[۵۰۲] م - واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه

ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند،

و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.^(۱)

(مناسک محشی، م ۸۲۸)

۱. آیه الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند،

بعید نیست کفایت کند.

[۵۰۳] م - کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی را اعاده کند^(۱) اگرچه اقوی کفایت همان سعی است. (مناسک محشی، م ۸۵۴)

[۵۰۴] م - در سعی مابین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل^(۲)، چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است. (مناسک محشی، م ۸۳۰)

[۵۰۵] م - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.^(۳) (مناسک محشی، م ۸۳۱)

[۵۰۶] م - واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر

۱. آیه الله بهجت، آیه الله خامنه‌ای: سعی صحیح است.

آیه الله سبحانی: و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده است سعی او صحیح است ولی بنا بر احتیاط مستحب پس از فوت موالات سعی را اعاده کند و همچنین تقصیر را. آیه الله سیستانی: اگر جاهل «قاصر» بوده سعیش صحیح است و اگر «مقصر» بوده صحتش اشکال دارد.

آیه الله مکارم: سعی او باطل است.

۲. آیات عظام خامنه‌ای، زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل: ولی در صورت توانایی و امکان باید وسیله را خود ببرد.

آیه الله خویی: اگر با اختیار خود نشسته، جایز است.

آیه الله سیستانی: اگر خودش وسیله را حرکت می دهد و یا اینکه می تواند وسیله را نگه دارد بدون اینکه برای نگه داشتن از شخصی که حرکتش می دهد درخواست کند، جایز است.

۳. آیه الله مکارم: ستر عورت بنا بر احتیاط واجب معتبر است.

عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را اعاده کند.

(مناسک محشی، م ۸۳۲)

۵۰۷] م - اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف اقوی آن است

که آن را اعاده کند^(۱) و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله

مقدم بدارد. (مناسک محشی، م ۸۳۳)

۵۰۸] م - واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد^(۲)، پس اگر

از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه سعیش باطل است. (مناسک

محشی، م ۸۳۴)

۵۰۹] م - اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات

بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند^(۳) گرچه احوط

۱. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر مقدم داشتن سعی از جهت فراموشی طواف بوده باشد، باز احوط این است که سعی را پس از طواف اعاده نماید.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، ولی اگر طواف عمره تمتع را پس از وقوف به عرفات یا طواف حج را پس از پایان ذی حجه متذکر شد اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است.

۲. آیه الله زنجانی: واجب نیست سعی از راه متعارف باشد پس اگر از راهی که معمولاً به طرف صفا می روند به طرف مروه برود سعیش باطل نمی شود و همین مقدار که از راهی برود که متعارف مردم بگویند مسیر بین دو کوه را پیموده است، کافی است هر چند احتیاط مستحب آن است که در حال سعی از بین دو کوه خارج نشود.

۳. آیه الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می شود، کفایت می کند.

سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده. (مناسک محشی، م ۸۳۵)

[۵۱۰] م - واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد^(۱)، پس اگر عقب عقب برود یا پهلوی را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۸۳۷)

[۵۱۱] م - جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنابراین اقوی^(۲). (مناسک محشی، م ۸۳۸)

→ آیه الله جوادی: سعی در مسعای جدید مجزی است، چون بین دو کوه صفا و مروه است. سعی در طبقه زیرزمینی با توجه به اینکه بین کوه صفا و مروه است، صحیح است. سعی در طبقه فوقانی مجزی است.

آیه الله خامنه‌ای: سعی در طبقه دوم مسعی صحیح نیست مگر آنکه برایش محرز باشد که طبقه دوم میان دو کوه واقع است نه بالاتر از آن.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: سعی در طبقه دوم و سوم فعلی، صحیح نیست.
آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: طبقه دوم که فعلاً وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد.
آیه الله فاضل: جایز نیست.

۱. آیه الله زنجانی: لازم نیست سعی به صورت متعارف باشد و می‌تواند مسیر سعی را به پهلوی یا عقب عقب برود، هرچند سعی بر خلاف متعارف، خلاف احتیاط استحبابی است.

۲. آیه الله بهجت: احوط ترک جلوس است در ما بین صفا و مروه بدون عذر.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.

[۵۱۲] م - جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی

یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب

گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است. (مناسک محشی، م ۸۳۹)

[۵۱۳] م - جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.^(۱)

(مناسک محشی، م ۸۴۰)

[۵۱۴] م - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می آورد و سعی را شب

انجام می دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع

→ آیه الله جوادی: به حدی که ترک موالات نشود جایز است.

آیه الله زنجانى، آیه الله سیستانی: هر چند رفع خستگی، طولانی شود، ولی باید

پس از رفع خستگی، بلافاصله سعی را ادامه دهد.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: و اگر تأخیر عمدی و بدون عذر بوده احتیاطاً

باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله خویی: اگر تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده نماید.

آیه الله زنجانى: بلکه تا بین الطلوعین روز بعد هم به تأخیر نیندازد، اما کسی که کمی

قبل از طلوع فجر، طواف کرده می تواند سعی را تا اوائل روز به تأخیر بیندازد؛ و در هر

حال اگر بدون عذر، سعی را به فردا به تأخیر بیندازد طواف و نماز آن را قبل از سعی

اعاده کند.

آیه الله سبحانى: اگر کسی طواف را روز انجام داد و نماز خواند می تواند سعی را شب

انجام دهد مشروط بر اینکه پیش از طلوع فجر از سعی فارغ شود و همچنین اگر طواف

را در شب انجام داد تا قبل از طلوع فجر سعی را به جا آورد و نمی تواند به فردا موکول

کند و اگر چنین کرد، باید طواف و نماز را اعاده کند مگر به خاطر بیماری و خستگی

(عذر) این مقدار به تأخیر اندازد که اشکال ندارد و اعاده طواف و نماز لازم نیست.

آیه الله مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هر چند گناه کرده است.

ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد^(۱) اگرچه اقوی

کفایت است. (مناسک محشی، م ۸۵۵)

[۵۱۵] م - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان

خدای تعالی بیاورد.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۴۱)

[۵۱۶] م - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو

چنان است که در طواف گذشت. (مناسک محشی، م ۸۴۲)

[۵۱۷] م - زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل

شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت. (مناسک محشی، م ۸۴۳)

[۵۱۸] م - اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر

سعی او صحیح است، و بهتر آن است که زائد را رها کند، گرچه بعید

۱. آیه الله جوادی: کسی که طواف را در شب انجام می دهد، سعی برای فردا و پس از

آن مجزی است و اعاده طواف و نماز، لازم نیست.

آیه الله خامنه ای: به تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز طواف تا روز بعد از

آن جایز نیست، اما تأخیر در انجام آن تا شب [همان روز] مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: تأخیر عرفی اشکال ندارد و مبادرت لازم نیست

ولی تأخیر به فردا جایز نیست و اگر عمداً و بدون عذر تا فردای آن روز تأخیر

بیاندارد، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند. (آیه الله زنجانی: در صورت

اخیر اعاده واجب است).

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۵۱۳ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: هرگاه طواف و نماز آن را در هر موقع از روز انجام دهد سعی را تا شب

می تواند به تأخیر بیاندارد. ولی تأخیر تا فردا جایز نیست و اگر تأخیر انداخت گناه

کرده ولی اعمال او صحیح است.

۲. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: به ذیل مسئله ۲۸۹ مراجعه شود.

نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۴۴)

[۵۱۹] م- اگر سعی را کم کند سهواً واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید^(۲)، و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی: اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله خامنه‌ای: و باید از زمان یادآوری بقیه مقدار اضافه را ادامه ندهد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اگر زاید یک شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله مکارم: احتیاط در ترک این کار است.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: به ذیل مسئله بعدی مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: و اگر تقصیر کرده باید آن را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام پرهیز کند و فرقی بین شوط چهارم و قبل از آن نیست، ولی چنانچه تنها شوط هفتم یا قسمتی از آن را سهواً کم کرده است اعاده تقصیر و اجتناب از محرمات احرام لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر پیش از آنکه یک دور از هفت دور را تکمیل کند، دیگر دورها را فراموش نماید باید سعی را از سر بگیرد، و اگر پس از یک دور کامل یا بیشتر دیگر دورها را فراموش نماید هر موقع متذکر شد باقیمانده را به جامی آورد ولی احتیاط مستحب آن است که اگر قبل از تجاوز از نصف سعی باقیمانده را فراموش کرد سعی را از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: چه یک شوط فراموش کرده باشد یا بیشتر، بنا بر اقوی و اگر پس از گذشتن زمان سعی یادش بیاید؛ مثلاً در عرفات یادش بیاید سعی عمره‌اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی حجه به یاد آورد سعی حجه ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سپس سعی را از سر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل.

آیه الله فاضل: چنانچه قبل از تمام کردن شوط چهارم باشد بنا بر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط چهارم را تمام کرده است می‌تواند آن را اتمام کند یا از سر بگیرد.

ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نایب

بگیرد. (مناسک محشی، م ۸۴۵)

[۵۲۰] م - اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد،

احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد^(۱)، و اگر بعد از تمام

کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است

از همان جا سعی را تمام کند، لکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه

را تمام نکرده تمام کند و از سر بگیرد.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۴۶)

۱. آیه الله زنجانی: هر وقت متوجه شد سعی را تکمیل می کند و اگر تقصیر هم کرده

دوباره تقصیر می کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام پرهیز می کند.

آیه الله سبحانی: باید سعی را از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: در صورتی که پس از فوت موالات باشد.

۲. آیه الله بهجت: و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده،

واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هرچند بعد از فراغت اعمال حج باشد،

تدارک نماید و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب

است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده،

احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به جا آورد و در صورت دشواری آن

نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی: آیه الله خویی: چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از

شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هرچند بعد از فراغت

از اعمال حج باشد، تدارک نماید. و اگر خود نتواند تدارک کند یا تدارک آن مشقت

داشته باشد واجب است نایب بگیرد و در این صورت احتیاط این است که نایب

به نیت فراغ ذمه منوب عنه از اتمام یا تمام یک سعی کامل به جا آورد. و اگر

کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که

شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد. ←

[۵۲۱] م - با تمام کردن سعی حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود

بواسطه احرام. (مناسک محشی، م ۸۴۷)

[۵۲۲] م - اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتنا نکند^(۱)

و اگر، شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون

بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست^(۲)

→ آیه الله سبحانه: اگر سهواً کمتر از هفت دور سعی کند، اگر در مکه است باید آن را تکمیل کند و اگر از مکه خارج شده و بازگشت به مکه مشکل نیست برگردد آن را تکمیل نماید و اگر بازگشت حرجی و پر مشقت باشد نایب بگیرد و نایب پس از تکمیل سعی ناقص یک سعی کامل به جا آورد.

آیه الله فاضل: اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و همین طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد.

۱. آیه الله زنجانی: همچنین اگر شک او در اشواط بعد از آن باشد که خود را از سعی فارغ شده یافت و مشغول کارهایی شده که متعارفاً بعد از اتمام سعی انجام می دهند در این دو صورت چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی متوجه تعداد اشواط بوده به شک خود اعتنا نکند، خواه شک در زیاده باشد یا نقیصه.

آیه الله سبحانه: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همین طور است اگر بعد از هر دور در صحت آن شک نماید، به آن اعتنا نکند.

آیه الله فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همین طور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده کند.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله نوری: اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهر این است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می کند.

← آیه الله خامنه ای: اگر عرفاً فراغ حاصل شده باشد، اعتنا به شک نکند.

احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست، و اگر شک در زیاده دارد و می داند ناقص نشده اعتنا نکند. (مناسک محشی، م ۸۵۰)

۵۲۳] م - اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شک در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است^(۱)، و همین طور اگر در بین رفت و آمد شک در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند اعتنا نکند. (مناسک محشی، م ۸۵۱)

۵۲۴] م - اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر

→ **آیه الله سیستانی:** اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد، بنا بر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می دهد در صورتی که شک او قبل از به هم خوردن موالات باشد سعی باطل است و اگر عرفاً فراغ حاصل شده باشد به شک اعتنا نکند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند. **آیه الله مکارم:** باید سعی را از اول اعاده کند.

۱. **آیه الله زنجانی:** چنانچه صحیح بودن قطعه سابق متصل به قطعه مشکوک، محرز باشد اعتنا نکند و در غیر این صورت اگر در اثنای سعی شک کرده، باید سعی را اتمام و دوباره اعاده کند و اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا بعد از تقصیر شک کرده، چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی به رعایت شرایط صحت توجه داشته اعتنا نکند.

مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر^(۱) ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شک که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا. (مناسک محشی، م ۸۵۲)

۱. آیه الله زنجانی: چنانچه اطمینان دارد که در ادامه سعی، نسبت به تعداد اشواط، حجت شرعی پیدا می‌کند می‌تواند سعی را ادامه دهد که اگر تا پایان سعی، حجت شرعی پیدا کرد سعی او صحیح است و اگر چنین اطمینانی ندارد سعی او باطل است.

آیه الله سبحانی: خود را به مروه برساند سپس سعی را از صفا مجدداً شروع کند.

استفتائات سعی

۵۲۵] س - کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت

شوط بوده تکلیف او چیست؟

ج - می تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت

موالات عرفیه بین شوط زائد طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز

و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۵۷)

۵۲۶] س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است،

۱. آیه الله بهجت: اگر عمد بوده به همان نحو که گذشت اشکال دارد و در غیر عمد،

احتیاط در اتمام تا چهارده شوط اگر ممکن است.

آیه الله خامنه ای: می تواند از طواف و سعی خود دست برداشته و مجدداً طواف و

نماز طواف و سعی را از سر بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: اگر زیاده طواف کمتر از یک شوط بوده،

وظیفه ای ندارد و سعی را تکمیل می کند و اگر بیشتر بوده باید سعی را رها کند

و شوط های زائد طواف را به قصد قربت مطلقه تا هفت شوط تکمیل کند و نماز

طواف بخواند بدون آنکه تعیین کند که برای طواف اول است یا دوم، سپس سعی

را تکمیل کند و پس از سعی دو رکعت نماز دیگر بخواند. (آیه الله سبحانی اضافه

فرموده اند: و بعد از سعی دو رکعت هم برای طواف مستحب به جا آورد و نیت

هفت دور طواف فقط به قصد قربت و مطلوبیت باشد نه واجب و نه مستحب

اگرچه ظاهر این است که هفت دور دوم طواف واجب محسوب می شود و نماز آن

بعد از طواف است و هفت دور اول مستحب و نماز آن بعد از سعی است).

آیه الله سیستانی: احتیاط آن است که برگردد به مسجدالحرام و شوط اضافی را تا

یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکمیل نماید و برای آن نماز طواف بخواند،

سپس سعیش را تمام کند و احتیاط مستحب این است که آن را اعاده نماید.

آیه الله فاضل: احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود. پس از آن

همه را اعاده کند.

وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج - باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۵۸)

[۵۲۷] س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن

هفت شوط را کرد. و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته اند که باید یک

شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا

عمل او صحیح است یا خیر، و كفاره دارد یا نه؟

ج - عمل صحیح است و كفاره ندارد.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۵۹)

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی: در فرض تقصیر هم باید دو مرتبه تقصیر کند.

آیه الله جوادی: و اگر تقصیر کرده به احتیاط واجب پس از سعی تقصیر کند

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و تقصیر نماید (اگرچه قبلاً تقصیر کرده باشد) تا از احرام خارج شود.

آیه الله فاضل: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر این صورت باید تقصیر را اعاده کند.

آیه الله مکارم: اگر به خاطر ندانستن مسئله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود و احتیاط مستحب آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمه به جا آورد.

۲. آیه الله بهجت: مگر آنکه در عمره تمتع ناخن هایش را گرفته باشد که احوط است. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط یک گاو كفاره دهد.

آیه الله خویی: اگر در عمره تمتع باشد باید بنا بر اظهر یک گاو كفاره بدهد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر در عمره تمتع باشد و کمبود به جهت فراموشی باشد بنا بر احتیاط (آیه الله سبحانی: اقوی) یک گاو كفاره بدهد و اما اگر کمبود به جهت ندانستن تعداد شوط های سعی بوده است مثلاً، یا در عمره مفرده یا حج بوده، كفاره ندارد.

[۵۲۸] س - کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و

پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج - اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را

تمام کرده صحیح است. ^(۱) (مناسک محشی، م ۸۶۰)

[۵۲۹] س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد

یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده

کند؟

ج - لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد. ^(۲) (مناسک

محشی، م ۸۶۱)

[۵۳۰] س - آیا زن‌هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب

می‌گیرند در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ناخن گرفته کفاره دارد.

آیه الله فاضل: عمل صحیح است ولی اگر در عمره تمتع بوده است بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

۱. آیه الله زنجانی: بلکه اگر اشتباه کرده و قبل از محل قطع شده، سعی را ادامه داده، سعی او صحیح است و اگر بعد از محل قطع شده، سعی را ادامه داده اگر شوط ششم یا هفتم بوده، از محل قطع تا پایان سعی را باید اعاده کند و اگر در اشواط دیگر بوده دو شوط از سعیش ناقص مانده و باید شوط ششم و هفتم را به جا آورد.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: چنانچه عمدتاً و بدون عذر بوده احتیاطاً باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی: اگر بدون هیچ عذری تأخیر انداخته، باید قبل از سعی طواف و نماز را اعاده کند.

ج - محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات

ترتیب بین طواف و سعی. (مناسک محشی، م ۸۶۲)

[۵۳۱] س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را

تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می شود که پنج شوط بوده،

اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است

باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی

است؟

ج - باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این

احتیاط معلوم نیست.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۶۳)

[۵۳۲] س - بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می روند و از

طرف دیگر آن برمی گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری

فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به

مروه برود اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود. (مناسک محشی، م ۸۶۵)

۱. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب تقصیر را هم اعاده می نماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: احتیاطاً تقصیر را اعاده کند.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: و تقصیر را باید اعاده نماید.

آیه الله زنجان: و سپس تقصیر نماید و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب

کند و یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: این احتیاط واجب است و اگر تقصیر از روی فراموشی کمبود

باشد و در عمره تمتع باشد احتیاطاً باید یک گاو کفاره بدهد.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۵۳۳] س - شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت‌گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می‌کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج - اشکال دارد. ^(۱) (مناسک محشی، م ۸۶۶)

[۵۳۴] س - آیا سعی کردن از همان جا که مریض‌ها را با چرخ می‌برند و برمی‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می‌کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگ‌های سیاه بعد از سنگ‌های صاف که بقایای کوه است برسند؟

۱. آیه الله بهجت: ظاهراً اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی: اگر به قصد انجام وظیفه واقعی باشد، اشکالی ندارد.
 آیه الله خامنه‌ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست، اگرچه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است.
 آیه الله خویی: بنا بر اظهار اشکال ندارد. اگرچه اعاده سعی مطابق احتیاط است.
 آیات عظام زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اشکال ندارد.
 آیه الله سبحانی: چنانچه نیت او انجام وظیفه واقعی باشد یعنی اگر کسی او را متوجه می‌کرد، هرگز انجام نمی‌داد در این صورت سعی او صحیح است لکن احتیاط در اتمام و اعاده سعی از اول است (و این احتیاط اگر در عمره تمتع باشد مؤکد است تا گرفتار محذور کفاره بی جا نشود).
 آیه الله سیستانی: صحت سعیش اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد.

ج - سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.^(۱) (مناسک

محشی، م ۸۶۸)

[۵۳۵] س - در مناسک فرموده‌اید کسی که بین صفا و مروه، سعی می‌کند واجب

است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد،

وبالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

۱. آیه الله بهجت: واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آنکه پاشنه پا را بچسباند، در غیر سوار و محمول، به جزء اول مسافت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: لازم و واجب است که ابتدا کند از اول جزء صفا.

آیه الله زنجانی: باید در هر شوط، از جزء اول کوه، شروع و به جزء اول کوه مقابل، ختم کند.

آیه الله خامنه‌ای: در هر دور باید تمام فاصله میان صفا و مروه را بپیماید اما بالا رفتن از بلندی صفا و مروه لازم نیست.

آیه الله سبحانی: سعی از بیخ کوه صفا به بیخ کوه مروه در قالب هفت شوط می‌باشد که فعلاً مبدأ و منتهای سعی را با سنگ مفروش کرده‌اند جزو مسعی نیست لکن در جانب مروه احتیاط واجب این است که سربالایی را نیز به عنوان سعی بپیماید.

آیه الله سیستانی: باید تمام مسافت بین دو کوه پیموده شود و بالا رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است و احتیاط واجب این است که فاصله مذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی اینکه شوط اول را - مثلاً - از اولین جزء پایین کوه صفا آغاز کند و حرکت کند تا برسد به اولین جزء کوه مروه و به همین ترتیب بقیه شوط‌ها را انجام دهد.

آیه الله مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم‌اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برسد کافی است.

ج - وضعی است.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۶۹)

[۵۳۶] س - زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج - محل اشکال است.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۷۱)

[۵۳۷] س - کسی که نمی تواند بدون سوار شدن در چرخ های معمولی

در سعی سعی کند لکن تمکن مالی ندارد، چون آرز خود را صرف

سوغات کرده، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر می تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش

سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

(مناسک محشی، م ۸۷۲)

[۵۳۸] س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی هفت

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۵۱۰ مراجعه شود.

۲. آیه الله بهجت: ظاهراً جهلاً مانعی ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زیادی از روی جهل به حکم بنا بر اظهر موجب بطلان سعی نمی باشد، اگرچه احتیاط در اعاده است.

آیه الله جوادی: زیاد کردن سعی از روی جهل، به صحت آن ضرر نمی زند.

آیات عظام خامنه ای، سبحانی، صافی، گلپایگانی: حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است.

آیه الله زنجانی: حکم زیاده سهوی را دارد؛ بنابراین اگر از روی ندانستن مسئله مقدار کمی از اثنای سعی را دوباره سعی نماید سعیش صحیح است، ولی اگر در شروع سعی قبل از رسیدن به کوه صفا شروع کند (مثلاً از محل هروله شروع کند) سعیش باطل است.

آیه الله مکارم: حکم زیادی عمدی را دارد و باید از نو به جا آورد، مگر آنکه کمتر از یک دور باشد.

شوط دیگر به جا آورد، و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۷۳)

[۵۳۹] س - شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی رفت و برگشت از

صفا به مروه است سعی را شروع می کند و در شوط سوم متوجه مسأله

می شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می دهد، آیا سعی او چه

حکمی دارد؟

ج - سعی او صحیح است. (مناسک محشی، م ۸۷۴)

[۵۴۰] س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا

صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را تدارک کند، و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و

احتیاط در اتمام و اعاده است.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۷۵)

۱. آیات عظام تبریزی، خامنه ای، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد.

آیه الله سیبانی: اگر از آنچه انجام داده منصرف شده و پس از فوت موالات از اول

شروع کرد اشکال ندارد لیکن اگر نصف سعی را انجام داده احتیاطاً آن را به هفت

دور برساند و سعی را مجدداً به عنوان تکلیف فعلی انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از فوت موالات عرفیه سعی را از سر گرفته باشد صحیح

است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد که در این

صورت نیز صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت آن بعید نیست.

۲. آیه الله جوادی: سعی باطل است و باید اعاده شود.

آیه الله خامنه ای: و می تواند سعی سابق را رها کرده و مجدداً سعی را از سر بگیرد. ←

[۵۴۱] س - شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود انجام داده است، و آن گاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۷۸)

[۵۴۲] س - شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می کند و وضو می گیرد و هفت شوط دیگر سعی می نماید، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۸۷۰)

[۵۴۳] س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج - مبطل است، و باید سعی را اعاده کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۸۸۳)

[۵۴۴] س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا اختصاص

→ آیه الله زنجانی: سعی او صحیح است، هر چند احتیاط استحبایی آن است که آن مقدار و نقص ما بعد آن را تدارک کند.

آیه الله سبحانی: برگردد و جبران کند و اگر از آن محل گذشته یعنی وارد شوط یا اشواط بعدی شده و نمی تواند برگردد و تدارک کند سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

آیه الله مکارم: می تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۵۳۶ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۵۳۸ گذشت.

۳. آیه الله زنجانی: مگر آنکه اطمینان داشته باشد که در ادامه سعی نسبت به تعداد اشواط به علم یا حجت شرعی می رسد.

به بعض دارد؟

ج - در سعی مولات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات مولات احتیاطاً از سر بگیرد.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۸۴)

[۵۴۵] س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می زند یا نه؟

ج - ضرر نمی زند. (مناسک محشی، م ۸۸۵)

[۵۴۶] س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی

۱. آیه الله بهجت: دلیلی بر اعتبار مولات در سعی در غیر شوط اول نیست.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط اعتبار مولات عرفیه بین اشواط سعی است.
- آیه الله جوادی: مولات عرفیه در [اشواط] سعی لازم است.
- آیه الله زنجان: در غیر موارد خاص که قطع سعی جایز است، رعایت مولات عرفیه در سعی، لازم بوده و قطع آن جایز نیست و چنانچه بدون عذر، سعی را قطع کند باطل می شود.
- آیه الله سبحانی: سعی یک عمل واحد عبادی است، باید به صورت یک عمل واحد به جا آورده شود و لذا فاصله زیاد میان اشواط که مضر به مولات باشد بر خلاف احتیاط است.
- آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب مولات عرفیه لازم است.
- آیه الله صافی: مولات معتبر است.
- آیه الله گلپایگانی: مولات در سعی معتبر نیست.
- آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که در غیر موارد استثنا شده مولات عرفیه رعایت شود.

شده است یقین به عدد حاصل می شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج - صحیح است.^(۱) (مناسک محشی، م ۸۸۶)

س [۵۴۷] - شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می کند به جا آورد.

ج - با فرض اینکه خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام^(۲) کند و آن را اعاده نماید^(۳) و به منوب عنه

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: وظیفه اش تجدید و از سرگرفتن سعی بوده و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و مجزی نبوده، لذا احتیاط اعاده سعی است.
آیه الله زنجانی: با شک در عدد اشواط سعی باطل می شود و باید سعی را اعاده کند مگر آنکه اطمینان داشته باشد که در ادامه سعی نسبت به تعداد اشواط به علم یا حجت شرعی می رسد.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورتی که به رجای کشف حال ادامه داده باشد.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال صحت سعی محل اشکال است و احتیاط واجب در اعاده است.

۲. آیه الله تبریزی: احتیاطاً سعی را تمام کند.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اعاده کافی است.

۳. آیه الله سبحانی: اگر مقدار باقیمانده بیشتر از نصف است نایب سعی را اتمام و اعاده می کند و اگر مقدار باقیمانده کمتر از نصف است فقط اعاده می کند.

خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد^(۱)، و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و اینکه نمی تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست. (مناسک محشی، م ۱۸۴)

۱. آیه الله سبحانی: واحتیاطاً خود او نیز در هر کجا هست نماز طواف را بخواند.
آیه الله سیستانی: ولی نماز طواف را باید خودش بعد از طواف نایب بخواند.

مستحبات سعی^(۱)

۵۴۸] م - مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: (مناسک محشی، م ۸۸۷)

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

پس از آن به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت های الهی را به خاطر بیاورد آن گاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ»

۱. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمان های گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملاً ممکن نیست، آنچه را می توان، انجام دهد. و خداوند به نیت او پاداش می دهد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید: (۱)

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

۱. آیه الله خویی: این دعا و همچنین بعضی از دعاهاى آخر این قسمت در مناسک ایشان مذکور نیست.

پس بگوید:

«أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي،
اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

پس بگوید: (۱)

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است هرکس که بخواهد مال او زیاد

۱. آیه الله بهجت: این فراز از دعا و دو فراز بعدی در مناسک ایشان نیامده است.

شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس، از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يَثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرْزُقْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفاتا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زن‌ها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَصَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعا‌های آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

تقصیر یا حلق

[۵۴۹] م - واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخن‌ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است^(۱)، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است.

(مناسک محشی، م ۸۸۸)

[۵۵۰] م - این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن

۱. آیه الله زنجانی: و بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی، برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند.

آیه الله سبحانی: به ناخن گرفتن اکتفا نشود و اگر خواست ناخن بگیرد، پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیه الله گلپایگانی: این قید را ندارند.

آیه الله مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند. (مناسک محشی، م ۸۸۹)

[۵۵۱] م - بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد یا سر تراشید هر چه به واسطه احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود، به جز زن بر مرد و مرد بر زن و همچنین بنا بر احتیاط واجب آن چه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن^(۱) که پس از انجام طواف نساء و نماز آن حلال خواهد شد.

[۵۵۲] م - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفاء به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است^(۲) و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.^(۳) (مناسک محشی، م ۸۹۴)

۱. آیه الله سیستانی: تنها حلیت استمتاع متوقف بر طواف نساء است.
۲. آیه الله زنجان: بلکه نباید برای تقصیر، موی زیر بغل و مانند آن را کوتاه کند و به طور کلی تقصیر از غیر موی سر و ریش و شارب، کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است و در صورت علم و عمد، کفاره دارد.
۳. آیه الله سبحانی: به ناخن گرفتن اکتفا نشود و اگر خواست ناخن بگیرد، پس از کوتاه کردن مو باشد.
- آیه الله سیستانی: در تقصیر بنا بر احتیاط واجب باید موی سر یا ریش یا سبیل خود را کوتاه کند و بنا بر احتیاط واجب گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بلکه احتیاط واجب این است که ناخن گرفتن بعد از کوتاه کردن مو باشد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی است.
- آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.
- آیه الله مکارم: گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بنا بر احتیاط واجب.

استثنائات تقصیر

۵۵۳ س - آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن

محرمات احرام را به جا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج - با جهل کفاره ندارد مگر در صید^(۱) به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

(مناسک محشی، م ۸۹۵)

۱. آیه الله زنجانی: در صید و مالیدن روغن.

آیه الله بهجت: نسبت به موارد فوق، در مورد اول بعد از اینکه مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده این اضافه را دارند: یا ناخن های خود را بگیرد به خیال اینکه احرامش تمام شده.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هر عملی غیر از صید، که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

آنکه طواف فریضه حج یا عمره را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده و به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده، از احرام در آمد و یا آنکه بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

کسی که دست خود را بی خود بر سر یا ریش خود بکشد و یک یا بیشتر مواز آن بیفتد. آنکه بدن خود را روغن مالی کند از روی نادانی.

آیه الله زنجانی: و همچنین روغن مالی که در صورت جهل به حکم باید یک فقیر را اطعام کند.

آیه الله سبحانی: اگر با تقصیر گمان کرده از احرام خارج شده باید برای تقصیر بی جای یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: با حاشیه مذکور موافق اند با این فرق که ایشان مورد نزدیکی بین سعی و تقصیر را ذکر نفرموده اند و در مورد آخر، روغن مالی به روغن خوشبو را موجب دانسته اند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بعض موارد دیگر که در مناسک مذکور است.

[۵۵۴] س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می تواند در هر

جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به

طواف نساء مجدد هست؟

ج - تقصیر را در هر جا می تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده

کند.^(۱) و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد. (مناسک محشی، م ۸۹۸)

[۵۵۵] س - هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۸۹۹)

[۵۵۶] س - شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی

را به جا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.^(۲) (مناسک محشی، م ۹۰۱)

[۵۵۷] س - کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده

است، وظیفه اش چیست؟

ج - مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۹۰۴)

۱. آیه الله بهجت: اکنون که قبل از تقصیر متذکر شده است، تقصیر می کند و طواف

نساء را بعد از آن اعاده می نماید بنا بر احوط و مقدم شدن طواف نساء بر تقصیر

در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است.

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب در صورت امکان تقصیر در مکه است.

آیه الله سبحانی: و احتیاطاً علاوه بر نایب نماز طواف نساء را خودش نیز در هر کجا

هست بخواند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: باید یک گاو کفاره بدهد.

[۵۵۸] س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید، و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی‌الاحوط.^(۱) (مناسک محشی، م ۹۰۸)

[۵۵۹] س - اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع مُحرم شده و عمره تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

ج - در فرض مرقوم^(۲) چنانچه عمره مفرده را در اَشْهُر حَج به جا آورده و می‌خواهد

۱. به ذیل سؤال ۵۵۴ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** چون از احرام عمره مفرده هنوز بیرون نیامده، احرام عمره تمتع صحیح نیست باید ابتدا تقصیر کند تا از احرام عمره مفرده بیرون آید؛ چنانچه وقت داشته باشد که برای عمره تمتع محرم شود می‌تواند به میقات برگردد و محرم شود و در صورت عدم امکان در خارج حرم محرم شود.

آیه الله زنجانی: چون از احرام عمره مفرده بیرون نیامده احرام عمره تمتع صحیح نیست و چون از مکه خارج شده نمی‌تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند، پس باید اعمال عمره مفرده را تمام کند و برای احرام عمره تمتع کافی است از حرم بیرون برود.

آیه الله سیستانی: احرام عمره تمتع او باطل است و باید برای عمره مفرده تقصیر نماید و اگر بعد از انجام عمره تمتع متوجه شد حکم کسی را دارد که جهلاً یا نسیاناً احرام عمره تمتع را انجام نداده است که احتیاط واجب بطلان عمره تمتع است.

حج مستحبی^(۱) به جا آورد می تواند عدول به عمره تمتع کند چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الاحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود^(۲) و برای عمره تمتع مجدداً محرم شود. (مناسک محشی، م ۱۹۶)

-
۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: (با اختلاف در تعبیر): در تبدل عمره مفرده به عمره تمتع، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.
 ۲. آیه الله سیحانی: اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند و باید پس از تقصیر و انجام طواف نساء و نماز آن به میقات برود و در صورت عدم امکان، از ادنی الحل محرم شود.

طواف نساء و نماز آن

[۵۶۰] م - پس از تقصیر یا حلق، باید هفت دور به نیت طواف نساء به دور کعبه بگردد و پس از آن دو رکعت نماز، پشت مقام ابراهیم علیه السلام به نیت نماز طواف نساء به جا می آورد.

[۵۶۱] م - طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، به جز نیت، پس این طواف نیز باید از حجرالاسود آغاز شود و به همان جا ختم گردد و هنگام طواف، شانه چپ به سمت کعبه باشد و سایر شرایطی که برای طواف عمره گفته شد مراعات شود.

[۵۶۲] م - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولی، او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد^(۱) تا بعد از

۱. آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: بر ولی یا کسی که به اذن او کودک را احجاج کرده واجب است کودک را طواف نساء بدهد وگرنه بعد از بلوغ، همسر بر او حرام خواهد بود. ←

بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۱۸)

[۵۶۳] م - اگر شخص، چندین عمره مفرده به جای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.^(۲) (مناسک محشی، م ۱۲۳)

→ آیه الله سیحانی: همه کسانی که حج و یا عمره مفرده انجام می‌دهند باید به جا آورند و اگر کسی انجام ندهد و بمیرد باید برای او نایب بگیرند و هزینه نایب از ترکه برداشته شود.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می‌شود، ولكن بنا بر احتیاط استمتاع جایز نمی‌شود، گرچه اظهار اختصاص حرمت به جماع است.

آیه الله سیستانی: همان‌گونه که گذشت، با حلق یا تقصیر، عقد حلال می‌شود و اما حلیت استمتاع در صبی هم متوقف است بر طواف نساء، پس اگر بالغ شد و هنوز طواف نساء نکرده، نمی‌تواند از همسرش استمتاع ببرد.

آیه الله فاضل: مجنون و مغمی علیه را نیز اگر مُحَرَّم کرده‌اند، طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه زن یا مرد بر آنها حلال شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و نیز در مورد مجنونی که ولیش او را محرم کرده، طواف نساء لازم است.

۲. آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط، برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهد.

آیه الله تبریزی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نداده، محرم به احرام جدید نشود.

آیه الله خامنه‌ای: واجب است برای هر عمره مفرده جداگانه طواف نساء به جا آورد، اگرچه تحلل با طواف نساء واحد بعید نیست.

آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، صافی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد.

استفتائات طواف نساء

۵۶۴] س - کسی که عمره مفرده انجام می داد بدون اینکه تقصیر کند طواف

نساء را به جا آورد، آیا وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟

ج - عمره باطل نمی شود، لکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده^(۱)

نماید، و بدون آن حرمت نساء باقی است. (مناسک محشی، م ۱۲۰۹)

۵۶۵] س - شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء

حج یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، و

همچنین است در صورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.^(۲)

۱. به ذیل سؤال ۵۵۴ مراجعه شود.

۲. آیه الله بهجت: اگر توانست خودش به جا آورد والا نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر شک بعد از عمل مواقعه با زوجه برایش حاصل

شد، به آن اعتنا ننموده و بنا بر انجام آن گذارد.

آیه الله زنجانی: اگر قبل از تمتع از نساء، شک کرده، باید طواف نساء را انجام دهد

و اگر بعد از تمتع، شک کرده چنانچه احتمال بدهد هنگام استمتاع، به رعایت

جهات شرعی توجه داشته است اعتنا به شکش نمی کند و اگر احتمال ندهد باید

طواف نساء را به جا آورد، البته در حج اگر بعد از گذشتن ماه ذی حجه، برایش

شک پیدا شده مطلقاً اعتنا نمی کند.

آیه الله سبحانی: چنانچه در انجام طواف نساء در حج شک کند درحالی که ماه

ذی حجة الحرام به پایان نرسیده است چنین فردی باید خود و در صورت عدم امکان

نایب او طواف نساء و نماز آن را انجام دهد و اگر پس از خروج ماه ذی حجه چنین شکی

رخ دهد اعتنا نکند ولی در مورد شک در انجام طواف عمره مفرده به متن عمل شود.

آیه الله سیستانی: باید طواف نساء را انجام دهد و اگر معذور است یا مشقت دارد

نایب بگیرد.

(مناسک محشی، م ۱۲۱۰)

[۵۶۶] س - شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای

عمره تمتع محرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از

انجام اعمال عمره تمتع، به جا آورد یا قبل از آن؟

ج - می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد، و اگر تأخیر بیندازد،

طواف نساء حج کفایت از آن می کند. ^(۱) (مناسک محشی، م ۱۲۱۶)

[۵۶۷] س - کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده و بعد

از آن حج افراد به جا می آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت

می کند؟

ج - کفایت می کند. ^(۲) (مناسک محشی، م ۱۲۱۷)

[۵۶۸] س - کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به

مدینه آمده است، فعلاً می خواهد برای عمره تمتع مُحرم شود، آیا

جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره

تمتع، طواف نساء را به جا آورد؟

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اگر التفات به وجوب آن داشته و شک دارد که انجام داده یا نه، بعید نیست انجام آن واجب نباشد، اگرچه احتیاط خوب است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در صورت اول ولی در صورت بعد، طواف نساء لازم نیست.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۶۳ گذشت.

۲. مانند سؤال قبل است. (مسئله ۵۶۳)

ج - مانع ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۸۵)

۱. آیه الله تبریزی: صحت احرام جدید، قبل از طواف نسای عمره مفرده، محل اشکال است.

آیه الله سبحانی: باید محرم شود و آن گاه طواف نساء را انجام دهد و سپس اعمال عمره تمتع را به جا آورد.

آیه الله فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتع را انجام نداده، برای عمره تمتع یا عمره مفرده محرم نشود، هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست، ولی پس از اتمام آنها، طواف نساء را بنا بر احتیاط انجام دهد.

آیه الله نوری: و همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می تواند برای عمره مفرده محرم شود.

محصور و مصدود

[۵۶۹] م - مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند^(۱) از عمره یا حج به تفصیلی که می آید. و محصور آن است که به واسطه

۱. آیه الله زنجانی: کسی که دشمن یا غیر دشمن او را منع کند - به تفصیلی که می آید - بلکه ظاهراً تمام کسانی که به علتی به جز بیماری نمی توانند اعمال حج یا عمره را به پایان برسانند «مصدود» می باشند و اگر مانع آنها بیماری باشد «محصور» می باشند (مراد از بیماری، معنای گسترده ای است که شامل شکستگی استخوان و مجروح شدن نیز می شود) - موارد صد و حصر از عمره مفرده در موارد ذیل تحقق می یابد:

۱. در احرام، ممنوع شده به طوری که نمی تواند تا یک سال، عمره را تمام کند؛
۲. در احرام اگر در مدتی از انجام کامل اعمال، بازداشته شده که در احرام ماندن برای شخص وی یا نوع مردم حرجی است.

آیه الله سیستانی: مصدود کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.

مرض^(۱) ممنوع شود از عمره یا حج. (مناسک محشی، م ۱۳۷۰)

۵۷۰] م - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است

عمره و حج را تمام کند^(۲) و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.^(۳)

(مناسک محشی، م ۱۳۷۱)

۵۷۱] م - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از

قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن مکه، و راه دیگری

نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته

باشد^(۴) می تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا

۱. آیه الله سبحانی: کسانی که بعد از احرام یا یا کمر آنها بشکند و یا سکنه کنند و یا

تصادف نمایند و به گونه ای زخمی شوند که از انجام اعمال منع گردند و کلاً هر

چیزی که در بدن عارضه ای ایجاد کند که آن عارضه مانع از ادامه اعمال شود،

حکم محصور را دارد.

آیه الله مکارم: یا شکستگی اعضا یا مجروح شدن و مانند آن.

۲. آیه الله زنجانی: هر چند عمره و حج او مستحبی باشد.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بقای احرام در بعضی از صور محل اشکال است.

آیه الله سیستانی: در بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می شود.

آیه الله فاضل: در بعضی موارد، احرام خود به خود باطل می شود.

۴. آیه الله زنجانی: مکلف است قربانی کند و این قربانی تنها برای خروج از احرام

نمی باشد و برای انجام قربانی می تواند آن را به محل قربانی (عمره مفرده: مکه

و غیر آن: منا) بفرستد همچنان که می تواند در محلی که منع شده یا محل دیگر

قربانی کند و قصد تحلیل لازم نیست و پس از قربانی یا حلق یا تقصیر از موی سر،

محرمات احرام - حتی زن - بر او حلال می شود - در عمره مصدود شده باشد یا در

حج - و کوتاه کردن ریش و شارب و ناخن گرفتن کفایت نمی کند و چنانچه نتواند

قربانی کند ظاهراً در عمره مفرده با حلق یا تقصیر از احرام خارج می شود و در عمره ←

یک گوسفند قربانی کند^(۱) و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند^(۲)، و بنابر احتیاط واجب قدری از مویا ناخن خود را بگیرد^(۳)، و در این صورت بر او همه چیز حلال

→ تمتع با انجام حج افراد و اگر از حج هم ممنوع است باید صبر کند تا حج فوت شود و با عمره مفرده و اگر از آن هم مصدود است با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود. وظیفه ای که در این مسئله برای مصدود گفته می شود در صورتی است که مصدود، شرط تحلیل نکرده باشد، ولی اگر در هنگام احرام با خداوند متعال قرار گذاشته باشد که اگر مانعی پیش آمد از احرام بیرون آید، به مجرد مصدود شدن، از احرام خارج می شود و قربانی و حلق یا تقصیر لازم نیست.

۱. آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب، بدون آن محل نمی شود و اگر نتواند قربانی تهیه کند به احتیاط واجب ده روز روزه بگیرد.

آیه الله مکارم: اگر قربانی میسر نشد نیت خروج از احرام می کند و احتیاطاً به جای قربانی ۱۰ روز روزه می گیرد.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: قید تحلیل لازم نیست.

آیه الله سبحانی: و با تقصیر از احرام خارج شود و اگر به هر دلیلی قربانی ممکن نیست باید ده روز روزه بگیرد و لازم نیست پس از پایان روزه تقصیر کند بلکه همین که قصد کند به جای هدی روزه بگیرد کافی است. لذا می تواند تقصیر کند و از احرام خارج شود همچنین کسی که بعد از قربانی روز عید مصدود شد نیاز به قربانی مجدد ندارد.

۳. آیه الله بهجت: و احتیاج به حلق یا تقصیر بعد از هدی موافق احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط این است که حلق یا تقصیر را به آن (قربانی) ضمیمه نماید، بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده.

آیه الله سبحانی: به ناخن اکتفا نشود.

می شود حتی زن.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۷۲)

[۵۷۲] م - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.^(۲) (مناسک محشی، م ۱۳۷۳)

→ آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن بنا بر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که شخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیت تحلیل از احرام کند. آیه الله فاضل: ... و یا به جای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب ناخن به تنهایی کفایت نمی کند.

۱. آیه الله سیستانی: حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می شود.

۲. آیه الله بهجت: معتمر به عمره تمتع مصدود می شود به منع از دخول مکه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلل به هدی می شود در صورت عدم امکان استنابه در همان سال، اگرچه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر.

آیه الله زنجانی: در هر سه فرض در صورتی مصدود می شود که نتواند نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: کسی که در عمره مفرده و یا عمره تمتع بعد از احرام مصدود شود چه داخل حرم شده باشد و یا نشده باشد و به او اجازه ندهند هیچ یک از اعمال عمره را انجام دهد و یا او را از انجام طواف و سعی و یا فقط سعی منع کنند ←

[۵۷۳] م - کسی را که بواسطه بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به

ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد. (مناسک محشی، م ۱۳۷۴)

[۵۷۴] م - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال،

پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی

باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته

باشد. (مناسک محشی، م ۱۳۷۵)

[۵۷۵] م - کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته

باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری که گفته

شد از احرام خارج شود.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۸۰)

→ باید در هر کجا هست گوسفند و یا گاو و یا شتری را ذبح کند و سپس تقصیر نماید در این صورت از احرام خارج شده و همه محرمات احرام حتی تمتعات از همسر بر او حلال می گردد.

۱. آیه الله بهجت: احوط تأخیر احلال است برای کسی که امید زوال صد و عذر را دارد و به خوف فوات متحلّل نمی شود بنا بر احوط.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله زنجانی: تا اطمینان نداشته باشد که از عمره یا حج ممنوع است، نمی تواند احکام مصدود را بار کند.

آیه الله سبحانی: اگر مصدود ظن عقلانی به عدم رفع منع داشته باشد می تواند به احکام صد عمل کند و لازم نیست برای روشن شدن اوضاع صبر کند در غیر این صورت برای روشن شدن وضعیت صبر کند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: اگر امید به برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کنند.

آیه الله فاضل: در صورت گمان به رفع مانع عمل به احکام صد در ابتدا مشکل است.

۵۷۶] م - کسی که احرام عمره بست^(۱) و به واسطه مرض نتوانست برود

۱. آیه الله زنجانی: یا حج بست و به واسطه مرض و مانند آن نتوانست برود مکه اگر هنگام احرام، شرط تحلیل کرده باشد به مجرد حصر، تمام محرمات احرام - حتی زن - بر او حلال می شود و اگر شرط نکرده باید قربانی کند و این قربانی تنها برای بیرون آمدن از احرام نیست؛ بلکه تکلیفاً نیز واجب است و در آن قصد تحلیل، لازم نیست و آن را به دو شکل می تواند انجام دهد: الف) قربانی یا پول آن را توسط فرد امینی به محل ذبح - اگر عمره مفرده باشد به مکه و اگر عمره تمتع یا حج باشد به منا - بفرستد و با او قرار بگذارد که در وقت معین، قربانی کند و در آن وقت با تقصیر، همه محرمات احرام - حتی زن - بر او حلال می شود؛ ب) در غیر محل ذبح (محل بیماری باشد یا جای دیگر) قربانی کند، پس از این قربانی، محرمات احرام - به جز زن - حلال می گردد، در این صورت تقصیر لازم نیست و اگر نتواند قربانی کند باید به جای آن سه روز روزه بگیرد - هرچند این روزه، دخالتی در بیرون آمدن از احرام ندارد - و باید این روزه را در وطن یا جایی که قصد اقامه کرده بگیرد (و در این صورت برای حلال شدن زن باید عمره یا حج به جا آورد و هر نوع حج و عمره کفایت می کند و اگر انجام حج و عمره یا اجتناب از محرمات احرام تا وقت انجام حج و عمره، حرجی باشد می تواند نایب بگیرد و پس از حج یا عمره زن نیز حلال می شود) و در هر دو صورت بر محصور از عمره تمتع یا حج - تمتع یا غیر آن - که از احرام خارج شده، تکلیفاً واجب است در سال آینده همان قسم از حج و عمره را به جا آورد، به همان تفصیلی که در ذیل مسئله ۱۳۷۹ مناسک محشی حج آورده شده است، و همچنین بر کسی که در عمره مفرده محصور شده و از احرام بیرون آمده، واجب است عمره مفرده دیگری انجام دهد.

آیه الله سیبانی: هر کس هنگام عقد احرام در عمره مفرده و یا تمتع و یا حج شرط کند «بار پروردگارا محرم می شوم به شرط اینکه هرگاه محصور شدم تو مرا محرم گردان» در این صورت لازم نیست که هدی را به مکه بفرستد پس همان جا قربانی کند و همه چیز حتی لذت بردن از همسر بر او حلال می شود و دیگر برای تحلیل نیازی به آوردن عمره مفرده ندارد. به عبارت دیگر محصور در اینجا مانند مصدود عمل می کند و این نوع شرط را می تواند در عمره مفرده و عمره تمتع و حج تمتع یا افراد و یا قران شرط کند ولی در حج قران در هر صورت باید قربانی را به منا بفرستد. ←

به مکه اگر بخواهد مُحلّ شود باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد بوسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هرچه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن^(۱)، و احتیاط آن است که در ذبح، قصد تحلیل

→ **آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی:** شخص محصور اگر حج تمتع و یا حج افراد به جا می‌آورد، در صورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند، بدون فرستادن قربانی به منا، خود به خود محل می‌شود - حتی نسبت به زن - و شخص محصوری که حج قرآن به جا می‌آورد به مجرد فرستادن قربانی به منا محل می‌شود و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منا برسد نیست.

۱. **آیة الله بهجت:** اگر در عمره مفرده محصور شده، بنا بر احتیاط باید قربانی بفرستد که در وقت معینی قربانی نمایند... و بعد از این کار، تمامی محرمات احرام بر او، به جز زن حلال می‌شود و اگر محصور در عمره تمتع باشد، حکمش حکم سابق است با این تفاوت که زن هم بر او حلال می‌شود.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر در عمره مفرده محصور شد وظیفه اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین با تقصیر از احرام خارج می‌شود و برای چنین شخصی؛ به خصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرمات احرام حلال می‌شود به جز زن و زن بر او حلال نمی‌شود مگر بعد از آنکه خوب شد و عمره مفرده را به جا آورد (**آیة الله تبریزی**)؛ و این در صورتی است که محصور در مکان خودش ذبح یا نحر نماید و اما اگر هدی را بفرستد، پس برای خروجش از احرام حتی نسبت به زن وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد) و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است (**آیة الله تبریزی**)؛ با این فرق که فرستادن ←

→ قربانی بر او تعیین دارد) و چنانچه به آنچه گفته شد عمل کند، زن هم بر این شخص حلال می‌شود.

آیه الله سبحانی: کسی که در عمره مفرده و یا عمره تمتع بعد از احرام محصور شد باید به احتیاط واجب هدی یا پول آن را به شخص امینی بسپارد و وعده بگذارد در چه موقعی ذبح کند پس از سپری شدن زمان مشخص تقصیر می‌کند و از احرام خارج شده و همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود به جز تمتعات از همسر این حرمت باقی است تا زمانی که او و یا در صورتی که خود نتواند به هیچ وجه به مکه برود نایب وی اعمال عمره و بالطبع طواف نساء را انجام دهد و نماز آن را بخواند. اما اگر بقاء بر احرام تا زمان ذبح در مکه برای محصور حرجی باشد و مخصوصاً علاوه بر حرج در مواردی که علاج بیماری به حلق و تراشیدن موی سر باشد می‌تواند در عمره مفرده یا عمره تمتع در محل حصر قربانی کند و با تقصیر از احرام خارج شود ولی باید خود یا نایبش بعداً عمره را بیاورند و تا عمره را انجام ندهند لذت بردن از همسر حرام است. اما اگر حج گزار بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج چنان بیمار شد که نتواند برای حج احرام ببندد در این صورت خود و یا نایب او طواف نساء و نماز آن را بیاورند در اینجا در حقیقت عمره او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و چنانچه حج بر او مستقر بوده و یا سال بعد استطاعتش باقی است حج را در سال بعد بیاورد.

آیه الله سیستانی: اگر در عمره تمتع یا عمره مفرده محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون آید و اگر این را هم نتواند ده روز روزه بگیرد و در این دو مورد همه چیز بر او حلال می‌شود جز زن.

آیه الله فاضل: اما در عمره مفرده مخیر است بین ارسال هدی به مکه و یا ذبح هدی در محل حصر، و در عمره تمتع به احتیاط واجب.... ←

منوب عنه کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۸)

۵۷۷] م - تحقق محصور بودن مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

(مناسک محشی، م ۱۳۸۵)

→ آیه الله مکارم: باید پول یک قربانی را به مکه بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود مگر همسر، تا زمانی که حالش خوب شود، و عمره مفرده به جا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره به جا آورد، نایب می‌فرستد، و چنانچه کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌گردد، و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می‌کند.

و هرگاه محرم به احرام «عمره تمتع» باشد، مانند مسئله قبل عمل می‌کند، بنا بر احتیاط واجب، و اگر حج او واجب بوده، باید سال بعد به جا آورد.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: متعرض این احتیاط نشده‌اند.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: این احتیاط لازم نیست.

آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که نایب...

طواف وداع

[۵۷۸] م - برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف در گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَجْعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناتین که مقابل رکن

شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید. (مناسک

محشی، م ۱۳۱۲)

مسائل متفرقه

۵۷۹] م - وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۱۳)

۱. آیه الله بهجت: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند و با قصد فردای و عمل به وظیفه منفرد می توانند در جماعت حضور یابند؛ ولی اگر امکان رعایت شرایط نماز منفرد نبود، می توانند در جماعت حضور یابند، ولی نماز را اعاده می نمایند. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلی نماز مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن، با آنها، نماز ظهر را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: حجاج محترم باید از خارج شدن از مسجد هنگام نماز جماعت که سبب وهن شیعه می شود، جداً خودداری کنند و خوب است در نماز جماعت اهل سنت، شرکت کنند؛ ولی در شرایط کنونی می بایست آن را اعاده کنند.

آیه الله سبحانی: با آنها جماعت خوانده شود و پس از آن اعاده کند.

آیه الله صافی: نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد خوب است و اعاده آن لازم نیست اگرچه موافق با احتیاط است و خروج از مسجد ←

[۵۸۰] م - سجده نمودن بر تمام اقسام سنگ ها چه مرمر باشد یا سنگ های

سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود^(۱) جایز

است.^(۲) و سنگ هایی که در «مسجدالحرام» از این قبیل است

سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول الله ﷺ».

(مناسک محشی، م ۱۳۱۴)

[۵۸۱] م - در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت

بخوانند^(۳) و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت

→ در هنگام اقامه جماعات و یا ایستادن و شرکت نکردن شایسته نیست، بلی اگر ضرورتی ایجاب کند مانع ندارد.

آیه الله گلپایگانی: نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعت آنان خوب است، لکن با تمکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند.

۱. [در تحریر الوسيلة، ج ۲، المقدمة الرابعة في المكان، مسئله ۷ فرموده اند: والاقوى

جوازه على الخذف والاجر والنورة والجص ولو بعد الطبخ]

۲. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می شود سجده کرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط مستحب آن است که در حال اختیار به گچ و آهک پخته سجده نکنند.

آیه الله خامنه ای: سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است.

آیه الله زنجانى: احتیاط آن است که به گچ و آهک پخته سجده نکنند.

آیه الله سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است.

۳. آیه الله بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتل ها و مسافرخانه ها در مکه و

← مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

کنند و نماز را به جماعت بخوانند. (مناسک محشی، م ۱۳۱۵)

۵۸۲] ۵ - تخیر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هر چند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می تواند شکسته بخواند. ^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۱۶)

→ آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله زنجانی: برگزار کردن نماز جماعت در هتل ها در مکه و مدینه مانعی ندارد، مگر باعث مفسده ای که دفع آن لازم است شود، و حکم شرکت در نماز جماعت عامه، در مسئله ۵۷۹ گذشت.

آیه الله سبحانی: هرگاه اقامه نماز در هتل ها سبب شود که حضور شیعه در مساجد کم رنگ و ضعیف شود این کار را انجام ندهند در غیر این صورت اشکالی ندارد. آیه الله سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد ولی شرکت در جماعت مسلمین بهتر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که مفسده داشته باشد.

آیه الله فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند. آیه الله مکارم: نماز جماعت های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

۱. آیه الله بهجت: مسافر می تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر و... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواند در جایی که اول جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

← آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در مکه و مدینه قدیم می تواند قصر و تمام بخواند.

[۵۸۳] م - کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف

اقتضاء می‌کرد محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش به هم نمی‌خورد، و آنچه بواسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود، و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۱۳۱۸)

[۵۸۴] م - اگر بواسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند

و لباس احرام بپوشد باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست

→ آیه الله جوادی: حکم نماز در همه مکه و مدینه تخییر بین قصر و اتمام است.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی محله‌های جدید دو شهر نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد. گرچه احتیاط استجابی در اختصاص تخییر به محله‌های قدیمی دو شهر بلکه در اختصاص به دو مسجد است.

آیه الله زنجانی: بنا بر اقوی، تخییر در هیچ یک از اماکن اربعه، ثابت نیست و نسبت به این اماکن، سفارش اکید به قصد اقامه کردن شده است (همچنان که مشهور اصحاب ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بر این نظر بوده‌اند)؛ پس اگر شرایط قصد اقامه، محقق نباشد - حتی در قسمت قدیمی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - باید نماز را شکسته بخوانند.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۱۹)

۵۸۵] م- در هر یک از اعمال عمره اگر شک کند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتنا نکند،^(۲) چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد. (مناسک محشی، م ۱۳۲۴)

۵۸۶] م- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ یک در حیوانی که برای كفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می تواند گوسفند خصی و معیوب را برای كفاره قربانی کند.^(۳) (مناسک محشی، م ۱۳۲۷)

۵۸۷] م- مصرف كفارات: فقرا و مساکین هستند.^(۴) (مناسک محشی، م ۱۳۲۹)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۱۷ گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام شروع در عمل بعدی متوجه انجام عمل قبلی بوده است اعتنا نکند و اگر در صحت عمل قبلی شک کند چنانچه احتمال بدهد هنگام عمل به رعایت شرایط آن توجه داشته، اعتنا نکند.

۳. آیه الله بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در كفاره نیز مراعات شود. آیه الله سبحانی: ولی اگر حیوانی را ذبح کند که گوشت آن قابل استفاده نباشد کفایت نمی کند.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید مؤمن باشند.

آیه الله زنجانی: مصرف كفارات فقیر مؤمن غیر سید است.

آیه الله سبحانی: اولویت با فقرا و مساکین مومن می باشد سپس به دیگران ولی نباید به ناصبی ها و نازل منزله آنان داده شود.

آیه الله سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

۵۸۸] ۴ - اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد،

بلکه احتیاط در برنداشتن است.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۳)

۵۸۹] ۴ - اگر (لقطه) حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می تواند قصد

تملک آن را بکند و آن را مصرف کند، و ضامن صاحبش نیست^(۲)، و

→ آیه الله فاضل: مصرف کفاره، فقیر مؤمن غیر سید است. بلی اگر دهنده آن سید باشد می تواند کفاره خود را به سید فقیر بدهد.

آیه الله گلپایگانی: مصرف کفاره، فقیر غیر سید است و اگر دهنده کفاره سید باشد، جایز است که کفاره خود را به سید فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب باید فقیر مؤمن باشد. آیه الله مکارم: احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

آیه الله زنجانی: بلکه نباید بردارد، مگر منظورش اعلان کردن و پیدا کردن صاحبش باشد.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که آن را بر ندارد.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲. آیه الله زنجانی: در لقطه حرم (چه قیمت آن به یک درهم برسد یا نه) باید تا یک سال آن را اعلان کند؛ پس اگر مالک آن را نیافت، باید آن را صدقه دهد یا برای صاحب آن تا وقتی که احتمال دارد صاحب آن پیدا شود نگاه دارد و اگر از بین برود چنانچه کوتاهی نکرده ضامن نیست و اگر بعد از یک سال اعلان، صدقه بدهد و صاحبش پیدا شود، می تواند به صدقه راضی شود یا عوض مالش را بگیرد و ثواب صدقه برای صدقه دهنده باشد.

آیه الله سبحانی: باید آن را از طرف صاحبش به فقیر مؤمن صدقه بدهد و در صورتی که صاحبش پیدا شود و به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید از طرف صاحبش صدقه بدهد و هر وقت صاحبش پیدا شد چنانچه به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.

چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۳۱)

۵۹۰] م - اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر:^(۲) یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف؛ دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد^(۳)، و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود. (مناسک محشی، م ۱۳۳۲)

۱. آیه الله مکارم: باید آن را به صاحبش باز گرداند.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احتیاط واجب آن است که آن را صدقه دهد. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: و اگر پس از یک سال پیدا نشد از طرف صاحبش صدقه دهد به نحوی که در مسئله قبل (۵۸۹) گفته شد و بهتر است که آن را به حاکم شرع تحویل دهد.

آیه الله مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی دهد صدقه بدهد.

۳. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و همچنین می تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

[۵۹۱] م - در مسجد النبی ﷺ سجده کردن روی فرش های مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند^(۱)، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند،

۱. آیه الله بهجت: در صورت امکان سجده بر «ما یصح السجود علیه»، اکتفا به غیر آن خلاف احتیاط است.

آیه الله تبریزی: در صورت تمکن لازم است....

آیه الله خامنه ای: جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، بنا بر احتیاط واجب باید بر این اشیاء سجده نماید.

آیه الله خویی: اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجده صحیح است.

آیه الله زنجانی: سجده کردن بر روی فرش های مسجد، مجزی نیست و اگر ضرورتی اقتضا کرد بر روی فرش های مسجد نماز می خواند؛ ولی نباید به آن اکتفا کند.

آیه الله سبحانی: در صورت امکان و انگشت نما نشدن جایی را انتخاب کند که بتواند بر سنگ سجده کند.

آیه الله سیستانی: نماز مستحبی را می تواند رجائاً در روضه مقدسه بخواند و در هر صورت اگر تقیه اقتضا کند و در همان جا ما یصح السجود علیه نباشد، سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر فردی می خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسئله ۵۷۹ گذشت.

آیه الله فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت نما شدن نشود باید در محلی که بتواند پیشانی او در محل سجده بر سنگ های مسجد قرار گیرد سجده نماید.

ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می شود از عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن باشد اجتناب نمایند. (مناسک محشی، م ۱۳۳۴)

→ آیه الله مکارم: ولی اگر به سهولت به جایی که برای سجده مناسب است، دسترسی دارد، آن را مقدم دارد.

استفتائات مسائل متفرقه

س - [۵۹۲] در مسجد النبی ﷺ بعد از اتمام نماز جماعت آیا می‌توان

روی فرش‌های مسجد سجده نمود و یا اینکه باید برود در جایی که

سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج - لازم نیست به جای دیگر که سنگ مفروش است برود. ^(۱) (مناسک محشی،

م ۱۳۳۵)

س - [۵۹۳] کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده

است، به طوری که رودر روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده

است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج - با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد. ^(۲) (مناسک محشی، م ۱۳۳۶)

۱. به ذیل مسئله ۵۹۱ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام با انحفاظ نسبت امام به

کعبه اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتی اطراف حجر اسماعیل (ع) و عدم حائل بین

هر مأموم و آنکه به او متصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره

در اطراف کعبه یا مسجد و در امام غیر مرضی مراعات وظیفه منفرد لازم است.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: در هر صورت باید قرائت را خود - ولو به نحو

حدیث نفس - بخواند.

آیه الله جوادی: در نماز جماعت استداره‌ای، در صورتی که مأموم نزدیک‌تر از امام

به کعبه نباشد؛ نیاز به اعاده ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: نماز کسی که پشت سر امام یا در یکی از دو طرف او بایستد،

صحیح است، و بنا بر احتیاط مستحب، کسی که در یکی از دو طرف امام ایستاده

باید فاصله میان امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک‌تر

نباشد، اما نماز کسی که در طرف دیگر کعبه مقابل امام بایستد، صحیح نیست. ←

[۵۹۴] س - در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می‌تواند نماز را فردی بر طبق شرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج - می‌تواند در همان جا و بر طبق نماز آنان به جا آورد.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۳۷)

→ آیه الله خویی: جایز نیست، ولی به هر حال چون اقتدا صوری است باید قرائت را ولو آهسته و با اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.

آیه الله زنجانی: نماز در مسجد الحرام به نحو استداره مانعی ندارد؛ ولی در حال حاضر که نماز جماعت آنها شرایط لازم را ندارد باید نماز را اعاده کرد، هرچند بسیار مناسب است که شیعیان در نماز جماعت عامه، حاضر گردند.

آیه الله سبحانی: باید در صورت اقتدا در تمام دورها از امام عقب‌تر باشد یعنی فاصله او با کعبه بیش از فاصله امام جماعت باشد ولی نماز کسانی که روبه‌روی امام قرار دارند صحیح نیست و در هر حال باید نماز را اعاده کنند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنا بر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیک‌تر از امام به کعبه هم نباشد. (به ذیل مسئله ۵۷۹ مراجعه شود)

آیه الله فاضل: اگر به جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: باید به حسب دایره، مقدم بر امام و نزدیک‌تر از امام به کعبه نباشد.

۱. به ذیل مسئله ۵۹۱ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: می‌تواند رجائاً بخواند، ولی نباید به آن اکتفا کند.

[۵۹۵] س - حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج - اگر عرفاً روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۳۸)

[۵۹۶] س - اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو، و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج - اعاده دارد. (مناسک محشی، م ۱۳۳۹)

[۵۹۷] س - آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ عبور کنند یا خیر؟

ج - نمی توانند.^(۲) (مناسک محشی، م ۱۳۴۰)

[۵۹۸] س - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشاء را بخوانند یا نه؟

۱. آیه الله بهجت: اگر مجموع آنچه سجده بر آن صحیح است به اندازه کفاف برسد اشکال ندارد.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: سجده بر این حصیرها مانعی ندارد.

۲. آیه الله بهجت: احکام مطلق مساجد را دارند ولی احکام خاصه را ندارند.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باید عبور ترک شود.

آیه الله سبحانی: ولی مسعی حکم مسجد را ندارد.

ج - مانع ندارد، و اگر وقت نشده باید صبر کنند.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۴۱)

[۵۹۹] س - کسی خیال می کرد که بر سنگ های فرش شده در مسجدالحرام

زاده الله شرفاً - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرده

است، آیا نمازهایی که این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.^(۲) (مناسک محشی، م ۱۳۴۲)

[۶۰۰] س - قرآن هایی در مسجدالحرام به زائران اهدا می شود که چند

دسته است:

دسته اول: قرآن های مستعمل مسجدالحرام، مههور به مهر «وقف الله

تعالی بالمسجدالحرام».

۱. آیه الله بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آنکه استتار قرص کافی است.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب استتار قرص کفایت نمی کند.

آیه الله زنجانى: و باید قبل از نماز عشاء نماز مغرب را اعاده کنند.

آیه الله سبحانى: در تقیه خوفی وقت مانند بقیه شرایط و اجزاء است، ولی در تقیه مداراتی به ذیل مسئله ۵۷۹ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزى نیست.

آیه الله مکارم: وقت وارد شده است.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانى: نمازهایش را قضا کند و نماز طواف را خود یا

نایبش اعاده نماید.

آیه الله تبریزی: نمازهایی که به این صورت خوانده، باطل است و باید اعاده کند

و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده، حکم نسیان نماز طواف بر آن جاری

است، چنانچه متمکن است باید پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اگر متمکن

نیست می تواند در جای خود اعاده کند.

آیات عظام خویی، زنجانى، صافى، گلپایگانی: جاهل قاصر مُستثنى نشده است.

دسته دوم: قرآن‌های چاپ عربستان، وقف و هدیه زائران جهت قرائت در مسجدالحرام، که متصدیان این قرآن‌ها و قرآن‌های دسته سوم که چاپ سایر کشورها است و توسط زائران به مسجدالحرام هدیه می‌شود را به خاطر یک شکل بودن قرآن‌های مسجدالحرام از قفسه‌ها خارج کرده و به زائران دیگر که متقاضی قرآن هستند تحویل می‌دهند. و دسته چهارم قرآن‌هایی است که هدیه دولت عربستان و ریاست شئون حرمین شریفین است و هیچ‌گونه مهری ندارد. حال: آیا دریافت این قرآن‌ها جایز است؟ و برفرض جواز مالک می‌شوند یا نه؟ و در صورت عدم مالکیت، آیا جهت استفاده عمومی در غیر مساجد یا در مساجد دیگر می‌توان آنها را آورد؟^(۱) (مناسک محشی، م ۱۴۵۰)

۱. آیه الله بهجت: دسته اول و دوم جایز نیست و دسته سوم ممکن است تملک، ولی احتیاط در ترک است و دسته چهارم تملک آن مانعی ندارد و دسته اول و دوم را اگر نمی‌گذارند در آنجا باشد می‌تواند به اقرب آن مساجد بگذارد.

آیه الله تبریزی: قرآن‌هایی که محرز است زوّار هدیه و وقف کرده‌اند را نمی‌توان گرفت و تصرف کرد و گرفتن قرآن‌های دیگر جایز است و می‌توانند تملک کنند و یا در مساجد و غیره برای عموم قرار دهند، والله العالم.

آیه الله جوادی: پذیرفتن قرآن‌اهدایی در صورتی که وقف خاص نباشد و هدیه‌کننده مسئول آن باشد، جایز است. برداشتن قرآن بدون اذن مسئول آن، جایز نیست.

آیه الله خامنه‌ای: قرآن‌هایی که وقف آن برای مسجدالحرام مُحَرَز است، دریافت و تملک آن جایز و صحیح نیست و در صورتی که عودت و استفاده از آن در مسجدالحرام امکان ندارد، آنها را به مساجد دیگر برده و در آنجا استفاده نمایند.

آیه الله زنجانی: گرفتن قرآن‌هایی که محرز است زوّار هدیه یا وقف کرده‌اند جایز نیست و گرفتن قرآن‌های دیگر از مسئولین ذی ربط جایز است، هرچند علامت «وقف بالمسجدالحرام» روی آن باشد.

[۶۰۱] س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می شود با خود

آورد یا نه؟

ج - از صفا و مروه جایز نیست، و از مشعر مانع ندارد.^(۱) (مناسک محشی، م ۱۳۴۷)

→ آیه الله سبحانی: دسته اول و دوم و سوم جایز نیست فقط دسته چهارم را می توان گرفت و تملک کرد. والله العالم

آیه الله صافی: در فرض سؤال، قرآن هایی که توسط حجاج و زائرین وقف نشده؛ اعم از آنکه اثری از وقف بودن در آنها نباشد یا از طرف حکومت سعودی اثر وقف در آنها دیده شود اگر مسئولین ذی ربط از آنها به کسی اهدا نمایند، گرفتن آن اشکال ندارد و گیرنده مالک می شود. قرآن هایی که توسط حجاج وقف بشود، گرفتن آنها جایز نیست، والله العالم.

آیه الله فاضل: استفاده از قرآن های دسته اول و دوم در غیر مسجدالحرام اشکال دارد، اما دسته سوم و چهارم اشکالی ندارد و تحقق ملکیت نسبت به دسته چهارم مسلم است.

آیه الله مکارم: قرآن هایی که از طرف مسئولین آن منطقه به زوار داده می شود اشکالی ندارد و ملک آنها می شود.

آیه الله نوری: در غیر مورد اخیر، گرفتن آنها اشکال دارد و همچنین نمی توان آنها را به مساجد یا جاهای دیگر برد.

۱. آیه الله بهجت: برداشتن خاک و سنگ از مسجدالحرام و صفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست.

آیه الله تبریزی: برداشتن خاک و ریگ و سنگ از آنچه نام برده شده مانعی ندارد بلی اگر در مسجدالحرام و مسجد خیف و یا سایر مساجد فرض شود، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است.

آیه الله خویی: نسبت به صفا و مروه متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله زنجانی: برداشتن سنگی که متعلق به صفا و مروه یا مساجد یا ملک اشخاص است - بدون رضایت مالک آن - جایز نیست و از غیر آن اشکال ندارد ←

[۶۰۲] س - در تطهیر مسجدالحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف

می‌کنند و بعد با ظرف آب می‌ریزند و می‌شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگ‌ها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج - علم پیدا نمی‌شود، و با فرض شک نباید اعتنا شود. (مناسک محشی، م ۱۳۴۹)

[۶۰۳] س - آیا شخص فقیر می‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف

فقرایی که نانخور او هستند برساند؟

ج - برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی‌شود صرف نمود. (مناسک

محشی، م ۱۳۵۳)

→ و برگرداندن آن واجب نیست، مگر آنکه پس از برگرداندن، در این اماکن مورد استفاده قرار گیرد یا مالک آن راضی نباشد.

آیه الله سبحانه: اگر کسی از منطقه حرم (مکه، مخصوصاً صفا و مروه) مشعر و منا سنگ یا خاکی برداشته و به وطن خود برده است باید آن را به حرم برگرداند.

آیه الله سیستانی: اشکال ندارد و برگرداندن واجب نیست.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود و اگر آورده، در صورت تمکن به حرم برگرداند.

آیه الله فاضل: از صفا و مروه جایز نیست. و از غیر آن دو مانعی ندارد. و در هر صورت برگرداندن لازم نیست. ولی به طور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

آیه الله گلپایگانی: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است علی‌الاحوط.

آیه الله مکارم: این کار شرعاً اشکال دارد و احتیاط آن است که آن را برگرداند.

آیه الله نوری: از عرفات و مشعرالحرام اشکال ندارد ولی از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند.

[۶۰۴] س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که

نمی‌داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج - با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی‌الاحوط.^(۱)

(مناسک محشی، م ۱۳۵۵)

[۶۰۵] س - اگر شخصی مبلغی آرزو به فردی بدهد که عوض آن را - به

قیمت دولتی یا آزاد - پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج - در تبدیل پول باید باهم تراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد. (مناسک

محشی، م ۱۳۶۳)

[۶۰۶] س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین

به فروش می‌رسد، جایز است یا نه؟

ج - اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد^(۲)،

و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود، در صورتی محکوم به حلیت است که وارد

کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس

مسلمین قرار داده است.^(۳) (مناسک محشی، م ۱۳۶۹)

۱. به ذیل مسئله ۵۸۹ و ۵۹۰ مراجعه شود.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.

آیه الله فاضل: چنانچه احراز شود از نوع ماهی فلس دار است و احراز شود زنده و توسط انسان از آب خارج شده یا در تور ماهی‌گیری افتاده است مصرف آن مانعی ندارد والا حلال نیست و چنانچه فروشنده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه و فلس داشتن آن را کرده است کفایت می‌کند.

۳. آیه الله سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی

است و ماهی اگر پس از صید در تور ماهی‌گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلس دار باشد حلال است.

والحمد لله أولاً وآخراً وظاهراً وباطناً

والسلام على محمد وآله الطيبين واللعن على أعدائهم أجمعين